

رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان

کتاب آموزشی برای کارکنان زندان

آندرو کوئل

مرکز بین المللی مطالعات زندان

رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان

کتاب آموزشی برای کارکنان زندان

آندرو کوئل

مرکز بین المللی مطالعات زندان

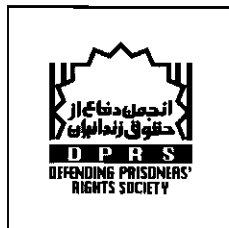
کوئل، اندرو
رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان‌ها: کتاب
آموزشی کارکنان زندان / اندرو کوئل؛ مترجم حسن
طفرانگار؛ ویراستار لاله خاکپور -- تهران: وفاق،
۱۳۸۳.
۱۶۰ ص.

ISBN ۹۶۴-۹۵۵۰۳-۲-۱

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی:
A Human Rights Approach to
Prison Management : Handbook for Prison Staff.
۱. زندانیان -- وضع حقوقی و قوانین. ۲. زندان
-- مدیریت -- دستنامه‌ها. ۳. حقوق بشر.
الف. عنوان.

۳۴۴/۰۳۵۶
۹۵۸۲-۸۳م

۹۹/ک۹/ک۵۵۱
کتابخانه ملی ایران



رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان

ترجمه و چاپ این کتاب به زبان فارسی توسط سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی (PRI)
با همکاری انجمن دفاع از حقوق زندانیان صورت گرفته است.

نویسنده: آندرو کوئل
مترجم: حسن طفرانگار
تصحیح و ویرایش: لاله خاکپور

زیر نظر: آزاده نیک‌نام

ناشر: وفاق
صفحه‌بندی: محسن ا. مهرورز
مسئول چاپ: محسن شریفی
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: بهار ۱۳۸۴
شابک: ۹۶۴-۹۵۵۰۳-۲-۱

هیچ گاه چنین اتفاق آرای جهانی در زمینه حقوق بشر وجود نداشته است. با این حال در بخش‌های زیادی از جهان هنوز حرف‌ها جامه‌ی عمل به خود نپوشانده‌اند. اگر ما در پی پر کردن این شکاف باشیم، باید تصدیق کنیم که کاربرد معیارهای حقوق بشر یک مسئله نظری محض نیست. این معیارها باید در فعالیت روزمره‌ی دولت کاربردی عملی داشته باشند.

من به عنوان یک وزیر بریتانیایی، که تا تابستان گذشته در خصوص زندان‌ها مسئول بوده است، اعتقادی عمیق دارم که شیوه‌ی رفتار جوامع با افراد محروم از آزادی آزمون‌گویائی برای التزام به حقوق بشر است. معاهدات و معیارهای بین‌المللی متعددی وجود دارند تا بخش‌های زندان سراسر جهان را راهنمایی کنند. بریتانیا از اجرای جهانی چنین توافقاتی حمایت می‌کند.

هدف این کتاب آموزشی جامع، این است که معیارهای پذیرفته شده‌ی جهانی در مورد اصلاح زندان را به راهنمایی عملی برای کارکنان زندان تبدیل کند. این کتاب توسط آندرو کویل نوشته شده است، او پیش از عهده‌دار شدن ریاست مرکز بین‌المللی مطالعات زندان سال‌ها تجربه مثبت در اداره‌ی زندان‌ها داشته است. مطمئنم که این کتاب مورد پذیرش کارگزاران دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و کارکنان زندان قرار خواهد گرفت.

چنانچه معیارهای مقرر شده در این کتاب آموزشی به اجرا درآیند، اعتماد و احترام در میان کارکنان زندان ارتقا خواهد یافت و ما گام مهم دیگری به سوی اجرای جهانی حقوق بشر برخواهیم داشت.

تقدیر و تشکر

افراد بسیاری در تدوین این کتاب آموزشی سهم بوده‌اند.

در مقدمه‌ی کتاب از تمامی اعضای گروه مشورتی با ذکر نام یاد شده است.

تمامی وابستگان مرکز بین‌المللی مطالعات زندان (ICPS)، که در سراسر جهان برای بهبود مدیریت زندان‌ها تلاشی خستگی‌ناپذیر دارند، با تجربیات و دانش خود مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم داشته‌اند.

مساعدت‌های ویژه‌ای از سوی آندرو بارکلی و آرتور دفرشینگ ارائه شده است.

ماری مورفی در پیش‌نویس اولیه‌ی کتاب آموزشی نقش داشته است.

جیمز هینز دست‌نوشته‌ها را به شکلی خوانا درآورده و ساعت‌های زیادی را نیز صرف جست‌وجوی مثال‌هایی برای تجربیات مطلوب کرده است.

ویوین استرن سهم عمده‌ای در متن و قالب نهایی این کتاب داشته است.

ویوین فرانسیس، آنتون شلوپانوف، فمکه فون درمولن و هلن فیر از مرکز بین‌المللی مطالعات زندان حمایت‌های اجرایی گرانمایی را فراهم آورده‌اند.

همه‌ی این مشارکت‌کنندگان سزاوار قدردانی ویژه هستند.

در نهایت، انتشار این کتاب آموزشی بدون حمایت‌های مالی سخاوتمندانه وزارت امور خارجه بریتانیا مقدور نبود.

فهرست مطالب

۱	مقدمه	صفحه ۷
۲	کارکنان زندان، مدیریت و اداره زندان ها	صفحه ۱۱
	چارچوب	
	ارزش ها و ارتباطات	
	زندان ها در ساختار دولتی	
	استخدام کارکنان	
	آموزش کارکنان	
	شرایط اشتغال کارکنان	
۳	زندانی ها انسان هستند	صفحه ۲۹
	چارچوب	
	شکلیه و بد رفتاری هرگز مجاز نیست	
	رویه های پذیرش	
	شرایط زندگی	
	مذهب	
۴	زندانیان و مراقبت های بهداشتی	صفحه ۴۷
	چارچوب	
	حق مراقبت های بهداشتی	
	یک محیط سالم	
	رفتار فردی	
	کارکنان مراقبت های بهداشتی	
۵	زندان هایی امن، مطمئن و منضبط	صفحه ۵۷
	چارچوب	
	توازن میان امنیت و برنامه های بازپروری	
	توازن میان امنیت و تماس با جهان خارج	
	توازن میان کنترل و یک اجتماع کاملاً منضبط	
	هنگامی که کنترل و نظم مطلوب فرو می باشد	
	بالاترین حد شرایط امنیتی	
	زندانیان مشکل ساز و اخلاق گر	
۶	رویه های انضباطی و تنبیهات	صفحه ۷۳
	چارچوب	
	منصفانه بودن رویه های انضباطی	
	تنبیه ها باید عادلانه و مناسب باشند	
	حبس انفرادی	
۷	فعالیت های سازنده و تطبیق مجدد با جامعه	صفحه ۸۱
	چارچوب	
	به رسمیت شناختن زندانی به عنوان فرد	
	کار و آموزش های فنی و حرفه ای	
	آموزش و فعالیت های فرهنگی	
	آماده سازی برای آزادی	
۸	ارتباط با جهان خارج	صفحه ۹۳
	چارچوب	

- ملاقات، مکاتبه، تماس تلفنی
دسترسی به منابع مکتوب، تلویزیون و رادیو
زندانیان خارجی
- ۹ درخواست‌ها و شکایت‌ها صفحه ۱۰۳
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
۱۰ رویه‌های بازرسی صفحه ۱۰۹
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
گزارش دهی و پاسخ‌گویی به بازرسی‌ها
- ۱۱ زندانیان منتظر محاکمه و سایر اشخاص بازداشتی بدون حکم صفحه ۱۱۵
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
حقوق مشاوره‌ای حقوقی
مدیریت زندانیان منتظر محاکمه
سایر زندانیان محبوس بدون حکم
- ۱۲ زندانیان نوجوان و جوان صفحه ۱۲۳
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
- ۱۳ زندانیان زن صفحه ۱۲۹
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
- ۱۴ زندانیان محکوم به حبس ابد و حبس‌های طولانی مدت صفحه ۱۳۵
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
زندانیان سالمند
- ۱۵ زندانیان محکوم به اعدام صفحه ۱۴۱
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
- ۱۶ پذیرش تنوع صفحه ۱۴۵
چارچوب
آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند
به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی
- ۱۷ کاربرد زندان و جایگزین‌های حبس صفحه ۱۴۹
چارچوب
ترتیبات بعد از خروج
مجازات‌های غیر حبسی
ضمیمه
فهرست اسناد حقوق بشری مربوط به امور زندان

مخاطبان
کتاب حاضر

این کتاب آموزشی مختص کمک به هر شخصی است که به نوعی با زندان سر و کار دارد. وزیران دولتی که به اقتضای مقام خود در خصوص زندان‌ها پاسخگوی مجلس هستند، کارکنانی که در وزارت دادگستری و سایر وزارتخانه‌های ناظر بر موضوعات زندان کار می‌کنند، و همین طور نهادهای بین‌الدولی چون سازمان ملل متحد، شورای اروپا، سازمان کشورهای آمریکایی، اتحادیه آفریقا، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان جهانی بهداشت از جمله خوانندگان احتمالی این کتاب هستند. این کتاب همچنین مورد علاقه بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های فعال جامعه مدنی در زندان‌ها خواهد بود. همان طور که در صورت امکان باید در دسترس زندانیان قرار گیرد. اما مخاطبان اصلی آن کسانی هستند که به طور مستقیم با زندان‌ها و زندانیان کار می‌کنند. این‌ها کارگزاران ملی و منطقه‌ای زندان را شامل می‌شوند. در رأس همه، این کتاب آموزشی مختص کسانی است که در حال حاضر مشغول کار در زندان‌ها هستند و هر روز با زندانیان سروکار دارند.

مجموعه‌ای از
اصول شفاف

سرفصل‌های این کتاب آموزشی، پیچیدگی مدیریت و اداره زندان و گستردگی مهارت‌های لازم برای کسانی که وظیفه‌ی اداره‌ی زندان‌ها را بر عهده دارند آشکار می‌سازد. موضوعات مطرح شده در این کتاب آموزشی نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از عوامل مشترک وجود دارند که هرگاه با یکدیگر تلفیق شوند، الگویی برای مدیریت مطلوب زندان می‌سازند. با این حال ملاحظه‌ی این سرفصل‌ها نباید در خلاء انجام گیرد. این نیز مهم است که آن‌ها بر پایه‌ی مجموعه‌ای از اصول شفاف بنا نهاده شوند. از آن جا که هدف این کتاب آموزشی آن است که در هر نظام زندان در سراسر جهان قابل اعمال باشد، ضروری است مجموعه اصولی که به عنوان نقطه‌ی عطف مورد استفاده قرار می‌گیرند در هر کشوری قابل اعمال باشند. این اصول نباید مبتنی بر یک فرهنگ خاص یا معیارهای پذیرفته شده در یک کشور یا منطقه باشند. این کتاب آموزشی از طریق بیان استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مرتبط، در ابتدای هر فصل به این التزام پاسخ داده است.

استانداردهای
بین‌المللی

این استانداردها توسط جامعه بین‌المللی و به طور معمول از طریق سازمان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. اسناد اصلی حقوق بشر، مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی معاهداتی هستند که به لحاظ قانونی برای تمامی کشورهایی که آن‌ها را تصویب کرده یا پذیرفته‌اند الزام‌آور هستند.

به علاوه، تعدادی از اسناد حقوقی بین‌المللی به طور خاص به زندانیان و شرایط حبس می‌پردازند. استانداردهای با جزئیات بیشتر که در این گونه اصول، به عنوان قوانین حداقل یا دستورالعمل‌های حداقل مقرر شده‌اند، متمم با ارزشی برای اصول گسترده‌ی مندرج در معاهدات حقوقی فراهم می‌کنند. این‌ها شامل: قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاصی که تحت هر شکل از بازداشت یا حبس قرار دارند (۱۹۸۸)، اصول پایه برای رفتار با زندانیان (۱۹۹۰) و قوانین حداقل استاندارد برای اجرای دادرسی ویژه نوجوانان (۱۹۸۵) هستند. همچنین تعدادی از اسناد حقوقی هم وجود دارند که مختص کارکنانی است که با اشخاص محروم از آزادی سروکار دارند. این‌ها شامل: اصول رفتار برای مأموران اجرای قانون (۱۹۷۹)، اصول اخلاق پزشکی مرتبط با نقش کارکنان امور بهداشتی، به ویژه پزشکان، در حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان در برابر شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۲)، و اصول پایه در زمینه‌ی توسل به زور و سلاح گرم (۱۹۹۰) هستند.

استانداردهای منطقه ای

این استانداردهای بین المللی توسط تعدادی از اسناد منطقه ای حقوق بشر تکمیل می شوند که در اروپا شامل: کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (۱۹۵۳)، کنوانسیون اروپایی حمایت در برابر شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۹) و مقررات اروپایی زندان (۱۹۸۷) هستند. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۷۸، و منشور افریقایی بشر و حقوق ملیت ها نیز در سال ۱۹۸۶ لازم الاجرا شده اند.

ساختارهای قضایی منطقه ای شاخص مفیدی هستند که میزان به کارگیری این استانداردهای بین المللی را در هر کشور ارزیابی می کنند. در منطقه ی امریکا، دادگاه آمریکایی حقوق بشر عهده دار این نقش است در حالی که در اروپا نقش مشابه با آن توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر ایفا می شود.

ناظران بین المللی

در محدوده ی کشورهای عضو شورای اروپا، نظارت بر رعایت استانداردهای حقوق بشر در مکان های بازداشت، توسط کمیته پیش گیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات های غیرانسانی یا تحقیرآمیز نیز صورت می گیرد. در سال ۱۹۹۷، کمیته افریقایی بشر و حقوق ملت ها، گزارشگر ویژه ای را در خصوص بررسی شرایط زندان تعیین کرد. سازمان ملل متحد می کوشد تا یک پروتکل اختیاری برای کنوانسیون ضد شکنجه تصویب کند. تصویب این پروتکل امکانی جهت بازدیدهای منظم از مکان های بازداشت توسط یک گروه بین المللی از کارشناسان ایجاد خواهد کرد که با بازدیدهای منظم و مستمر گروه های بازرسی مستقل ملی، تکمیل خواهد شد.

حقانیت

حقانیت این کتاب آموزشی در زمینه ی مدیریت مناسب زندان از آن جا ناشی می شود که این معیارهای بین المللی حقوق بشر در سراسر جهان به رسمیت شناخته شده اند.

تجربه های عملی

در هر حال، برای کسانی که مسئولیت زندان ها را بر عهده دارند آگاهی از این استانداردهای بین المللی و استناد به آن ها کافی نیست. اگر آنان خواستار به کار بستن این معیارها در کار روزانه خود هستند، باید قادر به تفسیر این استانداردها و اعمال آن ها در وضعیت های واقعی کاری باشند. این همان چیزی است که کتاب آموزشی حاضر در پی آن است. از این منظر درستی و حقانیت آن، از تجربه های عملی کسانی که دست اندرکار نگارش آن بوده اند نشأت می گیرد. مؤلف اصلی این کتاب ۲۴ سال تجربه ی کاری به عنوان مدیر زندان را پشت سر گذاشته است. حمایت های قابل ملاحظه ای نیز توسط یک گروه مشورتی بین المللی ارائه شده است و همه ی این مشاوران از تجربیات گسترده ای در زمینه ی کار در زندان ها، در مناطق مختلف جهان برخوردار بوده اند. این مشاوران را افراد زیر تشکیل می دهند:

■ ریاض الدین احمد، معاون بازرس کل زندان ها، حیدرآباد، هند

■ ریچارد کوئیره، مدیر کل زندان های غنا

■ جولیتا لمگروبر، مدیر کل سابق زندان های ایالت ریودوژانیرو، برزیل

■ پاتریک مک مانوس، مدیر سابق بخش اصلاح و تربیت کانزاس، ایالات متحده امریکا

■ دمیتری پانکراتوف، معاون رئیس آکادمی حقوق و مدیریت، وزارت دادگستری، فدراسیون روسیه

به علاوه، کارکنان و وابستگان مرکز بین المللی مطالعات زندان امکان بهره گیری از تجربیات گسترده ای که از خلال کار در کنار همکارانی از تمامی مناطق جهان در بسیاری از پروژه های حقوق بشری و مدیریت زندان به دست آورده بودند را فراهم ساختند.

مرکز بین‌المللی مطالعات زندان تمامی طرح‌های مدیریت عملی زندان خود را در بستر حقوق بشر انجام می‌دهد. این کار به دو دلیل صورت می‌پذیرد. دلیل نخست مطلوبیت این روش است. این کتاب آموزشی در فصل‌های متعددی بر اهمیت اداره‌ی زندان‌ها در بستری اخلاقی تأکید می‌کند که متضمن احترام به شأن انسانی افراد در تماس با زندان، چون زندانی، کارکنان زندان ملاقات‌کنندگان و بازدیدکنندگان، است. این شرایط اخلاقی می‌بایست جهان‌شمول باشد و این جهان‌شمولی با اسناد بین‌المللی حقوق بشر تأمین می‌شود.

در عین حال توجیه عمل‌گرایانه‌تری نیز برای این رویکرد به مدیریت زندان وجود دارد که کارآیی این رویکرد است. این رویکرد، رویکردی لیبرال یا ملایم به مدیریت زندان نیست. اعضای گروه مشورتی کتاب آموزشی و سایر افراد درگیر نگارش این کتاب آموزشی در برخی از پر مسئله‌ترین زندان‌های جهان کار کرده‌اند. آن‌ها متقاعد شده‌اند که این روش مدیریت مؤثرترین و اطمینان‌بخش‌ترین شیوه‌ی اداره زندان‌هاست. کارکنان مرکز به کرات دریافته‌اند که کارکنان خط مقدم زندان در کشورهای مختلف و فرهنگ‌های متنوع به این رویکرد پاسخ مثبت داده‌اند. این امر، استانداردهای بین‌المللی را به کار روزمره‌ی آنان طوری پیوند می‌زند که به سرعت قابل تشخیص است.

ابزار دیگر

آنچه در این رویکرد مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که مفاهیم حقوق بشری در این زمینه موضوعی مجزا از برنامه آموزشی نیستند، بلکه کمابیش آن را در برمی‌گیرند و جزء لاینفک مدیریت بهینه‌ی زندان محسوب می‌شوند.

در سال‌های اخیر شماری از کتاب‌های مفید منتشر شده‌اند که دربرگیرنده‌ی برخی موضوعات مطرح در این کتاب آموزشی بوده‌اند. این کتاب‌ها عبارتند از:

■ حقوق بشر و زندان‌ها: راهنمای آموزش حقوق بشر برای کارکنان زندان، منتشره در یک چاپ آزمایشی توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، ژنو، ۲۰۰۰ [این جزوه توسط سازمان پی‌آر‌آی به فارسی ترجمه شده است.]

■ Making Standard Work منتشره توسط P.R.I، لندن ۲۰۰۱ (چاپ دوم) [رویه عملی در زندان: این کتاب توسط سازمان پی‌آر‌آی و مرکز پژوهشی آموزشی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی ایران به فارسی ترجمه شده است.]

■ کتاب آموزشی «چگونه شکنجه را گزارش دهیم»، منتشر شده توسط دانشگاه اسکس، انگلستان، ۲۰۰۰. [این کتاب توسط سازمان پی‌آر‌آی به فارسی ترجمه شده است.]

امید است این کتاب آموزشی نیز جای خود را در کنار آن کتب و سایر آثار مشابه باز کند و وسیله‌ی مفیدی برای مدیریت بهینه‌ی زندان فراهم سازد.

با آن که این کتاب آموزشی می‌کوشد تا به لحاظ عناوین و سرفصل‌های خود جامع باشد، اما این که سرفصل‌های مربوط به چنین موضوع پیچیده‌ای دربرگیرنده‌ی تمامی جزئیات باشد غیرممکن می‌نماید. لذا، مشخص کردن ویژگی‌های کلیدی مدیریت زندان ناگزیر به نظر می‌رسد. اذعان می‌کنیم که در این کتاب آموزشی جای بسیاری از موضوعات پیش روی مجموعه‌ی زندان خالی است. واکنش‌ها و پیشنهادات خوانندگان در خصوص آنچه می‌تواند به چاپ‌های بعدی کتاب افزوده شود مورد توجه مرکز بین‌المللی مطالعات زندان قرار خواهد گرفت.

نکاتی درباره اصطلاحات زندان در برخی حوزه‌های قضایی برای مشخص کردن مکان‌هایی که افراد منتظر محاکمه، محکوم یا تحت شرایط امنیتی متفاوت را نگه داری می‌کنند از اصطلاحات متفاوتی استفاده می‌شود. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا مکان‌هایی که در آن‌ها افراد منتظر محاکمه در دادگاه‌های بدوی یا محکوم به مجازات‌های کوتاه مدت نگه داری می‌شوند، به طور معمول زندان (Jail) نامیده می‌شوند و مکان‌های نگه داری زندانیان محکوم را اغلب مراکز اصلاحی می‌نامند. در تمامی فدراسیون روسیه تنها ۱۵ زندان وجود دارد، زیرا این واژه بیانگر مکان‌های نگه داری با بالاترین حد امنیت است. مراکز مختص نگه داری سایر اشخاص محکوم به طور معمول به عنوان مجتمع‌های کیفری شناخته می‌شوند.

زندانیان

هم چنان که در مورد زندان گفته شد، در مورد گروه‌های مختلف افراد محبوس هم، واژه‌های متفاوتی به کار می‌رود. آن‌هایی که در انتظار محاکمه هستند ممکن است به عنوان در انتظار محاکمه، تحت محاکمه یا بازداشت موقت شناخته شوند و اغلب از آن‌ها به عنوان بازداشتی یاد می‌شود.

در این کتاب آموزشی، واژه «زندان» برای تمامی مکان‌های حبس و واژه «زندانی» برای تمامی کسانی که در چنین مکان‌هایی نگه داری می‌شوند استفاده شده است. زمینه‌ای که در آن این کلمات مورد استفاده قرار گرفته‌اند در متن مشخص می‌شود.

کارکنان زندان، مدیریت و اداره زندان‌ها

چارچوب

یک خدمت اجتماعی مهم در هر جامعه مردم سالار، کار در زندان یک خدمت عمومی است. زندان‌ها، همانند مدارس و بیمارستان‌ها، مکان‌هایی هستند که باید توسط قدرت مدنی و به منظور سهیم شدن در مصالح عمومی اداره شوند. مقامات زندان باید در برابر یک مجلس انتخابی پاسخ‌گو باشند و عموم نیز باید به طور منظم از وضعیت و دورنمای زندان‌ها مطلع شوند. وزیران دولت و مجریان عالی‌رتبه باید به وضوح نشان دهند که به کارکنان زندان به واسطه‌ی انجام کارهایشان احترام می‌گذارند و هر از چند گاه باید به عموم مردم نیز یادآوری شود که کار در زندان یک خدمت عمومی مهم است.

بنیان اخلاقی مدیریت و اداره زندان باید در یک چارچوب اخلاقی انجام شود. بدون یک بستر اخلاقی مستحکم، در شرایطی که در آن گروهی از افراد قدرت قابل ملاحظه‌ای بر دیگران دارند، این وضعیت می‌تواند به راحتی موجب سوءاستفاده از قدرت شود. البته بستر اخلاقی تنها به رفتار انفرادی کارکنان با زندانیان مربوط نمی‌شود؛ بلکه ضروری است درکی از شالوده اخلاقی حبس بر روند مدیریتی، از بالا تا پایین، حاکم شود. تأکید مقامات زندان بر روند درست، طلب بهره‌وری اجرایی یا اصرار در نیل به اهداف مدیریتی، بدون ملاحظه‌ی مقدماتی الزامات اخلاقی می‌تواند منجر به بسیاری از رفتارهای غیرانسانی شود. تمرکز مقامات زندان بر روندهای فنی و تشریفات به این منجر خواهد شد که کارکنان فراموش کنند زندان کارخانه‌ای نیست که موتور خودرو یا ماشین لباسشویی تولید می‌کند. مدیریت زندان‌ها پیش از هر چیز مدیریت انسان‌هاست، یعنی مدیریت کارکنان زندان و زندانیان. این به آن معناست که مقولاتی وجود دارند که ورای کارایی و قابلیت قرار دارند. هنگام اتخاذ تصمیم در مورد رفتار با انسان‌ها ملاحظه‌ای اساسی وجود دارد؛ نخستین پرسشی که همواره باید مطرح شود این است که «آیا آنچه انجام می‌دهیم درست است؟»

روابط کلیدی کارکنان/ زندانیان هنگامی که افراد به زندان‌ها فکر می‌کنند مایلند جنبه‌های مادی آن را در نظر بگیرند: دیوارها، میله‌ها، ساختمانی با درهای بسته و پنجره‌هایی بدون منفذ. در حقیقت، مهم‌ترین جنبه‌ی یک زندان، بعد انسانی آن است، چرا که زندان‌ها در اصل با افراد سروکار دارند. دو گروه مهم افراد درون یک زندان زندانی‌ها و کارکنانی هستند که از آن‌ها مراقبت می‌کنند. کلید یک زندان سامان دهی شده در ماهیت ارتباط میان این دو گروه نهفته است.

رهبری مناسب، کسانی که مسئولیت زندان‌ها و نظام‌های زندانبانی را بر عهده دارند نیازمند نگاهی فراتر از ملاحظات فنی و حیاتی است. مدیریتی‌اند. آن‌ها می‌بایست رهبرانی نیز باشند که قادرند با حس احترام نسبت به افراد تحت مسئولیت خود، آن‌ها را در مسیر انجام وظایف دشوار یومیه‌شان بر سر شوق آورند. آن‌ها باید مردان و زنانی باشند که از بینش و عزمی روشن برای صیانت از عالی‌ترین معیارها در کار دشوار مدیریت زندان برخوردارند.

ضرورت حضور کارکنان شایسته زندان‌ها به طور معمول زندانیان خود را بر نمی‌گزینند. آن‌ها ناگزیرند هر کسی را که توسط دادگاه یا مقام قضایی به آن‌جا فرستاده شده است بپذیرند. ولیکن می‌توانند کارکنان خود را انتخاب کنند. گزینش دقیق کارکنان، آموزش مناسب، نظارت و حمایت از آن‌ها امری اساسی است. کار زندان طاقت فرساتر است. در این کار با مردان و زنانی سروکار داریم که از آزادی خود محروم شده‌اند و بسیاری از آن‌ها به احتمال دچار آشفتگی‌های روانی هستند، از اعتیاد رنج می‌برند، مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی کمی دارند و از گروه‌های حاشیه‌ای اجتماع می‌آیند. برخی از آن‌ها تهدیدی برای عموم محسوب می‌شوند؛ برخی خطرناک و مهاجم‌اند؛ برخی دیگر با جدیت برای فرار

تلاش می کنند. هیچ یک از آن ها خواستار ماندن در زندان نیستند. هر کدام از آن ها یک شخص منحصر به فرد است.

نقش کارکنان نقش کارکنان زندان شامل امور زیر می شود:

- رفتار شایسته، انسانی و درست با زندانیان؛
- حصول اطمینان از تأمین امنیت برای تمامی زندانیان؛
- ایجاد اطمینان از عدم فرار زندانیان خطرناک؛
- ایجاد اطمینان از وجود نظم و مراقبت مناسب در زندان ها؛
- ایجاد فرصت مناسب برای استفاده مثبت زندانی از وقت خود در زندان به نحوی که سازگاری مجدد وی با جامعه، پس از آزادی مقدور شود.

صداقت شخصی انجام این امور به شیوه ای حرفه ای، مستلزم مهارت زیاد و صداقت شخصی است. بدین معنا که باید مردان و زنانی که به کار در زندان ها می پردازند پیش از هر چیز با دقت انتخاب شوند تا این اطمینان ایجاد شود که از ویژگی های مناسب شخصیتی و پیشینه ای آموزشی برخوردارند. پس از آن لازم است که آموزش های مناسب در خصوص اصول و نیز مهارت های انسانی و فنی لازمی کارشان به آن ها ارائه شود. در خلال انجام کار می بایست فرصت ارتقاء و گسترش این مهارت ها و نیز اطلاع از جدیدترین اندیشه های ناظر بر موضوع زندان نیز در اختیار آن ها قرار گیرد.

خطر انزوا کارکنان زندان به طور معمول در محیطی محصور و دور افتاده کار می کنند که به مرور زمان این وضعیت می تواند آن ها را به افرادی کوتاه فکر و بی انعطاف بدل سازد. شیوه آموزش و مدیریت آن ها باید به گونه ای طراحی شود که آن ها را در برابر این کوتاه فکری حفاظت کند. کارکنان می بایست نسبت به تحولات جامعه گسترده تری که زندانیان از آن می آیند و به آن نیز باز خواهند گشت، حساس باقی بمانند. این مسئله هنگامی حائز اهمیت ویژه است که زندان ها در مکان های دور افتاده قرار دارند و کارکنان در خانه های سازمانی جنب زندان زندگی می کنند.

موقعیت کارکنان زندان در کل، کارکنان زندان در مقایسه با سایر افرادی که در عرصه ای دادرسی کیفری کار می کنند، مثل پلیس، کمتر مورد توجه قرار می گیرند. این مسئله اغلب در دستمزدهای پرداختی به کارکنان زندان منعکس می شود که در بسیاری از کشورها بسیار نازل است. در نتیجه، غالباً استخدام کارکنان واجد شرایط برای کار در زندان ها بسیار دشوار می شود. به منظور جذب و نگه داری اشخاص دارای صلاحیت عالی، ضروری است که دستمزدهای پرداختی در سطح مناسبی باشد و سایر شرایط اشتغال نیز مشابه کار در سایر ادارات دولتی باشد.

آموزش عموم در مورد زندان ها در بسیاری از کشورها آگاهی عموم در مورد زندان ها، کارکنان زندان ها و کار آن ها کم است. در حالی که جامعه عموماً منزلت واقعی بهداشتیاران و آموزگاران را تشخیص می دهد، کارکنان زندان ها یک چنین احترام عمومی ای را جلب نمی کنند. وزیران دولتی و مدیران ارشد زندان باید تدارک برنامه های ناظر بر آموزش عموم را مدنظر قرار دهند و علاقه مندی رسانه های گروهی را برانگیزند تا به جامعه در خصوص نقش مهمی که کارکنان زندان در صیانت از جامعه ای مدنی ایفا می کنند، آگاهی دهند.

کرامت ذاتی تمامی انسان ها در جوامع مردم سالار قانون از ارزش های بنیادی جامعه حمایت و پشتیبانی می کند. مهم ترین این ارزش ها احترام به کرامت ذاتی تمام انسان ها فارغ از وضعیت شخصی یا اجتماعی شان است. یکی از بزرگ ترین آزمون های این احترام به انسانیت مربوط به شیوه ای است که بر اساس آن یک جامعه با افرادی که قوانین جزایی را نقض کرده اند یا متهم به نقض این قوانین اند رفتار می کند. این افراد کسانی هستند که شاید بی اعتنایی خود را به کرامت و حقوق سایرین به خوبی نشان داده باشند. کارکنان زندان در احترام به کرامت آن ها، به رغم جرمی که ممکن است مرتکب شده باشند، نقش مهمی را از طرف سایر افراد جامعه بر عهده دارند. این اصل احترام به تمامی انسان ها، قطع نظر از هر اشتباهی که ممکن است مرتکب شده باشند، توسط یک زندانی سابق مشهور و رئیس جمهور سابق افریقای جنوبی، نلسون ماندلا به روشنی بیان شده است:

د گفته می شود که هیچ کس یک کشور را به دوستی نمی شناسد مگر در درون زندان به سر برده باشد. یک کشور بر مبنای چگونگی رفتار خود نه با عالی ترین شهروندان بلکه با پایین ترین آن ها باید مورد قضاوت قرار گیرد.¹

این پایه ای است برای استوار کردن مدیریت زندان، و ورای هر چیز دیگر، در یک چارچوب اخلاقی. این الزام هرگز نباید از نظر مسئولان عالی رتبه، مدیریت زندان یا کارکنان طراز اول زندان دور بماند. بدون یک بستر اخلاقی، بهره وری مدیریتی در یک زندان مسیری را دنبال می کند که سرانجام به بربریت حاکم در بازداشتگاه های اسرای جنگی و اردوگاه های کار اجباری منجر خواهد شد.

پیامی شفاف این اصل باید همواره در ذهن کسانی باشد که مسئولیت مدیریت و اداره زندان را بر عهده دارند. به کارگیری آن در موقعیت های بسیار دشوار مستلزم قبول مسئولیت است. کارکنان خط مقدم زندان تنها هنگامی قادر به حفظ این مسئولیت خواهند بود که از مسئولان نظام زندانبانی پیامی شفاف و محکم مبنی بر الزامی بودن آن دریافت کنند. آن ها باید درک کنند که محافظتانی محض نیستند که یگانه وظیفه شان محروم ساختن افراد از آزادی باشد. به یقین مجریان خودگمارده ی قانون هم نیستند که وظیفه شان تحمیل تنبیهاتی بیش از مجازات های تحمیل شده توسط مقامات قضایی باشد. در عوض، آن ها مجبورند یک نقش حراستی را با نقشی آموزشی و اصلاحی درآمیزند. این امر مستلزم قریحه ی شخصی و مهارت های حرفه ای قوی است.

صلاحیت های شخصی کارکنان کار در زندان مستلزم ترکیب واحدی از صلاحیت های شخصی و مهارت های فنی است. کارکنان زندان نیازمند صلاحیت هایی هستند که آن ها را قادر سازد با زندانیان، از جمله زندانیان سرسخت و خطرناک، به شیوه ای منصفانه، انسانی و درست رفتار کنند. به آن معنا که استخدام محدود و روند گزینش ضروری باشد تا به این طریق تنها اشخاص واجد صلاحیت وارد سازمان شوند. تنها در این صورت، امکان خواهد داشت که از کار در زندان به عنوان یک حرفه یاد شود.

خطر کارکنان بی کفایت در بسیاری از کشورها استخدام افراد برای کار در زندان بسیار دشوار است. در نتیجه، تنها کسانی در آن جا مشغول کار می شوند که موفق به یافتن هیچ شغل دیگری نشده اند. گاهی اوقات آن ها کار در زندان را به عنوان جایگزینی برای خدمت اجباری سربازی انتخاب می کنند و در هر زمان ممکن نیز کار خود را ترک می کنند. از آن جا که این افراد از دستمزد و آموزش های بسیار پایینی برخوردارند، می توان پیش بینی کرد که در کار خود شرافت حرفه ای اندکی داشته باشند، در برابر اغواگری های اعمال غیر اخلاقی آسیب پذیر باشند و به هیچ وجه احساس انجام یک خدمت عمومی با ارزش را نداشته باشند.

1 Mandela N (1994)
Long Walk to
Freedom, Little
Brown, London

راهبردی منسجم القای تدریجی این بینش و باور به کارکنان که آنچه انجام می دهند با ارزش است، یکی از وظایف بسیار مهم کسانی است که مسئولیت نظام زندان را بر عهده دارند. این امر نمی تواند به صورت اتفاقی یا بر حسب تصادف رخ دهد و تنها هنگامی حاصل می شود که راهبرد منسجمی مبتنی بر این فرض وجود داشته باشد که کلید یک نظام درست زندانبانی کارکنان شایسته ای است که در انتظار عموم قابل احترام باشند.

آنچه اسناد حقوقی بین المللی مقرر می کنند

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی ۱۰ مقرر می دارد:

با کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.

اصول رفتار برای مأموران اجرای قانون، ماده ی ۲:

مأموران اجرای قانون، در اجرای وظایف خود باید کرامت انسانی را رعایت و حمایت کنند و از حقوق انسانی همه ی اشخاص حفاظت و صیانت کنند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۴۶- (۲):

مدیریت زندان باید همواره تلاش کند تا هم کارکنان زندان و هم عموم افراد جامعه را متقاعد کند که امر زندانبانی خدمت اجتماعی بسیار مهمی است، و برای این منظور لازم است تمام ابزارهای مناسب اطلاع رسانی عمومی مورد استفاده قرار گیرند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۴۸:

تمامی کارکنان باید همواره چنان رفتار کنند و وظایف خود را به گونه ای انجام دهند که به عنوان یک الگوی مطلوب، بر زندانیان تأثیر بگذارند و از احترام آن ها برخوردار باشند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

بیان شفاف اهداف به منظور حصول اطمینان از درک و اجرای مناسب چنین ارزش هایی توسط کارکنان، حائز اهمیت است که مدیریت و اداره زندان بیانیه ی اهداف خود را با شفافیت تنظیم کند. چنین بیانیه ای باید مبتنی بر اسناد حقوقی و استانداردهای بین المللی باشد و به وضوح به تمامی آن هایی که دست اندرکار زندان ها هستند ابلاغ شود. سند خط مشی سازمان زندان های اوگاندا نمونه ای از چنین بیانیه ای است. این بیانیه مأموریت های شفاف را برای سازمان مقرر می کند و ارزش های محوری را که از عملکرد آن پشتیبانی می کنند تبیین می کند. در میان چنین ارزش هایی، اهمیت بنیادین یک نظام مؤثر استخدام و آموزش کارکنان مورد تأیید بوده است.

سند خط مشی
[سال] ۲۰۰۰ و پس از آن
بیانیه هیئت نمایندگی

سازمان زندان‌های اوگاندا، به عنوان بخشی از نظام یکپارچه‌ی عدالت، از طریق تدارک وضعیت حبس به گونه‌ای مدلل، امن، مطمئن و انسانی برای بزهکاران مطابق با استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی و در عین حال تشویق و کمک به آن‌ها در بازپروری، اصلاح و تطبیق مجدد با جامعه به عنوان شهروندانی مطیع قانون، در حمایت از تمامی اعضای جامعه سهم می‌گردد.

ارزش‌ها

- ۱ عدالت به عنوان ارزش محوری
 - سازمان زندان‌ها جزئی از نظام عدالت کیفری است که بیشترین اثر را بر آزادی‌ها، اختیارات و حقوق افراد دارد. از این رو کسانی که دست‌اندرکار مؤسسات اصلاحی تربیتی هستند باید در تمامی جنبه‌های کار خود به حقوق بنیادین بشر احترام بگذارند و به سمت این باور هدایت شوند:
 - انصاف و برابری تحت نظر و در برابر قانون؛
 - کرامت و ارزش افراد؛
 - مدیریت توأم با درستکاری، صداقت و شرافت.
- ۲ اساس یک نظام عدالت و اصلاح و تربیت کارآمد التزام راسخ به این باور است که بزهکاران مسئول رفتارهای خویش‌اند و از توان بالقوه برای زندگی به عنوان شهروندانی مطیع قانون برخوردارند.
- ۳ با بیشتر بزهکاران می‌توان به صورتی تأثیرگذار در جامعه و از طریق برنامه‌های اصلاحی تربیتی غیر از حبس رفتار کرد؛ استفاده از زندان باید با محدودیت صورت گیرد.
- ۴ به خاطر حمایت از عموم، تصمیم‌گیری در خصوص بزهکاران باید مبتنی بر ارزیابی و مدیریت آگاهانه‌ی خطر باشد.
- ۵ اصلاح و تربیت تأثیرگذار به منظور سهم شدن در جامعه‌ای عادلانه‌تر، انسانی‌تر و امن‌تر، به همکاری نزدیک با همیاران عدالت کیفری و اجتماع بستگی دارد.
- ۶ در یک نظام اصلاحی تربیتی، امر اساسی این است که کارکنان به دقت استخدام شده باشند، آموزش‌های مناسب دیده باشند و کاملاً آگاه شده باشند.
- ۷ عموم حق دارند از آنچه در زندان‌ها روی می‌دهد آگاه باشند و باید به آن‌ها فرصت مشارکت در نظام دادرسی کیفری داده شود.
- ۸ کارآمد بودن اصلاح و تربیت بستگی به میزان قدرت انطباق نظام‌های اصلاحی تربیتی با تغییرات و شکل‌گیری آینده دارد.
- ۹ زندانیان بازداشتی بی‌گناه تلقی می‌شوند و باید این گونه با آنان رفتار کرد. لازم است آن‌ها از زندانیان محکوم جدا نگه داری شوند.
- ۱۰ مردان و زنان باید تا حد امکان در مراکز مجزا نگه داری شوند؛ در مراکزی که هم مردان و هم زنان را می‌پذیرند، ساختمان‌های اختصاص یافته به زنان باید کاملاً مجزا باشند.
- ۱۱ همواره باید زندان را به عنوان آخرین راه‌چاره در برابر رفتار غیرقانونی تلقی کرد.

آگاه‌سازی عموم در عین حال مهم است که عموم جامعه و رسانه‌های گروهی از ارزش‌هایی که زندان‌ها براساس آن‌ها فعالیت می‌کنند آگاه باشند. چنانچه نقش زندان در یک جامعه‌ی مدنی به درستی درک شود، ق‌دردانی عموم جامعه از تلاش‌های به عمل آمده توسط مقامات زندان جهت ارائه‌ی عملکرد مثبت محتمل تر است. به منظور تحقق این امر، مهم است که کارکنان ارشد زندان روابط مناسب خود را با جامعه‌ی محلی و رسانه‌های گروهی گسترش دهند. این که عموم مردم تنها هنگام بروز مشکل از وضعیت زندان‌ها آگاهی یابند، اشتباه است؛ جامعه باید نسبت به واقعیت‌های روزانه‌ی زندگی زندان نیز آگاه باشد. سازمان زندان‌ها باید مدیران زندان را تشویق کند تا به طور منظم با گروه‌های جامعه‌ی مدنی، از جمله سازمان‌های غیر دولتی، ملاقات کنند و در مواقع مقتضی آن‌ها را به داخل زندان دعوت کنند.

د در غنا سازمان زندان‌ها، یک هفته را به فعالیت‌هایی اختصاص داده است که بر آگاهی‌های عموم از کار زندان‌ها بیفزاید.

زندان‌ها در ساختار دولتی

غیر نظامی

زندان بخشی از روند عدالت کیفری است و در جوامع مردم سالار افراد توسط قضات مستقلی که توسط قدرت مدنی منصوب شده‌اند به زندان‌ها فرستاده می‌شوند. نظام زندانبانی باید به جای قدرت نظامی تحت کنترل قدرت مدنی نیز باشد. مدیریت زندان‌ها نباید به طور مستقیم در دست نیروهای مسلح یا سایر قدرت‌های نظامی باشد. با وجود این، در تعدادی از کشورها رئیس اداره زندان یک عضو در حال خدمت نیروهای مسلح است که به عنوان سمت دوم یا برای زمانی محدود به این سمت انتخاب می‌شود. در چنین مواردی، دولت موظف است تصریح کند که این شخص به عنوان رئیس اداره زندان در یک مقام مدنی عمل می‌کند.

تفکیک از پلیس

در خصوص تفکیک عملکردها، تفکیک سازمانی شفاف میان پلیس و سازمان زندان‌ها از اهمیت خاص برخوردار است. پلیس عموماً مسئولیت تعقیب جرم و دستگیری بزه‌کاران را بر عهده دارد و موظف است به محض دستگیری یا بازداشت یک شخص، او را در اسرع وقت نزد مقام قضایی بفرستد و پس از آن شخص به عنوان بازداشت شده‌ی موقت در اختیار سازمان زندان قرار می‌گیرد. در بسیاری از کشورها سازمان اداری اجرایی پلیس تابع وزارت کشور است، در حالی که سازمان زندان‌ها از وزارت دادگستری تبعیت می‌کند. این شیوه‌ای جهت تضمین تفکیک قوا و تأکیدی بر لزوم پیوند تنگاتنگ میان مقام قضایی و نظام زندان‌ها است.

د باید میان نقش پلیس و تعقیب، اختیار قضایی و نظام زندان تفکیک شفاف وجود داشته باشد. مجموعه‌ی اروپایی اصول اخلاقی و توصیه‌های پلیس ۱۰ (۲۰۰۱) کمیته‌ی وزیران شورای اروپا

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۴۶ (۳):

(برای تضمین اهداف مذکور،) کارکنان زندان‌ها باید به عنوان کارمندان حرفه‌ای زندان، به صورت تمام وقت اشتغال به کار داشته، کارمند دولت و برخوردار از امنیت شغلی باشند. این امنیت شغلی نباید به چیزی جز رفتار پسن‌دیده، کارایی و قابلیت جسمی، بستگی داشته باشند.

نظارت‌های مردم سالارانه در کشورهای مردم سالار سازمان زندان‌ها عموماً سازمان‌هایی عمومی هستند که تحت نظارت یک وزارتخانه دولتی قرار دارند. در برخی کشورها مانند برزیل، هند یا آلمان، این وزارتخانه جزء یک دولت ایالتی یا منطقه‌ای است. در بیشتر کشورها نظام زندان به صورت ملی سازماندهی می‌شود و در برابر بخشی از دولت مرکزی پاسخگو است. در برخی دیگر از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا و کانادا، ترکیبی از هر دو مدل وجود دارد. این که بخش دولتی باید پاسخگوی وزارت دادگستری باشد به طور فزاینده‌ای عمومیت یافته است، البته در مواردی که چنین وزارتخانه‌ای وجود داشته باشد.

تفکیک پلیس از زندان‌ها استقرار سازمان زندان‌ها در وزارت دادگستری بر پیوند نزدیک میان روند قضایی و محبوس ساختن شهروندان تأکید می‌کند. کار پلیس را نیز از کار نظام زندان جدا می‌کند. این امر مهمی است، چرا که روند تعقیب باید از بازداشت پیش از محاکمه جدا باشد تا مضمونین تحت رفتارهای تند و خشن قرار نگیرند.

دلیل دیگر برای تأکید بر انتقال مزبور این حقیقت است که در برخی کشورها پلیس در عمل، واحدی نظامی است که در ردیف نیروهای مسلح قرار می‌گیرد، بر پایه‌های نظامی سازماندهی می‌شود، و در موارد لزوم توسط دولت فراخوانده می‌شود تا به عنوان نیرویی مسلح وارد عمل شود. این مسئله با این التزام که کارکنان زندان باید در موقعیت کارکنان غیرنظامی باشند، به راحتی سازگار نیست.

در افریقا طی ۱۵ سال گذشته در کشورهای بنین، کوت دیوار، کامرون، چاد، نیجریه، توگو، بورکینا فاسو و سنگال، سازمان زندان‌ها از وزارت کشور به وزارت دادگستری منتقل شده است. شورای اروپا از کشورهای الحاقی جدید اروپای شرقی می‌خواهد مسئولیت سازمان زندان‌ها را از وزارت کشور به وزارت دادگستری منتقل کنند.

تبعات انتقال باید اذعان داشت که در کشورهایی که نیروهای نظامی از حقوق ماهانه خاص یا سایر مزایای شغلی چون بیمه‌ی درمانی رایگان برای خود و خانواده، مسافرت رایگان، خانه‌های سازمانی و امکان گذراندن تعطیلات برخوردارند، این انتقال مسئولیت می‌تواند تبعات جدی برای کارکنان داشته باشد. اندکی بعد در همین فصل به این موضوع پرداخته خواهد شد.

پیوند با نهادهای اجتماعی دلیل دیگری نیز برای لزوم اداره‌ی زندان‌ها توسط یک مقام غیرنظامی وجود دارد. حقیقت این است که تمامی زندانیان عاقبت روزی به زندگی در جامعه مدنی بازخواهند گشت. اگر آن‌ها ناگزیر به زندگی تحت حکومت قانون باشند، مهم است که مکانی برای زندگی و فرصتی برای کار داشته باشند و از ساختار حمایت اجتماعی مناسبی نیز بهره‌مند شوند. از این رو بسیار حائز اهمیت است که سازمان زندان‌ها با سایر نهادهای خدمات عمومی مثل نهادهای رفاه اجتماعی و بهداشت ارتباطی تنگاتنگ داشته باشند. چنانچه سازمان زندان‌ها یک سازمان مدنی و نه نظامی باشد امکان تحقق این امر بیشتر خواهد بود.

سازمانی منضبط و سلسله‌مراتبی در عین حال این نکته باید تفهیم شود که هر چند کارکنان زندان باید از موقعیت غیرنظامی برخوردار باشند، به طور معمول خود نظام زندان باید یک سازمان انضباطی و سلسله‌مراتبی باقی بماند. زندان‌ها نظام‌های دموکراتیک نیستند. به منظور عملکرد مناسب، یک سلسله‌مراتب فرماندهی کاملاً شناخته شده ضروری است. این واقعیت اکثر سازمان‌های بزرگ است. به خصوص در مجموعه‌ی زندان‌ها واقعی‌تر است، چون در آن جا لازم است همواره این آگاهی وجود داشته باشد که حتی در زندان‌هایی که به خوبی اداره می‌شوند، بروز ناآرامی و بی‌نظمی امکان‌پذیر است. برخورداری از نظامی با موقعیت مدنی و در عین حال کاملاً منضبط امکان‌پذیر است. همانگونه که در فصل پنجم این کتاب آموزشی بحث خواهد شد، این که زندان‌ها نهادهایی کاملاً منضبط باشند به نفع تمامی اشخاص ذینفع اعم از کارکنان و زندانیان است. این امر در صورتی تحقق می‌یابد که سازماندهی آن‌ها به شیوه‌ای انضباطی باشد.

اهمیت کارکنان در دستکار معیارهای عالی شخصی و حرفه‌ای از تمامی کارکنان زندان، به ویژه آن‌هایی که در هر مقام به صورت مستقیم با زندانیان کار می‌کنند، مورد انتظار است. این‌ها در درجه اول شامل کارکنان اونیفورم پوش یا محافظان و نیز کارکنان حرفه‌ای مثل آموزگاران و مربیان می‌شود. کارکنانی که به صورت روزمره با زندانیان سر و کار دارند می‌بایست با دقت خاص انتخاب شوند. پس، استخدام بسیار مهم است. مدیریت و اداره زندان باید خط مشی شفافی جهت تشویق افراد مناسب برای متقاضی شدن کار در زندان داشته باشد. چنانچه بخش زندان قبلاً ارزش‌ها و بستر اخلاقی چارچوب فعالیت خود را مشخص کرده باشد، مهم است که این ارزش‌ها و اخلاقیات در بنیان یا روند استخدامی به روشنی بیان شود. باید برای هر کسی که متقاضی چنین کاری است صراحتاً مشخص شود که چه نوع رفتار و طرز برخوردی از وی انتظار می‌رود. این امر، همچنین روشن می‌کند که هیچ کس با معیارهای شخصی غیر قابل قبول، به فرض از نظر نحوه‌ی رفتار با اقلیت‌های نژادی، زنان یا خارجی‌ها، نباید متقاضی کار در نظام زندان باشد.

گزینش داوطلبان شایسته حتی در صورت وجود چنین خط مشی‌ای، جهت حصول اطمینان از آگاهی متقاضیان در مورد ماهیت کار در زندان‌ها، همه‌ی اشخاص متقاضی نیز برای کار در زندان مناسب نیستند. لازم است مجموعه رویه‌های شفافی وجود داشته باشد تا تضمین کند که در حقیقت تنها آن دسته از متقاضیانی که مناسب‌اند جهت پیوستن به نظام زندان انتخاب شوند. پیش از هر چیز این رویه‌ها باید قادر به آزمودن صداقت شخصی و انسانیت متقاضیان باشد و این که در برخورد با شرایط دشواری که در خلال کارهای روزمره با آن مواجه خواهند شد چگونه واکنش نشان خواهند داد. این بخش از رویه‌ها بیشترین اهمیت را دارد چرا که ناظر بر صلاحیت‌هایی است که الزام اساسی کار در زندان است. تنها هنگامی که متقاضیان نشان دهند از پس چنین الزامی برمی‌آیند باید مواردی مثل معیارهای آموزشی متقاضیان، توانایی‌های جسمانی، سوابق کاری و استعداد آن‌ها برای آموختن مهارت‌های جدید را بررسی کرد.

عدم تبعیض در گزینش کارکنان هیچ تبعیضی نباید وجود داشته باشد. به آن معنا که زنان برای کار در زندان باید موقعیت‌هایی مشابه مردان داشته باشند و از دستمزد، آموزش، و امکانات ترفیع برابر برخوردار باشند. اکثریت زندانیان مرد هستند و در بسیاری از کشورها به طور سنتی به کار در زندان به عنوان حرفه‌ای مردانه نگریسته شده است. دلیلی برای این که چرا باید این گونه باشد وجود ندارد. در برخی زندان‌ها تعداد قابل ملاحظه‌ای از زندانیان جزء اقلیت‌های نژادی یا گروه‌های قومی هستند. در این صورت مدیریت زندان باید تلاش کند تعداد متناسبی از کارمندان خود را از میان این گونه اقلیت‌های نژادی یا گروه‌های قومی استخدام کند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۴۶:

(۱) مدیریت زندان باید در مورد انتخاب کارکنان زندان در هر سطح دقت کند و منطبق با مدیریت خاص زندان بانی، درستکاری، انسانیت، قابلیت‌های شغلی و شایستگی‌های فردی آن‌ها را مورد توجه قرار دهد.

(۳) برای تضمین اهداف مذکور کارکنان زندان‌ها باید به عنوان کارمندان حرفه‌ای زندان، به صورت تمام وقت اشتغال به کار داشته، کارمند دولت و برخوردار از امنیت شغلی باشند. این امنیت شغلی نباید به چیزی جز رفتار پسندیده، کارایی و قابلیت جسمی، بستگی داشته باشد. لازم است حقوق پرداختی، برای جذب و ماندگاری مردان و زنان شایسته، مناسب باشد. مزایای شغلی و شرایط خدمت آن‌ها نیز باید با توجه به ماهیت واقعی کار مدنظر قرار گیرد.

- (۱) لازم است تا حد امکان، افراد متخصصی چون روان پزشکان، روان شناسان، مددکاران اجتماعی، مدرسان، و مربیان حرفه و فن نیز در میان کارکنان زندان وجود داشته باشند.
- (۲) خدمات مددکاران اجتماعی، مدرسان، و مربیان حرفه و فن باید به صورت تمام وقت باشد و در غیر این صورت، از مستخدمان پاره وقت یا افراد داوطلب استفاده شود.

اصول رفتار مأموران اجرای قانون، اصل ۱۸ :

دولت و نهادهای اجرای قانون باید اطمینان یابند که تمام مأموران اجرای قانون از طریق شیوه های گزینشی مناسبی انتخاب می شوند و برخوردار از ویژگی های اخلاقی، روانی و جسمانی مناسب برای اجرای رضایت بخش وظایف و کارهای خود هستند و دوره های آموزشی حرفه ای را به صورت مستمر و کامل می گذرانند. شایستگی های پایدار آن ها برای تصدی این کارها، باید به صورت دوره ای مورد بازنگری قرار گیرد.

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ی ۲ :

- دولت های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم و موافقت می کنند که بلا درنگ سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال کنند و به این منظور این موارد را متعهد می شوند:
- (الف) گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط هر کشور، چنانچه تاکنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا طرق مناسب دیگر؛
- (ب) تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضاء، به منظور ممنوع کردن تبعیض علیه زنان؛
- (پ) برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذی صلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛
- (ت) خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهد توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛
- (ث) اتخاذ اقدامات مناسب کلی جهت محو تبعیض علیه زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت؛
- (ج) اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش های موجود تبعیض آمیز علیه زنان؛
- (چ) فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که تبعیض علیه زنان را موجب می شوند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

یک سیاست
استخدامی فعال

بسیاری از سازمان های زندان ها در زمینه استخدام کارکنانی با صلاحیت های عالی با مشکلات عمده ای مواجه اند. این امر دلایل متفاوتی می تواند داشته باشد. شاید به دلیل سطح پایین دستمزدها باشد. ممکن است به سبب منزلت بسیار پایین کار زندانبانی در جامعه محلی باشد و یا ممکن است به خاطر رقابت با سایر نهادهای مجری قانون مثل پلیس باشد. دلیل این امر هر چه باشد، مدیریت زندان به جای این که منتظر بماند مستخدمان بالقوه به آن مراجعه کنند باید از یک سیاست استخدامی فعال پیروی کند. این امر به طرق مختلفی می تواند محقق شود.

یک برنامه ی
آموزش همگانی

ضرورت یک خط مشی استخدامی فعال، تأکیدی مضاعف بر لزوم ارائه ی یک برنامه ی آموزش همگانی در مورد محیط درونی زندان ها است که کمی پیشتر در همین فصل مطرح شد. این آموزش می تواند به زدودن تصورات نادرست کمک کند و علاقه مندی عموم را به طور کلی و طالبین استخدام را به طور خاص برانگیزد. اگر اعضای جامعه ی مدنی درباره ی واقعیت های زندگی زندان ناآگاه باشند به نظر نمی رسد که کسی از میان آن ها امکان ملحق شدن به نظام زندان را مدنظر قرار دهد. این آموزش همگانی از راه های مختلفی می تواند صورت گیرد. ممکن است به شکل تشویق مسئولان جامعه جهت بازدید از زندان ها جهت مشاهده ی هر آنچه مایل به دیدن آن هستند باشد. ممکن است به صورت تماس های منظم با رسانه های گروهی باشد تا این رسانه ها تشویق شوند به جای درج گزارش های انتقادی صرف به هنگام بروز اشتباه، اطلاعات گسترده ای را نشر دهند.

پس مدیریت زندان باید گروه‌های خاصی را که توان برطرف کردن نیاز استخدامی نظام زندان را دارند مورد توجه قرار دهد. این‌ها می‌توانند مؤسسات آموزشی مثل آموزشگاه‌های تخصصی یا دانشگاه‌ها باشند و یا شاید گروه‌های اجتماعی. لازم است آگاهی‌های خاص در خصوص نقش کارکنان، نوع افرادی که ممکن است علاقه‌مند به کار در نظام زندان باشند و این حقیقت که کار در نظام زندان یک حرفه‌ی ارزشمند در عرصه‌ی خدمات عمومی است، در اختیار آن‌ها قرار داده شود.

کارکنان متخصص لازم است به استخدام کارکنان متخصص توجه خاصی مبذول شود. این‌ها به احتمال افرادی هستند که قبلاً در یک حرفه‌ی خاص آموزش دیده‌اند و شامل آموزگاران، مربیان و کارکنان مراقبت‌های بهداشتی هستند. در برخی زندان‌ها نیز حضور روان‌شناسان و روان‌پزشکان ضروری است. اما نباید تصور کرد که افرادی که قبلاً آموزش‌های حرفه‌ای را فرا گرفته‌اند خود به خود برای کار در محیط زندان مناسب هستند. آن‌ها هم باید به دقت انتخاب شوند و می‌بایست درک روشنی از نقشی که انتظار می‌رود ارائه دهند، داشته باشند.

کارکنان زن زندان تجربیات برخی کشورها نشان داده است که زنان قادرند وظایف عادی یک مأمور زندان را درست همانند مردان انجام دهند. درواقع، در شرایطی که احتمال برخورد وجود دارد حضور کارکنان زن اغلب می‌تواند از حوادث زودگذر احتمالی جلوگیری کند. در موارد خاصی مثل نظارت بر مکان‌های بهداشتی و انجام بازرسی‌های بدنی، هم جنس بودن کارکنان با زندانیان ضروری است. به غیر از این موارد، کارکنان زن زندان می‌توانند برای انجام تمامی وظایف در نظر گرفته شوند.

آموزش کارکنان

ارزش‌های بنیادین پس از این که کارکنان به درستی انتخاب و استخدام شدند نیازمند ارائه‌ی آموزش‌های مقتضی هستند. آگاهی‌ها و تجربیات اکثر کارکنان جدید از جهان زندان، اندک و یا هیچ است. همان‌گونه که در ابتدای این فصل مطرح شد، نخستین ضرورت، مجاب کردن همه‌ی آن‌ها نسبت به ارزش و اعتبار بستر اخلاقی است که زندان‌ها باید در چارچوب آن اداره شوند. لازم است تصریح شود که تمامی مهارت‌های فنی که متعاقباً آموخته خواهند شد متکی به باور به کرامت و مقام انسانی تمامی افراد دخیل در زندان خواهد بود؛ هم تمامی زندانیان، هر که باشند و محکوم به ارتکاب هر جرمی که باشند، و هم تمامی کارکنان و ملاقات‌کنندگان. لازم است به کارکنان مهارت‌های اساسی لازم برای رفتار شایسته و انسانی با سایر انسان‌ها، که ممکن است برخی شان مشکل ساز و بدقلق هم باشند، آموزش داده شود. این تنها یک موضوع نظری نیست. نخستین گام محکم برای آموزش‌های فنی بعدی است. گاه حتی در پیشرفته‌ترین نظام‌های زندان فراموش می‌شود که کارکنان برای چه آموزش می‌بینند. ارزیابی دقیقی از خصیصه‌های اصلی تشکیل‌دهنده‌ی کار مثبت زندان وجود ندارد.

آموزش‌های فنی در مرحله‌ی بعد باید آموزش‌های فنی لازم به کارکنان ارائه شود. آن‌ها می‌بایست از الزامات امنیتی آگاهی یابند. این الزامات شامل آموختن همه چیز در مورد استفاده از فناوری امنیتی: کلیدها، قفل‌ها و تجهیزات نظارتی است. لازم است این افراد نحوه‌ی نگه‌داری از سوابق قانونی و نیز گزارش‌هایی که می‌بایست مکتوب شوند را فرا گیرند. بالاتر از هر چیز، آن‌ها نیاز دارند اهمیت مواجهه‌ی مستقیم خود با زندانیان را درک کنند. امنیت قفل‌ها و کلیدها باید با نوع دیگری از امنیت که ناشی از شناخت شخصیت زندانیان و نحوه‌ی رفتار احتمالی آن‌ها است، تکمیل شود. این‌ها از جمله موضوعات امنیت پویا هستند که در فصل پنجم این کتاب آموزشی به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

پیشگیری از بی‌نظمی تا آن جا که به حسن نظم مربوط می‌شود، کارکنان جدید زندان می‌بایست بیاموزند که پیش‌گیری از بی‌نظمی همواره بهتر از برخورد با آن پس از وقوع است. بی‌نظمی از حد حادثه‌هایی که تنها یک زندانی درگیر آن است تا حد آشوب‌ها و شورش‌های همگانی گسترش می‌یابد. وقوع خودبه‌خودی و ناگهانی بی‌نظمی بسیار نادر است. معمولاً نشانه‌های هشداردهنده‌ی زیادی وجود دارند که آستانه‌ی انفجار مشکل را نشان می‌دهند. کارکنانی که به خوبی آموزش دیده باشند چنین نشانه‌هایی را تشخیص خواهند داد و جهت حل معضل اقدام خواهند کرد. این مهارتی است که می‌تواند آموخته شود.

آموزش مستمر آموزش‌های مقتضی کارکنان، الزامی است که از بدو استخدام شروع می‌شود و تا پایان بازنشستگی استمرار می‌یابد. لازم است مجموعه فرصت‌های ادواری برای پیشرفت مستمر کارکنان در هر سن و هر مقام وجود داشته باشد. این فرصت‌ها به کارکنان کمک خواهد کرد تا از آخرین روش‌ها مطلع شوند. این فرصت‌های ادواری برای کارکنانی نیز که در حوزه‌های تخصصی کار می‌کنند موقعیتی برای آموختن مهارت‌های ویژه فراهم خواهد ساخت و موجب به وجود آمدن موقعیت‌هایی برای کارکنان عالی‌رتبه تر زندان خواهد شد تا مهارت‌های مدیریتی خود را ارتقاء دهند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۴۷:

- (۱) کارکنان زندان باید از نظر تحصیل و بهره‌ی هوشی، از سطح استاندارد مناسبی برخوردار باشند.
- (۲) کارکنان زندان باید پیش از تصدی سِمَت، یک دوره‌ی آموزشی را در زمینه‌ی وظایف عمومی و تخصصی که بر عهده دارند، سپری کنند و نیز ملزم به گذراندن آزمون‌های نظری و عملی باشند.
- (۳) پس از تصدی سِمَت نیز لازم است در طول دوران خدمت، از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت تدوین شده در فواصل زمانی مناسب، دانش و قابلیت‌های حرفه‌ای خود را غنا بخشند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۵۰:

- (۱) مدیر زندان باید از حیث شخصیت، توانایی مدیریتی، آموزش‌های مرتبط و تجربه، صلاحیت کافی برای انجام وظیفه خود داشته باشد.
- (۲) لازم است وی تمام وقت خویش را به انجام وظایف رسمی خود اختصاص دهد و نباید به صورت پاره وقت مشغول کار باشد.
- (۳) محل سکونت مدیر زندان باید در محدوده‌ی زندان یا در مجاورت آن باشد.
- (۴) زمانی که دو یا چند زندان، تحت سرپرستی یک مدیر قرار دارد وی باید منظمأً این زندان‌ها را بازدید قرار دهد. لازم است در هر یک از آن‌ها نماینده‌ی رسمی وی به صورت دائم حضور داشته باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۵۱:

- (۱) مدیر زندان، معاون وی و بیشتر کارکنان زندان، باید قادر باشند به زبان اکثریت زندانیان یا به زبانی که توسط اکثریت زندانیان قابل فهم است، تکلم کنند.
- (۲) در موارد ضروری باید از خدمات یک مترجم استفاده شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۵۲:

- (۱) در زندان‌هایی که به دلیل وسعت آن‌ها به خدمات یک یا چند پزشک مسئول تمام وقت نیاز است، باید حداقل یکی از آن‌ها در محوطه زندان یا محلی در نزدیکی آن زندگی کند.
- (۲) در زندان‌های دیگر، پزشک باید بازدید روزانه انجام دهد و در محلی نزدیک به زندان مقیم باشد که بتواند در هر وضعیت اضطراری بدون فوت وقت حاضر شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۵۳:

- (۱) در زندانی که هم مردان و هم زنان در آن نگه داری می شوند، بخشی از زندان که به زنان اختصاص یافته است باید تحت نظر یک مقام مسئول زن باشد که کلیدهای تمامی قسمت های آن بخش از زندان را در اختیار داشته باشد.
- (۲) هیچ کدام از کارکنان مرد نباید به بخشی که به زنان اختصاص دارد وارد شود، مگر در معیت یک مأمور زن.
- (۳) زندانیان زن باید فقط توسط مأموران زن تحت مراقبت و رسیدگی قرار گیرند. این امر به هر حال نباید مانعی باشد که شماری از کارکنان مرد، به خصوص پزشکان و معلمان، به وظایف حرفه ای خود در بخشی از زندان که به زنان اختصاص یافته است عمل کنند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۵۴:

- (۱) کارکنان زندان در روابط خود با زندانیان نباید به زور متوسل شوند، مگر جهت دفاع از خود یا در موارد تلاش برای فرار یا مقاومت فعالانه یا منفعلانه در برابر دستوری که مبنای قانونی یا مقرراتی دارد. کارکنانی که منابع اعمال زور را در اختیار دارند باید استفاده از آن را به موارد کاملاً ضروری محدود سازند و گزارش واقعه را بی درنگ به مدیر مؤسسه ارسال کنند.
- (۲) لازم است به کارکنان زندان آموزش های جسمانی ویژه داده شود تا قادر باشند زندانیان پرخاشگر را مهار کنند.
- (۳) به استثنای شرایط ویژه، کارکنانی که به اقتضای خدمت خود در تماس مستقیم با زندانیان هستند نباید مسلح باشند. علاوه بر آن، تحت هیچ شرایطی نباید سلاح در اختیار کارکنان گذاشته شود، مگر این که قبلاً نحوه ی استفاده از آن را فرا گرفته باشند.

اصول رفتار مأموران اجرای قانون، ماده ی ۳:

مأموران اجرای قانون تنها هنگامی که کاملاً ضروری است و در سطحی که برای انجام وظایف آن ها مقتضی است، می توانند به زور متوسل شوند.

اصول رفتار مأموران اجرای قانون، ماده ی ۴:

لازم است اطلاعات محرمانه ای که مأموران اجرای قانون در اختیار دارند، محرمانه باقی بماند، مگر این که انجام وظایف یا تحقق عدالت، به طور جدی خلاف این امر را اقتضا کند.

اصول رفتار مأموران اجرای قانون، ماده ی ۵:

هیچ یک از ضابطان قانون نمی توانند مرتکب یا مشوق هر گونه شکنجه یا دیگر رفتارها و مجازات های خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز باشند یا در برابر انجام این گونه اعمال چشم پوشی کنند. در عین حال هیچ ضابط قانونی نمی تواند به عنوان توجیه شکنجه یا هر گونه رفتار و مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز به دستورات مافوق یا شرایط استثنایی مانند وضعیت جنگی یا تهدید جنگ، تهدید علیه امنیت ملی، بی ثباتی سیاسی در کشور یا هر گونه ضرورت عمومی دیگر استناد کند.

اصول رفتار مأموران اجرای قانون، ماده ی ۶:

مأموران اجرای قانون باید حمایت کامل از سلامتی اشخاصی را که تحت بازداشت آن ها به سر می برند، تضمین کنند، به ویژه در موارد مقتضی برای اطمینان از اعمال مراقبت های پزشکی، اقدامات فوری اعمال دارند.

اصول رفتار مأموران اجرای قانون، ماده ی ۷:

مأموران اجرای قانون باید به قوانین و اصول حاضر احترام بگذارند. آنها همچنین باید بیشترین توان خود را در پیش گیری از هر نوع تخلف و مبارزه شدید با آن، به کار گیرند.

اصول پایه برای توسل به زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۴:

مأموران اجرای قانون در انجام وظایف خود باید تا پیش از استفاده از زور و سلاح های گرم، تا حد امکان به شیوه های غیرخشن توسل جویند. آن ها تنها هنگامی می توانند از زور و سلاح های گرم استفاده کنند که سایر شیوه ها مؤثر نباشند یا هیچ گونه امیدی نسبت به حصول اهداف موردنظر از سایر راه ها وجود نداشته باشد.

اصول پایه برای توسل به زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۹:

مأموران اجرای قانون نباید از سلاح گرم استفاده کنند، مگر برای دفاع از خود یا دفاع از دیگران در برابر تهدید قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی، پیش گیری از ارتکاب جرایم بسیار جدی شامل خطر جدی برای زندگی، دستگیری شخصی که چنین خطری را ایجاد و در برابر اختیارات مأموران مقاومت می کند، یا جلوگیری از فرار چنین شخصی و تنها در مواقعی که روش های محدودتر کارآیی لازم را ندارند. در هر حادثه، استفاده ی عمدی مهلک از سلاح گرم تنها زمانی اجتناب ناپذیر است که برای حفظ زندگی افراد به کار رود.

اصول پایه برای توسل به زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۱۵:

مأموران اجرای قانون در روابط خود با اشخاصی که تحت حبس یا بازداشت قرار دارند، نباید به زور متوسل شوند، مگر این که چنین امری برای تأمین امنیت و نظم داخلی زندان کاملاً ضروری باشد یا ایمنی اشخاص مورد تهدید واقع شود.

اصول پایه برای توسل به زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۱۶:

مأموران اجرای قانون در روابط خود با افرادی که تحت حبس یا بازداشت قرار دارند، مجاز به استفاده از سلاح گرم نیستند، مگر برای دفاع از خود یا دفاع از دیگران در برابر تهدیدات فوری مرگ یا آسیب جدی، یا جهت پیش گیری از فرار شخصی که تحت حبس یا بازداشت قرار دارد و احتمال خطراتی که طی بازداشت به وجود می آید، مقرر شده است. چنان که در اصل ۹ قید شده است.

اصول اخلاق پزشکی مربوط به نقش کارکنان بهداشتی، به ویژه پزشکان، در حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، اصل ۱:

کارکنان بهداشتی، به ویژه پزشکان که مسئولیت مراقبت های پزشکی از زندانیان و بازداشت شدگان را بر عهده دارند موظف هستند حمایت از سلامت جسمانی و روانی و معالجه ی بیماری های آن ها را با همان کیفیت و معیاری انجام دهند که در مورد افراد عادی اعمال می شود.

اعلامیه ی حذف تبعیض علیه زنان، ماده ی ۱۰:

- ۱ اتخاذ همه ی موازین مناسب جهت تضمین حقوق برابر زنان، متأهل یا مجرد، با مردان در عرصه ی زندگی اقتصادی و اجتماعی و به ویژه در موارد زیر ضروری است:
 - (الف) حق تحصیل بدون تبعیض بر پایه ی وضعیت تأهل یا سایر دلایل، برای آموزش های حرفه ای، برای کار، برای انتخاب آزادانه حرفه و شغل و برای پیشرفت حرفه ای و کاری.
 - (ب) حق دستمزد مساوی با مردان و رفتار برابر در ازای کار برابر.
 - (ج) حق مرخصی، بازنشستگی و امنیت به هنگام بیکاری، بیماری، کهن سالی یا سایر از کارافتادگی ها.
 - (د) حق دریافت فوق العاده ی تأهل برابر با مردان.

۲ به منظور پیش گیری از تبعیض علیه زنان برپایه ی ازدواج یا تأهل و تضمین حق قانونی آنان برای کار، باید موازینی اتخاذ شود تا از اخراج آنان در صورت ازدواج یا تأهل جلوگیری شود، دستمزد دوران مرخصی زایمان به آن ها پرداخت شود و بازگشت آنان به کار سابق تضمین گردد و خدمات اجتماعی لازم از جمله امکانات مهد کودک فراهم شود.

قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، قاعده ی ۸۲:

مدیریت مناسب مراکز نگهداری، بستگی به درستکاری، انسانیت، لیاقت و توانایی های حرفه ای کارکنان آن در برخورد با نوجوانان و همین طور شایستگی فردی آن ها برای انجام وظیفه دارد؛ لازم است مدیریت مراکز امکان انتخاب و استخدام کارکنان در هر رده و نوع را در نظر بگیرند.

قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، قاعده ی ۸۵:

لازم است کارکنان از آموزش هایی که آن ها را در انجام مؤثر وظایفشان توانمند می سازد بهره مند شوند، به ویژه آموزش هایی در زمینه روان شناسی کودک، رفاه کودک و استانداردها و اصول پذیرفته شده ی بین المللی که در زمینه ی حقوق بشر و حقوق کودکان وجود دارد و مقررات حاضر را نیز در برمی گیرد.

قواعد حداقل استاندارد برای دادرسی ویژه نوجوانان، قاعده ی ۲۲:

- ۱ آموزش تخصصی، آموزش حین خدمت، دوره های بازآموزی و سایر روش های تعلیم بایستی برای ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه ای لازم جهت کلیه کارکنان مربوط به امور نوجوانان به کار رود.
- ۲ کادر دادرسی نوجوانان باید بازتاب تنوع نوجوانانی باشند که با نظام قضایی در تماس هستند. باید تلاش هایی به عمل آید تا تعداد مناسبی از زنان و اقلیت ها در سازمان های دادرسی نوجوانان حضور داشته باشند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

آموزش های بدو میزان و مدت آموزش های ارائه شده به استخدام شدگان جدید زندان از کشوری به کشور دیگر کاملاً متغیر است. خدمت ابتدایی ترین ترتیب این است که توقع داشته باشیم کارکنان جدید صرفاً با کارکردن در کنار کارکنان باتجربه تر آموزش ببینند. آن ها پیش از در اختیار گرفتن کلیدهای امنیتی و کسب مجوز جهت انجام وظایف خود تنها ابتدایی ترین آگاهی ها را فرا می گیرند. این رویه بسیار خطرناک است. در بهترین حالت، به معنای این است که در واقع کارکنان حدود کارشان را درک نخواهند کرد و عادات هایی را از کارکنان قدیمی تری، که خود آن ها عملکردی عالی ندارند، فرا خواهند گرفت. در بدترین حالت، به آن معنا است که کارکنان جدید در برابر فشارهای زندانیان قدرتمند آسیب پذیر خواهند بود و این گونه زندانیان از ضعف آنان استفاده خواهند کرد و بر آنان مسلط خواهند شد، به گونه ای که امنیت و حسن نظم زندان لطمه خواهد دید.

در برخی کشورها، استخدام شدگان جدید به مدت چند هفته به دانشسرا یا آموزشگاه های تخصصی اعزام می شوند و در آن جا مسائل اساسی کار خود را، پیش از عهده دار شدن وظایف شان در زندان، فرا می گیرند. در دیگر کشورها، کارکنان طراز اول پیش از شروع کار خود به عنوان مأموران صلاحیتدار زندان، تا دو سال دوره ی آموزشی را پشت سر می گذارند. نظام های زندان در برخی از کشورها کارکنان جدید را ملزم می سازند آمیزه ای از آموزش های نظری و عملی را طی کنند. برای مثال، در کشور غنا، کارکنان جدید سه ماه را در دانشسرا می گذرانند و بعد سه ماه را در زندان طی می کنند و پس از آن سه ماه دیگر را در دانشسرا می گذرانند.

به هر حال، لازم است تمامی کارکنان جدید زندان، پیش از ورود به زندان، مجموعه ای از اصول شفاف را در مورد محتوای کار و آگاهی های فنی کافی جهت انجام کارهای ابتدایی فرا گیرند. سپس باید در کنار کارکنان با تجربه ای که از سوی مدیریت به عنوان مناسب ترین افراد جهت ارائه مثبت ترین تجربیات به کارکنان جدید و القای حس اعتماد نسبت به کارشان شناسایی شده اند، مشغول کار شوند.

آموزش کارکنان ارشد کارکنان ارشد زندان نیازمند شکل پیچیده تری از آموزش هستند. این موضوع در هر صورت، چه آن ها مستقیماً در همان مقام استخدام شده باشند چه از پست های پایین تر ارتقاء یافته باشند، صادق است. نباید پنداشت که تجربه به تنهایی، افراد را برای عهده دار شدن سطوح عالی تر مدیریت زندان مجهز می کند. حتی کارکنانی که سالیان سال در سطوح پایین تر شغلی زندان کار کرده اند، باید پیش از تصدی سمت های مدیریتی، در زمینه ی افزایش مهارت های تکمیلی شان یاری شوند. در برخی کشورها، مثل روسیه، کارکنان مستقیماً برای سمت های عالی، استخدام و ملزم می شوند چند سال پیش از تصدی سمت مدیریت در زندان، مدرک یا درجه تحصیلی کسب کنند. مدیر یک زندان و قائم مقام وی اشخاص کلیدی در استقرار فرهنگ و فضای حاکم بر یک زندان هستند. آن ها می بایست با توجه خاص نسبت به صلاحیت های شخصی شان انتخاب شوند و از آموزش های گسترده ای بهره مند شوند.

آموزش کارکنان متخصص به ویژه کارکنان پزشکی

کارکنان متخصص، مثل آموزگاران و مربیان، به منظور انجام صحیح نقش های خود نیازمند آموزش های تکمیلی هستند. این امر، به ویژه ناظر بر کارکنان پزشکی است. پزشکان باید درک کنند که به هنگام کار در یک زندان نسبت به تمامی الزامات اخلاقی حرفه ای خود متعهد هستند. اگرچه بیماران شان در زندان به سر می برند، نخستین مسئولیت پزشکان مداوای بیماری آن ها است، اعم از جسمانی یا روانی. این مسئله باید برای تمامی پزشکانی که برای کار به زندان می آیند، روشن شود.

بخش بهداشت مراکز بازپروری نیوساوت ولز در استرالیا یک سازمان مجزا از نظام زندان است، اما جهت فراهم ساختن خدمات بهداشتی برای تمامی زندانیان زندان های نیوساوت ولز از نزدیک با سازمان زندان ها همکاری می کند و در سال ۱۹۹۹ مجموعه ای از اصول اخلاقی را برای کارکنان خود تهیه کرد.

آموزش به منظور کار با گروه های خاص زندانیان

کارکنانی که با گروه های خاصی از زندانیان کار می کنند باید از آموزش های خاص ضروری به منظور کار با آنان برخوردار شوند. این امر به ویژه ناظر بر کارکنانی است که با زندانیان نوجوان و جوان کار می کنند. گاه این گرایش وجود دارد که به این نوع کار به عنوان کاری کم اهمیت تر یا ساده تر از کار با زندانیان بزرگسال نگریسته شود. واقعیت اغلب کاملاً متفاوت است. زندانیان نوجوان غالباً دمدمی مزاج تر و پرتوقع تر از زندانیان بزرگسال هستند. و نیز احتمال بروز واکنش مثبت شان به آموزش ها و تشویق ها بیشتر است. یکی از وظایف اصلی کارکنانی که با زندانیان جوان تر کار می کنند این است که به آن ها در روند رشد خود برای تبدیل شدن به بزرگسالانی قانونمند کمک کنند. ملاحظات آموزشی مشابهی باید برای کارکنان در ارتباط با زندانیان زن، زندانیان روان پریش یا زندانیانی که نیاز به استفاده از موازین امنیتی شدید در مورد آن ها وجود دارد، در نظر گرفته شود.

پیشرفت و آموزش های مستمر

آموزش بدو خدمت کارکنان باید تنها نقطه ای آغاز پیشرفت آن ها باشد. زندان ها نهادهایی پویا، دائماً متغیر و متأثر از دانش رو به پیشرفت و تأثیرات خارجی هستند. کارکنان نیاز دارند که فرصت های منظمی برای آگاهی از دانش روز و دقیق کردن مهارت ها در اختیارشان قرار گیرد. این امر مستلزم پیشرفت در مدیریت و اداره زندان و نیز سایر نهادهای دادسی کیفری و رفاه اجتماعی است. و این پیشرفت باید از طریق انجام تمامی وظایف کاری کارکنان استمرار یابد.

آموزش در زمینه ی توسل به زور

در بیشتر زندان ها، زندانیان در اغلب موارد با خونسردی از دستورات قانونی اطاعت می کنند. آنها علاقه مند به بودن در زندان نیستند، اما واقعیت را پذیرفته اند و طبق دستور به کارهای خود می پردازند. هر از گاهی ممکن است افراد یا گروه هایی کوچک به شکلی خشن رفتار کنند و برای کنترل آن ها توسل به زور لازم باشد. به این موضوع در فصل پنجم این کتاب آموزشی پرداخته می شود. حائز اهمیت است که تمامی کارکنان در ابتدای آموزش های خود از شرایط توسل به زور علیه زندانیان آگاهی یابند.

رویه های توسل به زور

نخستین اصل این است که توسل به زور تنها هنگامی امکان پذیر است که به طور قطع لازم باشد و تنها تا حد لزوم مورد استفاده قرار گیرد. بدان معنا که وجود مجموعه ای از رویه های روشن جهت تعیین شرایط مجاز برای توسل به زور و نوع این زور ضروری است. تصمیم گیری در خصوص توسل به هر نوع زور تنها باید توسط مقامی صورت گیرد که در آن موقع بالاترین مقام موظف در زندان است. هر گونه توسل به زور و دلیل آن باید ثبت شود.

حداقل توسل به زور

تمامی کارکنان باید در زمینه ی شیوه های مشروع مهار بدنی زندانیان خشن، خواه به طور انفرادی و خواه به صورت گروهی، با توسل به حداقل زور، آموزش ببینند. برخی کارکنان برگزیده باید در سطحی عالی تر آموزش ببینند. آموزش های ناظر بر نحوه ی کنترل و مهار زندانیان خشن در سازمان زندان های بریتانیا، مثالی برای حداقل توسل به زور است.

آموزش در زمینه ی استفاده از سلاح گرم

در برخی از سازمان های زندان ها، تعدادی از کارکنان سلاح گرم حمل می کنند. باید توجه خاصی صورت گیرد تا این اطمینان حاصل شود که چنین کارکنانی به خوبی آموزش دیده اند و درک درستی از شرایط مجاز به کارگیری سلاح های گرم دارند. این که آن دسته از کارکنانی که مستقیماً با زندانیان کار می کنند لزوماً باید مسلح باشند توصیه نمی شود. باید اطمینان حاصل شود که از سلاح های گرم هیچ گاه به فوریت استفاده نشود و امکان دسترسی زندانیان به آن ها به وجود نیاید.

استفاده ی انحصاری برای حفظ جان افراد

سلاح های گرم کشنده تنها هنگامی باید استفاده شوند که صرفاً برای نجات زندگی ضروری باشند. بدان معنا که وجود تهدیدی مستقیم و آشکارا محسوس برای جان یک شخص مسلم باشد. برای مثال، سلاح گرم کشنده نباید تنها به سبب این که یک زندانی در حال فرار است استفاده شود. استفاده از سلاح گرم کشنده تنها هنگامی مجاز است که چنین فراری تهدیدی مستقیم برای جان یک شخص در برداشته باشد.

شرایط اشتغال کارکنان

ضرورت شرایط مناسب

اگر اصول مدیریت بهینه زندان، آن گونه که در این کتاب آموزشی تبیین شده است، درک شود برخورداری از کارکنانی با انگیزه، به خوبی آموزش دیده و متعهد برای خدمت عمومی اساسی است. در این بخش، برخی جزئیات مربوطه بیان می شوند. البته استخدام اشخاص توانا، القای حس حرفه ای گری به آن ها و آموزش آنان در سطوح عالی به تهایی کافی نیست. چنانچه آن ها از سطح دستمزد و شرایط مناسب اشتغال برخوردار نباشند باقی ماندنشان در نظام زندان بسیار بعید است. و حتی شاید از آموزش های ارائه شده به آنان و نیز از مهارت های خود در شغل دیگری با شرایط اشتغال بهتر، استفاده کنند. در سال های اخیر این مسئله به مشکل واقعی بسیاری از سازمان های زندان ها در کشورهای تازه استقلال یافته ی اروپای شرقی تبدیل شده است، در آن جا سطح بالایی از آموزش ها را برای کارکنان تازه وارد، به ویژه در سطوح کاری ممتاز، فراهم می کنند اما به دلیل عدم پرداخت دستمزد کافی به این کارمندان، آن ها چند سالی بیش تر در این سازمان نمی مانند.

سطوح دستمزدهای پرداختی

در جهان معاصر جایگاه یک حرفه عمدتاً با سطح دستمزد پرداختی به آن ارزیابی می شود. شایسته ترین افراد متمایل به انجام کارهایی نیستند که دستمزد بسیار پائینی دارند. کار زندان یکی از پیچیده ترین خدمات عمومی است. این مسئله باید در دستمزدهای پرداختی به کارکنان زندان در تمامی سطوح در نظر گرفته شود. برای سنجش سطح حقوق گروه های قابل مقایسه ی متفاوتی وجود دارند که امکان دارد از کشوری به کشور دیگر متغیر باشند. در برخی موارد، این گروه های مورد مقایسه سایر سازمان های نظام کیفری هستند، مثل پلیس. در موارد دیگر ممکن است خدمتگزاران عمومی باشند، مثل معلمان یا پرستاران. در مورد هر گروهی که مقایسه صورت گیرد، دولت ها ناگزیر از اذعان به این مسئله هستند که کارکنان زندان به جهت کار دشوار و گاهی اوقات خطرناک خود، سزاوار پاداش مناسب هستند. ملاحظه ی تکمیلی در برخی کشورها این است که چنانچه کارکنان از سطح پرداخت مناسب برخوردار نباشند شاید به صورت مستقیم یا غیر مستقیم آلوده به فساد شوند.

سایر شرایط اشتغال

در بسیاری کشورها زندان ها در مکان هایی دورافتاده و دور از مراکز تجمع واقع شده اند. این نه تنها بر خود کارکنان بلکه بر خانواده ی آن ها نیز تأثیر می گذارد. دسترسی به مدارس، امکانات درمانی، فروشگاه ها و سایر فعالیت های اجتماعی تحت تأثیر این دورافتادگی قرار می گیرد. در چنین وضعیتی هائی، سایر شرایط اشتغال، به ویژه شرایطی که بر اعضای خانواده فرد تأثیر می گذارند به همان اندازه ی سطح دستمزدها مهم هستند.

در مواردی ممکن است به دلیل دورافتادگی زندان، هزینه ی خانه های محلی یا برخورداری همه ی مستخدمان دولتی از تسهیلات مسکن، خانه های سازمانی رایگان یا ارزان قیمت در اختیار کارکنان زندان گذاشته شود. گاهی بنا به دلایل مشابه، کارکنان و خانواده شان دسترسی رایگان به امکانات درمانی زندان دارند. قبلاً به الزام مطرح شده از سوی شورای اروپا برای کشورهای تازه عضو جهت انتقال مسئولیت سازمان زندان ها از وزارت کشور به

وزارت دادگستری اشاره شد. از لحاظ پاسخ گویی نظام، دلایل موجهی وجود دارد که نشان می دهند چرا این وضع یک پیشرفت مثبت است. اما آنچه که به هر حال باید به عنوان یکی از تبعات این مسئله مورد توجه قرار گیرد این است که کارکنان وزارت کشور و خانواده ی آن ها باید به مراقبت های بهداشتی رایگان، آموزش رایگان، مسکن رایگان و ایاب و ذهاب رایگان یا امکانات تفریحی در طول تعطیلات به طور رایگان یا ارزان دسترسی داشته باشند. در بسیاری موارد این تسهیلات جبران کننده ی سطح پایین درآمدها است. با انتقال به وزارت دادگستری، بسیاری از این تسهیلات از دست می روند و اداره ی آبرومندانه ی خانواده برای کارکنان سخت می شود. راه حل این مشکلات پرداخت دستمزدی معقول به کارکنان است تا ناگزیر به وابستگی به این نوع پرداخت ها نباشند. اما گاهی اوقات این کار در کشورهایی که منابع عمومی اندکی دارند بسیار دشوار است.

رجحان زندگی در اجتماع برای کارکنان و خانواده ی آن ها امکان زندگی در جامعه ی عمومی مفیدتر از زندگی در جامعه ای صرفاً متشکل از کارکنان زندان است. این امر باعث رشد علاقه مندی های غیر کاری آنان می شود و آمیزش آن ها با مردمان دیگر را آسان تر می کند. و نیز برای افراد وابسته و کودکان آن ها امکانی فراهم می شود تا از زندگی عادی خارج از شهرک زندان لذت ببرند. در عین حال سبک زندگی کامل تر باعث افزایش تعهد کاری کارکنان می شود.

برابری در رفتار فصل شانزدهم این کتاب آموزشی به لزوم حصول اطمینان از عدم تبعیض علیه زندانیان وابسته به هر نوع اقلیت می پردازد. همچنان که قبلاً در همین فصل بیان شد، همان اصول در مورد کارکنان هم جاری است. کارکنان زن باید از دستمزد و سایر شرایط استخدامی برابر با همکاران مرد خود برخوردار باشند. در عین حال به آن ها نیز باید فرصت های برابر برای ارتقا و کار در حوزه های مستلزم مهارت های خاص داده شود. همین اصول بر کارکنان وابسته به سایر گروه های اقلیت اعم از اقلیت های نژادی، مذهبی، فرهنگی، یا ترجیح جنیستی حاکم است.

انتقال در برخی نظام های زندان کارکنان ناگزیر از پذیرش انتقال به زندان های دیگر هستند. در چنین مواردی لازم است نه تنها نیازهای خود کارکنان بلکه خانواده ی آن ها نیز مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، اگر فرزندان آن ها در مرحله ی حساسی از تحصیل خود باشند، شاید انتقال آثار زیانبار عمده ای برای تحصیل شان در برداشته باشد. چنین عواملی باید مدنظر قرار گیرند. به استثنای وضعیت های اضطراری نادر، همواره کارکنان باید قبل از انتقال مورد مشورت قرار گیرند و در موارد ممکن از آن ها برای پذیرفتن این جابه جایی دعوت شود. هرگز نباید از انتقال به عنوان نوعی اقدام انضباطی علیه کارکنان استفاده شود.

اتحادیه های صنفی کارکنان بیشتر نظام های زندان سازمان هایی منضبط هستند. این به آن معنا نیست که با کارکنان به صورت نامعقول یا بدون احترام به جایگاه شان رفتار شود. در بیشتر کشورها کارکنان می توانند عضو اتحادیه های کاری شوند و این اتحادیه ها از طرف کارکنان با مدیریت در مورد سطح دستمزد و شرایط اشتغال وارد مذاکره می شوند. استفاده از یک چنین روشی توصیه می شود. چنانچه اتحادیه ی کاری رسمی وجود نداشته باشد کارکنان حداقل باید از سازوکار مذاکراتی شناخته شده ای برخوردار باشند. اتحادیه های کاری و سایر نمایندگان کارکنان نباید تاوان اعمال خود را بابت نمایندگی کارکنان پس بدهند.

زندانی‌ها انسان هستند

چارچوب

کرامت انسانی

زندانیان سزاوار حمایت‌های حقوق بشری اند افرادی که بازداشت یا زندانی می‌شوند بدون توجه به میزان وخامت جرمی که به خاطر آن متهم یا محکوم شده‌اند مقام خود را به عنوان انسان از دست نمی‌دهند. دادگاه قانونی یا هر نهاد قضایی دیگری که مورد آن‌ها را بررسی کرده است، به لزوم محرومیت ایشان از آزادی حکم کرده است نه این که انسانیت شان فراموش شود.

زندانی به عنوان کارکنان زندان هیچ گاه نباید این حقیقت را فراموش کنند که زندانی‌ها انسان هستند. آن‌ها همواره باید در برابر وسوسه‌ی نگرستن به زندانیان تنها به عنوان یک شماره به جای یک انسان کامل مقاومت کنند. هیچ کدام از کارکنان حق ندارند از طریق رفتار با زندانیان به عنوان انسان‌هایی پست‌تر که به سبب آنچه متهم یا محکوم به انجام آن هستند، حق احترام خود را از دست داده‌اند، تنبیه مضاعفی را بر آن‌ها تحمیل کنند. از لحاظ قانونی بدرفتاری با زندانیان همواره نادرست است. به علاوه چنین رفتاری از انسانیت کارکنانی که به این شکل عمل می‌کنند می‌کاهد. در فصل دوم این کتاب آموزشی به ضرورت عملکرد دائم کارکنان زندان و مدیریت و اداره زندان در چارچوب یک بستر اخلاقی اشاره شد. این فصل به نتایج عملی آن خواهد پرداخت.

ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز اشخاصی که بازداشت یا زندانی می‌شوند به عنوان یک انسان تمامی حقوق خود را حفظ می‌کنند، مگر آنچه را که به عنوان تبعات خاص محرومیت از آزادی از دست می‌دهند. مقامات و کارکنان زندان باید درک شفافی از مفهوم ضمنی این اصل داشته باشند. برخی مقولات بسیار واضح هستند. برای مثال، شکنجه و رفتار عامدانه‌ی خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز اکیداً ممنوع است. لازم است این درک وجود داشته باشد که چنین ممنوعیتی تنها ناظر بر خشونت جسمانی یا روانی نیست و بر کلیه شرایط نگه‌داری زندانیان حاکم است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر شرایطی را که یک زندانی به مدت چهار سال و ده ماه در مرکزی در روسیه تحت آن شرایط نگه‌داری شده بود ناقض ماده‌ی ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تشخیص داد. ماده‌ی ۳ رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز را منع می‌کند. این مورد، توسط والرئ کالاشینکوف که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ در ماگادان زندانی بود مطرح شده بود.

دادگاه پی‌برد که در زندان ماگادان، آقای کالاشینکوف در سلولی نگه‌داری شده است که هر زندانی بین ۰/۹ تا ۱/۹ مترمربع فضای زندگی داشته است. ازدحام شدید جمعیت در آن حد بوده که زندانیان مجبور به خوابیدن نوبتی بوده‌اند. سلول تمام شبانه روز روشن بوده و سرو صدای دائمی تعداد زیادی از زندانیان همیشه وجود داشته است. چنین شرایطی منجر به محرومیت از خواب می‌شده است. دادگاه همچنین فقدان تهویه‌ی کافی هوا و اجازه‌ی سیگار کشیدن زندانیان در سلول، هجوم انگل‌ها و آفت‌ها به سلول، وضعیت کثیف سلول و محوطه‌ی دستشویی، فقدان حریم خصوصی و مبتلا شدن والرئ کالاشینکوف به بیماری‌های پوستی و قارچی را مورد اشاره قرار داد. دادگاه از نگه‌داری همزمان آقای کالاشینکوف در سلول مبتلایان به سیفلیس و سل اظهار نگرانی بسیار کرد.

دادگاه همچنین در قضاوت خود در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد که شرایط زندان ماگادان اخیراً بهتر شده است و نیز پذیرفت که مقامات روسی قصد واقعی تحقیر آقای کالاشینکوف یا اهانت به وی را نداشته‌اند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر تشخیص داد که شرایط نگه داری یک زندانی به مدت حداقل دو ماه در یکی از زندان های یونان ناقض ماده ی ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز را منع می کند. این مورد، توسط دادلند پی ریز مطرح شده که پس از دستگیری در سال ۱۹۹۴ به عنوان بازداشت موقت در زندان کوریدالوس یونان نگه داری شده است.

دادگاه به ویژه این را مورد توجه قرار داد که آقای پی ریز ناگزیر بوده است بخش اعظمی از شبانه روز را عملاً محصور شده بر روی تخت خود در سلول فاقد پنجره و تهویه هوا بگذراند که گاهی به طور تحمل ناپذیری گرم بوده است. در عین حال، وی مجبور بوده است در حضور زندانی دیگر از دستشویی استفاده کند و هنگام استفاده ی هم سلولی خود از دستشویی نیز حضور داشته باشد. دادگاه معتقد بود چنین شرایطی از کرامت انسانی آقای پی ریز می کاهد و احساس اضطراب و حقارت را در وی می افزاید و می تواند موجب تحقیر و خواری و ذلت او شود و مقاومت جسمانی یا روانی او را در هم بشکند.

دادگاه اظهار داشت که دلیلی مبنی بر وجود قصد و عمد از ناحیه ی مقامات جهت تحقیر یا پست شمردن آقای پی ریز وجود نداشته است، اما این حقیقت که آن ها هیچ گامی در جهت بهبود شرایط غیر قابل قبول حبس برنداشته اند محرز شد و این امر عدم رعایت احترام به آقای پی ریز شمرده شد.

حقوقی که از لازم است حقوقی که در نتیجه ی محرومیت از آزادی از دست می روند، مورد ملاحظه دقیق قرار گیرند.

دست می روند

حق عبور و مرور آزادانه (اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۱۳) و به همان ترتیب حق گردهمایی آزاد (اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۲۰) به روشنی توسط ذات حبس محدود می شوند. با این حال چنین حقوقی نیز به طور کامل از دست نمی روند، مگر در موارد نادری که زندانیان در انزوای کامل قرار گیرند و دلیل مناسب و خاصی هم برای این انزوا وجود داشته باشد.

حق ارتباط خانوادگی (اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۱۲) از بین نمی رود اما می تواند تا حد زیادی محدود شود. برای مثال، در مجموعه ی زندان امکان دسترسی یک پدر به فرزند خود و بالعکس محدود است. توانایی تشکیل خانواده و حفظ آن (اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۱۶) حق دیگری است که در نظام های قضایی مختلف به شکل های متفاوتی با آن برخورد شده است. در برخی کشورها زندانیان مجاز به برقراری رابطه خصوصی با شریک زندگی یا همسر خود نیستند، در بعضی از کشورها در شرایط بسیار محدودی می توانند روابط جنسی داشته باشند. در برخی دیگر، آن ها مجازند در دوره های زمانی خاص روابط واقعاً معمولی داشته باشند. به این موضوعات در فصل هشتم این کتاب آموزشی پرداخته خواهد شد.

حقوق مادران و کودکان برای زندگی خانوادگی مستلزم ملاحظات خاص است. در فصل های ۱۲ و ۱۳ این کتاب آموزشی برخی از مهم ترین موضوعات مربوط به این حیطه مطرح خواهند شد.

حق همگان برای مشارکت در اداره ی امور عمومی کشور نیز خواه مستقیم و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده اند (اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۲۱) می تواند توسط حبس محدود شود. ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می کند که این حق از طریق رأی دادن در انتخابات اعمال می شود. در برخی نظام های قضایی، زندانیانی که هنوز محکوم نشده اند مجاز به رأی دادن هستند. در برخی دیگر، تمامی زندانیان می توانند رأی دهند. در سایر کشورها نیز هیچ کدام از زندانیان مجاز به شرکت در انتخابات نیستند و حتی ممکن است ممنوعیت رأی دادن به کسانی که محکومیت خود را سپری و زندان را ترک کرده اند نیز تسری داده شود.

انسانیت مشترک مردان، زنان و کودکانی که در زندان هستند همچنان انسان هستند. انسانیت آنان فراتر از حقیقت زندانی بودن آنان است. به همان ترتیب، کارکنان زندان نیز انسان هستند. گستره‌ای که در آن این دو گروه انسانیت مشترک شان را موردشناسایی و توجه قرار می‌دهند، مهم‌ترین معیار برای یک زندان شایسته و انسانی است. هرگاه جای چنین شناختی خالی باشد، خطر تجاوز واقعی به حقوق بشر وجود دارد.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۱۰:

با کلیه افراد محروم از آزادی باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی انسان رفتار کرد.

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، اصل ۱:

با کلیه زندانیان باید با احترام به کرامت و ارزش ذاتی شان به عنوان انسان رفتار شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱:

با کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت یا حبس قرار دارند باید به شیوه‌ای انسانی و با احترام به کرامت ذاتی آن‌ها به عنوان افراد انسانی رفتار شود.

منشور افریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، ماده‌ی ۵:

هر کس از حق احترام به کرامت ذاتی یک انسان برخوردار است و باید وضعیت قانونی وی به رسمیت شناخته شود.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده‌ی ۵ (۲):

با کلیه افراد محروم از آزادی باید با احترام به کرامت ذاتی انسان رفتار شود.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

حمایت از رفتار مناسب کارکنان با زندانیان درس کلیدی این کتاب آموزشی است. اگر کارکنان به شیوه‌ای رفتار کنند که حقوق بشر موجب احترام زندانیان به عنوان یک شخص رعایت نشود و کرامت ذاتی آن‌ها به رسمیت شناخته نشود هرگونه توجه به حقوق فردی انسان غیرممکن می‌شود. رفتار کارکنان و برخورد محترمانه و انسانی زندانیان باید زیربنای هر فعالیت اجرایی در زندان باشد. این تنها یک مسئله مربوط به اصول حقوق بشر نیست. از لحاظ کارکرد نیز مؤثرترین و کارآمدترین راه برای اداره‌ی یک زندان است. کوتاهی در توجه به چنین الزاماتی، علاوه بر تجاوز به حقوق انسانی می‌تواند برای اداره زندان تبعات قانونی نیز دربرداشته باشد.

در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۴ کریستوفر ادواردز، که در همان سال طبق آزمایشات پزشکی به عنوان یک بیمار اسکیزوفرنی شناخته شده بود، به خاطر نزدیک شدن به زن‌های جوان در خیابان دستگیر شد. وی در زندان چلمزفورد انگلستان بازداشت شد. روز بعد وی در یک سلول در کنار مرد جوان دیگری قرار داده شد که دارای سابقه‌ی پرخاشگری و طغیان خشونت بود. کمی بعد، قبل از ساعت یک بامداد ۲۹ نوامبر، کارکنان زندان کریستوفر ادواردز را در سلول خود مرده یافتند. وی توسط زندانی دیگر، که متعاقباً به دلیل مسئولیت نسبی محکوم به قتل شد، تا سرحد مرگ مضروب شده بود.

والدین کریستوفر ادواردز قضیه را در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کردند. دادگاه در دادرسی سال ۲۰۰۲ خود اعلام کرد که با عنایت به شرایط مرگ کریستوفر ادواردز، از ماده ی ۲ (حق زندگی) تخطی شده است. به لحاظ عدم انجام اقدام تحقیقاتی مؤثر در خصوص وضعیت مرگ وی تخطی دیگری نیز از ماده ی ۲ صورت گرفته است و با توجه به عدم دسترسی والدین وی به راه های مناسب جهت اثبات ادعاهایشان مبنی بر کوتاهی مقامات در حمایت از حق زندگی فرزندان، ماده ی ۱۳ (حق درمان مؤثر) نیز نقض شده است.

مفهوم عملی این رویکرد به صورت مشروح تر در قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (SMR) که در سال ۱۹۵۷ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و در این کتاب آموزشی نیز به کرات مورد استناد قرار گرفته، آمده است. قواعد حداقل استاندارد به جنبه های اساسی زندگی روزانه ی زندان می پردازد. متن این قوانین در عین حال که جنبه های غیر قابل بحث رفتار با زندانیان را توضیح می دهد و الزامات قانونی را منعکس می کند اذعان می دارد که شرایط حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، و جغرافیایی گوناگونی در جهان وجود دارد. این سند بیان می کند که قواعد حداقل استاندارد تدوین شده اند تا تلاشی مداوم جهت غلبه بر مشکلات عملی را باعث شوند و از تجربیات جدید حمایت کنند، به شرط این که آن ها با اصول مطرح شده در قوانین منطبق باشند. (بند دوم و سوم ملاحظات مقدماتی قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان).

شکنجه و بدرفتاری هرگز مجاز نیست

هیچ شرایطی شکنجه را توجیه نمی کند

اسناد حقوق بین المللی بشر جای هیچ ابهام و تردیدی را در زمینه ی شکنجه و بدرفتاری باقی نمی گذارند. این اسناد به روشنی بیان می کنند که شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازات های خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، تحت هیچ شرایطی نمی توانند مجاز باشند. شکنجه به عنوان عملی تعریف شده است که عامدانه در مورد شخصی اعمال شود و رنج یا دردی شدید را، خواه جسمانی و خواه روانی، متوجه وی سازد مگر رنج یا دردی که به واقع جزء لاینفک بازداشت یا حبس است.

اعتراف اجباری تحت شکنجه ممنوع است

ممنوعیت شکنجه به ویژه در ارتباط با مکان های نگه داری افراد تحت بازجویی یا تحقیقات مقدماتی اهمیت دارد، چرا که احتمال وسوسه ی توسل به فشار جهت تخلیه ی نکات اصلی اطلاعات برای حل و فصل مورد جرم وجود دارد. روشنگرترین مثال آن جایی است که یک زندانی در نتیجه ی رفتارهای ناهنجار نسبت به وی هنگام بازجویی به جرم اعتراف می کند. این مبحث مهمی در مورد جدایی نهادهای مسئول تحقیقات جنایی و نهادهای مسئول نگه داری اشخاص متهم از یکدیگر است.

بدرفتاری هرگز نباید عادی شمرده شود

طبیعت بسته و محصور زندان ها می تواند موقعیتی فراهم کند که اعمال فشار گاه به شکل سازمان یافته، و گاه به شکل اقدامی خودسرانه و فردی از سوی کارکنان بروز کند. این خطر وجود دارد که در کشورها یا زندان هایی که وجه تبیهی زندان در اولویت است، توسل نامشروع روزمره به زور و ضرب و شتم که می تواند منجر به شکنجه و بدرفتاری شود، از سوی کارکنان به عنوان رفتاری «عادی» تلقی شود.

هیچ کس نباید تحت شکنجه یا رفتار و مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

کنوانسیون حمایت از کلیه‌ی افراد در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ماده‌ی ۱ (۱):

... "شکنجه" به معنی هر گونه عملی است که به وسیله‌ی آن درد یا فشار شدید، جسمانی یا روحی، به فرد وارد می‌شود و عمل مزبور به صورت عامدانه توسط یک مقام رسمی یا شخص دیگر و یا به تحریک آن‌ها صورت می‌گیرد و هدف از عمل مورد نظر نیز دست یافتن به اهدافی است مانند کسب اطلاعات از شخص مورد شکنجه یا از شخص ثالث و یا اعتراف؛ مجازات فرد به سبب عملی که مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا مرعوب ساختن شخص مورد شکنجه یا دیگران. این تعریف شامل درد یا فشاری نمی‌شود که در ذات مجازات‌های قانونی وجود دارد یا به تبع آن و یا به طور تصادفی حاصل می‌شود.

کنوانسیون حمایت از کلیه‌ی افراد در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ماده‌ی ۲:

- (۱) هر دولت طرف کنوانسیون باید اقدامات مؤثر قانون گذاری، اداری، قضایی، یا دیگر اقدامات را به منظور پیش‌گیری از شکنجه در حوزه‌ی قضایی خود انجام دهد.
- (۲) شرایط استثنایی هر چه باشد، خواه یک وضعیت جنگی یا خطر بروز جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی یا هر گونه وضعیت فوق‌العاده عمومی نمی‌تواند به عنوان عامل توجیه‌کننده‌ی شکنجه مورد استناد قرار گیرد.
- (۳) دستور یک مأمور ارشد یا یک مقام دولتی نمی‌تواند به عنوان عامل توجیه‌کننده‌ی شکنجه مورد استناد قرار گیرد.

اعلامیه‌ی حمایت از کلیه‌ی افراد در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ماده‌ی ۱۰:

هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون باید اطمینان حاصل کنند که آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد ممنوعیت شکنجه به صورت کامل در دوره‌های آموزشی کارکنان مجری قانون، انتظامی یا نظامی، کارکنان پزشکی، مأمورین عمومی و دیگر افرادی که سر و کارشان با مسائل مربوط به بازداشت، بازجویی یا برخورد با هر فرد تحت هر نوع دستگیری، بازداشت یا زندان است، گنجانیده شده باشد.

اصول رفتار برای مأموران اجرای قانون، ماده‌ی ۳:

مأموران اجرای قانون تنها هنگامی می‌توانند به اعمال زور متوسل شوند که ضرورتی جدی آن را ایجاب کند و انجام وظایف آن‌ها تا حد زیادی مستلزم توسل به زور باشد.

مجموعه اصول حمایت از کلیه‌ی افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۳۴:

هنگامی که مرگ یا ناپدیدشدن فرد بازداشت شده یا زندانی در مدت بازداشت یا حبس وی رخ می‌دهد، باید تحقیقی در خصوص علت مرگ یا ناپدید شدن توسط یک مرجع قضایی و یا غیرقضایی صورت گیرد. تحقیق مزبور می‌تواند به ابتکار خود مرجع موردنظر یا درخواست یکی از اعضای خانواده شخص فوت یا ناپدید شده یا هر شخص دیگری که از این موضوع آگاهی دارد، صورت گیرد.

ممنوعیت شکنجه
باید به کارکنان
گوشزد شود

تمامی مقامات مسئول سازمان زندان‌ها باید اطمینان حاصل کنند که همه‌ی کارکنان و سایر افرادی که با زندان سر و کار دارند از ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتارهای خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز آگاهی کامل دارند.

لحظه‌های
خطرناک برای
بدرفتاری

مقامات باید اطمینان حاصل کنند که هیچ کدام از مقررات اجرایی زندان نتواند از سوی کارکنان به عنوان مجوزی برای تحمیل چنین رفتاری به یک زندانی، تفسیر شود. این امر به ویژه در مورد مقررات مربوط به مواجهه با زندانیان مشکل دار یا کارشکن و زندانیانی که در بخش‌های مجزا نگه داری می‌شوند، صدق می‌کند. برخی لحظه‌های کلیدی وجود دارند که چگونگی رفتاری را که از کارکنان در قبال زندانیان انتظار می‌رود، مشخص می‌کنند. یکی از این لحظات پذیرش زندانی برای نخستین بار در زندان است. رفتاری که وی در این لحظه با آن روبه‌رو می‌شود برای وی و سایرین نشانه‌ی مهمی است از آنچه بعداً رخ خواهد داد. بعضی اشخاص در مراحل اولیه‌ی پذیرش ترسیده و رام به نظر می‌رسند. بعضی دیگر شاید سئیزه جو و یا تحت تأثیر مواد مخدر یا الککل باشند. ضرورت رفتار همراه با عزت و احترام کارکنان با تمامی زندانیان هنگام پذیرش مهم است. مجموعه مقررات مهم دیگر مربوط به رفتار با زندانیانی است که خشن‌اند، مقررات زندان را نقض می‌کنند یا به هر طریق اداره‌ی آن‌ها مشکل است. می‌توان محکم و قاطع رفتار کرد و در عین حال از هرگونه خشونت یا رفتار غیر انسانی اجتناب کرد.

سوء استفاده
جنسی

زندان‌یان در برابر سوء استفاده جنسی آسیب پذیرند. این سوء استفاده می‌تواند به عنف یا در نتیجه‌ی اجبار و یا برای کسب امتیاز باشد. در برخی موارد یکی از مأموران و در بیشتر موارد یکی از زندانیان مرتکب این عمل می‌شود. در بسیاری موارد شاید مأموران سوء استفاده جنسی توسط زندانیان را به عنوان شکلی از تنبیه یا کنترل مورد چشم پوشی قرار دهند. در بسیاری از کشورها تجاوزات جنسی در زندان به مقوله‌ای گسترده و جدی تبدیل شده است. این مقوله، علاوه بر آن که موجب آسیب‌های جسمی و روانی می‌شود، شیوع آیدز و سایر بیماری‌ها را نیز افزایش می‌دهد. سازمان‌های زندان‌ها مسئولیت دارند تا اطمینان حاصل کنند که زندانیان، به ویژه زنان، از تهدید سوء استفاده جنسی مصون هستند.

دادگاه عالی ایالات متحده حکمی را صادر کرده است مبنی بر این که "رفتار خشونت آمیز در زندان‌ها بخشی از کفیری نیست که بزهکاران به سبب بزه خود علیه جامعه تحمل می‌کنند." در نتیجه اخیراً لایحه‌ای (قانون سال ۲۰۰۲ پیش‌گیری از تجاوز جنسی در زندان) در سنای آمریکا مطرح است که پیش‌گیری و مجازات تجاوز جنسی در زندان‌ها را پی‌گیری کند و نیز زندان‌هایی را که میزان بالای تجاوز جنسی در آن‌ها اتفاق می‌افتد، شناسایی کند.

قاعده مند کردن
توسل به زور

باید برای کارکنان روشن شود که رفتار یک زندانی هرگز نمی‌تواند توجیهی برای توسل به شکنجه یا بدرفتاری باشد. توسل به زور باید مطابق با رویه‌های پذیرفته شده و تنها به میزان لازم جهت مهار کردن زندانی باشد. باید مقررات خاصی در خصوص به کارگیری انواع وسایل اعمال زور بدنی شامل وسایل مهارکننده‌ای مثل دستبند، کمربند امنیتی، زنجیر و همین‌طور باتون و چماق، وجود داشته باشد. کارکنان نباید دسترسی نامحدود به دستبند، کمربندهای امنیتی و ژاکت‌های ویژه کنترل زندانیان خشن داشته باشند، بلکه باید این وسایل در یک مکان مرکزی در زندان نگه داری شوند و باید هرگونه استفاده با مجوز قبلی یکی از کارکنان ارشد باشد. لازم است گزارش کاملی از تمامی موارد استفاده از این وسایل و شرایطی که در آن از این وسایل استفاده شده، تهیه شود.

کاربرد باتون یا
چماق

در بسیاری کشورها هر یک از کارکنان نوعی باتون یا چماق برای استفاده‌ی شخصی در اختیار دارند. وجود دستورالعمل شفافی در مورد شرایط استفاده از آن ضروری است. این باتون یا چماق باید برای دفاع شخصی و نه به عنوان نوعی تنبیه به کار رود. کارکنان هنگامی که به دنبال انجام وظایف روزانه هستند نباید باتون یا چماق را آزادانه در دستان خود حمل کنند. فصل پنجم این کتاب آموزشی مختص امنیت و حسن نظم است، و در آن مفصل‌تر به این موضوعات پرداخته خواهد شد.

توسل حداقل به روش های مختلفی وجود دارند که براساس آن ها حداقل زور برای کنترل زندانیان خشن اعمال می شود. این ها از شیوه های اعمال زور

احتمال بروز آسیب دیدگی جدی کارکنان و نیز زندانیان می کاهند. کارکنان باید در خصوص این روش ها آموزش ببینند، و این آموزش ها باید به طور منظم با شرایط نوین هماهنگ شوند. در مواردی که یک حادثه خشونت بار رخ می دهد یا لازم است یک زندانی مهار شود، یکی از کارکنان ارشد باید در اسرع وقت صحنه را تحت نظارت قرار دهد و نباید تا پایان حادثه محل را ترک کند.

شکایت و دادخواهی در خصوص شکنجه و بدرفتاری

لازم است رویه هایی رسمی و واضح وجود داشته باشد تا بر اساس آن ها زندانیان بتوانند بدون هراس از هرگونه تلافی جویی، شکایت های خود در زمینه ی هرگونه شکنجه یا رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را تسلیم یک مقام مستقل کنند. فصل نهم این کتاب آموزشی به حق شکایت زندانیان خواهد پرداخت.

دسترسی به ناظران مستقل

ضروری است به منظور حصول اطمینان از عدم ارتکاب شکنجه یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، روالی جهت دسترسی منظم قضات یا سایر اشخاص مستقل به زندان ها وجود داشته باشد. لزوم بازرسی مستقل در فصل دهم این کتاب آموزشی مطرح خواهد شد.

رویه های پذیرش

آسیب پذیری در هنگام پذیرش

بازداشت شدگان و زندانیان به ویژه هنگام نخستین بازداشت یا حبس آسیب پذیرند. قوانین بین المللی تصدیق می کنند که در این هنگام حق زندگی و رهایی از شکنجه و بدرفتاری، چارچوب حمایتی خاصی را اقتضاء می کند. برخی اسناد حقوقی بین المللی بر حقوق اشخاص زندانی و تعهدات کارکنان زندان هنگام نخستین پذیرش در یک مکان بازداشت و حفاظت در برابر شکنجه، بدرفتاری، ناپدید شدن، اعدام فراقضایی و خودکشی، تصریح دارند.

رویه های پذیرش مبتنی بر رعایت کرامت انسانی

رویه های عملی مناسب در سراسر دنیا متحول شده اند و نشانگر این هستند که چگونه کارکنان می توانند رویه های پذیرش را نه تنها به صورت قانونی بلکه با حساسیت نسبت به آسایش و کرامت ذاتی شخص زندانی اجرا کنند. ورای این رویه های مناسب، ایجاد مجموعه ای از توصیه ها با قابلیت کاربرد جهانی و قابلیت انطباق با رسوم محلی، سنت های فرهنگی و سطح اجتماعی اقتصادی، امکان پذیر است.

تمامی زندانیان از این حقوق ناظر بر تمامی زندانیان است اعم از بازداشتی، در انتظار محاکمه، در انتظار اجرای حکم یا محکوم. این حقوق ملاحظات تکمیلی مهمی نیز شامل گروه های خاصی از زندانیان می شود نظیر آن هایی که هنوز محکوم نشده اند، نوجوانان، جوانان و زنان. در فصل های ۱۱ تا ۱۶ این کتاب آموزشی به نیازهای خاص آن ها پرداخته خواهد شد.

کنوانسیون حقوق وین درباره روابط کنسولی، ماده ی ۳۶:

- ۱ به منظور تسهیل انجام وظایف کنسولی در مورد اتباع دولت بیگانه:
 - (الف) مأموران کنسولی می بایست در مورد برقراری ارتباط با اتباع دولت خود آزاد باشند و به آن ها دسترسی داشته باشند. اتباع دولت بیگانه نیز در مورد برقراری ارتباط با مأمورین کنسولی دولت متبوع خود و دسترسی داشتن به آن ها باید از همان آزادی برخوردار باشند.
 - (ب) در صورتی که در حوزه ی کنسولی، یکی از اتباع دولت بیگانه توقیف یا زندانی و یا در انتظار محاکمه بازداشت و یا به هر صورت توقیف شده باشد، مقامات صلاحیت دار دولتی که کنسولگری کشور بیگانه در آن دایر است می بایست بنا به تقاضای ذی نفع بدون تأخیر، مراتب را به پست کنسولی دولت بیگانه اطلاع دهند. مراسلات و مکاتبات شخص توقیف یا زندانی یا بازداشت شده خطاب به پست کنسولی می بایست بدون تأخیر، توسط مقامات مذکور ارسال شود. مقامات مذکور، می بایست حقوقی را که به موجب این بند به شخص ذی نفع تعلق می گیرد، به اطلاع آن فرد برسانند.
 - (ج) مأموران کنسولی می بایست حق داشته باشند تبعه ی دولت خود را که زندانی یا بازداشت یا توقیف شده است، ملاقات و با او مذاکره و مکاتبه کنند و اعتراض قانونی او را سامان دهند. مأموران کنسولی همچنین می بایست حق داشته باشند هر تبعه ی دولت خود را که طبق رأی دادگاه در حوزه ی کنسولی آن ها زندانی یا توقیف یا پس از محاکمه بازداشت شده است، ملاقات کنند. با وجود این، هرگاه تبعه ی دولت بیگانه که زندانی یا توقیف یا بازداشت شده است، صریحاً مخالف اقدام مأموران کنسولی در مورد خودش باشد، مأموران کنسولی می بایست از این کار خودداری کنند.
- ۲ حقوق مذکور در بند ۱ این ماده باید در حدود قوانین و مقررات دولت میزبان و تابع شرایط اعمال شود، به طریقی که قوانین و مقررات مزبور باید هدف هایی را که حقوق مندرج در این ماده برای نیل به آن پیش بینی شده، میسر سازند.

اصول پیش گیری مؤثر از اعدام های غیرقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه و تحقیقات در این زمینه، ماده ۶:

دولت ها باید تضمین کنند که افراد محروم از آزادی در مکان هایی نگه داری می شوند که به صورت رسمی به عنوان مکان بازداشت شناخته شده اند و اطلاعات دقیق در خصوص بازداشت و مکان های نگه داری و از جمله انتقال آن ها بلافاصله برای وابستگان یا وکیل آن ها و یا سایر نزدیکان فرد قابل دسترس باشد.

اعلامیه ی حمایت از همه ی افراد در برابر ناپدید شدن تحت اجبار، ماده ی ۱۰:

در هر مکان بازداشت، باید یک دفتر ثبت رسمی به روز، برای ثبت نام کسانی که از آزادی خود محروم شده اند، وجود داشته باشد. علاوه بر آن، لازم است هر دولت نیز دفاتر ثبتی را به صورت مرکزی دارا باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۷:

- ۱ در هر محلی که افرادی زندانی هستند بایستی دفاتر ثبت منسجمی با صفحات شماره دار موجود باشد که درباره ی هر زندانی مطالب زیر را درج کند:
 - (الف) اطلاعات مربوط به هویت؛
 - (ب) علت بازداشت و مقام ذیربط؛
 - (ج) روز و ساعت پذیرش و آزادی؛
- ۲ هیچ کس نباید بدون دستور یا حکم بازداشت معتبری که مشخصات آن در دفتر ثبت درج شده است، وارد بازداشتگاه شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۳۵:

- (۱) هر زندانی هنگام پذیرش باید اطلاعات مکتوبی را درباره ی مقررات حاکم بر رفتار با زندانیان هم رده ی او، مقررات انتظامی مرکز نگه داری، شیوه های مجاز کسب اطلاعات و طرح شکایت و تمامی موضوعاتی که جهت توانا ساختن وی در درک همزمان حقوق و تکالیف خود و هماهنگی با زندگی در زندان لازم است، دریافت کند.

(۲) چنانچه زندانی بی سواد باشد، اطلاعات مزبور باید به صورت شفاهی به وی ابلاغ شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۳:

لازم است اطلاعات و توضیحات مربوط به بازداشت یا حبس فرد و حقوق وی و چگونگی استفاده از این حقوق، هنگام آغاز بازداشت یا حبس یا بلافاصله پس از آن توسط مقام مسئول بازداشت یا حبس وی در اختیار شخص مزبور قرار داده شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۶:

(۱) شخص بازداشتی یا محبوس باید بتواند بلافاصله پس از بازداشت و پس از هر انتقال از یک مکان بازداشت یا حبس به مکان دیگر، اعضای خانواده خود یا دیگر اشخاص مقتضی را به انتخاب خود از بازداشت یا حبس یا انتقال و مکانی که در آن نگه داری می شود آگاه سازد یا از مقام صلاحیتدار بخواهد تا نسبت به آگاه ساختن آن ها اقدام کند.

(۲) چنانچه شخص بازداشت شده یا زندانی خارجی است، باید بلافاصله از حق خود جهت ارتباط با وکیل یا نماینده دیپلماتیک کشور متبوع خود از راه های مقتضی، یا در مواردی که شخص مورد نظر پناهنده یا تحت حمایت یک سازمان بین المللی است، از حق تماس با نماینده ی سازمان بین المللی صلاحیت دار مطابق با قوانین بین المللی آگاه شود.

(۳) هرگاه شخص بازداشت شده یا زندانی نوجوان باشد یا قادر به درک حقوق خود نباشد، مقام صلاحیت دار موظف است به ابتکار خود، آن ها را در مورد این اصل آگاه کند. لازم است توجه خاصی نسبت به آگاه ساختن والدین یا سرپرستان آن ها صورت گیرد.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۸:

شخص بازداشت شده یا زندانی باید از حق ارتباط و مشاوره با وکیل خود برخوردار شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۲۴:

پس از پذیرش فرد، لازم است در اسرع وقت، در محل بازداشت یا حبس، معاینه ی پزشکی مناسبی از وی به عمل آید. این معاینه و احیاناً معالجه پزشکی باید به صورت رایگان انجام شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۲۴:

پس از پذیرش زندانی، یک مسئول پزشکی باید در اسرع وقت و نیز در سایر موارد ضروری، هر زندانی را با توجه خاص جهت شناسایی بیماری های جسمانی و روانی و اتخاذ تدابیر لازم، جداسازی زندانیان مشکوک به بیماری های مسری یا عفونی، در نظر گرفتن نواقص جسمانی یا روانی که شاید بازپروری وی را مختل سازد، و تعیین میزان توانایی جسمی زندانی برای کار، مورد ملاحظه و معاینه ی پزشکی قرار دهد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۳۸:

(۱) زندانیانی که تابعیت خارجی دارند باید از تسهیلات موجه برای ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور متبوع خود برخوردار باشند.

(۲) زندانیانی که کشور متبوع آن ها نماینده ی دیپلماتیک یا کنسولی در کشور مورد نظر ندارد و افراد پناهنده یا کسانی که فاقد تابعیت هستند باید از تسهیلات مشابهی برای ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک کشوری که حافظ منافع آن ها است یا هر گونه مقام ملی یا بین المللی که از جمله وظایف او حمایت از چنین افرادی است، برخوردار باشند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

ضرورت وجود یک حکم معتبر قضایی

تمامی زندانیان حق دارند در محلی که رسماً به عنوان زندان شناخته شده است، نگه داری شوند. نخستین وظیفه ی مقامات زندان، دقت در وجود یک حکم معتبر برای حبس هر شخصی است که به زندان فرستاده شده است. این حکم باید توسط یک مقام قضایی یا مقام صلاحیتدار دیگر صادر و امضاء شده باشد.

ضرورت ثبت زندانیان

مقامات زندان باید در محل زندان و نیز در صورت امکان در محلی مرکزی، یک دفتر ثبت رسمی به روز برای تمامی حبس ها داشته باشند. این دفتر ثبت باید تاریخ و زمان پذیرش و مقامی که حبس براساس دستور او صورت گرفته، را نشان دهد. اطلاعات چنین دفتری باید برای دادگاه ها و سایر مقامات صلاحیتدار و همچنین هر شخص دیگری که به طور قانونی در این اطلاعات ذینفع است، قابل دسترس باشد.

ثبت باید در دفاتر شماره دار صورت گیرد و مهر و موم شود

جزئیات مربوط به هر زندانی باید برای شناسایی وی کافی باشد. هدف از وجود دفتر ثبت حصول اطمینان از این امور است که تنها کسانی در زندان نگه داری شوند که حبس آن ها ضمانت اجرایی مشروع دارد، بیشتر از مدت قانونی در آن جا نگه داری نشوند و در برابر تجاوز به حقوق انسانی آن ها مثل ناپدید شدن، شکنجه یا بدرفتاری و اعدام فراتر از حد حفاظت شوند. این دفاتر باید شماره گذاری شده باشند و به گونه ای صحافی شوند که امکان حذف یا اضافه کردن به محتویات آن ها وجود نداشته باشد.

ثبت نام زندانیان منتظر محاکمه

در مورد افرادی که بدون حکم مجازات، بازداشت شده اند، قرار قانونی مکتوب برای بازداشت باید تاریخ حضور بعدی آن ها در دادگاه را مشخص کرده باشد.

آگاه ساختن بستگان و نمایندگان حقوقی

تمامی افرادی که در زندان پذیرش می شوند باید در اسرع وقت امکان مطلع ساختن نماینده ی حقوقی یا هر یک از اعضای خانواده شان را داشته باشند. این امکان در صورت انتقال زندانی به یک زندان یا مکان بازداشت دیگر نیز باید فراهم باشد. حقوق زندانیان منتظر محاکمه در فصل یازدهم این کتاب آموزشی مطرح می شود. در فصل دوازدهم نیز ضرورت توجه خاص به تضمین امکان ارتباط زندانیان جوان با خانواده شان مورد بحث قرار می گیرد. زندانیانی که مسئولیت مراقبت از اعضای کهن سال، خردسال یا بیمار خانواده را بر عهده دارند و عمدتاً زندانیان زن هستند، باید از ملاحظات بیشتری برخوردار باشند.

زندانیان خارجی

زندانیان خارجی، به ویژه آن هایی که در انتظار محاکمه هستند، باید از امکانات موجه برای ارتباط و ملاقات با نماینده ی کشور متبوع خود برخوردار شوند. چنانچه پناهنده یا تحت حمایت سازمان های بین الدولی باشند، باید از حق ارتباط و ملاقات با نمایندگان سازمان بین المللی ذیربط برخوردار باشند. باید به خاطر داشت که چنین ارتباطی می بایست تنها با رضایت فرد زندانی صورت گیرد. ممکن است در مواردی حمایت از زندانیان در برابر اخراج از کشور یا بازگرداندن به کشوری که شواهدی مبنی بر وجود خطر شکنجه یا بدرفتاری در آن جا وجود دارد، ضروری باشد.

لزوم انجام معاینات پزشکی

به محض پذیرش یک زندانی در زندان، لازم است یک مقام پزشکی صلاحیتدار وی را تحت معاینه قرار دهد. باید امکان هرگونه مراقبت پزشکی لازم فراهم شود. تمامی این امور باید رایگان باشند.

از نظر کمیته ی اروپایی پیش گیری از شکنجه معاینات پزشکی باید در همان روز پذیرش انجام شود.
[گزارش بازدید کمیته از فنلاند در ۱۹۹۲]

تمامی نشانه های مشهود خشونت... باید به طور کامل همراه با اظهارات زندانی و نتیجه گیری های پزشک ثبت شود و در صورت درخواست زندانی، پزشک باید گواهی تأییدکننده ی صدمات وارده به وی را ارائه کند.
[گزارش بازدید کمیته از بلغارستان در ۱۹۹۵]

کمیته ی اروپایی پیش گیری از شکنجه معاینات پزشکی زندانیان تازه وارد را «به ویژه جهت پیشگیری از شیوع بیماری های واگیردار، پیشگیری از خودکشی و ثبت به موقع صدمات»، ضروری می داند.
[گزارش بازدید کمیته از ترکیه در ۱۹۹۷]

نقش یک پرستار در برخی زندان ها شاید احضار یک پزشک برای معاینه ی تمامی زندانیان بلافاصله پس از پذیرش دشوار باشد. شایسته ممکن است پزشک مستقری وجود نداشته باشد یا میزان پذیرش چنان زیاد باشد که پزشک قادر به انجام معاینات پزشکی کامل از همه ی زندانیان نباشد، به ویژه اگر پذیرش زندانیان در نوبت عصر صورت گیرد. در چنین شرایطی باید تمهیداتی اتخاذ شود تا یک پرستار واجد صلاحیت، یک مصاحبه ی مقدماتی با تمامی زندانیان انجام دهد. در این صورت پزشک تنها زندانیان به واقع مریض احوال یا ارجاعی از طرف پرستار را معاینه خواهد کرد. تحت چنین تمهیدی پزشک معاینه ی کامل از زندانیان را روز بعد از پذیرش انجام خواهد داد.

حق زندانیان در دسترسی به مراقبت های بهداشتی، استانداردهای حاکم بر کیفیت این مراقبت ها، و سایر موضوعات در فصل چهارم این کتاب آموزشی مطرح می شود.

زنان نیازمند حمایت های ویژه اند با توجه به نسبت بالای زنان زندانی صدمه دیده از سوء استفاده ی جنسی، کارکنانی که در قسمت پذیرش زنان کار می کنند باید آموزش های تکمیلی فراگیرند تا از مسائل حساس مربوطه آگاهی داشته باشند.

بازرسی بدنی کامل بدنی زندانیان هنگام نخستین پذیرش در زندان یک روال عمومی است. به بحث بازرسی ها در فصل پنجم این کتاب آموزشی به نحو مبسوطی پرداخته می شود.

حق احترام به حریم خصوصی، خانواده، خانه و ارتباطات، و حمایت از عزت و اعتبار (ماده ۱۷) تفسیر کلی ۱۶، بند ۸:

تا آن جا که به بازرسی های شخصی و بدنی مربوط می شود، اتخاذ موازین مؤثر برای تضمین سازگاری چنین بازرسی هایی با کرامت افراد تحت بازرسی ضروری است. کسانی که توسط مأموران دولتی یا کارکنان پزشکی متعهد خدمت برای دولت، بازرسی بدنی می شوند تنها باید توسط اشخاص همجنس خود بازرسی شوند.^۱

در سال ۱۹۹۳ دادگاه عالی کانادا حکم کرد که کارکنان مرد نمی توانند به بازرسی بدنی زندانیان زن حتی از روی لباس بپردازند، اما دادگاه به ممنوعیت بازرسی زندانیان مرد توسط کارکنان زن حکم نکرد، زیرا دادگاه چنین نتیجه گیری کرد که تأثیر بازرسی های بین دو جنس متفاوت است و برای زنان بیشتر از مردان تهدید کننده است.

زندگی در زندان باید در چارچوبی از عدالت و انصاف شروع شود و جریان یابد، به شیوه‌ای که احساس عدم قدرت را در زندانیان به حداقل برساند و برایشان تصریح کند که آن‌ها هم چنان شهروند هستند و دارای حقوق و تعهدات شهروندی. این امر احتمالاً برای کسانی که نخستین بار به زندان می‌آیند اهمیت خاصی دارد. لازم است در اولین فرصت پس از پذیرش تمهیداتی اتخاذ شود که آگاهی تمامی زندانیان را از مقررات زندان، آنچه از آنان انتظار می‌رود، و آنچه آنان می‌توانند از کارکنان انتظار داشته باشند، تضمین کند. در صورت امکان باید یک نسخه شخصی از مقررات زندان در اختیار آن‌ها قرار گیرد.

لازم است تمهیداتی اتخاذ شود تا این اطمینان حاصل شود که افراد ناآشنا به زبان محلی، بی سواد یا معلول نیز قادر به دریافت و درک این اطلاعات مهم هستند. این امر می‌تواند به طرق مختلفی مثل قرائت و توضیح مقررات توسط یک شخص، حضور شخصی که قادر به تکلم به زبان زندانی است و یا با استفاده از نوارهای ویدیویی صورت گیرد. همان گونه که در فصل نهم این کتاب آموزشی مفصل تر بحث خواهد شد، آگاه سازی زندانیان از حق ارائه درخواست یا شکایت نیز اهمیت خاصی دارد.

نحوه‌ی انجام کار کارکنان پذیرش یک زندان می‌تواند به تناسب تعداد زندانیان پذیرش یا آزاد شده در یک روز بسیار متفاوت باشد. در زندان‌های ویژه‌ی نگه داری زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت، شاید در طول یک ماه تنها به تعداد انگشتان یک دست، زندانی پذیرش یا آزاد شود. در چنین مواردی کارکنان تحت فشار نیستند و قادرند زمان معقولی را صرف هر زندانی کنند. در زندان‌های بزرگ شهری که عمدتاً با زندانیان در انتظار محاکمه، منتظر اجرای حکم یا محکوم به حبس‌های کوتاه مدت سر و کار دارند، ممکن است روزانه و اغلب ظرف چند ساعت، ده‌ها یا حتی صدها زندانی از پذیرش گذر کنند. در چنین وضعیتی لازم است کارکنان از طرف مدیریت تحت حمایت و نظارت قرار گیرند.

شاید واحد پذیرش برای زندانیان تازه وارد بسیار ترسناک باشد. کارکنان بخش پذیرش باید آموزش‌های خاص ببینند تا تشخیص دهند که چگونه باید تعادل دشوار میان کنترل قاطع، که برای زندانیان روشن می‌کند زندان یک مکان کاملاً منظم است، و درک اضطراب‌های احتمالی زندانیان به هنگام ورود به این دنیای جدید غریب را برقرار سازند. همه‌ی کارکنان مناسب این نوع کار نیستند. آن‌هایی که در پذیرش کار می‌کنند باید به طور خاص انتخاب شوند و دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را بگذرانند تا بتوانند وظایف خود را با حساسیت و اعتماد به نفس انجام دهند.

شرایط زندگی

چنانچه دولت‌ها بخواهند به تعهدات خود در خصوص کرامت انسانی زندانیان و انجام وظایف مراقبتی عمل کنند، باید نسبت به فراهم ساختن برخی الزامات مادی اساسی اقدام کنند. این‌ها شامل تدارک امکانات اقامتی کافی، شرایط بهداشتی، پوشاک و وسایل خواب، خوراک، آب آشامیدنی و فعالیت‌های بدنی است. هنگامی که مقامات قضایی کسی را به زندان می‌فرستند، اسناد بین‌المللی صراحت دارند که کیفر تحمیل شده تنها باید محرومیت از آزادی باشد. حبس نباید در بردارنده‌ی خطرات جسمانی یا سوءاستفاده روانی توسط کارکنان یا سایر زندانیان باشد. حبس نباید شامل خطر ابتلا به بیماری‌های وخیم یا حتی مرگ به سبب شرایط مادی یا فقدان مراقبت‌های مناسب باشد.

در کشورهایی که معیارهای زندگی عموم افراد بسیار پایین است، گاه چنین استدلال می‌شود که زندانیان سزاوار نگه داری در شرایط شایسته و انسانی نیستند. اگر مردان و زنان در بیرون از زندان ناگزیر از تقلا برای زنده ماندن هستند و غذای کافی برای خود و فرزندانشان ندارند، چرا باید کسی نگران شرایط آن‌هایی باشد که به خاطر نقض قانون نگه داری می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال دشوار است اما می‌توان به آن پاسخ داد. به سادگی می‌توان تصور

کرد که اگر یک دولت به خود حق می دهد شخصی را به هر دلیل از آزادی محروم کند موظف است تضمین رفتار شایسته و انسانی با وی را هم تعهد کند. این حقیقت که تحصیل زندگی شایسته برای شهروندان غیر زندانی دشوار است، هیچ گاه نمی تواند دستاویز دولت برای فقدان رفتار شایسته با افراد تحت نگره داری اش باشد. این اصل در بطن یک جامعه ی مردم سالار جای می گیرد، جایی که در آن باید به نهادهای دولتی به عنوان سرمشق های رفتار با تمامی شهروندان نگریسته شود.

بهره گیری از منابع در یک سطح عملکردیانه تر، کمبود منابع عمومی می تواند دلیل مناسب مضاعفی برای دولت باشد تا اطمینان یابد که زندان تنها برای خطرناک ترین بزهکاران و نه جمع آوری افراد حاشیه ای اجتماع مورد استفاده قرار می گیرد. محدود

خطرهای بهداشتی حبس می تواند به معنای نگره داری تعداد زیادی از افراد در یک فضای محدود با آزادی جابه جایی اندک یا فقدان این آزادی باشد. این امر، نگرانی های خاصی را دامن می زند. پیش از هر چیز ممکن است خطرات جدی بهداشتی دربرداشته باشد. برای مثال نگره داری زندانیان مبتلا به بیماری های خطرناکی همچون سل در مجاورت سایرین و تهویه ی بد هوا شرایط خطر ابتلای زندانیان دیگر را به این بیماری ها بسیار بالا می برد. کسانی که از فرصت شست و شوی خود یا پوشاک شان محروم هستند ممکن است به بیماری های پوستی یا انگلی مبتلا شوند و به دلیل کمبود جای خواب یا رختخواب، بیماری ها را به دیگران منتقل کنند. یک زندانی که در هوای سرد از لباس گرم محروم است، به احتمال دچار سینه پهلوی می شود. زندانیان محروم از فعالیت های بدنی و دسترسی به نور خورشید و هوای تازه ممکن است گرفتار ضعف عضلانی و کمبود ویتامین شوند. سلامت زندانیانی که از میزان کافی غذا و آشامیدنی محروم هستند می تواند به مخاطره بیفتد. خطرهای بهداشتی

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قواعد ۹-۲۱:

- ۹ (۱) در مواردی که اتاق ها یا سلول های انفرادی برای مکان خواب در نظر گرفته شده اند، هر زندانی باید شب را در سلول یا اتاق انفرادی خود به سر برد.
- ۹ (۲) هنگامی که از خوابگاه استفاده می شود، باید زندانیانی برای سکونت در یک خوابگاه در نظر گرفته شوند که به دقت و با در نظر گرفتن انطباق هر یک از آن ها با شرایط خوابگاه انتخاب شده اند. لازم است با توجه به نوع مرکز نگره داری نظارت های شبانه به طور منظم انجام گیرد.
- ۱۰ تمام امکانات اقامتی پیش بینی شده برای زندانیان و به ویژه تمامی امکانات خواب آن ها، باید مطابق با الزامات بهداشتی و با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی و به ویژه میزان هوای موجود در اتاق، حداقل فضای کف اتاق، نور، حرارت، و تهویه باشد.
- ۱۱ در تمامی مکان هایی که زندانیان ملزم به زندگی یا کار هستند موارد زیر باید رعایت گردد: (الف) پنجره ها باید به آن اندازه بزرگ باشند که امکان مطالعه یا کار زندانیان را با استفاده از نور طبیعی فراهم کنند و لازم است به گونه ای ساخته شوند که ورود هوای تازه را امکان پذیر سازند، چه تهویه هوا به صورت مصنوعی انجام گیرد یا نگیرد.
- (ب) نور مصنوعی باید به میزان کافی فراهم باشد تا زندانیان بتوانند بدون آن که به بینایی آن ها لطمه ای وارد شود به مطالعه یا کار بپردازند.
- ۱۲ تأسیسات بهداشتی باید به اندازه کافی موجود باشند تا زندانیان در موارد ضروری قادر به رفع نیازهای طبیعی خود باشند و از وضعیتی تمیز و مناسب برخوردار باشند.
- ۱۳ امکانات کافی برای حمام و دوش گرفتن باید به گونه ای فراهم باشد که هر زندانی قادر و ملزم باشد با استفاده از آبی که دارای حرارت مناسب فصل است به دفعاتی که مطابق با فصل و منطقه جغرافیایی، جهت حفظ بهداشت عمومی ضروری است و حداقل یک بار در هفته حمام کند.
- ۱۴ کلیه ی قسمت های زندان که مورد استفاده ی زندانیان قرار می گیرند باید به نحو مناسب نگره داری شوند و همواره کاملاً تمیز باشند.

- ۱۵ زندانیان باید ملزم به حفظ پاکیزگی شخص خود باشند و برای این منظور لازم است آب و وسایل لازم برای حفظ بهداشت و پاکیزگی در اختیار آنان قرار داده شود.
- ۱۶ به منظور آن که زندانیان قادر باشند ظاهر خود را متناسب با منزلت شخصی خود حفظ کنند، لازم است تسهیلات لازم برای اصلاح سر و صورت آنان فراهم گردد و مردان قادر باشند تا به صورت منظم ریش خود را اصلاح کنند.
- ۱۷ (۱) هر زندانی که مجاز به پوشیدن پوشاک شخصی خود نباشد باید لباس هایی متناسب با شرایط آب و هوایی دریافت کند که برای حفظ سلامتی وی کافی باشد. چنین لباس هایی به هیچ وجه نباید تحقیر کننده و یا توهین آمیز باشند.
- (۲) تمامی پوشاک باید تمیز باشند و در شرایط مناسبی نگه داری شوند. به منظور حفظ بهداشت، لباس های زیر باید به دفعات ضروری تعویض و شست و شو شوند.
- (۳) در شرایط استثنایی، هنگامی که زندانیان برای یک منظور مجاز، به خارج از مرکز نگه داری انتقال داده می شوند باید مجاز باشند تا پوشاک شخصی خود را بر تن کنند یا لباس هایی را بپوشند که فاقد علائم مشخص برای جلب توجه دیگران است.
- ۱۸ چنانچه زندانیان مجاز به استفاده از پوشاک شخصی خود باشند، لازم است تهیداتی اتخاذ شود تا هنگام پذیرش لباس ها در زندان از تمیزی و مناسب بودن آن ها برای استفاده، اطمینان حاصل شود.
- ۱۹ هر زندانی باید مطابق با معیارهای محلی یا ملی، یک تختخواب جدا همراه با رختخواب های جداگانه و کافی در اختیار داشته باشد که به هنگام تحویل آن ها به زندانی باید تمیز باشند و به طور مرتب تعویض شوند تا پاکیزگی آن ها تضمین شود.
- ۲۰ (۱) اداره ی زندان باید غذایی با ارزش تغذیه ای مناسب و کافی برای سلامتی و تندرستی، که به شکلی مناسب و با کیفیتی مطلوب تهیه شده است، در ساعات معمولی وعده های غذایی برای کلیه ی زندانیان فراهم کند.
- (۲) آب آشامیدنی باید هرگاه که زندانی به آن نیاز دارد قابل دسترس باشد.
- ۲۱ (۱) هر زندانی که به کار در فضای آزاد اشتغال ندارد، باید در صورت مساعد بودن هوا، روزانه حداقل یک ساعت به فعالیت بدنی مناسب در هوای آزاد بپردازد.
- (۲) زندانیان جوان و سایر افرادی که سن و وضعیت جسمانی آن ها اجازه می دهد، باید در زمان مقرر برای فعالیت بدنی، از تریست بدنی و برنامه های تفریحی برخوردار باشند. برای این منظور فضا، تأسیسات و لوازم ضروری باید فراهم گردد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

فضای زندگی فضای زندگی زندانیان باید دارای برخی استانداردهای اساسی باشد. استانداردهای بین المللی صراحت دارند که زندانیان باید از فضای زندگی کافی همراه با دسترسی به هوا و نور کافی جهت سالم ماندن برخوردار باشند.

ازدحام جمعیت یکی از مشکلات عمده در بسیاری از کشورها سطح ازدحام جمعیت زندانیان است که اغلب بدترین حالت برای زندانیان بازداشتی و منتظر محاکمه است. ازدحام جمعیت می تواند شکل های متفاوتی داشته باشد. در برخی موارد می تواند به معنای این باشد که سلول ساخته شده برای یک نفر توسط چند نفر اشغال شده است. در بدترین شرایط می تواند به معنی نگه داری دوازده یا پانزده زندانی در سلولی باشد که مساحت آن به سختی به هشت متر مربع می رسد. در موارد دیگر می تواند به معنای انباشتن بیش از صد نفر در یک اتاق بزرگ باشد. به طور کلی اسناد بین المللی فضای حداقلی را برای هر زندانی بر اساس مترمربع یا مترمکعب مشخص نمی کنند. در سال های اخیر کمیته ی پیش گیری از شکنجه و رفتار یا مجازات های غیر انسانی یا تحقیرآمیز به سمت تعیین چنین حداقلی حرکت کرده است.

زمان سپری شده امر مهمی که برای اتخاذ تصمیم در خصوص فضای زندگی لازم برای هر زندانی، باید به آن توجه شود مدت زمانی است که زندانی طی شبانه روز در این فضا سپری می کند. چنانچه زندانی از این فضا تنها برای خوابیدن استفاده کند و در طول روز خارج از آن درگیر فعالیت های دیگر باشد، اثرات مخرب فضای کوچکتر، کمتر است. بدترین حالت آشکار ازدحام جمعیت زمانی است که زندانیان مجبور به گذراندن تمامی وقت خود در این سلول ها

یا اتاق‌ها هستند و تنها برای یک فعالیت بدنی کوتاه مدت به صورت گروهی و برای مصاحبه یا ملاقات به صورت انفرادی از آن خارج می‌شوند. این همان چیزی است که در برخی نظام‌های قضایی رخ می‌دهد، به ویژه در زندان‌هایی که عمدتاً زندانیان منتظر محاکمه یا محکوم به حبس‌های کوتاه مدت را در خود جای می‌دهند.

حتی در زندان‌هایی که دارای ازدحام شدید جمعیت هستند، فضاهایی را می‌توان یافت که بلااستفاده مانده‌اند. هرچند اتاق‌های نگه‌داری از زندانیان ممکن است با ازدحام زیادی دست به‌گriیان باشند، راهروهای وسیع و بزرگی وجود دارند که می‌توان به زندانیان اجازه داد در طول روز از سلول‌های خود بیرون آیند و در این راهروها به انواع مختلف فعالیت‌های بدنی بپردازند. از کلیساها و نمازخانه‌های زندان نیز می‌توان به‌دو منظور استفاده کرد. در چنین شرایطی اغلب امکان تدارک طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های آموزشی، حرفه‌ای یا کاری وجود دارد.

یکی از دلایل توجیهی نگه‌داری زندانیان در فضای زندگی در بسته، نبود کارکنان کافی برای نظارت بر آن‌ها است. این استدلال را می‌بایست بر پایه دلایل اجرایی مورد تأمل قرار داد. معمولاً کارمند کافی آن قدر هست که بتوان به گروه‌هایی از زندانیان اجازه داد به نوبت بیرون بروند. این امکان نیز وجود دارد که برخی از زندانیان در اموری مانند آموزش، سوادآموزی یا فعالیت‌های حرفه‌ای به دیگر زندانیان کمک کنند.

نحوه خلوت و انزوا در میان فرهنگ‌ها متفاوت است. برای مثال در کشورهای اروپای غربی و امریکای شمالی، معمولاً زندانیان ترجیح می‌دهند در فضاهای انفرادی بخوابند. این هنجار در قوانین اروپایی زندان منعکس شده است. در سایر فرهنگ‌ها ممکن است اتاق انفرادی به عنوان نوعی انزوای اجباری یا تنبیه در نظر گرفته شود و ممکن است زندانیان ترجیح دهند در اتاق‌های عمومی مناسب و به اندازه زندگی کنند. در این صورت، شاید تدوین معیارهای مناسب برای تخصیص اتاق‌ها به نحوی که زندانیان کم‌بینه‌تر از سلطه زندانیان قوی‌تر دور نگه‌دارد، لازم باشد.

استانداردهای بین‌المللی دولت‌ها را نسبت به تأمین پوشاک گرم یا خنک لازم برای سلامتی زندانیان و ممنوعیت اجبار در پوشیدن لباس‌های تحقیرآمیز یا خوارکننده موظف می‌سازند. این استانداردها همچنین دولت‌ها را نسبت به نگه‌داری پوشاک در شرایط بهداشتی و تمیز و تأمین شیوه‌هایی برای انجام این امر توسط خود زندانیان متعهد می‌سازند.

لباس واحد زندانیان در بسیاری از کشورها زندانیان مجبورند لباس واحدی را که توسط زندان فراهم شده است بپوشند. این امر عموماً با استدلال‌هایی مبتنی بر امنیت و برابری توجیه شده است. به استثنای موارد احتمالی مربوط به زندانیانی که به وضوح توجه به سطح بالای امنیتی یا خطر فرار آن‌ها ضروری است، دلیل مشهود دیگری را نمی‌توان یافت که نشان دهد چرا باید پوشیدن لباس واحد یک هنجار باشد. برخی کشورها منابع کافی جهت تأمین پوشاک رسمی برای زندانیان ندارند و متوقع هستند که خود زندانیان آن را تأمین کنند. در برخی نظام‌های دیگر، به زندانیانی که نشان دهند بیم فرار آنان وجود ندارد اجازه داده می‌شود لباس‌های شخصی خود را بپوشند. در بسیاری از کشورها، زندانیان زن مجاز هستند لباس‌های معمولی خود را بپوشند. زندانیان فرصت بر تن داشتن چیزی مشابه جهان بیرون زندان، که احساسی از هویت فردی را به آنان القا کند، مغتنم خواهند شمرد.

لباس واحد زندان نباید بخشی از چارچوب کیفر باشد یا جهت تحقیر استفاده‌کننده به کار رود. به همین خاطر، مدیریت و اداره زندان باید از اعمال غیر ضروری مثل اجبار زندانیان به پوشیدن لباس‌های واحد نشانه‌دار یا راه‌راه اجتناب کند.

هر زندانی باید به تسهیلات رختشویی دسترسی داشته باشد تا شست و شوی منظم لباس ها، به ویژه لباس های زیر ممکن باشد. این تسهیلات می تواند به صورت عمومی یا انفرادی ارائه شود. نیازهای خاص زندانیان زن از این لحاظ باید مورد توجه قرار گیرد که در فصل سیزدهم این کتاب آموزشی به آن پرداخته خواهد شد.

مکان خواب نوع مکان خواب ممکن است مطابق با سنت های محلی تغییر کند. در بسیاری کشورها خوابیدن بر روی تختخوابی بلندتر از سطح زمین متعارف است. در سایر کشورها به ویژه در مناطق گرم، ممکن است خوابیدن روی کف زمین عرف باشد. تمهیدات در نظر گرفته شده برای زندانیان باید منطبق با عادات های محلی باشد. نکته ی اساسی این است که هر زندانی فضای خواب مخصوص به خود و امکانات پاکیزه برای خواب داشته باشد. در برخی کشورها سطح ازدحام زندانیان چنان است که مجبورند نوبتی بخوابند و از فضاهای خواب به صورت اشتراکی یا نوبتی استفاده کنند.

چنین ترتیبی قابل پذیرش نیست. هرگاه ازدحام زندانیان به چنین حدی برسد، سازمان ها باید اطمینان یابد که به نهادهای دولتی متولی ارسال افراد به زندان، از وضعیت زندان ها و تبعات اعزام اشخاص به آن جا آگاهی داده شده است.

امکانات توالت و حمام از آن جا که جابه جایی افراد در زندان اغلب بسیار محدود است، دسترسی دائم آن ها به امکانات بهداشتی اهمیت دارد. دسترسی زندانیان به توالت و آب پاکیزه باید نامحدود باشد. لازم است تسهیلات کافی برای حمام کردن یا دوش گرفتن منظم نیز وجود داشته باشد. موارد فوق هنگام نگه داری طولانی مدت زندانیان در اقامتگاه های پرازدحام اهمیت خاصی می یابند. تمهیدات به کار گرفته شده نباید موجب خوار کردن زندانیان شود، برای مثال اجبار به دوش گرفتن در معرض عموم.

دسترسی به تسهیلات بهداشتی مناسب علاوه بر این که حق همه افراد جهت پاکیزه ماندن و حفظ احترام شخصی را تأمین می کند، ابزاری جهت کاهش شیوع احتمالی بیماری ها در میان زندانیان و کارکنان است. تسهیلات بهداشتی باید در دسترس، پاکیزه و به اندازه کافی خصوصی باشند تا کرامت و عزت نفس زندانیان را تضمین کند.

نیازهای ویژه زندانیان زن در زمینه ی تمهیدات بهداشتی باید با احترام به کرامت آنان تأمین شود.

خوراک و آشامیدنی یکی از اساسی ترین الزامات مراقبتی این است که اداره ی زندان غذا و آشامیدنی کافی برای همه ی زندانیان فراهم کند تا اطمینان یابد که آن ها از گرسنگی و یا بیماری های مرتبط با سوء تغذیه رنج نمی برند.

قبلاً به وضعیت دشوار پیش روی سازمان زندان ها در کشورهایی که عموم مردم از گرسنگی ناشی از کمبود مواد غذایی رنج می برند، اشاره شد. در چنین مواردی، برخی افراد استدلال می کنند که عدم تأمین غذای کافی برای زندانیان پذیرفتنی است، زیرا شهروندان مطیع قانون نیز از این حیث در مضیقه اند. برخی این استدلال را می پذیرند. با این حال دولت با محروم ساختن افراد از آزادی شان، نسبت به مراقبت مناسب از آنان متعهد می شود. این یک تعهد قطعی است که نمی توان از آن شانه خالی کرد.

در شرایط کمبود غذا، اداره زندان باید تمامی امکانات استفاده از زمین های داخل یا مجاور زندان را برای کاشت محصول و سازماندهی زندانیان برای انجام این کار مورد بررسی قرار دهد.

در ملاوی، سازمان زندان‌ها، با همکاری تنگاتنگ سازمان غیر دولتی اصلاحات جزایی بین‌المللی [P.R.I] طرحی را جهت توسعه‌ی مزارع زندان و افزایش بازدهی آن‌ها تدوین کرد. این طرح به زندان‌های حومه‌ی شهر در جهت نیل به خودکفایی در زمینه‌ی تهیه غذا، تغذیه‌ی زندانیان، کارکنان و خانواده‌هایشان و نیز آموزش زندانیان در خصوص شیوه‌های کشاورزی کمک می‌کند.

وعده‌های غذایی باید در فواصل زمانی معینی در شبانه روز ارائه شوند. در بسیاری کشورها عرضه آخرین وعده‌ی غذایی به هنگام عصر و ندادن هیچ چیز خوراکی تا وعده‌ی غذایی صبح روز بعد قابل قبول نیست.

تمهیداتی نیز باید اتخاذ شود تا زندانیان وعده‌های غذایی خود را در شرایطی مناسب صرف کنند. لازم است لوازم شخصی و فرصت تمیز نگه داشتن آن‌ها در اختیار زندانیان قرار داده شود. به طور طبیعی نباید زندانیان مجبور به صرف غذا در اتاق ویژه خواب شان باشند. اگر چنین ترتیبی ضرورت داشته باشد، لازم است مکان خاصی برای صرف غذا در نظر گرفته شود.

لزوم دسترسی دائم زندانیان به آب آشامیدنی سالم اساسی است. تجهیزات آب آشامیدنی باید جدا از آبی باشد که برای مصارف بهداشتی به کار می‌رود.

فعالیت بدنی در هوای آزاد بسیاری از زندانیان، به ویژه زندانیان منتظر محاکمه، عمده‌ی وقت روزانه‌ی خود را پشت درهای بسته و تحت شرایطی با محدودیت نسبتاً زیاد و دسترسی محدود به نور و هوای تازه می‌گذرانند. در چنین شرایطی چه از نظر سلامتی جسمانی و چه از نظر سلامتی روانی آنان ضروری است که زمان مناسبی در روز برای حضور آنان در فضای آزاد و امکان قدم زدن یا انجام سایر فعالیت‌های بدنی در نظر گرفته شود.

حداقل زمان پیشنهادی برای حضور در هوای آزاد یک ساعت در شبانه روز است. طی این مدت زندانیان باید قادر به قدم زدن در محوطه‌ای نسبتاً گسترده و در صورت امکان، تماشای مناظر طبیعی باشند. رویه حاکم در برخی کشورها، مبنی بر حضور یک ساعته‌ی زندانیان در هر شبانه روز در محوطه‌های محصور کوچکی که در عمل به سلول‌های بدون سقف شبیه‌اند، تعهد مربوط به ارائه امکان حضور در فضای آزاد را تأمین نمی‌کند.

حق فعالیت جسمانی در فضای آزاد در مورد تمامی زندانیان جاری است، از جمله زندانیانی که در شرایط انفرادی یا تحت مجازات انضباطی به سر می‌برند.

مذهب

حق آزادی باور مذهبی و عمل به الزامات مذهبی یک حق انسانی جهانی است و زندانیان به اندازه‌ی اشخاص آزاد، از آن برخوردارند. مقررات زندان باید شامل حق حضور نمایندگان مذهبی صلاحیت‌دار در زندان جهت ملاقات با زندانیان باشد. فراهم کردن تسهیلات لازم برای زندانیانی که مایل به انجام شعائر مذهبی خود هستند ضروری است. این امر می‌تواند شامل حق نمازگزاردن در اوقات خاصی از روز یا شب، انجام غسل‌های مذهبی مختلف، یا پوشیدن لباس‌های مخصوص باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ی ۱۸ :

هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود؛ این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ابزار آن، چه در تنهایی و چه در اجتماع با سایرین و در ملاء عام و به طور خصوصی، توسط تعلیم، اجرای مراسم، عبادت و برگزاری مناسک است.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی ۱۸ (۱):

هر کس باید حق آزادی فکر، وجدان و مذهب داشته باشد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، و نیز آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود خواه به طور انفرادی یا در اجتماع با سایرین، در ملاء عام و به طور خصوصی توسط عبادت، برگزاری مناسک، اجرای مراسم و تعلیم آن است.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان قواعد ۴۱-۴۲:

- ۴۱ (۱) هر گاه در زندان تعداد کافی از پیروان یک مذهب موجود باشند، یک نماینده ی مذهبی صلاحیت دار باید منصوب یا پذیرفته شود. اگر شمار زندانیان، تمام وقت بودن امور مذهبی را توجیه کند و شرایط نیز اجازه ی چنین کاری را بدهد، باید به این ترتیب عمل شود.
- (۲) نماینده ی مذهبی صلاحیت دار که طبق بند نخست منصوب یا پذیرفته شده است، باید اجازه ی برگزاری مراسم مذهبی را داشته باشد و هر از گاهی با زندانیان هم مذهب خود در زمان های مقتضی ملاقات خصوصی داشته باشد.
- (۳) حق دسترسی به نماینده ی صلاحیت دار هر مذهب نباید از هیچ زندانی سلب شود. از سوی دیگر، چنانچه یک زندانی با ملاقات هر گونه نماینده ی مذهبی ای مخالف باشد، لازم است به خواست او احترام کامل گذاشته شود.
- ۴۲ حتی الامکان، باید به هر زندانی این اجازه داده شود که به وسیله ی شرکت در مراسم مذهبی ارائه شده در زندان و در اختیار داشتن کتاب های احکام و تعلیم مذهبی که به آن باور دارد، نیازهای مذهبی خود را برطرف سازد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

ملاحظات مذهبی محرومیت از آزادی نباید شامل محرومیت شخص از انجام شعائر مذهبی اش باشد. مقامات زندان باید اطمینان یابند که:

- ❖ زندانیان از فرصت نمازگزاردن، خواندن متون مذهبی و انجام سایر دستورات مذهبی مثل پوشیدن لباس مخصوص و انجام غسل های مذهبی، طبق اقتضای مذهب شان برخوردارند.
- ❖ زندانیان هم مذهب باید از فرصت گردهمایی و انجام شعائر مذهبی گروهی در اعیاد مذهبی شان برخوردار باشند.
- ❖ زندانیان باید این موقعیت را داشته باشند تا نمایندگان مذهبی صلاحیت دار مذهبی شان از آن ها جهت عبادات خصوصی و انجام شعائر جمعی دیدار کنند.

شمول موازین بر تمامی مذاهب این تمهیدات باید برای تمامی گروه های مذهبی به رسمیت شناخته شده فراهم شود و نباید به مذاهب اصلی یک کشور محدود شود. به نیازهای مذهبی زندانیان وابسته به گروه های اقلیت باید توجه خاصی شود. شناخته شده

همچنین تضمین این که زندانیان فاقد مذهب مجبور به انجام شعائر مذهبی نشوند نیز اهمیت دارد. زندانیان نباید به سبب وابستگی مذهبی یا انجام دستورات مذهبی مزایای بیشتری دریافت کنند یا مجاز به زندگی در شرایط بهتری باشند.

زندانیان و مراقبت‌های بهداشتی

چارچوب

حق بهداشت کسانی که زندانی هستند حق اساسی خود جهت بهره‌مندی از سلامتی مطلوب اعم از جسمانی یا روانی را از دست نمی‌دهند و همچنان سزاوار مراقبت‌های پزشکی - حداقل برابر با آنچه در جامعه‌ی عمومی ارائه می‌شود - هستند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی (ماده‌ی ۱۲) حق زیر را به رسمیت شناخته است:

«حق کلیه‌ی افراد در بهره‌مندی از حداکثر میزان تندرستی جسمانی و روانی قابل حصول.

زندانیان از تضمینات بیشتری برخوردارند. هنگامی که یک دولت افراد را از آزادی‌شان محروم می‌کند، مسئولیت مراقبت از سلامتی آنان را چه در خصوص شرایط نگه‌داری و چه درمان فردی آن‌ها، که ممکن است در نتیجه شرایط نگه‌داری‌شان لازم باشد، عهده‌دار می‌شود.

به حداقل رساندن خطرات سلامتی مطلوب برای هر کس مهم است. این امر بر چگونگی رفتار افراد و توانایی‌شان برای فعالیت به عنوان عضوی از جامعه تأثیر می‌گذارد. این مسئله در اجتماع بسته‌ی یک زندان اهمیت بیشتری دارد. شرایط حبس بنابر ماهیت خود می‌تواند اثرات مخربی بر سلامتی جسمانی و روانی زندانیان داشته باشد. بنابراین، مدیریت زندان مسئولیت دارد که نه تنها مراقبت‌های پزشکی را فراهم کند، بلکه شرایطی را ایجاد کند که موجب افزایش تندرستی زندانیان و کارکنان زندان شود. زندانیان نباید زندان را در شرایطی بدتر از شرایط هنگام ورودشان ترک کنند. این امر ناظر بر تمامی جنبه‌های زندگی زندان و به طور خاص ناظر بر مراقبت‌های بهداشتی است.

زندانیان اغلب با سابقه‌ای از بیماری‌های جسمی که شاید ناشی از اهمال، سوءاستفاده یا سبک زندگی قبلی آن‌ها باشد، وارد زندان می‌شوند. خاستگاه زندانیان اغلب، فقیرترین بخش‌های جامعه است و مشکلات سلامتی آنان این امر را منعکس می‌کند. آن‌ها اهمال در وضعیت سلامتی، اعتیاد و همین‌طور مشکلات بهداشت روان را با خود به همراه دارند. چنین زندانیانی نیازمند حمایت‌های خاص هستند. همان‌طور که وضعیت روانی بسیاری دیگر به طور چشمگیر و نامطلوبی متأثر از واقعیت حبس است.

«زندان‌های پرازدحام دارای زندانیان بیمار و شرایط بهداشتی درمانی ضعیف، تهدید عمده‌ای در عرصه‌ی بیماری‌های مسری در منطقه‌اند. بهداشت زندان باید در اولویت قرار گیرد.

بیانیه‌ی رؤسای دولت‌ها در چهارمین نشست سران دولت‌های دریای بالتیک در خصوص تهدید بیماری‌های مسری، منتشر شده در سنت پترزبورگ، ۱۰ ژوئن ۲۰۰۲.

بیماری‌های مسری رایج در بسیاری کشورها، درصد زیادی از ساکنان زندان مبتلا به بیماری‌های واگیرداری نظیر سل، انواع هپاتیت، و ایدز هستند. مدیریت زندان در برابر کسانی که به زندان می‌آیند: زندانیان به طور خاص و در عین حال کارکنان و ملاقات‌کنندگان مسئول است تا اطمینان یابد در معرض خطر سرایت بیماری نیستند. اهمال در اداره‌ی این شرایط به معنی ایجاد مشکلات بهداشتی اجتماعی به عنوان نتیجه‌ی تماس میان زندان و اجتماع گسترده‌تر از طریق کارکنان و ملاقات‌کنندگان و زندانیان آزاد شده است.

زندانیان سالمند در برخی نظام های قضایی، استفاده ی فزاینده از حبس های طولانی مدت یا نامعین منجر به افزایش مشکلات پزشکی مرتبط با سن در میان جمعیت زندانیان شده است. این امر، تدارک مراقبت های بهداشتی مقتضی توسط ساختار اداری اجرایی زندان را طلب می کند. مطالب کلی مربوط به زندانیان سالمند در فصل چهاردهم این کتاب آموزشی مطرح خواهد شد.

یک الزام حتی در هنگام مشکلات اقتصادی برخی کشورها مشکلات زیادی در زمینه ی تدارک مراقبت های بهداشتی مطلوب برای عموم مردم را تجربه می کنند. حتی در چنین شرایطی نیز زندانیان مجاز به استفاده از بهترین تمهیدات مراقبت های بهداشتی رایگان هستند. کمیته ی اروپایی پیش گیری از شکنجه اظهار داشته است که حتی مشکلات حاد اقتصادی، دولت را از مسئولیت های خود در خصوص تدارک ضرورت های زندگی برای افرادی که از آزادی محروم شان کرده است، معاف نمی کند.^۱

بر خور داری از حق مراقبت های بهداشتی

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

زندانیان، بدون توجه به ماهیت جرم شان، هیچ یک از حقوق اساسی شایسته انسان ها از جمله حق بهره مندی از حداکثر میزان بهداشت جسمانی و روانی قابل حصول را از دست نمی دهند. اسناد بین المللی خاص چگونگی تدارک مراقبت های بهداشتی توسط مدیریت و اداره زندان را واضح تر بیان می کنند.

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، ماده ی ۴:

مسئولیت زندان ها برای نگه داری از زندانیان و حمایت از جامعه در برابر جرایم، باید با رعایت دیگر اهداف اجتماعی دولت و مسئولیت های اساسی آن برای گسترش رفاه و پیشرفت همه ی افراد جامعه، ایفا شود.

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، ماده ی ۹:

زندانیان باید به خدمات بهداشتی موجود در مملکت، بدون تبعیض به خاطر وضعیت حقوقی خود، دسترسی داشته باشند.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، ماده ی ۲۴:

فرد بازداشت شده یا زندانی باید در اسرع وقت پس از پذیرش وی در مکان بازداشت یا حبس، تحت آزمایشات مناسب پزشکی قرار گیرد و پس از آن در مواقع لزوم مراقبت ها و درمان های پزشکی فراهم شود. این مراقبت و درمان باید رایگان باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۲۲:

۱ در هر زندان، باید خدمات مربوط به حداقل یک مسئول پزشکی ذیصلاح که تا حدی به مسائل روان پزشکی آشنایی دارد، در دسترس باشد. خدمات پزشکی می بایست در ارتباط نزدیک با تشکیلات بهداشتی کل جامعه یا ملت باشد. این خدمات باید روان پزشکی جهت تشخیص، و در موارد مقتضی، درمان ناهنجاری های روانی را شامل شوند.

۲ زندانیان بیمار که نیاز به معالجات تخصصی دارند، باید به نهادهای ویژه یا بیمارستان های معمولی اعزام شوند. در مواردی که امکانات بیمارستان در داخل مرکز تأمین شده است، تجهیزات، وسایل و موجودی داروهای آن ها باید متناسب با مراقبت و درمان زندانیان بیمار باشد و از پرسنل تعلیم دیده ی مناسبی برخوردار باشند.

۳ خدمات یک مسئول ذیصلاح دندان پزشکی باید برای هر زندانی در دسترس باشد.

^۱ گزارش به دولت جمهوری مولداوی در رابطه با بازدید کمیته ی اروپایی منع شکنجه و مجازات ها و رفتارهای غیر انسانی و تحقیرآمیز در تاریخ ۱۰ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۰۱ پاراگراف ۶۹ و ۹۵

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۲۵:

(۱) مسئول پزشکی، باید مراقب سلامت جسمی و روانی زندانیان باشد و هر روز همه ی زندانیان بیمار و آن هایی که شکایتی راجع به بیماری خود دارند و نیز هر زندانی را که توجه خاصی نسبت به وضعیت او دارد، ببیند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۶۲:

خدمات پزشکی مرکز نگه داری باید در پی کشف و معالجه ی بیماری ها و کمبودهای جسمانی و روانی ای باشد که امکان دارد بازپروری زندانی را با مشکل روبه رو کند. کلیه ی خدمات پزشکی، جراحی و روان پزشکی باید با این هدف صورت گیرد.

اصول اخلاق پزشکی مربوط به نقش کارکنان بهداشتی به ویژه پزشکان در حمایت از زندانیان و افراد بازداشتی در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز، اصل ۱:

۱ کارکنان بهداشتی به ویژه پزشکان، که مسئولیت مراقبت های پزشکی از زندانیان و افراد بازداشت شده را بر عهده دارند موظف اند حمایت از سلامت جسمانی و روانی و معالجه ی بیماری های آن ها را با همان کیفیت و معیاری انجام دهند که در خصوص افراد عادی اعمال می شود.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

زندانیان باید در صورت امکان به تسهیلات پزشکی قابل دسترس برای عموم مردم دسترسی کامل داشته باشند. در بسیاری نظام های قضایی در مورد مراقبت های تخصصی محدودیت وجود دارد، در حالی که مراقبت های پزشکی عمومی در هر یک از زندان ها یا در بخش درمانی یک زندان خاص موجود است. هرگونه درمان پزشکی یا مراقبت های پرستاری فراهم شده توسط مدیریت زندان باید حداقل مشابه آنچه باشد که در بیرون از زندان قابل دسترس است.

لزوم ارائه
مراقبت های مشابه
با عموم

مدیریت زندان باید در هر زندان موارد زیر را به عنوان موازین حداقل فراهم کند:

مراقبت های
پزشکی عمومی

■ بررسی های پزشکی مقدماتی هنگام پذیرش در زندان؛

■ مشاوره های منظم پزشکی؛

■ درمان های اضطراری؛

■ فضاهایی برخوردار از تجهیزات مناسب جهت مشاوره و درمان زندانیان؛

■ تأمین کافی داروهای مناسب آماده شده توسط داروسازان صلاحیتدار؛

■ تسهیلات برای روان درمانی و بازپروری پس از درمان؛

■ هر نوع پرهیز غذایی خاص که ممکن است به لحاظ پزشکی ضروری تشخیص داده شود.

مدیریت زندان می بایست در موارد اضطراری، دسترسی دائم و بدون تأخیر به مراقبت های پزشکی عمومی را تضمین کند. (قواعد حداقل استاندارد، قاعده ی ۵۲).

در سال ۱۹۹۷، چهار زندانی مبتلا به ایدز موردی را در دیوان عالی افریقای جنوبی مطرح کردند و ادعایشان این بود که آن ها و سایر زندانیان مبتلا به ایدز مراقبت های پزشکی متناسب با شرایط خود، از جمله داروهای خاصی نظیر AZT، را دریافت نمی کنند. آن ها مدعی بودند که چنین درمانی باید رایگان باشد. سازمان زندان ها استدلال می کرد که اعتبار مالی کافی برای فراهم کردن چنین درمان های پرهزینه ای را ندارد. قاضی به نفع زندانیان حکم کرد و بیان داشت که آن ها باید معالجات پزشکی مقتضی را به هزینه ی دولت دریافت کنند.^۲

2 Van Bijon v Minister of Correctional Services 1997 SACR 50 (C)

در تمامی جنبه‌های مراقبت پزشکی مقامات زندان باید در جهت ایجاد و حفظ پیوندهای نزدیک با ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی در بیرون از زندان تلاش کنند. این امر نه تنها معالجات مستمر را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه زندانیان و کارکنان را نیز قادر می‌کند از پیشرفت‌های گسترده‌تر در زمینه‌ی درمان، معیارهای تخصصی و آموزشی بهره‌مند شوند.



در پی گزارش کمیته‌ی عالی بهداشت همگانی در سال ۱۹۹۳ و تأکید آن بر مشکلات بهداشتی زندان‌ها، بر اساس قانونی مصوب ژانویه ۱۹۹۴، مسئولیت مراقبت‌های بهداشتی زندان‌ها از وزارت دادگستری به عنوان اداره‌کننده‌ی زندان‌های فرانسه، به بخش بیمارستان عمومی منتقل شد. هدف از این انتقال دستیابی به ضرورت فراهم ساختن مراقبت‌های بهداشتی برای زندانیان مشابه با عموم مردم بود. به عنوان نخستین گام و جهت تضمین قابلیت چنین مراقبت‌هایی، تمامی زندانیان تحت پوشش برنامه‌ی بیمه‌های اجتماعی و بیمه‌ی بهداشت عمومی و زایمان قرار گرفتند.

لزوم رایگان بودن
مراقبت‌های
بهداشتی

رایگان بودن تمامی مراقبت‌ها و معالجات پزشکی ضروری، اصل مهم مراقبت‌های بهداشتی زندان است. (مجموعه اصول سازمان ملل متحد ۲۴) این امر ممکن است در آن نظام‌های قضایی که ارائه مراقبت‌های پزشکی رایگان در جامعه‌ی مدنی محدود است، مستلزم توجه خاص باشد. این مسئله در جایی که شمار فزاینده‌ای از زندانیان با حبس‌های طولانی مدت که درمان بیماری‌های پیچیده یا صعب‌العلاج آن‌ها پرهزینه است می‌تواند معضل عمده‌ای باشد. مدیریت و اداره زندان می‌بایست از وجود تمهیدات مناسب مبتنی بر نیازهای زندانیان مطمئن شود و درمان لازم با این تصور محدود نشود که بسیار پرهزینه است چون بیمار صرفاً یک زندانی است.

موضوع بررسی‌های پزشکی هنگام نخستین پذیرش در زندان، در فصل سوم این کتاب آموزشی مطرح شد. لزوم معاینه‌ی پزشکی زندانیان هنگام نخستین پذیرش در زندان دلایل مهم متعددی دارد که برخی از آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد.

❖ کارکنان پزشکی را قادر می‌کند هرگونه سوابق پزشکی را تشخیص دهند و از فراهم بودن درمان‌های مقتضی اطمینان یابند.

❖ امکان ارائه‌ی حمایت‌های مناسب برای زندانیانی که احتمالاً از تأثیرات ترک اعتیاد رنج می‌برند فراهم می‌کند.

❖ به شناسایی هرگونه صدمات وارده در خلال بازداشت اولیه کمک می‌کند.

❖ به کارکنان آموزش دیده اجازه می‌دهد وضعیت روانی بیمار را ارزیابی کنند و حمایت‌های مورد لزوم برای افرادی که احتمال آسیب زدن به خود را دارند، فراهم کنند.

همواره امکان این تضمین موجود نیست که یک پزشک قادر به انجام بی‌درنگ معاینات پزشکی از تمام زندانیان جدیدالورود باشد. مدیریت و اداره زندان باید تضمین کند که حداقل یک پرستار مناسب و صلاحیت دار زندانی را ببیند؛ پرستار مذکور می‌تواند وجود هرگونه نگرانی در مورد زندانی را به پزشک منتقل کند.

به عنوان بخشی از رویه پذیرش، زندانیان باید اطلاعات روشنی در خصوص مراقبت‌های بهداشتی در زندان و شیوه‌ی درخواست مشاوره‌ی پزشکی را دریافت کنند.

امکانات تخصصی مدیریت زندان علاوه بر ارائه چنین تسهیلاتی جهت مراقبت‌های پزشکی عمومی، دندان پزشکی و روان پزشکی باید از فراهم بودن امکانات مناسب در محل، جهت ارائه‌ی مشاوره‌های تخصصی و مراقبت‌های بیمارستانی نیز اطمینان یابد. این مستلزم پیوند نزدیک میان زندان و بخش‌های پزشکی جامعه‌ی مدنی است، چرا که بعید است بخش‌های مراقبت پزشکی زندان‌ها به تنهایی قادر به تأمین کامل این گونه امکانات تخصصی باشند.

در تدارک مراقبت‌های تخصصی باید به نیازهای ویژه‌ی گروه‌های آسیب‌پذیر، به ویژه زندانیان زن و سالمند، توجه خاص مبذول شود.

دسترسی به امکانات تخصصی اغلب مستلزم انتقال زندانی به محلی دیگر است. مدیریت و اداره زندان باید اطمینان یابد که ترتیبات همراهی کردن با زندانیان مناسب باشد و منجر به تأخیر در درمان یا تشویش مضاعف زندانی نشود. شرایط حمل زندانیان باید متناسب با وضعیت پزشکی آنان باشد.

هر از گاهی برخی از زندانیان با مشکلات پزشکی خاصی مواجه می‌شوند که بستری شدن آن‌ها را در بیمارستان ضروری می‌کند. راه‌های مختلفی برای تدارک چنین خدماتی وجود دارد. در برخی از زندان‌ها بیمارستان‌هایی احداث شده است که قادرند پاسخ‌گوی موارد بحرانی خفیف‌تر مستلزم بستری شدن بیمار باشند. در سایر موارد سعی شده است با تأسیس واحدهای محصور خاص در بیمارستان‌های عمومی به مشکلات امنیتی پرداخته شود. با این حال، اغلب زندانیانی که معالجه‌شان مستلزم بستری شدن در بیمارستان است، در همان بخش‌های عادی بیمارستان‌های عمومی درمان می‌شوند. در چنین مواردی باید توجه خاصی به تمهیدات امنیتی مناسب، به ویژه برای زنان در حال وضع حمل یا بیماران مشرف به موت، صورت گیرد. کمیته‌ی پیش‌گیری از شکنجه در سومین گزارش عمومی خود تصریح کرده است که:

... زندانیانی که جهت معالجه به بیمارستان اعزام شده‌اند نباید بنا به دلایل مربوط به بازداشت، به تخت‌خواب خود و یا سایر وسایل بسته شوند.^۳

یک محیط سالم

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

مدیریت و اداره زندان‌ها علاوه بر رفع نیازهای زندانیان بیمار، موظف است اطمینان یابد که شرایط حبس به سلامتی جسمانی و روانی آنان لطمه نزنند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۱۰:

تمام امکانات پیش‌بینی شده برای زندانیان و به ویژه تمامی امکانات خواب آن‌ها باید مطابق با الزامات بهداشتی، با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی و به خصوص میزان هوای موجود در اتاق، مساحت اتاق، نور، حرارت و تهویه باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۱۲:

تأسیسات بهداشتی باید به اندازه‌ی کافی موجود باشند تا زندانیان بتوانند در موارد ضروری نیازهای طبیعی خود را برطرف کنند و از وضعیتی تمیز و مناسب برخوردار باشند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۱۳:

امکانات کافی برای حمام و دوش گرفتن باید به گونه‌ای فراهم شود که هر زندانی قادر و ملزم باشد با استفاده از آبی که دارای حرارت متناسب با فصل است به دفعاتی که مطابق فصل و منطقه‌ی جغرافیایی جهت حفظ بهداشت عمومی ضروری است و حداقل یک بار در هفته حمام کند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۲۶:

(۱) مسئول پزشکی موظف است تا ضمن بازرسی منظم موارد زیر، مدیر زندان را در جریان آن‌ها قرار دهد:
(الف) کمیت، کیفیت و نحوه‌ی تهیه و توزیع غذا؛

موقعی که
زندان‌ها نیازمند
بستری شدن در
بیمارستان هستند

3 Council of Europe, 3rd General Report on the CPT's Activities covering the period 1 January to 31 December 1992 [CPT/Inf (93) 12, para 36]

- (ب) بهداشت و پاکیزگی زندان و زندانیان؛
 (ج) امکانات بهداشتی، حرارتی، روشنایی و تهویه‌ی زندان؛
 (د) مناسب بودن و پاکیزگی پوشاک و رختخواب زندانیان؛
 (ه) نظارت بر قوانین مربوط به فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش، در صورتی که اشخاص فنی خاصی مسئولیت این گونه فعالیت‌ها را بر عهده نداشته باشند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

اثرات و فشارهای محیط زندان دولت الزام قطعی دارد سلامتی کسانی را که مسئولیت محرومیت از آزادی‌شان را بر عهده گرفته حفظ و در صورت لزوم اعاده کند. شرایط حبس زندانیان تأثیر عمده‌ای بر سلامتی و تندرستی آنان دارد. بنابراین، مدیریت زندان‌ها به منظور انجام مسئولیت‌های خود باید از وجود معیارهای مناسب در تمامی زمینه‌های مؤثر بر تندرستی و سلامتی زندانیان اطمینان یابد. شرایط فیزیکی اقامتگاه‌ها، تغذیه و تمهیدات ناظر بر بهداشت و سلامت باید به گونه‌ای طراحی شوند که به بازیابی سلامت افراد بیمار کمک شود و از شیوع بیماری‌ها جلوگیری گردد.

بسیاری از نظام‌های قضایی با مشکلات مستأصل‌کننده‌ای مثل ازدحام زندانی و کمبود شدید منابع مواجه هستند که مانع دستیابی به شرایط بهداشتی در زندان‌ها می‌شوند. حجم فضای در دسترس برای هر زندانی و دسترسی به نور طبیعی و هوای آزاد اثر قابل ملاحظه‌ای بر شیوع بیماری‌های واگیردار و وضعیت روانی زندانیان دارد. کمیته‌ی پیش‌گیری از شکنجه در گزارش بازدید خود از مولداوی در سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که دسترسی به نور طبیعی و هوای تازه جزء حقوق اساسی زندانیان است و از برداشته شدن حفاظ‌های آهنی پنجره‌ها در برخی زندان‌های مورد بازدید استقبال کرد.^۴

بیماری‌های مسری بیماری‌های مسری به معضلی برای بسیاری از سازمان‌های زندان‌ها تبدیل شده‌اند. در برخی کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی شیوع بیماری سل به سطح همه‌گیری رسیده است و بیماری ایدز نیز به سرعت در حال گسترش است. در بخش‌هایی از آفریقا تعداد بسیار زیادی از زندانیان مبتلا به ایدز هستند. برخی از سازمان‌های زندان‌ها از طریق معاینات پزشکی بدو پذیرش و برنامه‌های درمانی و اغلب با همکاری نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیر دولتی توجه به این مشکل را آغاز کرده‌اند.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به همراه وزارت کشور و بهداشت ایالت جرجیا (ایالات متحده آمریکا) در سال ۱۹۹۸ برنامه کنترل سل در زندان‌ها را آغاز کرد. طبق این برنامه:

- زندانیان تحت بررسی پزشکی قرار گرفتند.
 - مجتمع‌های سل زندان جهت اطمینان از محیط سالم و بهبود شرایط زندگی زندانیان نوسازی شد.
 - به پزشکان و پرستاران آموزش داده شد.
 - برنامه‌ی درمانی DOTS ارائه شد.
- این برنامه در خصوص بهبودی افرادی که دوره‌ی تکمیلی درمان را می‌گذرانیدند، به نتایج مثبت قابل توجهی دست یافت.^۵

4 CPT Rapport au Gouvernement de la Re'publique de Moldova relatif a la visite effectu'e en Moldova par le Comite' europe'en pour la pre'vention de la torture et des peines ou traitements inhumains ou de'gradants, du 10 au 22 juin 2001 [CPT/Inf (2002) 11 para 85]

5 Reported in *Prison Healthcare News*, Issue 1, Spring 2002 ICPS, King's College London

آموزش کارکنان در سازمان زندان‌ها در حوزه‌هایی که شیوع بیماری‌های واگیردار گسترده است باید برنامه‌ای آموزشی در خصوص سرایت بیماری‌ها و شیوه‌های حفاظت در برابر آن‌ها را برای کارکنان تدارک ببیند تا آن‌ها بتوانند کارهایشان را به روال عادی انجام دهند. در برخی کشورها واکسن بیماری هپاتیت به طور منظم و رایگان به کارکنان تزریق می‌شود. بیماری‌ها

آشفته‌گی روانی شرایط حبس اثری جدی بر سلامت روانی زندانیان دارد. مدیریت و اداره زندان‌ها باید تلاش کند از میزان گسترش این تأثیر بکاهد و در عین حال رویه‌هایی را جهت بررسی تأثیرات آن بر تک تک زندانیان ایجاد کند. لازم است برای شناسایی زندانیانی هم که ممکن است در معرض خطر آسیب رسانی به خود یا خودکشی باشند، تلاش شود. کارکنان باید به خوبی در زمینه‌ی تشخیص نشانه‌های احتمالی آسیب رسانی به خود آموزش ببینند.

هنگامی که آزمایشات پزشکی نشان دهد یک زندانی بیمار روانی است نباید وی را در زندان نگه داشت، بلکه ضروری است تا وی به آسایشگاه‌های روانی دارای امکانات مناسب اعزام شود.

نظارت بر شرایط اسناد حقوقی بین‌المللی الزامات خاصی را برای پزشکان زندان جهت استفاده از تخصص حرفه‌ای‌شان برای بررسی و گزارش تمامی شرایط احتمالی مؤثر بر سلامتی و تندرستی زندانیان در نظر گرفته‌اند. کارکنان مراقبت بهداشتی نقش مهمی در شکل‌گیری این تصور دارند که مراقبت‌های بهداشتی نه تنها درمان بیماری بلکه تمامی جنبه‌های مربوط به ایجاد یک محیط سالم را در بر می‌گیرد و این مستلزم همکاری تمام افراد در زندان است. هنگام کمبود منابع این مسئله به طور خاصی دشوار است. عمومی زندان

رفتار فردی

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

هر فرد زندانی مستحق دسترسی دائم و محرمانه به سطوح مقتضی از مشاوره‌های پزشکی، حداقل برابر با موارد در دسترس جامعه است. هر گونه تشخیص و درمان پزشکی باید بر نیازهای فردی زندانی و نه ضرورت‌های اداره‌ی زندان مبتنی باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۲۵:

مأمور بخش پزشکی مسئولیت نظارت بر سلامتی جسمانی و روانی زندانیان را بر عهده دارد. وی موظف است به صورت روزانه زندانیان بیمار، یعنی آن‌هایی که از بیماری شکوه دارند یا کسانی که به نوبه‌ی توجه پزشک را به خود جلب می‌کنند، ملاقات کند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۶۲:

خدمات پزشکی مرکز نگه‌داری باید در پی کشف و معالجه‌ی هر نوع بیماری و نقص جسمی و روانی‌ای باشد که امکان دارد بازپروری زندانی را با مشکل روبه‌رو کند. کلیه‌ی خدمات پزشکی، جراحی و روان پزشکی باید با این هدف صورت گیرد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

دسترسی به مشاوره‌ی پزشکی سازمان زندان‌ها باید ترتیبات مناسبی اتخاذ کند تا از دسترسی هر روزه زندانیان بیمار یا نگران سلامتی خود به مأموران پزشکی صلاحیتدار اطمینان یابد. شرایط انجام مشاوره‌های پزشکی باید مبتنی بر احترام به کرامت زندانی و امکان محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به بیماری باشد. در مواردی که رعایت ملاحظات امنیتی لازم باشد، انجام معاینات پزشکی زیر نظر محافظان زندانی و بدون استماع مطالب توسط آنان امکان‌پذیر است.

حریم خصوصی شرایط انجام مصاحبه های پزشکی با زندانیان باید با شرایط حاکم بر موارد مشابه در جامعه مدنی برابر باشد و در صورت امکان در اتاق های ویژه دارای تجهیزات مناسب صورت گیرد. انجام مشاوره های پزشکی به صورت گروهی یا در حضور سایر زندانیان و یا کارکنان غیر پزشکی غیر قابل قبول است.

محرمانه ماندن اطلاعات حق محرمانه ماندن اطلاعات این امر را نیز اقتضا می کند که زندانیان درخواست خود جهت دسترسی به پزشک را به سایر کارکنان زندان تسلیم نکنند. تحت هیچ شرایطی نباید زندانیان ملزم به فاش کردن دلایل خود جهت درخواست مشاوره ی پزشکی باشند. ترتیبات درخواست مشاوره ی پزشکی باید هنگام پذیرش به وضوح به اطلاع زندانیان برسد.

سوابق پزشکی سوابق فردی پزشکی زندانیان باید تحت نظارت کارکنان پزشکی باقی بماند و بدون رضایت کتبی زندانی افشا نشود. در برخی کشورها بخش مراقبت های بهداشتی زندان تحت نظر بخش خدمات بهداشتی مدنی است. چنین ترتیبی علاوه بر مزایایی که قبلاً ذکر شد، به اثبات آشکار این امر کمک می کند که سوابق پزشکی جزء سوابق عمومی زندان محسوب نمی شوند.

درمان در درمان هایی که پس از مشاوره ها و آزمایش های پزشکی تجویز می شود، باید عالی ترین منافع فردی زندانی لحاظ شده باشد. اتخاذ تصمیم نباید مبتنی بر هزینه های نسبی یا امکانات سازمان زندان ها باشد.

درمان پیش و پس از مجازات کارکنان بهداشتی موظف اند علاوه بر مدیریت این گونه مشکلات مربوط به مراقبت های بهداشتی موجود در زندان ها، از وجود ترتیبات لازم جهت شناسایی و بهبود هر گونه مشکل پزشکی قبلی نیز اطمینان یابند. این امر، مستلزم وجود ترتیبات مناسب مشترک با سازمان های پزشکی خارج از زندان است.

زندانیان بیمار مشرف به موت در برخی کشورها تمهیداتی وجود دارد که به زندانیان بیمار مشرف به موت اجازه می دهد زودتر از پایان مدت محکومیت خود آزاد شوند. هر گونه تشخیص یا هشدار پزشکی ارائه شده از سوی کارکنان بهداشتی باید برپایه ی ارزیابی حرفه ای و منافع عالی زندانی صورت گیرد. مقامات زندان باید هر گونه خطر ناشی از آزادی پیش از موعد چنین زندانیانی را ملاحظه و ارزیابی کنند.



دستورالعمل های سازمان بهداشت جهانی در خصوص بیماری ایدز در زندان ها، ژنو، مارس ۱۹۹۳
۵۱ در صورت انطباق با ملاحظات امنیتی و رویه های قضایی، زندانیان مبتلا به مراحل پیشرفته بیماری ایدز باید تا حد ممکن از روی ملاطفت و به منظور ایجاد تسهیلات در ارتباط با خانواده و دوستان و امکان رویارویی با مرگ در عزت و آزادی، از رهایی پیش از موعد برخوردار شوند.

کارکنان بخش مراقبت های بهداشتی

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

هر زندان باید شمار کافی از کارکنان برای مراقبت های بهداشتی را جهت پاسخ گویی به نیازهای جمعیت زندانیان در اختیار داشته باشد.

- (۱) هر زندان باید از خدمات حداقل یک پزشک صلاحیت دار و تا حدودی آشنا با روان پزشکی برخوردار باشد. خدمات بهداشتی و درمانی باید در ارتباط تنگاتنگ با سازمان بهداشت عمومی منطقه یا کشور سازماندهی شود. چنین خدماتی باید شامل بخش روان درمانی جهت تشخیص و در موارد خاص معالجه ناهنجاری‌های روانی باشد.
- (۳) خدمات یک مسئول فیصله دهنده پزشکی باید در دسترس هر زندانی باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۴۹:

- (۱) وجود افراد متخصصی مانند روان پزشکان، روان شناسان، مددکاران اجتماعی، مدرسان و مربیان حرفه و فن در میان کارکنان زندان، در حدود امکانات، ضروری است.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

مجموعه قواعد اخلاق حرفه‌ای ناظر بر متخصصان بهداشت شاغل در مجموعه زندان شورای بین المللی خدمات بهداشتی زندان‌ها در سال ۱۹۷۹ اصول اخلاقی موسوم به پیمان آتن را تصویب کرد که بر اساس آن چنین سوگند یاد می شود:

در پاسداری از روح سوگند سقراط، ما باید در جهت ارائه بهترین مراقبت‌های بهداشتی ممکن برای کسانی که به هر دلیل محبوس هستند، بدون پیش داوری و در چارچوب اصول اخلاقی حرفه‌ی پزشکی بکوشیم. ما حق هر فرد زندانی جهت دریافت بهترین مراقبت‌های بهداشتی ممکن را به رسمیت می شناسیم. ما متعهد می شویم که:

- ۱ از تجویز یا تصویب هرگونه تنبیه بدنی خودداری کنیم.
- ۲ از مشارکت در هر نوع شکنجه خودداری کنیم.
- ۳ از مداخله در هرگونه آزمایش‌های انسانی بر روی افراد زندانی بدون رضایت آگاهانه‌ی ایشان پرهیز کنیم.
- ۴ از محرمانه ماندن اطلاعاتی که از خلال روابط حرفه‌ای ما با اشخاص زندانی به دست می آیند صیانت کنیم.
- ۵ تصمیم گیری پزشکی ما مبتنی بر نیازهای بیمارانمان باشد و آن را به هر موضوع غیرپزشکی دیگر اولویت دهیم.

همسانی مدیریت زندان‌ها باید اطمینان یابد که زندانیان به کارکنان پزشکی صلاحیت داری که تعداد و تخصص آن‌ها جهت مراقبت‌ها رفع نیازهای زندانیان کافی است، دسترسی دارند. اغلب بهترین راه تحقق این امر، ایجاد ارتباط آن با نظام ارائه مراقبت‌های بهداشتی برای عموم مردم است. صلاحیت پزشکان و کارکنان مراقبت‌های بهداشتی زندان باید حداقل برابر با سطحی باشد که سِمَت‌های مشابه در خارج از زندان می طلبند. به همین ترتیب دستمزد و شرایط اشتغال آنان نیز باید ماهیتی برابر داشته باشد.

زندانیان به عنوان بیمار اصول اخلاق حرفه‌ای پزشکی سازمان ملل متحد برای تمامی کارکنان بهداشتی، به ویژه پزشکان، لزوم حمایت از سلامتی جسمانی و روانی زندانیان و درمان بیماری‌هایشان را مطرح می کند. بنابراین، اولویت نخست آنان معالجه‌ی بیماران است و نه اداره‌ی زندان. پیمان آتن، که در سطرهای پیش نقل شد، نیز تصریح می کند که تصمیم گیری پزشکی باید مبتنی بر نیازهای بیماران و ترجیح آن به هر موضوع غیر پزشکی دیگر باشد.

کارکنان پزشکی شاغل در زندان جزء کارکنان انتظامی یا اداری زندان محسوب نمی شوند. در برخی نظام‌های قضایی که کارکنان بهداشتی مستقیماً توسط سازمان زندان‌ها استخدام می شوند از ساختار مدیریتی جداگانه و مستقل از زندان برخوردارند.

کارکنان بهداشتی می بایست در برخی موضوعات بین الزامات مدیریت زندان و اخلاق حرفه‌ای پزشکی تمیز قائل شوند. در ذیل برخی مثال‌های مهم و پاسخ‌های مناسب پزشکی به آن‌ها ذکر شده است.

حمایت از کارکنان مدیریت زندان باید اطمینان یابد که کارکنان پزشکی شاغل در زندان ها از حمایت ها و آموزش های مناسب چه در زمینه ی الزامات خاص بهداشت زندان و چه در زمینه ی پیشرفت های عمومی تر این رشته برخوردار می شوند. کارکنان پزشکی صلاحیت داری که مہیای کار در زندان ها شده اند، اغلب کمیاب هستند. مدیریت زندان باید از طریق فراهم کردن کمک های مقتضی و حمایت های سازمانی مانع از پرداختن آن ها به کارهای نامناسب شود.

حمایت از جامعه ی بین المللی پرستاران در سال ۱۹۹۸ بیانیه ای صادر کرد که یکی از مفاد آن این بود که انجمن های پرستاری ملی باید دسترسی به تدابیر مشاوره محرمانه و موازین حمایتی را برای پرستاران زندان در نظر بگیرند. [نقش پرستاران در مراقبت از زندانیان و بازداشت شدگان، جامعه ی بین المللی پرستاران، ۱۹۹۸]

گردآوری اسناد مربوط به شکنجه در سال ۱۹۹۹ ائتلافی از افراد و نهادهای تخصصی و حقوق بشری، مجموعه اصولی را جهت گردآوری اسناد مربوط به شکنجه یا سوء رفتار تدوین کردند که به پروتکل استانبول موسوم است. [اصول گردآوری اسناد مؤثر مربوط به شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (پروتکل استانبول)، ۱۹۹۹]

بازرسی های بدنی در سال ۱۹۹۳ انجمن جهانی پزشکی بیانیه ای را در خصوص بازرسی بدنی زندانیان تصویب کرد که یکی از مفاد آن این بود که الزام پزشکان در مراقبت های پزشکی زندانیان نباید به مصالحه در زمینه الزام مشارکت در نظام امنیتی زندان بینجامد. بنابراین هرگاه انجام بازرسی هایی توسط پزشک لازم باشد، باید توسط پزشک دیگری غیر از پزشک ارائه کننده ی مراقبت های بهداشتی به زندانی انجام شود. (بیانیه ی مربوط به بازرسی بدنی زندانیان، انجمن پزشکی جهانی، ۱۹۹۳)

اعتصاب غذا در سال های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ انجمن جهانی پزشکی دستورالعمل هایی را برای پزشکان درگیر مراقبت از اعتصاب کنندگان غذا تصویب کرد که یکی از مفاد آن تأکید بر اهمیت رضایت و محرمانه بودن روابط میان پزشک و بیمار بود و این که تصمیم گیری در خصوص مداخله یا عدم مداخله باید بر عهده پزشک گذارده شود بدون مداخله شخص ثالثی که اولویت وی سلامتی بیمار نیست. [اعلامیه ی مالتا در خصوص اعتصاب کنندگان غذا، انجمن جهانی پزشکی، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲]

مشارکت در مجازات اعدام در سال ۱۹۸۱ و بار دیگر در سال ۲۰۰۰ انجمن جهانی پزشکی قطعنامه ای صادر کرد مبنی بر این که مشارکت پزشکان در کیفر اعدام به هر شکل یا در خلال هر یک از مراحل اجرای این کیفر غیر اخلاقی است. [قطعنامه در خصوص مشارکت پزشکان در کیفر اعدام، انجمن جهانی پزشکی، ۱۹۸۱، ۲۰۰۰]

آموزش برای تمامی کارکنان نوع اجتماع زندان به گونه ای است که سازمان زندان ها باید علاوه بر تضمین دسترسی به سطح کاملی از خدمات پزشکی، لزوم آگاهی کارکنان زندان از اصول اساسی بهداشت را نیز به رسمیت بشناسد. غالباً هنگام بروز حادثه در زندان و نیاز یک نفر به کمک های اولیه فوری کسی از کارکنان پزشکی زندان در صحنه حاضر نیست و کارمندان عادی حاضر در صحنه ملزم به ارائه ی کمک های فوری مزبور خواهند بود. آن ها باید آموزش های مناسب در خصوص ارائه چنین مراقبت هایی را فرا گرفته باشند.

زندان‌هایی امن، مطمئن و منضبط

چارچوب

امنیت و عدالت نلسون ماندلا، رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی، در سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه‌ی رسمی طرح بازآموزی و حقوق بشر سازمان اصلاح و تربیت آفریقای جنوبی بر اهمیت امنیت و عدالت در اداره‌ی زندان‌ها تأکید کرد:

زندان‌های امن برای تبدیل نظام عدالت ما به سلاحی مؤثر در برابر جرم، ضروری‌اند. هنگامی که زندانیان محکوم یا در انتظار محاکمه تحت مراقبت شما قرار می‌گیرند، آن‌ها و نیز عموم مردم باید بدانند که زندانی آن جایی ماند تا هنگامی که توسط قانون آزاد شود...

سهم عمده‌ای که زندان‌های ما می‌توانند در جهت کاهش مستمر نرخ بزهکاری جامعه داشته باشند، در شیوه‌ی برخورد آن‌ها با زندانیان نیز نهفته است. ما قادر نیستیم به اندازه کافی بر اهمیت همزمان دو مقوله کار حرفه‌ای و حقوق بشر تأکید کنیم.

(کرونستاد، ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸)

توازن مطلوب یکی از مهم‌ترین یافته‌های گزارش تهیه شده توسط لرد جاستیس وولف پس از بروز برخی آشوب‌های جدی در زندان‌های انگلستان در سال ۱۹۹۰ این بود که حفظ توازن مطلوب میان امنیت، نظارت و عدالت برای اداره‌ی کارآمد زندان اساسی است.^۱

برای ثبات نظام زندان سه الزام باید در کنار هم قرار گیرند: امنیت، نظارت و عدالت. بدین منظور، "امنیت"، ناظر بر وظیفه سازمان زندان‌ها در پیش‌گیری از فرار زندانیان است. "نظارت" ناظر بر وظیفه سازمان زندان‌ها در پیش‌گیری از آشوب توسط زندانیان است. "عدالت" ناظر بر الزام وظیفه سازمان زندان‌ها در رفتار همراه با انسانیت و انصاف با زندانیان و مهیا ساختن آنان جهت بازگشت به جامعه است...

محیطی امن و آرام اهمیت نیل به توازن میان امنیت، نظارت و عدالت و حفظ آن، باید توسط تمامی مدیران زندان درک شود. این تصور که رفتار همراه با انسانیت و انصاف با زندانیان منجر به اخلال در امنیت یا نظارت خواهد شد کاملاً نادرست است. برعکس، هدف جلوگیری از فرار زندانیان و تضمین نظارت بر آنان در محیط منظمی است که:

- ❖ برای کارکنان و زندانیان امن است؛
- ❖ تمامی اعضای جامعه‌ی زندان درک می‌کنند که با آنان منصفانه و عادلانه رفتار می‌شود؛
- ❖ زندانیان فرصت مشارکت در فعالیت‌های سازنده را دارند و خود را برای آزادی آماده می‌کنند.

مدیر حرفه‌ای زندان باید جهت تضمین برقراری این تعادل دائماً تلاش کند.

1 Report of an Inquiry into Prison Disturbances April 1990, 1991, Her Majesty's Stationery Office, London

لزوم وجود
مجموعه ای از
قواعد و مقررات
شفاف

تمامی اجتماعات منضبط، از جمله زندان‌ها، نیازمند فعالیت در چارچوب مجموعه‌ای از قوانین و مقررات هستند که از نظر اعضای اجتماع عادلانه و درست باشند. در زندان‌ها چنین مقرراتی به منظور تضمین امنیت همه‌ی افراد، کارکنان و زندانیان، تدوین شده‌اند و هر گروه در خصوص رعایت این قوانین و مقررات مسئول است. زندانیان باید به خاطر رفتار درست تشویق و به همان ترتیب برای رفتار نادرست تنبیه شوند. کارکنان باید بدانند که از آن‌ها نیز انتظار می‌رود همواره قوانین و مقررات را رعایت کنند. جامعه‌ی زندان، نظام رسیدگی انضباطی و ضمانت اجرایی معین و شفافی برای سرپچی کنندگان از قوانین پذیرفته شده‌ای که به شکلی درست و منصفانه اجرا شوند، دارد.

ارزیابی مطلوب
سطح امنیتی
مناسب

سازمان زندان‌ها وظیفه‌ی نگه داری از کسانی را که مقامات قضایی تصمیم به محروم کردن آن‌ها از آزادی‌شان گرفته‌اند، بر عهده دارد. زندانیان تمایلی به ماندن در زندان ندارند، اما اکثریت آن‌ها واقعیت وضع خود را می‌پذیرند و در صورتی که تحت موازین امنیتی مناسب و رفتار منصفانه قرار گیرند در جهت فرار یا برهم زدن جدی نظم عادی زندان تلاش نمی‌کنند. از طرف دیگر، ممکن است تعداد اندکی از زندانیان تمام تلاش خود را جهت فرار به کار گیرند. برخی زندانیان در صورتی که موفق به فرار شوند، برای جامعه خطرآفرین هستند؛ سایرین تهدیدی برای امنیت جامعه نیستند. تمامی آنچه گفته شد، به این معنا است که مقامات زندان باید قادر به ارزیابی خطر هر یک از زندانیان باشند تا به این ترتیب اطمینان یابند که هر زندانی تحت تدابیر امنیتی مناسب قرار گرفته، نه تدابیری بیش از اندازه زیاد و نه تدابیری بیش از اندازه کم.

امنیت و نظارت
مفرط می‌تواند
خطرناک باشد

در زندان‌های سراسر جهان گاه شرایطی حاکم است که مقامات زندان امنیت و نظارت مفرط را به بهای عدالت به کار می‌گیرند و در چنین شرایطی:

❖ موازین امنیتی خردکننده مانع برنامه‌های بازپروری می‌شود؛

❖ شیوه‌های نظارتی بی‌رحمانه‌ای به کار گرفته می‌شود؛

❖ رسیدگی‌های انضباطی ناعادلانه است؛

❖ و تنبیهات غیرقانونی وجود دارد.

در نظام‌های زندانبانی برخی کشورها، اداره کنندگان زندان نظارت بر مراکز تحت اختیار خود را از دست داده‌اند و به گروه‌های مقتدر زندانیان اجازه داده‌اند نظام نظارتی نامشروعی را بر سایر زندانیان و کارکنان تحمیل کنند.

در هر دو وضعیت، اجتماع منضبط فرو می‌پاشد و احتمالاً به خشونت و سوءاستفاده زندانیان و کارکنان، اغتشاش، فرار و فقدان برنامه‌های سازنده برای زندانیان منجر می‌شود.

توسل به زور به
عنوان آخرین
دستاویز

توسل به زور، تنها در شرایط افراطی و مواردی که نظم کاملاً از هم فروپاشیده و سایر مداخلات فردی یا گروهی ناکارآمد بوده‌اند، می‌تواند به عنوان شیوه‌ی مشروع اعاده‌ی نظم قابل توجیه باشد. این باید آخرین راه حل باشد. به این سبب که زندان‌ها اجتماعات بسته‌ای هستند که در آن‌ها چنین شرایطی به سادگی باعث سوء استفاده از قدرت می‌شود. وجود مجموعه‌ای از رویه‌های شفاف و ویژه برای توسل به زور ضروری است. به این مسئله در فصل‌های دوم و سوم نیز اشاره شد.

توازن میان امنیت و برنامه‌های بازپروری

اسناد بین‌المللی هدف حبس را حمایت از جامعه در برابر جرم تعیین کرده‌اند، اما این امر را تنها با دور کردن بزهکاران از جامعه قابل حصول ندانسته و بر تلاش برای تضمین بازپروری مجرم تأکید می‌کنند. به منظور تحقق این امر، مدیریت و اداره زندان‌ها ناگزیرند میان امنیت و برنامه‌های طراحی شده برای توانمندسازی زندانیان جهت تطبیق مجدد با اجتماع توازن مناسبی برقرار کنند. چنانچه رویه‌های واضحی برای تعیین سطح مناسب امنیت در مورد زندان و همچنین تک تک زندانیان وجود داشته باشد نیل به این توازن محتمل‌تر است.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، ماده ی ۴:

مسئولیت زندان‌ها برای نگه‌داری از زندانیان و حمایت از جامعه در مقابل جرایم باید با رعایت اهداف اجتماعی دیگر دولت و مسئولیت‌های اساسی آن برای ترویج رفاه و پیشرفت کلیه‌ی افراد جامعه به اجرا گذاشته شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۵۸:

هدف و توجیه مجازات حبس یا اقدام مشابه سلب‌کننده‌ی آزادی، در نهایت حمایت از جامعه در برابر جرم است. چنین هدفی تنها زمانی تحقق می‌یابد که تا حد ممکن دوره‌ی حبس برای کسب اطمینان از این امر مورد استفاده قرار گیرد تا هنگامی که بزهکار به جامعه باز می‌گردد، نه تنها خواستار بلکه قادر به برخورداری از یک زندگی قانون‌مدار و خود کفا باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۶۳ (۲):

بهرتر است درجات مختلفی از امنیت متناسب با نیازهای گروه‌های مختلف به کار گرفته شود. زندان‌های باز، به دلیل این واقعیت که از تدابیر فیزیکی برای پیش‌گیری از فرار زندانیان استفاده نمی‌کنند و بیشتر بر انضباط فردی زندانیان متکی هستند، برای آن دسته از زندانیانی که به دقت انتخاب شده باشند، بهترین شرایط مطلوب را برای تطبیق مجدد با اجتماع دارا هستند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۳۳:

از ابزارهای مهارکننده‌ای مانند دستبند، زنجیر و غل و کت مهارکننده نباید به عنوان مجازات استفاده شود. علاوه بر این، از غل و زنجیر نباید به عنوان مهارکننده استفاده شود. سایر ابزارهای مهارکننده نیز جز در شرایط و اوضاع و احوال ذیل نباید مورد استفاده قرار گیرند.

(الف) جهت پیش‌گیری از فرار زندانی به هنگام انتقال وی، با این شرط که پس از حضور زندانی نزد مقام قضایی یا اداری ابزارهای استفاده شده برداشته شوند؛

(ب) بنا به دلایل پزشکی و با دستور مأمور پزشکی؛

(ج) بنا به دستور رئیس زندان، در مواردی که سایر شیوه‌های نظارتی جهت پیش‌گیری از آسیب رساندن زندانی به خود یا دیگران یا تخریب اموال کارایی نداشته باشد؛ در چنین مواردی رئیس زندان باید بلافاصله با مأمور پزشکی مشورت و موضوع را به مقام مافوق اداری گزارش کند.

مقررات اروپایی زندان، قاعده ی ۳۹:

این قاعده شرایط زیر را به قاعده ی ۳۳ حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان اضافه می‌کند:

(الف) در صورت لزوم، جهت پیش‌گیری از فرار زندانی در هنگام انتقال وی، با این شرط که پس از حضور زندانی نزد مقام قضایی یا اداری برداشته شوند مگر این که مقام مزبور تصمیم دیگری اتخاذ کند.

(ب) بنا به دلایل پزشکی با دستور مأمور پزشکی و تحت نظارت وی

استفاده از غل و زنجیر ممنوع است.

طبقه بندی امنیتی موازن امنیتی حاکم بر زندانیان باید به حداقل لازم جهت دستیابی به نگه داری مطمئن آنان محدود شود. حداقل سه دلیل معتبر برای این رویکرد وجود دارد:

- ❖ هرگاه تعداد زندانیان تحت تدابیر امنیتی بالا کم باشد، باید کارکنان نسبت به این گونه زندانیان هوشیاری بیشتری داشته باشند.
- ❖ هر چه سطح امنیتی کمتر باشد، احتمال رفتار انسانی بیشتر است.
- ❖ دلیل سوم عمل گرایانه است: امنیت پرهزینه است و سطح امنیتی بالاتر پرهزینه تر. این امر موجب می شود که در صورت عدم ضرورت، نگه داری از زندانیان در سطح امنیتی بالاتر، موجب صرف هزینه شود.
- ❖ هر زندانی باید هنگام نخستین پذیرش مورد ارزیابی قرار گیرد تا موارد زیر مشخص شود:
- ❖ خطر احتمالی وی برای جامعه در صورت فرار؛
- ❖ احتمال تلاش وی جهت فرار، خواه به تنهایی و خواه با حمایت افراد بیرونی.

از آن پس زندانیان باید در شرایط امنیتی متناسب با سطح خطرشان نگه داری شوند. بازنگری های مستمر رده بندی های امنیتی نیز در خلال مدت محکومیت ضروری است.

سطوح مختلف امنیتی بالاترین حد شرایط امنیتی، باید به این معنی باشد که فرار واقعاً غیر ممکن است و تنها در خصوص خطرناک ترین زندانیان نیز به کار برده شود. در چنین شرایطی سطح امنیت فیزیکی، چه در فضای پیرامون زندان و چه درون زندان بالا است. جابه جایی داخلی زندانیان با نظارت کامل کارکنان و در موارد لزوم به صورت یک به یک صورت می گیرد. در هر نظام احتمالاً اقلیت محدودی از زندانیان نیازمند این سطح از امنیت هستند.

پایین ترین حد شرایط امنیتی (گاهی موسوم به شرایط باز)، باید برای زندانیانی به کار رود که خطر آنان برای جامعه کم یا هیچ است و در زمینه ی تلاش برای فرار نیز می توان به آن ها اعتماد کرد. در چنین شرایطی سطح امنیت فیزیکی پایین است. در اغلب موارد هیچ گونه فضای امنیتی پیرامونی وجود ندارد. امنیت داخلی نیز احتمالاً محدود به قفل کردن درهای واحدهای خوابگاه در شب است. زندانیانی که محکوم به برخی جرایم غیر خشن شده اند و همین طور زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت که روزهای پایانی محکومیت خود را می گذرانند، شاید مناسب بهره مندی از چنین شرایطی باشند.

حدّ وسط شرایط امنیتی، مناسب اکثریت قریب به اتفاق زندانیان است، کسانی که برای فرار مصمم نیستند، اما برای نگه داری در پایین ترین حد شرایط امنیتی هم نمی توان به آن ها اعتماد کرد. عموماً این شرایط یک فضای پیرامونی امن مثل حصار را شامل می شود. تمامی درهای داخلی زندان معمولاً بسته است اما امکان اعتماد به زندانیان جهت جابه جایی در نواحی داخلی زندان بدون نظارت تنگاتنگ کارکنان وجود دارد.

در سال های اخیر برخی کشورها سرمایه گذاری چشمگیری در توسعه ی امکانات بالاترین حد شرایط امنیتی کرده اند. اعزام زندانیان به چنین مکان هایی صرفاً بر پایه ی لزوم پرشدن چنین مکان هایی به هیچ وجه شایسته نیست.

محدود ساختن در همواره باید از بازداشت در زندان انفرادی طولانی مدت به عنوان شکلی از رده بندی امنیتی اجتناب شود. به این انزوا موضوع در فصل ششم پرداخته می شود.

ارزیابی میزان خطر ارزیابی میزان خطر می تواند به تشخیص زندانیانی که برای خودشان، کارکنان، سایر زندانیان و کل جامعه تهدیدآمیزند، کمک کند. در بسیاری از کشورها معیارهایی برای ارزیابی میزان خطر امنیتی تدوین شده است. موضوعاتی که باید مدنظر قرار گیرند عبارتند از:

- تهدید عمومی در صورت فرار زندانی؛
- سوابق تلاش برای فرار و دسترسی به کمک های بیرون از زندان؛
- در مورد زندانیان منتظر محاکمه، هرگونه تهدید احتمالی برای شاهدان؛
- ماهیت جرمی که زندانی به ارتکاب آن محکوم شده است؛
- مدت محکومیت، که معمولاً بازتاب ماهیت جرم است؛
- احتمال تهدید برای سایر زندانیان.

سطح امنیتی برای زندانیان منتظر محاکمه در بسیاری از نظام های زندان این پندار وجود دارد که تمامی زندانیان منتظر محاکمه باید در بالاترین حد شرایط امنیتی نگه داری شوند؛ در حالی که همواره این چنین نیست و لازم است امکان ارزیابی خطر امنیتی این دسته از زندانیان نیز همانند زندانیانی باشد که محکوم شده اند.

لزوم اتخاذ تصمیمات ناظر بر طبقه بندی امنیتی توسط مدیر زندان در برخی کشورها قاضی اجرای احکام سطح امنیتی لازم برای نگه داری زندانی را مشخص می کند. در سایر کشورها زندانیانی که محکوم به حبس ابد شده یا تحت یک قانون خاص محکوم شده اند خود به خود و بدون هیچ گونه ارزیابی فردی میزان خطر به بالاترین حد شرایط امنیتی اعزام می شوند. این بهترین راه برای تعیین سطوح امنیتی نیست. تعیین مدت محکومیت حبس مناسب برای هر جرم بر عهده مقام قضایی است، اما بهتر این است که مسئولیت تعیین الزامات امنیتی با استفاده از معیارهای حرفه ای مورد قبول، بر عهده مقامات زندان گذاشته شود.

بازنگری منظم سطوح امنیتی در نظر گرفته شده برای هر یک از زندانیان باید در فاصله های زمانی منظم پس از اجرای مجازات بازنگری شود. عموماً این چنین است که از میزان ایجاد خطر فرد طی گذراندن دوره محکومیتش کاسته می شود و سطح امنیتی کمتری را ایجاب می کند. دورنمای حضور در رده بندی پایین تر امنیتی طی گذراندن دوره محکومیت می تواند مشوقی برای رفتار مناسب نیز باشد.

امنیت فیزیکی وجوه امنیت فیزیکی شامل مواردی چون بناهای زندان، استحکام دیوارهای چنین بناهایی، میله های پنجره ها، درهای بندها، ویژگی های دیوارها و حصارهای پیرامونی زندان، برج های دیده بانی و غیره است. تجهیزات کمکی امنیتی دیگری مثل قفل، دوربین، سیستم هشداردهنده، سیستم ارتباط رادیویی و غیره نیز ابعاد دیگر امنیت فیزیکی را تشکیل می دهند.

در طراحی جنبه های فیزیکی امنیت، توازن میان بهترین شیوه ی نیل به الزامات امنیتی و لزوم رعایت شأن افراد ضروری است. برای مثال، این امکان وجود دارد که از معماری و طراحی ساختمان به گونه ای بهره گرفت که پنجره های سلول ها و خوابگاه ها امن باشد و در عین حال با معیارهای دسترسی به نور طبیعی و فضای آزاد نیز منطبق باشد. تجهیزات امنیتی کمکی مثل دوربین، سیستم نظارتی و سیستم هشداردهنده همچنان که از مفهوم آن ها برمی آید وارد حریم خصوصی افراد می شوند. هنگام تصمیم گیری در خصوص محل استقرار آن ها، توازن میان الزامات مشروع امنیتی و لزوم احترام به حریم خصوصی ضروری است.

ایمنی هر یک از زندانیان نیز باید مدنظر قرار گیرد. طراحی بسیاری از زندان ها باعث ایجاد محیطی می شود که در آن زندانیان قادر به تجمع نامشهود هستند. این نوع طراحی، می تواند تهدیدی بالقوه برای امنیت زندان و در عین حال ایمنی خود زندانیان باشد. مدیریت زندان باید رویه هایی را جهت شناسایی و اداره چنین نقاطی تدوین کند.

این امر با رویه های لازم الاجرا جهت پیش گیری از فرار در ارتباط است. برخی از مهم ترین آن ها رویه های ناظر بر بازرسی، اعم از بازرسی مکان های شخصی و بازرسی بدنی هستند.

در هر زندان وجود مجموعه رویه های قابل فهم و شفافیتی که در آن جزئیات مربوط به مواقع ضروری انجام بازرسی و شیوه های انجام و تکرار آن بیان شده باشد، ضروری است. این رویه ها باید به منظور پیش گیری از فرار تنظیم شوند و در عین حال از کرامت زندانیان و ملاقات کنندگان شان حمایت کنند.

لازم است رویه هایی برای بازرسی منظم مکان های زندگی، کار و تجمع زندانیان وجود داشته باشد. این ها شامل بازرسی های اقامتگاه ها مثل سلول ها و خوابگاه ها برای اطمینان از دستکاری نشدن تجهیزات امنیتی مثل درها و قفل ها، پنجره ها و چارچوب های آن ها است. متعلقات شخصی زندانی نیز، بنا بر رده بندی امنیتی وی، هر از گاهی باید بازرسی شود. کارکنان باید به طور خاص آموزش دیده باشند تا چنین بازرسی هایی را به شکلی انجام دهند که در عین کشف و جلوگیری از هرگونه تلاش برای فرار یا اختفای اشیاء ممنوع، کرامت زندانیان و حرمت متعلقات شخصی آنان نیز رعایت شود. رویه های پیش بینی شده برای چنین بازرسی هایی باید حضور زندانی هنگام انجام بازرسی را مجاز بشمارند.

بازرسی زندانیان

زندانین خاص، به ویژه آن هایی که تحت بالاترین حد شرایط امنیتی یا حد وسط این شرایط قرار دارند، باید به طور منظم بازرسی شخصی شوند تا از به همراه نداشتن اشیایی با کاربرد تلاش برای فرار یا ایراد صدمه به سایرین یا خود، اشیای ممنوعه ای نظیر داروهای غیرقانونی اطمینان حاصل شود. میزان شدت عمل در چنین بازرسی هایی متناسب با اوضاع و احوال متفاوت است. برای مثال، هنگام بازگشت گروهی زندانیان از محل های کار به اقامتگاه هایشان بازرسی بدنی آن ها از روی لباس امری طبیعی است که این نوع بازرسی امروزه در تمامی فرودگاه ها نیز متداول است. در برخی مواقع، به ویژه هنگامی که دلیلی وجود داشته باشد که ثابت کند اشخاص زندانی چیزی را زیر لباس خودشان مخفی می کنند یا زمانی که به عنوان زندانیان خطرناک شناخته شده باشند انجام نوعی بازرسی موسوم به بازرسی بدون لباس ضروری است. این مستلزم آن است که زندانی تمامی لباس های خود را درآورد و نشان دهد که هیچ چیزی را زیر لباس خود مخفی نکرده است.

رویه های عملی بازرسی

وجود مجموعه رویه هایی مشروح که کارکنان ناگزیر به رعایت آن هنگام بازرسی شخصی باشند، ضروری است. چنین رویه هایی:

- ❖ باید مواقع مجاز جهت انجام چنین بازرسی هایی را مشخص کند؛
- ❖ باید تضمین کند که زندانیان در خلال بازرسی و برای مثال با الزام به برهنگی کامل بدن در یک زمان خجالت زده و شرمسار نشوند؛
- ❖ باید تصریح کند که بازرسی زندانیان توسط کارکنان هم جنس آن ها ضروری است؛
- ❖ باید کارکنان امنیتی را از انجام بازرسی های درونی بدن زندانی منع کنند.

بازرسی ملاقات کنندگان

لازم است مجموعه رویه های شفافیتی نیز وجود داشته باشد تا این امر را تضمین کند که ملاقات کنندگان زندانیان نیز جهت نقض الزامات امنیتی موجه تلاش نمی کنند. این رویه ها می تواند شامل حق بازرسی شخصی ملاقات کننده باشد. در چنین رویه هایی این نکته باید به رسمیت شناخته شده باشد که ملاقات کنندگان، خودشان زندانی نیستند و ضرورت حراست از امنیت زندان باید با حق برخورداری از حریم شخصی بازدیدکنندگان متوازن شود. رویه های ناظر بر بازرسی ملاقات کنندگان باید نسبت به نیازهای کودکان، زنان و سایر گروه های آسیب پذیر حساس باشد. رویه های ناظر بر بازرسی ملاقات کنندگان متخصص همانند نمایندگان قانونی، مددکاران اجتماعی و پزشکان باید از سوی نهادهای حرفه ای مقتضی تأیید شود تا توازن میان امنیت و حق دسترسی حرفه ای محرمانه تضمین شود.

بازرسی کارکنان اذعان به این که خود کارکنان زندان نیز می توانند از طریق حمل پنهانی اشیای ممنوع یا غیرقانونی به زندان تهدید کننده ی امنیت آن باشند، اهمیت دارد. آن ها نیز باید تابع رویه های بازرسی مناسب باشند. چنین ترتیباتی می تواند از احتمال اعمال فشار بر کارکنان از سوی زندانیان یا سایر افراد جهت حمل اشیای ممنوع به درون زندان نیز بکاهد.

سایر رویه های طیف گوناگونی از رویه های امنیتی دیگر نیز هستند که باید به عنوان جزئی از روند امنیت به کار روند. این ها شامل امنیتی موارد زیر هستند:

❖ سرشماری زندانیان در زمان های خاصی از روز؛

❖ ترتیبات ترخیص به نحوی که آزادی درست و بدون اشتباه در مصداق زندانی را تضمین کند؛

❖ تفتیش گزینشی نامه ها و مکالمات تلفنی. در فصل هشتم این موضوع مفصل تر بررسی خواهد شد.

امنیت پویا هر چند ترتیبات امنیت فیزیکی و رویه ها خصیصه های اساسی زندگی زندان هستند، اما به تنهایی کافی نیستند. امنیت به کارکنان هوشیار نیز بستگی دارد؛ کارکنانی که در تعامل با زندانیان هستند، از آنچه در زندان می گذرد با خبرند و نگه داری فعال زندانیان در زمینه های مثبت را تضمین می کنند. اغلب از این امر به عنوان امنیت پویا یاد می شود. در ایالات متحده، زندان هایی که مبتنی بر اصول امنیت پویا هستند گاه به عنوان زندان های نظارت مستقیم شناخته می شوند. در صورت وجود تماس دائم میان کارکنان و زندانیان، یک نگهبان هوشیار نسبت به موقعیت های غیرعادی و احتمالاً تهدیدآمیز علیه امنیت واکنش نشان می دهد. کارکنانی که این گونه در تعامل با زندانیان باشند با آگاهی پیش از وقوع از رخدادهای اجتماع زندان قادرند از فرار زندانیان به شکل مؤثرتری جلوگیری کنند. قدرت امنیت پویا در این است که بیشتر غیرمنفعله است و هر تهدید امنیتی را در مراحل بسیار اولیه ی آن شناسایی می کند. بهترین کارکرد این امنیت هنگامی است که یک مأمور حرفه ای و به خوبی آموزش دیده حضور داشته باشد.

در ایالات متحده مطالعات نشان می دهد که زندان های نظارت مستقیم نتایج بهتری در زمینه ی نظارت بر زندانیان و کاهش چشمگیر خشونت، جنجال و خرابکاری داشته اند. تعامل فزاینده میان کارکنان و زندانیان نشانه ی آن است که مأموران قادر به پیش بینی مشکلات و مواجهه مبتکرانه با آن ها بوده اند. این مطالعات همچنین بیان می کنند که زندانیان زندان های نظارت مستقیم احتمال بیشتری برای زندگی سازنده پس از اتمام دوران حبس دارند.³

زندانیان خبرچین مدیریت و اداره ی برخی از زندان ها اطلاعات مربوط به تخطی های سازماندهی شده از نظارت یا امنیت را با استفاده از زندانیان خبرچین و به طور ناشناس به دست می آورند. این رویه خطرات عمده ای دارد. چنانچه زندانی خبرچین شناسایی شود ممکن است سایر زندانیان خشم خود را از وی با خشونت افراطی فرونشاندند. خبرچین ها می توانند اطلاعات نادرست بدهند تا سایر زندانیان را قربانی کنند و کنترل خود را بر روی آنان حفظ کنند. در صورت وجود یک نظام خبرچینی یا بدگمانی نسبت به وجود آن، ایجاد فضایی از کشمکش، بدگمانی و خشونت را در زندان باید به عنوان یک حقیقت مسلم پذیرفت. توسعه ی نظامی که در آن کارکنان زندانیان را به عنوان فرد بشناسند، همان گونه که در این کتاب آموزشی تبیین شده است، منجر به اطلاعات قابل اعتمادتری در خصوص موضوعات امنیتی و نظارتی خواهد شد.

توسل به هر نظام زندان باید رویه های واضح و شفافی برای توسل به مهارکننده های بدنی داشته باشد و کارکنان اصلی باید مهارکننده های بدنی برای استفاده از آن ها آموزش ببینند. چنین رویه هایی باید نسبت به موارد زیر مشخص باشند:

❖ مواقع امکان توسل به این مهارکننده ها؛

❖ مقام مجازکننده ی استفاده از آن ها؛

❖ نحوه ی به کارگیری آن ها؛

❖ مقام نظارت کننده بر رعایت صحیح رویه های پیش بینی شده.

3 Direct Supervision: A Safer, More Effective Jail (Oswego County Sheriff's Department, New York)

توسل به
مهارکننده‌های
بدنی به عنوان
آخرین دستاویز

مهارکننده‌های بدنی مثل دستبند، زنجیر، غل و کت‌های مهارکننده تنها باید در مواقع استثنایی استفاده شوند. آن‌ها نباید به عنوان جایگزینی برای سایر اقدامات بدنی امنیتی به کار روند. برای مثال، زنجیر کردن زندانیان از قوزک پا یا مچ دست به دیوارها یا میله‌های آهنی بلند، خواه به صورت انفرادی و خواه به طور گروهی تنها به دلیل ضعف امنیتی تأسیسات زندان به هیچ وجه مجاز نیست.

هنگام انتقال زندانیان از یک مکان به مکانی دیگر، خواه در داخل زندان یا بیرون آن، نباید به عنوان روالی متداول به مهارکننده‌های بدنی متوسل شوند. استفاده از آن‌ها در هر مورد باید مبتنی بر ارزیابی فردی خطری باشد که احتمال بروز آن از طرف زندانی وجود دارد.

مهارکننده‌ها باید به عنوان آخرین دستاویز جهت کنترل زندانی خشنی که تهدیدکننده‌ی امنیت سایرین است به کار روند. به محض توقف رفتار خشن شخص، مهارکننده‌ها نیز باید برداشته شوند. تنها در موارد استثنایی باید از مهارکننده‌ها جهت پیش‌گیری از آسیب‌زدن زندانی به خود استفاده کرد. روال عملی مطلوب القا می‌کند که این امر باید به ندرت ضرورت پیدا کند، چرا که همواره شیوه‌های جایگزینی برای پیش‌گیری از آسیب به خود وجود دارد.

کارکنان ارشد در حال انجام وظیفه باید دستور استفاده از مهارکننده‌های بدنی را صادر کنند و باید از استفاده مناسب آن‌ها اطمینان حاصل کنند. مدیر زندان و یکی از کارکنان پزشکی باید در اولین فرصت ممکن با هر زندانی که به دلیل رفتار خشن یا آسیب به خود مهار شده است، ملاقات کنند و در صورت ضرورت، استمرار استفاده از ادوات مهارکننده را تأیید کنند. تصمیم‌گیری در خصوص توسل به مهارکننده‌های بدنی و روال کاربرد آن‌ها باید تحت نظارت دقیق مقام بالاتر قرار گیرد و طبق روال عملی مطلوب یک نظارت‌کننده‌ی مستقل مجاز نیز بر آن نظارت داشته باشد.

مقامات زندان و یا سایر مقامات مقتضی باید مسئولیت حفاظت از زندانی را در خارج از محوطه‌ی زندان بر عهده داشته باشند؛ برای مثال، هنگام انتقال وی به یک زندان دیگر، دادگاه یا بیمارستان خارج از زندان. توجه خاص به سطح امنیتی لازم هنگام بستری شدن زندانی در بیمارستان ضروری است اما تحت هیچ شرایطی، امنیت نباید مانع از درمان پزشکی شود.

ماهیت امنیتی فیزیکی مورد لزوم طی این دوره‌ها می‌تواند بر طبق خطر امنیت فردی متفاوت باشد، اما اصلی که همواره باید در نظر گرفته شود این است که باید پایین‌ترین حد شرایط امنیتی لازم برای نگه‌داری مطمئن به کار رود. در این گونه موارد ضروری متداول‌ترین مهارکننده‌ای که به کار می‌رود دستبند است.

هنگامی که یک زندانی با مهارکننده‌های بدنی روانه‌ی دادگاه می‌شود باید وسایل مهارکننده پیش از آغاز رسیدگی دادگاه برداشته شوند، مگر این که قاضی، رئیس دادگاه یا دادرس ترتیب دیگری را مقرر دارند.

توازن میان امنیت و تماس با جهان خارج

لزوم نگه‌داری زندانیان در شرایط امنیتی مناسب می‌بایست با حق آنان جهت حفظ تماس با جهان خارج متعادل باشد. حتی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی، تماس معقول با جهان خارج همچنان باید مجاز باشد. این عنصری مهم در صیانت از حقوق فردی زندانی است. این امر همچنین می‌تواند به فرآیند بازپروری شخص زندانی کمک کند. به علاوه، تشویق زندانیان به داشتن تماس با جهان خارج به نفع مدیریت و اداره زندان است، زیرا می‌تواند ثبات درون زندان را افزایش دهد. در فصل هشتم بحث تماس با جهان خارج طی ایام حبس با تفصیل بیشتری بیان شده است.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اعلامیه حمایت از کلیه افراد در برابر ناپدید شدن تحت اجبار، ماده ی ۷:

هیچ گونه شرایطی نظیر تهدید جنگ، وضعیت جنگی، بی‌ثباتی سیاسی داخلی یا سایر ضرورت‌های عمومی نمی‌تواند ناپدید کردن اجباری را توجیه کند.

اعلامیه حمایت از کلیه افراد در برابر ناپدید شدن تحت اجبار، ماده ی (۲) ۱۰:

اطلاعات دقیق در خصوص بازداشت این گونه اشخاص، مکان یا مکان‌های بازداشت آن‌ها و از جمله انتقال ایشان، باید بلافاصله برای اعضاء خانواده و وکیل وی یا هر فرد دیگری که منافع مشروعی در خصوص این اطلاعات دارد، قابل دسترس باشد، مگر این که درخواست مخالفی از سوی افراد موردنظر ارائه گردد.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۸:

گفت‌وگوهای میان شخص بازداشت شده یا زندانی با مشاور حقوقی خود می‌تواند تحت نظر ضابطین قانون اما بدون استماع سخنان آن‌ها صورت گیرد.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۹:

هر شخص بازداشت شده یا زندانی باید از حق ملاقات و مکاتبه با دیگران، و به ویژه، اعضای خانواده خود برخوردار باشد و لازم است موقعیت‌های کافی برای ارتباط با جهان خارج با در نظر گرفتن شرایط و محدودیت‌های معقولی که توسط قانون یا مقررات قانون پیش‌بینی شده است برای وی فراهم شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۲۹:

- ۱ به منظور نظارت بر رعایت دقیق قوانین و مقررات مرتبط، لازم است مکان‌های بازداشت به طور منظم مورد بازدید اشخاص صلاحیت‌دار و با تجربه‌ای قرار گیرد که توسط مراجع صلاحیت‌داری انتخاب شده‌اند و مجزا از مراجعی هستند که به صورت مستقیم مسئولیت اداره‌ی مکان بازداشت یا حبس را بر عهده دارند و در برابر این مراجع نیز مسئول و پاسخگو هستند.
- ۲ هر فرد بازداشت شده یا زندانی باید از این حق برخوردار باشد که آزادانه و به طور کاملاً خصوصی با کسانی که طبق بند یک اصل حاضر از زندان بازدید می‌کنند، ملاقات کند به شرط این که شرایط معقول برای تضمین امنیت و حسن نظم چنین مکان‌هایی رعایت گردد.

کنوانسیون اروپایی پیش‌گیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز، فصل سوم، ماده ی ۸، ۲(ج):

[کمیته‌ی اروپایی پیش‌گیری از شکنجه] از حق دسترسی نامحدود به مکان‌هایی که افراد در آن‌جا از آزادی‌شان محروم شده‌اند، از جمله حق تردد بدون محدودیت در داخل چنین مکان‌هایی برخوردارند.

کنوانسیون اروپایی پیش‌گیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز، فصل سوم، ماده ی ۸، ۳:

کمیته می‌تواند با افراد محروم شده از آزادی به طور خصوصی مصاحبه کند.

حق تماس با بستگان و وکلای مدافع

در فصل سوم و در بحث رویه‌های پذیرش، به لزوم آگاه ساختن اعضای خانواده یا وکیل قانونی هنگام محروم ساختن یک فرد از آزادی اشاره شد. تحت هیچ شرایطی ممانعت مقامات زندان از آگاه شدن اعضای خانواده یا مشاوران حقوقی زندانی از توقیف وی و یا مکان نگه‌داری‌اش قابل توجیه نیست. تنها استثنا هنگامی است که خود شخص چنین درخواست می‌کند.

تمامی اشخاص محروم از آزادی از حق دسترسی به مشاوران حقوقی و مشاوره خصوصی با آن‌ها بدون استماع کارکنان برخوردارند. حق دسترسی زندانیان منتظر محاکمه به حقوق دانان در فصل یازدهم مطرح خواهد شد.

نظارت مستقل به عنوان جزئی از تماس با جهان خارج

فصل دهم به نظارت و بازرسی مستقل مکان‌های توقیف می‌پردازد. کمیته‌ی اروپایی پیش‌گیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز یکی از بهترین مثال‌های این نوع بازرسی است. کنوانسیون اروپایی پیش‌گیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز، که کمیته در پرتو آن شکل گرفته است، بر دسترسی نامحدود اعضا به افراد محروم از آزادی و گفت‌وگوی خصوصی با آن‌ها تأکید می‌کند. این اصل باید به نهادهای نظارتی مستقل محلی نیز بسط یابد.

توازن میان کنترل و یک اجتماع کاملاً منضبط

حبس بر اساس تعریف آن، محرومیت از آزادی است و بنابراین مستلزم نقض آزادی جابه‌جایی است. مقامات زندان موظف‌اند این محدودیت امنیتی را تا آن‌جا که ضروری است به اجرا درآورند تا از عدم فرار زندانیان از حبس قانونی اطمینان یابند و در عین حال تضمین کنند که زندان‌ها مکان‌هایی امن هستند و در آن‌جا هر کسی می‌تواند بدون هراس از آسایش جسمانی‌اش مشغول کارهای مشروع خویش باشد. سطح کنترل ناظر بر زندگی روزمره زندان و جابه‌جایی زندانیان نباید بیشتر از حد مجاز آن برای مواجهه با چنین الزاماتی باشد.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۲۷:

نظم و انضباط باید با قاطعیت تمام حفظ شود، اما نه همراه با محدودیت‌های بیش از حد لازم برای یک حبس امن و زندگی جمعی منضبط ضروری است.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی (۱) ۶۰:

نظام زندان باید بکوشد تا هرگونه تفاوت‌های میان زندگی در زندان و زندگی آزادانه را به حداقل برساند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۵۷:

حبس و سایر موازینی که منجر به جدایی فرد از جهان خارج می‌شود، با توجه به این‌که از طریق محروم کردن فرد از آزادی، حق داشتن اختیار امور را از وی سلب می‌کنند، رنج آورند. به همین منظور نظام زندان به استثنای مواردی که جدا ساختن موجه است یا در مواردی که جهت حفظ انضباط ضروری است، نباید رنج ذاتی چنین وضعیتی را تشدید کند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی (۱) ۲۸:

هیچ زندانی نباید در بخش‌های خدماتی زندان که عهده‌دار اختیارات انضباطی است به خدمت گرفته شود.

محدودیتی در حد ضرورت وظیفه‌ی مقامات زندان اجرای حکم دادگاه از طریق محروم کردن زندانیان از آزادی شان است. نقش آن‌ها این نیست که محدودیت‌های بیشتری را بر زندانیان تحمیل کنند و بر رنج ذاتی این کیفر بیفزایند. برعکس، باید تمامی تلاش خود را جهت به حداقل رساندن تفاوت‌های میان زندگی زندان و زندگی در آزادی به کارگیرند. یکی از دلایل این امر افزایش احتمال سازگاری مجدد زندانی در جامعه‌ی مدنی به عنوان شهروندی مطیع قانون، پس از پایان محکومیت حبس است که به این موضوع در فصل هفتم نیز اشاره شده است. کارکنان نیز باید درک کنند که این شیوه‌ی مدیریت زندان‌ها می‌تواند به امنیت، سلامتی، و حسن نظم زندان‌ها کمک کند.

زندانیان هرگز نباید برای نظارت بر سایر زندانیان به کار گرفته شوند در یک زندان سازمان یافته با تمامی زندانیان یکسان رفتار می‌شود. در صورت امکان باید آن‌ها را تشویق کرد تا در مدت حبس خود در فعالیت‌های سازنده، آن گونه که در فصل هفتم توضیح داده شده است، شرکت کنند. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل کمک در برخی جنبه‌های زندگی روزمره‌ی زندان مثل کار در آشپزخانه یا درمانگاه باشد. همچنین می‌توان زندانیان ماهر یا تحصیل کرده را تشویق کرد تا در این زمینه‌ها به سایر زندانیان کمک کنند. در هر صورت، به خدمت گرفتن یا استفاده از زندانیان جهت کنترل سایر زندانیان به هیچ وجه مجاز نیست. گاه هنگام کمبود تعداد کارکنان چنین وضعی رخ می‌دهد. با چنین زندانیانی از نظر امکانات اقامتی، غذا یا سایر تسهیلات به طور ویژه برخورد می‌شود تا آن‌ها را نسبت به نظارت یا مدیریت بر سایر زندانیان تشویق کند. چنین اموری همواره راه را برای سوء استفاده باز می‌کنند و هرگز نباید مجاز باشد.

مدیریت قاطع اما مشروع، اساسی است چالش پیش روی مدیریت حرفه‌ای زندان این است که تضمین کند زندان‌هایش امن، سالم، و کاملاً منضبط هستند اما به شیوه‌ای سرکوبگرانه یا ددمنشانه اداره نمی‌شوند. آنچه ضروری است رویکردی منسجم و مستحکم است، نه خشن و نه لیبرال. اکثریت زندانیان از مدیریت قاطع و منصفانه‌ی کارکنان استقبال می‌کنند، زیرا چنانچه کارکنان کنترل زندان را در دست نداشته باشند خلاء حاصله توسط زندانیان قدرت طلب پر خواهد شد. وگرنه، چنانچه مدیریت قاطعی از بالا وجود نداشته باشد هر یک از کارکنان ممکن است به نوعی کنترل غیررسمی شخصی متوسل شوند. در هر دو حال زندگی کردن برای اکثر زندانیان ناخوشایند می‌شود.

هنگامی که کنترل و نظم مطلوب فرو می‌پاشد

احتمال فروپاشی نظم مطلوب حتی در سازمان یافته‌ترین زندان‌ها نیز وجود دارد. همواره این امکان هست که یک زندانی، خواه بر اساس نقشه قبلی و خواه بر اساس خشم آنی، کارکنان یا سایر زندانیان را مورد حمله قرار دهد. به همین ترتیب گروهی از زندانیان نیز شاید بر این باور باشند که آمادگی اطاعت از مقررات قانونی زندان را ندارند و به اتفاق هم شورش کنند، خواه از طریق آشوب و خواه از طریق گروگان‌گیری. در هر زندان وجود مجموعه رویه‌های شفاف برای مواجهه با چنین حوادثی ضروری است. چنین رویه‌هایی باید در چارچوب اسناد بین‌المللی تدوین شوند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی (۳) ۵۴:

- (۱) کارکنان زندان در روابط خود با زندانیان نباید به زور متوسل شوند، مگر جهت دفاع از خود یا در موارد تلاش برای فرار یا مقاومت فعال یا غیرفعال بدنی در برابر دستوری که مبنای قانونی یا مقرراتی دارد. مأمورانی که منابع اعمال زور را در اختیار دارند باید توسل به آن را به موارد کاملاً ضروری محدود کنند و می‌بایست واقعه را بی‌درنگ به مدیر زندان گزارش بدهند.

(۲) لازم است جهت تواناسازی کارکنان زندان در زمینه ی مهارکردن زندانیان پرخاشگر، آموزش های

عملی ویژه ای به آنان ارائه شود.

(۳) به استثنای شرایط ویژه، کارکنانی که به اقتضای خدمت خود در تماس مستقیم با زندانیان هستند نباید

مسلح باشند. علاوه بر آن، تحت هیچ شرایطی نباید سلاح در اختیار کارکنان گذاشته شود، مگر این که قبلاً نحوه ی استفاده از آن را فرا گرفته باشند.

اصول پایه برای توسل به زور و استفاده از سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۹:

مأموران اجرای قانون نباید به غیر از دفاع از خود یا دفاع از دیگران در برابر تهدید قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی، پیش گیری از ارتکاب جرایم بسیار جدی شامل خطر جدی برای زندگی، دستگیری فردی که چنین خطری را ایجاد کرده است و در برابر اختیارات آن ها مقاومت می کند یا جلوگیری از فرار چنین فردی و تنها در مواقعی که روش های محدودتر برای نیل به اهداف یاد شده ناکافی هستند، از سلاح های گرم علیه اشخاص استفاده کنند. در هر صورت، کاربردکننده ی عاملانه از سلاح های گرم تنها در مواردی می تواند صورت گیرد که چنین امری به طور کاملاً ضروری جهت حفظ حیات افراد غیر قابل اجتناب باشد.

اصول پایه در توسل به زور و استفاده از سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۱۵:

مأموران اجرای قانون در روابط خود با افرادی که تحت حبس یا بازداشت قرار دارند، نباید به زور متوسل شوند، مگر این که چنین امری برای تأمین امنیت و نظم داخلی زندان کاملاً ضروری باشد یا ایمنی افراد مورد تهدید واقع شود.

اصول پایه در توسل به زور و استفاده از سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۱۶:

مأموران اجرای قانون در روابط خود با افرادی که تحت حبس یا بازداشت قرار دارند، نباید به زور متوسل شوند، مگر برای دفاع شخصی یا دفاع از دیگران در برابر تهدیدات فوری مرگ یا آسیب های جدی، یا در مواردی که چنین امری جهت پیش گیری از فرار فردی که تحت حبس یا بازداشت قرار دارد و خطرات ذکر شده در اصل ۹ را از خود بروز می دهد.

اصول پایه در توسل به زور و استفاده از سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون، اصل ۱۷:

اصول مذکور هیچ گونه لطمه ای به حقوق، وظایف و مسئولیت های پیش بینی شده برای کارکنان زندان در قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، به ویژه قاعده های ۳۳، ۳۴ و ۵۴ وارد نمی کند.

کنوانسیون امریکایی و پیش گیری از شکنجه و مجازات آن، ماده ی ۵:

نه شخصیت خطرناک فرد بازداشتی یا زندانی و نه فقدان امنیت تأسیسات زندان یا ندامتگاه، توجیه کننده ی شکنجه نیست.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

پیش گیری، نخستین پیامی که کارکنان باید فراگیرند این است که همواره پیش گیری بهتر از درمان است. به ندرت یک حادثه مهم بدون هیچ گونه هشدار قبلی رخ می دهد. تقریباً در تمامی موارد برخی شواهد قبلی مبنی بر بروز یک کشمکش در سطح فردی یا گروهی وجود دارد. در این جا مزایای امنیت پویا آشکار می شود. یک مأمور هوشیار با ورود به یک واحد اقامتی یا کارگاهی که در آن جا کشمکشی در حال شکل گیری است، بلافاصله از فضای حاکم به وجود مشکل پی می برد. کشمکش را در فضا احساس خواهد کرد. چرا که تمامی زندانیان را می شناسد و می تواند هر شخص آشفته یا در آستانه ی احتمالی بروز خشونت را شناسایی کند و با وی به گونه ای رفتار کند که از بروز خشونت جلوگیری شود. همچنین در صورتی که رویکرد کلی کارکنان منصفانه و ثابت باشد برای زندانیان علاقه مند به ایجاد در دسر، تحریک سایر زندانیان سخت است. در هر حال، حتی در صورت وجود یک امنیت پویای مناسب نیز ممکن است یک طغیان خشونت آمیز فردی یا گروهی روی دهد.

لزوم گفتگو و مذاکره روابط حرفه‌ای مطلوب میان کارکنان و زندانیان یک عنصر اساسی امنیت پویا است. در صورت وجود چنین روابطی، آن‌ها می‌توانند از طریق گفتگو و مذاکره تأثیر مطلوبی در فرونشاندن حوادث احتمالی یا اعاده‌ی نظم مطلوب داشته باشند. تنها در مواقعی که چنین شیوه‌هایی به شکست بینجامد یا ناکافی به نظر برسد، توسل به شیوه‌های بدنی اعاده‌ی نظم باید مدنظر قرار گیرد.

توسل به حداقل زور شیوه‌های مهار جسمانی زندانیان با توسل به حداقل زور، باید به تمامی کارکنانی که مستقیماً با زندانیان سروکار دارند آموزش داده شود. این کارکنان نباید تنها با به نمایش گذاشتن زور بدنی بیشتر به تسلط بر زندانیان سرسخت تکیه کنند. این امر در بسیاری مواقع امکان‌پذیر نیست. حتی در صورت امکان نیز نتایج آن می‌تواند صدمات جدی هم برای کارکنان و هم برای زندانیان دربرداشته باشد. روش‌های نظارتی و مهارکننده‌ی گوناگونی وجود دارد که می‌توان به کارکنان آموزش داد این روش‌ها به آن‌ها اجازه می‌دهد بدون آسیب زدن به خودشان یا زندانیان درگیر، کنترل را در دست بگیرند. مدیریت باید از چنین روش‌هایی آگاهی داشته باشد و اطمینان یابد که تمامی کارکنان از مهارت‌های اساسی برخوردارند و تعداد کافی از کارکنان نیز مهارت‌های ناظر بر روش‌های پیشرفته‌تر را فرا می‌گیرند.

اسلحه و مهمات کارکنانی که به طور مستقیم با زندانیان سروکار دارند ممکن است برای دفاع از خود سلاح‌هایی مثل چماق یا باتون حمل کنند. روال عملی مطلوب مستلزم این است که چنین سلاح‌هایی به شکلی خودنمایانه یا تهدیدآمیز حمل نشوند. یک روال متداول حمل باتون در جیب مخصوصی از شلوار است به گونه‌ای که باتون پنهان و در عین حال سهل‌الوصول باشد. باتون‌های بلندتر نباید به صورت روزمره حمل شوند بلکه باید در مکان‌هایی مناسب انبار شوند، به گونه‌ای که در مواقع اضطراری برای توزیع سریع قابل دسترسی باشند. اعطای اجازه‌ی حمل سلاح گرم یا سلاح‌های مشابه به کارکنانی که به طور مستقیم با زندانیان سروکار دارند روال عملی مطلوبی نیست، چرا که ممکن است از این سلاح‌ها به شکلی نامناسب استفاده شود و یا به دست زندانیان بیفتد.

کاربرد سلاح‌های گرم در برخی نظام‌های زندان مأموران محافظ فضای پیرامونی زندان، سلاح گرم حمل می‌کنند. چنین کارکنانی باید از راهنمایی‌های صریحی در خصوص مواقع مجاز استفاده از سلاح برخوردار باشند. استفاده از سلاح باید منحصر به مواقعی باشد که زندگی یک شخص، خواه مأمور موردنظر یا شخصی دیگر، در معرض تهدید است. شلیک به یک زندانی تنها به دلیل آن که در حال فرار است مجاز نیست. مواقع استثنایی دیگری وجود دارد که موجب می‌شود مأمور تیرانداز به این نتیجه برسد که زندانی در حال فرار، زندگی فرد دیگری را مستقیماً تهدید می‌کند و متوقف ساختن وی از هیچ طریق دیگری ممکن نیست. اصول پایه برای توسل به زور و استفاده از سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون در این زمینه صراحت دارد.

مدیریت و اداره زندان‌ها باید دستورالعمل‌ها و رویه‌های شفافی برای توسل به هر نوع زور و استفاده از سلاح گرم، همراه با برنامه‌های آموزشی جهت کارکنان استفاده‌کننده از آن‌ها تدوین کنند. این رویه‌ها باید شامل ترتیباتی رسمی برای تحقیق در خصوص هر حادثه‌ای باشد که موجب توسل به زور یا استفاده از سلاح گرم می‌شود.

تعدادی از موضوعات مذکور در بالا در فصل دوم نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

بالاترین حد شرایط امنیتی

در برخی نظام‌های قضایی گروه‌هایی از زندانیان به طور روزمره و معمولاً در انزوا، تحت بالاترین حد شرایط امنیتی نگه داری می‌شوند. در برخی موارد ممکن است این شرایط توسط دادگاه و به عنوان بخشی از مجازات پیش‌بینی شده باشد، اما گاه زندانیان نیز در نتیجه‌ی ارزیابی امنیتی به عمل آمده توسط مدیریت زندان‌ها تحت چنین شرایطی قرار می‌گیرند. اسناد بین‌المللی در خصوص محدود شدن تمامی این قید و بندها به حداقل میزان لازم صراحت دارند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۲۷:

نظم و انضباط باید با قاطعیت تمام حفظ شود، اما نه با قید و بندی بیش از حد لازم برای یک حبس امن و زندگی جمعی منضبط.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

استفاده‌ی حداقلی از تدابیر خاص بالاترین حد
هنگامی که تعداد زیادی از زندانیان در اماکن ویژه‌ی بالاترین حد شرایط امنیتی نگه داری می‌شوند، این خطر وجود دارد که برای بسیاری از آن‌ها، این شرایط افراطی باشد و تناسبی با تهدید احتمالی از جانب ایشان نداشته باشد. به عنوان یک قاعده‌ی کلی، زندانیان تنها باید هنگامی روانه‌ی بالاترین حد شرایط امنیتی شوند که رفتار آن‌ها برای سلامتی و امنیت زندان تهدیدآمیز باشد و مسئولین، مدیریت و اداره زندان گزینه‌ی دیگری نداشته باشند. هرگونه انتقال به چنین شرایطی باید برای کمترین مدت زمان ممکن باشد و با توجه به رفتار فرد زندانی مورد بازنگری مستمر قرار گیرد.

پرهیز از انزوای مطلق
بسیاری از تأسیسات ویژه‌ی امنیتی ناظر بر جدایی واقعی زندانیان است و تعامل آنان با کارکنان و سایر زندانیان را به حداقل یا هیچ می‌رساند. خود این امر باعث می‌شود فرصت مهم زندانی برای نشان دادن تغییر در رفتاری که برای نخستین بار منجر به روانه ساختن وی به چنین شرایطی شده است از وی سلب شود.

زندان‌های مشکل ساز و اخلاق‌گر

هر از گاهی اقلیت کوچکی از زندانیان ممکن است ضرورت کنترل و نظم مطلوب در زندان‌ها را نپذیرند و لازم باشد که اقدامات خاصی در مورد آن‌ها اعمال شود. مهم این است که این تعداد در حداقل مطلق حفظ شوند.

آنچه اسناد منطقه‌ای مقرر می‌کنند

توصیه‌ی شماره ۱۷- (۸۲) R کمیته‌ی وزیران شورای اروپا به دولت‌های عضو در خصوص نگه داری و رفتار با زندانیان خطرناک:

کمیته‌ی وزیران در پرتو مفاد ماده‌ی ۱۵-ب اساسنامه شورای اروپا... توصیه می‌کند که دولت‌های عضو:

- (۱) تا حد امکان مقررات عادی زندان را بر زندانیان خطرناک اعمال کنند؛
- (۲) تدابیر امنیتی را تنها در حد ضرورت مقتضی اعمال کنند؛
- (۳) تدابیر امنیتی را با احترام کامل به کرامت و حقوق انسانی اعمال کنند؛

- (۴) تضمین کنند که در تدابیر امنیتی، الزامات گوناگون انواع متفاوت میزان خطرناک بودن مدنظر قرار گیرد؛
- (۵) تا حد امکان، اثرات نامطلوب احتمالی شرایط امنیتی اجباری را خنثی کنند؛
- (۶) تمامی توجهات لازم را به مشکلات احتمالی ناشی از امنیت اجباری بر روی سلامت فرد معطوف سازند؛
- (۷) تا حدی که امنیت اجازه می دهد تعلیم و تربیت، آموزش های فنی حرفه ای، کار، مشغولیت های تفریحی و سایر فعالیت ها را فراهم کنند؛
- (۸) نظامی برای بازنگری منظم و تضمین عدم تجاوز از زمان ضروری برای نگه داری در شرایط امنیتی اجباری و سطح امنیتی لازم، داشته باشند؛
- (۹) در صورت وجود واحدهای امنیتی اجباری، تعداد کافی مکان های نگه داری، مأمور و کلیه امکانات ضروری موجود در آن ها را تضمین کنند؛
- (۱۰) آموزش های مناسب را برای تمامی کارکنانی که با نگه داری و رفتار با زندانیان خطرناک سروکار دارند ارائه کنند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

انزوا، روال عملی
مطلوبی نیست

حداقل دو روش برای مدیریت بر زندانیان خشن و اخلال گر وجود دارد. نخستین روش قرار دادن آن ها در شرایط انزوا است، خواه به تنهایی و خواه با یکی دو زندانی دیگر. تحت چنین شرایطی، زندانیان تمام مدت شبانه روز را در مکان اقامتی خود می گذرانند. در افراطی ترین حالت زندانیان به هیچ نوع فعالیت یا عامل هیجانی بیرونی دسترسی ندارند و به هیچ وجه کاری ندارند که انجام بدهند. شاید تنها به آن ها اجازه داده شود که در یک قفسواره ی خالی بیرونی یک ساعت به تفریح انفرادی بپردازند. هربار که سلول خود را ترک می کنند تحت بازرسی بدنی بدون لباس قرار می گیرند و به دست هایشان دستبند زده می شود. در برخی کشورها زندانیان می توانند سال ها را به این ترتیب سپری کنند. این شیوه رفتار با زندانیان، حتی اگر خطرناک باشند، روال عملی مطلوبی نیست و اغلب از فقدان شیوه های مدیریتی مناسب ناشی می شود.

جداسازی در
واحدهای کوچک

روش مثبت تر، اسکان زندانیان مشکل ساز در واحدهای کوچک حداکثر ده نفری است. این شیوه مبتنی بر این فرض است که "انزوای گروهی" برای زندانیان اخلالگر مثبت تر از استقرار در سلول انفرادی است. اصلی که این واحدها در پرتو آن فعالیت می کنند این است که امکان توسعه ی یک نظام مثبت و فعال جهت زندانیان، حتی زندانیان خطرناک، باید برای کارکنان حرفه ای آموزش دیده فراهم باشد. منظور این است که زندانیان بتوانند درون یک فضای پیرامونی امن به جابه جایی نسبتاً آزاد در میان واحدها بپردازند و از زندگی عادی زندان بهره مند باشند. در چنین محیطی زندانیان تنها هنگامی که همه چیز به شکست بینجامد روانه ی سلول انفرادی می شوند، آن هم تنها برای مدت زمانی کوتاه.

استثناء و نه هنجار

یکی از نتیجه گیری های مهم توصیه های شورای اروپا، که قبلاً به آن اشاره شد، این است که این گروه از زندانیان استثناء هستند نه قاعده. آن ها نماد زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت نیستند و مشکلات ایجاد شده از طرف آن ها نباید به گونه ای بسط داده شود که گروه وسیع تری از زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت را دربر گیرد.

آزمونی برای
حرفه ای بودن

شیوه ی مواجهه مأموران زندان با گروه کوچکی از زندانیان بسیار خشن، که از هر گونه انطباق با انتظارات موجه سر باز می زنند، تنها بزرگترین چالش حرفه ای بودن کارکنان زندان محسوب نمی شود، بلکه نحوه ی پاسخ مقامات زندان به نمایندگی از بقیه جامعه به افرادی که هیچ احترامی برای سایر انسان ها قائل نیستند و یا احترام کمی قائل اند، یک آزمون واقعی برای انسانیت هرکس است.

رویه‌های انضباطی و تنبیهات

چارچوب

لزوم استیلاي حاکمیت قانون بر زندان

تصدیق این که حاکمیت قانون در پس دروازه‌ی زندان پایان نمی‌پذیرد مهم است. برای مثال، فردی که در زندان مورد تعرض قرار گرفته است درست مانند شخصی که در بیرون از زندان مورد تعرض قرار گرفته سزاوار حمایت قوانین کیفری است. لازم است در هر زندان روال عملی مرسوم و وجود داشته باشد که هنگام وقوع یک عمل مجرمانه جدی یا فرض وقوع آن یک روش تحقیق و بررسی مشابه آنچه در جامعه مدنی است به فعالیت پردازد. در برخی نظام‌های قضایی قضات یا دادستان‌های ویژه‌ای منصوب شده‌اند تا این وظیفه را در زندان‌ها عهده‌دار شوند. در سایر کشورها، دادستان یا پلیس فراخوانده می‌شود و فرصت انجام تحقیق برای آن‌ها آن چنان فراهم می‌شود که انگار بزه در خارج از زندان رخ داده است. ممکن است حادثه‌ای که در محیط زندان جدی است توسط نهادهای متولی تحقیقات جنایی مستوجب پی‌گیری محسوب نشود. یک مثال در این خصوص هنگامی است که از یک زندانی مقدار بسیار کمی مواد مخدر جهت مصرف شخصی کشف می‌شود یا تهاجمی روی می‌دهد که در آن هیچ کس به طور جدی آسیب نمی‌بیند. از طرف دیگر، معمولاً ارجاع تهاجم یا ضرب و جرح‌های با استفاده از سلاح یا منجر به شکستگی استخوان یا نقص عضو به دادستان یا پلیس موجه است. یکی از راه‌های مواجهه با چنین موضوعاتی این است که مقامات زندان و مقامات متولی تحقیقات جنایی خط مشی‌ای را بپذیرند که ناظر بر تعیین مواردی باشد که دادستان یا پلیس علاقه‌مندند در آن مداخله کنند.

لزوم وجود مجموعه رویه‌هایی شفاف برای مقابله با تخلفات انضباطی

زندان‌ها بر اساس ماهیت خود مراکز بسته‌ای هستند که در آن‌ها گروه‌های وسیعی از افراد علیرغم میل‌شان در شرایط محدود شده نگه‌داری می‌شوند. هر از گاهی برخی زندانیان به صورتی اجتناب‌ناپذیر و به طرق مختلف قواعد و مقررات زندان را نقض می‌کنند. این می‌تواند از طریق ضرب و جرح نفر دیگر، برداشتن اموال دیگران، ممانعت از اجرای برنامه‌های روزمره، سرپیچی از یک دستور مشروع، تلاش جهت قاچاق اشیای ممنوع به داخل زندان یا موارد دیگر صورت گیرد. وجود مجموعه رویه‌هایی شفاف جهت مواجهه با چنین حوادثی ضروری است.

انضباط اداری

این فصل از این کتاب آموزشی ناظر بر رویه‌های مواجهه با نقض مقررات انضباطی زندان است که در اصل ماهیت اداری اجرایی دارند و قابل ارجاع به نهادهای تحقیقاتی یا قضایی بیرونی نیستند.

معیارهای خارج از زندان

در مواردی که مربوط به مقامات خارج از زندان است باید از همان ضوابطی پیروی شود که در مورد غیرزندانان به کار گرفته می‌شود.

منصفانه بودن رویه‌های انضباطی

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

مجموعه اصول حمایت از کلیه‌ی افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۳۰:

- ۱ هر نوع رفتار شخص بازداشت شده یا زندانی طی دوران حبس یا بازداشت که بزه انضباطی محسوب می‌شود، تعیین نوع تنبیه و مدت زمان تنبیه و مراجع صلاحیت‌دار برای تحمیل چنین تنبیهاتی باید به‌طور دقیق توسط قانون یا مقررات قانونی مشخص شود و به شیوه‌ی مناسب انتشار یابد.
- ۲ فرد بازداشت شده یا زندانی باید از این حق برخوردار باشد که قبل از به اجرا گذاشته شدن اقدام انضباطی، سخنان وی استماع شود. او باید از حق اعتراض به مرجع بالاتر جهت تجدیدنظر در اقدام انضباطی در نظر گرفته شده برخوردار باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۵:

- (۱) هر زندانی هنگام پذیرش باید اطلاعات مکتوبی را درباره‌ی مقررات حاکم بر رفتار با زندانیان هم‌رده‌ی خود، مقررات انتظامی مرکز نگه‌داری، شیوه‌های مجاز کسب اطلاعات و طرح شکایت و تمام موضوعاتی که جهت توانا ساختن وی و درک همزمان حقوق و تکالیف خود و هماهنگی با زندگی در زندان لازم است، دریافت کند.
- (۲) چنانچه زندانی بی‌سواد باشد، اطلاعات مزبور باید به صورت شفاهی به وی ارائه شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۲۹:

- موارد زیر همواره باید از سوی قانون یا مقررات تدوین شده توسط یک مرجع اداری صلاحیت‌دار مشخص شوند:
- (الف) رفتاری که بزه انضباطی محسوب می‌شود؛
 - (ب) انواع و مدت زمان تنبیهاتی که می‌تواند بر زندانی تحمیل شود؛
 - (ج) مرجع صلاحیت‌دار برای اعمال تنبیهات.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۰:

- (۳) در صورت لزوم و امکان، زندانی باید مجاز باشد تا دفاع خود را از طریق یک مترجم ارائه کند.

مقررات اروپایی زندان، قاعده‌ی ۲-۳۶:

گزارش‌های سوءرفتار باید بی‌درنگ به مقام ذیصلاح تسلیم شود و او بلادرنگ درخصوص آن گزارش‌ها تصمیم‌گیری کند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی (۱) ۲۸:

هیچ زندانی‌ای نباید در بخش‌های خدماتی زندان که متضمن اختیارات انضباطی است به خدمت گرفته شود.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

لزوم رعایت دادرسی عادی در کلیه‌ی موضوعات عدالت اداری، مهم این است که اصول دادرسی عادی رعایت شود. پیش از هر چیز لازم است تمامی زندانیان قبلاً از قوانین و مقررات زندان آگاهی یابند. به آن معنا که همه‌ی زندان‌ها باید از مجموعه مقرراتی برخوردار باشند که در آن به صورتی شفاف افعال یا ترک افعال مستلزم نقض انضباط زندان و قابل ارجاع به یک اقدام انضباطی رسمی، مشخص شده باشد. این مقررات باید از شرایط یک متن قانونی برخوردار باشند. در بسیاری کشورها این مقررات باید به تصویب مجلس برسند. این مقررات باید به صورت گسترده در زندان منتشر شوند و در هنگام نخستین پذیرش یک نسخه‌ی آن در اختیار زندانی قرار گیرد. به ضرورت انجام این کار به‌طور کلی در فصل سوم اشاره شد. اتخاذ تدابیری جهت تضمین آگاهی کامل زندانیان بی‌سواد از این مقررات ضروری است.

لحاظ رویه‌های مناسب هر زندانی که تحت فرآیند انضباطی متهم شده است حق دارد پیشاپیش از اتهام خود و کسی که اتهام را وارد کرده است آگاهی یابد. مقام صلاحیت دار باید بدون تأخیر بی‌مورد به چنین اتهامی رسیدگی کند. زمان کافی برای تهیه‌ی دفاع مناسب باید در اختیار زندانی قرار گیرد. مأمورانی هم که ایراد اتهام کرده‌اند، ممکن است نیازمند زمان کافی جهت گردآوری تمامی شواهد قابل حصول باشند. اما در هر صورت این امر نباید مجالی برای تأخیر فرآیند رسیدگی باشد، به ویژه در مواقعی که زندانی در مدت رسیدگی در سلول انفرادی نگه داری می‌شود. در چنین مواردی تأخیر نامعقول می‌تواند به نوعی تنبیه غیر رسمی منجر شود. این نکته هنگامی که طی رسیدگی یک مقام خارج از زندان نیز زندانی در سلول انفرادی نگه داری می‌شود باید مدنظر قرار گیرد.

لزوم رسیدگی به قضیه توسط یک مقام صلاحیت‌دار پرونده باید توسط یک مقام صلاحیت دار رسیدگی شود. در برخی نظام‌های قضایی، قضات مستقل یا ویژه‌ای جهت رسیدگی به پرونده‌های انضباطی زندان‌ها منصوب شده‌اند. مزیت چنین روشی این است که منجر به استقلال قضایی می‌شود و احتمال تبعیت از رویه‌های مناسب را بیشتر می‌کند. در برخی نظام‌های قضایی دیگر مانند ترکیه، هیئت ویژه‌ای برای رسیدگی انضباطی وجود دارد. در سایر کشورها مثل انگلستان، رئیس زندان به چنین پرونده‌هایی رسیدگی می‌کند.

هنگامی که رسیدگی‌های انضباطی توسط مدیریت زندان صورت می‌گیرد مهم این است که برخورداری چنین افرادی از آموزش‌های مقتضی و نداشتن پیش فرض در مورد پرونده‌ی در دست رسیدگی تضمین شود.

تهیه‌ی دفاع مناسب در تمامی موارد حضور زندانی متهم در خلال رسیدگی الزامی است. وی باید شواهد ارائه شده را بشنود و بتواند مأموران مطرح کننده‌ی قضیه را مورد پرسش قرار دهد. هرگاه به هر دلیل زندانی قادر به دفاع از خود نباشد، باید این اجازه به وی داده شود که فرد دیگری را برای کمک به خود فراخواند. چنانچه قضیه پیچیده یا تنبیه احتمالی شدید باشد، تدارک مشاور حقوقی برای زندانی باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

حق تجدیدنظر خواهی چنانچه زندانی گناهکار شناخته شود، باید از حق تجدید نظر خواهی نزد مقام بالاتر برخوردار باشد.

تذکرات غیر رسمی در برخی از زندان‌ها صدور هشدارهای غیر رسمی برای تخطی‌های کوچک انضباطی پیش از اقدام رسمی مرسوم است. این می‌تواند جهت آگاه شدن زندانی از این حقیقت که رفتارش تأمل برانگیز است مفید باشد. با این حال، باید دقت کرد استفاده‌ی منصفانه و قاطع از چنین هشدارهایی تضمین شود. این امر نباید موجب اضافه شدن مجموعه‌ای از ضمانت‌های اجرایی غیر رسمی شود.

تنبیه‌ها باید عادلانه و مناسب باشند

فهرست شفاف و منتشر شده‌ی بزه‌های انضباطی باید توسط فهرست جامعی از تنبیه‌های احتمالی قابل اعمال بر مرتکبان چنین بزه‌هایی تکمیل شود. همانند فهرست بزه‌ها، فهرست تنبیه‌ها نیز باید در متنی قانونی که به تصویب مقام مقتضی رسیده است پیش‌بینی شود. تنبیه‌ها همواره باید عادلانه و متناسب با بزه موردنظر باشند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۰:

- (۱) هیچ زندانی نباید تنبیه شود مگر مطابق با چنین قوانین و مقرراتی و نیز هرگز نباید به خاطر یک تخلف دوبار تنبیه شود.
- (۲) هیچ زندانی نباید تنبیه شود مگر این که او را از بزهی که به خاطر آن تنبیه می‌شود آگاه کرده باشند و از فرصت مناسبی برای ارائه دفاع برخوردار باشد. مرجع صلاحیت دار باید به طور کامل مورد را بررسی کند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۱:

لازم است مواردی نظیر تنبیهات بدنی، استقرار در یک سلول تاریک و هر گونه تنبیه خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به عنوان مجازات‌های قابل اعمال برای بزه‌های انضباطی ممنوع شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۲:

- (۱) تنبیه‌هایی مانند حبس در سلول در بسته یا کاهش جیره غذایی به هیچ وجه نباید اعمال شود مگر این که پزشک زندانی را مورد معاینه قرار دهد و به صورت مکتوب سازگاری زندانی جهت تحمل چنین وضعیتی را تأیید کند.
- (۲) چنین موازینی باید نسبت به هر گونه تنبیه دیگری که ممکن است بر سلامت جسمانی یا روانی زندانی تأثیر گذارد، اتخاذ شود. در هیچ موردی نباید چنین تنبیهی در تعارض با اصل بیان شده در قاعده‌ی ۳۱ باشد یا از این اصل فاصله بگیرد.
- (۳) مأمور پزشکی باید به صورت روزانه زندانیانی را که تحت چنین تنبیهاتی قرار دارند ملاقات کند و در صورتی که اتمام یا تغییر تنبیه را جهت سلامت جسمانی یا روانی زندانی ضروری تشخیص دهد رئیس زندان را از این امر آگاه سازد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۳:

از ابزارهای مهارکننده‌ای نظیر دستبند، زنجیر و غل نباید به عنوان تنبیه استفاده شود.

مقررات اروپایی زندان، قاعده‌ی ۳۷:

تنبیهات جمعی، تنبیه بدنی، تنبیه از طریق استقرار در سلول تاریک و تمامی تنبیهات خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به عنوان مجازات‌های بزه انضباطی به طور اکید ممنوع است.

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، ماده‌ی ۷-۲:

تنبیه فردی است و تنها بر بزهکار قابل اعمال است.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده‌ی ۵-۳:

تنبیه نباید به هیچ فرد دیگر غیر از مجرم تسری یابد.

کیفر همواره باید یک زندانی تنها در صورت گناهکار شناخته شدن در یک دادرسی انضباطی رسمی، مطابق با رویه های مشخص شده در سطرهای پیشین، می تواند تنبیه شود. چنین رسیدگی هایی باید به صورت جداگانه صورت گیرند. برای اعمال شود مثال، در صورت سرپیچی های متعدد از مقررات یا ضرب و جرح تعدادی از زندانیان، هر مورد باید جداگانه رسیدگی شود و تنبیهات به صورت موردی تحمیل شود.

ممنوعیت کیفر مضاعف برای یک بزه هیچ زندانی نباید برای یک بزه دوبار تنبیه شود. به آن معنا که برای مثال چنانچه بزه ارتكابی ضرب و جرح و یا تلاش برای فرار باشد و به یک مرجع قضایی بیرون از زندان ارجاع شده باشد نباید تحت یک دادرسی انضباطی داخل زندان تعقیب شود.

تنبیهات اداری تنبیهات اداری می تواند شامل اخطار کتبی مندرج در پرونده، محرومیت از کار، محرومیت از دستمزد (در صورت پرداخت در قبال کار زندانی)، منع شرکت در فعالیت های تفریحی، محدود کردن استفاده از برخی اموال شخصی، یا محدود کردن تردد در زندان باشد. تنبیهات نباید هرگونه محدودیت در ارتباطات خانوادگی اعم از نامه نگاری یا ملاقات را در بر گیرد. قطع نظر از هر ملاحظه ی دیگر، این امر می تواند به نوعی تنبیه خانواده یا دوستان زندانی باشد.

محدودیت های تنبیه تحمیل شده بر اساس یک دادرسی انضباطی همواره باید متناسب با بزه ارتكابی باشد. هرگونه تنبیه بدنی، تنبیه از طریق نگه داری در سلول تاریک، و هرگونه تنبیهات خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز به طور خاص ممنوع است. اکنون به طور گسترده پذیرفته شده است که کاهش جیره ی غذایی نوعی تنبیه بدنی و مجازاتی غیر انسانی است؛ این نمایانگر دیدگاهی تخصصی است که از زمان تصویب قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۷ بسط یافته است.

ممنوعیت توسل به مهارکننده های بدنی به عنوان مجازات تجهیزات مهارکننده ی بدنی به هیچ وجه نباید به عنوان تنبیه به کار روند. شرایط امکان توسل به چنین تجهیزاتی در فصل پنجم بیان شده است.

نقش پزشکان در زمینه ی تأیید سازگاری زندانی با نوع خاصی از تنبیه موضوع حساسی است که در فصل چهارم پزشکان به آن پرداخته شده است. قواعد حداقل استاندارد (۳۲) پیش بینی می کند که یک مأمور پزشکی باید تمامی زندانیانی را که در معرض تنبیهی قرار دارند که امکان دارد برای سلامتی جسمانی یا روانی شان مضر باشد، معاینه کند و متناسب بودن تنبیهات از جهت قابل تحمل بودن آن را به طور کتبی تأیید کند. در این زمینه، هدف این قانون تضمین این امر است که هیچ زندانی ملزم به تحمل تنبیه نامناسب نشود و منظور از آن فراهم کردن تأییدیه پزشکی برای تنبیه نیست.

این قانون باید با ترتیبات اصول اخلاق پزشکی مرتبط با نقش کارکنان بهداشتی به ویژه پزشکان در حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان در برابر شکنجه و رفتارها یا مجازات های خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز هماهنگ شود:

(۳) هرگونه ارتباط تخصصی با زندانیان یا افراد بازداشت شده که هدف آن صرفاً ارزیابی، حمایت یا بهبود سلامتی جسمانی و روانی آن ها نباشد، برای کارکنان پزشکی به ویژه پزشکان، یک تخلف از اخلاق پزشکی به حساب می آید.

ممنوعیت مجازات‌های غیر رسمی باید برای کارکنان کاملاً روشن شود که تنها تنبیهاتی که پیرو یک دادرسی انضباطی رسمی تعیین شده‌اند، قابل اعمال بر زندانیان هستند. ایجاد نظام تنبیهی غیر رسمی جداگانه و بی‌اعتنا به رویه‌های رسمی توسط کارکنان مجاز نیست. مدیریت عالی باید در این زمینه توجه ویژه‌ای داشته باشد.

حبس انفرادی

اسناد بین‌المللی تصریح می‌کنند که حبس انفرادی، تنبیه مناسبی نیست، مگر در برخی موارد استثنایی؛ در صورت امکان باید از استفاده از آن اجتناب ورزید و در جهت منسوخ کردن آن گام برداشت. اسناد بین‌المللی بر این حقیقت اذعان دارند که دوره‌های حبس انفرادی احتمالاً به سلامت روانی زندانی آسیب می‌رسانند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، اصل ۷:

تلاش‌هایی باید برای الغای حبس انفرادی به عنوان تنبیه یا محدودیت استفاده از آن انجام و تشویق شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۱:

لازم است مواردی نظیر تنبیهات بدنی، استقرار در یک سلول تاریک، و هرگونه تنبیه خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز به عنوان مجازات‌های قابل اعمال برای بزه‌های انضباطی ممنوع شود.

مقررات اروپایی زندان، قاعده‌ی ۳۷:

تنبیهات جمعی، تنبیه بدنی، تنبیه از طریق استقرار در سلول تاریک، و تمامی تنبیهات خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز به عنوان مجازات‌های بزه‌های انضباطی به طور اکید ممنوع است.

مقررات اروپایی زندان، قاعده‌ی ۳۸ (۱):

تنبیه از طریق حبس کردن در انفرادی... باید تنها در صورتی اجرا شود که پزشک پس از معاینه کتبی توانایی تحمل آن توسط زندانی را تأیید کند.

مقررات اروپایی زندان، قاعده‌ی ۳۸ (۳):

مأمور پزشکی باید روزانه از زندانیان تحت چنین تنبیهاتی بازدید کرده و چنانچه بنا به دلایل سلامتی جسمانی یا روانی خاتمه یا تبدیل تنبیه را ضروری تشخیص دهد، مدیر را مطلع کند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

ممنوعیت استفاده از سلول‌های تاریک و محرومیت‌های خردکننده حبس انفرادی شکل‌های گوناگونی دارد. افراطی‌ترین حالت آن هنگامی است که زندانی کاملاً تنها و بدون دسترسی به نور، صدا یا هوای تازه نگه‌داری می‌شود، یعنی آنچه که به عنوان "سلول‌های تاریک" از آن‌ها یاد می‌شود. این شکل انفرادی هرگز نباید به عنوان تنبیه اجرا شود. به همین ترتیب نگه‌داری گروه‌های کوچکی از زندانیان در چنین محیطی باید ممنوع شود.

کمیسیون اروپایی حقوق بشر در دادرسی سال ۱۹۸۳ خود بر تبعات این گونه حبس کاملاً تصریح کرد: ... انزوای مطلق علاوه بر انزوای کامل اجتماعی می تواند شخصیت را فروپاشد و متضمن رفتاری است که با الزامات امنیتی یا هر دلیل دیگر نمی توان آن را توجیه کرد.

در مورد پرونده ی کروشر و مولر، سوئیس، بند ۶۲ (۱۹۹۳) Application No ۸۴۳/۷۸

نظارت روزانه نوع دیگری از حبس انفرادی هنگامی است که یک زندانی در سلول انفرادی و با دسترسی به نور و هوای طبیعی نگه داری می شود و قادر به شنیدن صدای زندانیانی است که از نواحی مجاور سلول گذر می کنند. این نوع تنبیه تنها باید در مواقع استثنایی و برای دوره های زمانی کوتاه استفاده شود. در کلیه ی موارد زندانیان باید روزانه مورد نظارت دقیق یک پزشک قرار گیرند تا هر گونه ضعف در سلامتی زندانی مورد توجه قرار گیرد؛ در این هنگام باید به تنبیه خاتمه داده شود.

خطرات حبس انفرادی کمیته ی اروپایی پیش گیری از شکنجه در مورد استفاده از حبس انفرادی یا هر گونه شرایط مشابه آن توجه خاصی نشان می دهد:

در برخی مواقع حبس انفرادی می تواند منجر به رفتار غیر انسانی و تحقیرآمیز شود؛ در هر حال، تمامی اشکال حبس انفرادی باید در کوتاه ترین زمان ممکن باشد. [دومین گزارش عمومی فعالیت های کمیته ی اروپایی پیش گیری از شکنجه، بند ۵۶]

هیئت نمایندگی برخی زندانیان سطح یک را ملاقات کرد که برای دوره های زمانی بسیار طولانی تحت نوعی انزوا قرار گرفته بودند و تحت شرایط مادی شاق و با فعالیت جسمانی اندک و یا بدون هیچ فعالیت جسمانی نگه داری می شدند؛ از منظر کمیته این امر به معنی رفتار غیر انسانی است. [گزارش بازدید به عمل آمده توسط کمیته ی اروپایی پیش گیری از شکنجه و رفتار یا مجازات های غیر انسانی یا تحقیرآمیز، از اسپانیا، از اول تا دوازدهم آوریل ۱۹۹۱، به دولت این کشور ارائه شده است، بخش اول، بند ۱۱۳]

حبس انفرادی و بالاترین حد شرایط امنیتی برخی کشورها از دوره های طولانی مدت یا نامشخص حبس انفرادی به عنوان بخشی از بالاترین حد شرایط امنیتی استفاده می کنند. خطرات چنین رویه ای در فصل پنجم با تفصیل بیشتری بیان شده است.

فعالیت‌های سازنده و تطبیق مجدد با جامعه

چارچوب

پیشگیری از انحطاط در زندان‌ها محروم کردن یک فرد از آزادی، کیفر بسیار شدیدی است. حبس نیز به نوبه خود محرومیت جدی از حقوق است و بنابراین تنها باید توسط یک مقام قضایی و تحت شرایط کاملاً مشخص و در صورت نبود هرگونه جایگزین معقول دیگر اعمال شود. در این کتاب آموزشی قبلاً مطرح شد که مقامات زندان نباید با توسل به رفتارهای غیرانسانی یا سخت‌گیری‌های ناموجه در جهت تشدید کیفر تحمیل شده توسط دادگاه تلاش کنند. برعکس، باید تمامی تلاش خود را به کار گیرند تا از انحطاط جسمانی و روانی اشخاص تحت مراقبت خود جلوگیری کنند.

فراهم کردن موقعیت‌هایی برای تحول و پیشرفت رفتار همراه با انسانیت و احترام با زندانیان به تنهایی برای مقامات زندان کافی نیست. آن‌ها باید موقعیت‌های تغییر و پیشرفت را نیز برای زندانیان تحت مراقبت خود فراهم کنند. این امر مستلزم مهارت و تعهد قابل ملاحظه‌ای است. بسیاری زندان‌ها مملو از افراد حاشیه‌ای اجتماع‌اند. بسیاری از زندانیان از نهایت فقر و خانواده‌های فروپاشیده می‌آیند؛ درصد زیادی از آن‌ها بیکار بوده‌اند، تحصیلات شان احتمالاً بسیار پایین است، برخی در خیابان‌ها زندگی می‌کرده‌اند و فاقد هرگونه پیوندهای اجتماعی مشروع بوده‌اند. تغییر دورنمای زندگی افرادی این چنین محروم وظیفه‌ی آسانی نیست.

الزام در جهت تدارک فعالیت‌های سازنده زندان‌ها باید مکان‌هایی باشند سرشار از برنامه‌ها و فعالیت‌های سازنده که به زندانیان برای بهبود وضعیت شان کمک کنند. لااقل تجربه‌ی زندان نباید باعث شود که شرایط زندانیان در مقایسه با ابتدای محکومیت شان بدتر شده باشد، بلکه باید آن‌ها را در جهت حفظ و بهبود بهداشت، خردورزی و کارکرد اجتماعی شان یاری کند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی (۳) ۱۰:

نظام زندان‌ها باید با محکومین رفتاری داشته باشد که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده‌ی حیثیت اجتماعی زندانیان باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قواعد ۶۵-۶۶:

۶۵ رفتار با افرادی که به زندان یا تدابیر مشابه آن محکوم شده‌اند، تا حدی که طول مدت محکومیت اجازه می‌دهد، باید با این هدف صورت گیرد که آن‌ها را به برخورداری از زندگی قانونمند و متکی به خود در دوران پس از آزادی متمایل کند و در عین حال ایشان را برای چنین امری آماده سازد. این رفتار باید به گونه‌ای باشد که احترام به خود و حس مسئولیت‌پذیری را در میان زندانیان افزایش دهد.

۶۶ (۱) برای نیل به این اهداف، باید از کلیه ابزارهای مناسب از جمله مراقبت‌های مذهبی در کشورهایی که امکان این کار وجود دارد، آموزش، راهنمایی‌ها و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مددکاری اجتماعی، مشاوره‌های شغلی، تربیت بدنی و تقویت وجهه‌ی اخلاقی، متناسب با نیازهای فردی هر یک از زندانیان و با در نظر گرفتن طبیعت و سرشت زندانی، طول مدت حبس و دورنمایی از دوران پس از آزادی وی استفاده شود.

- ۶۶ (۲) باید در اولین فرصت ممکن پس از پذیرش، در مورد هر زندانی با مدت محکومیت قابل توجه، گزارش مشروحي از کلیه نکات مورد اشاره در بند فوق، به مدیر زندان ارائه شود. این گونه گزارش ها همواره گزارشی است درباره وضعیت جسمی و روانی زندانی که از سوی مسئول بهداشتی که می بایست حتی المقدور از لحاظ روان پزشکی نیز ذیصلاح باشد، انجام می گیرد.
- (۳) گزارش ها و سایر اسناد ذیربط باید در یک پرونده شخصی و منفرد ضبط شوند. این پرونده می بایست مرتب به روز و به نحوی طبقه بندی شود که کارکنان مسئول به هنگام بروز ضرورت به آن مراجعه کنند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

یک زندانی بازپروری شده کسی نیست که بقای در زندان را به خوبی فرا گرفته باشد، بلکه کسی است که پس از آزادی بتواند در جهان خارج موفق باشد. اگر مقامات زندان بخواهند در برنامه ی فعالیت های خود برای آنچه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تحت عنوان "بازسازی و توان بخشی اجتماعی" زندانیان تبیین کرده است، اولویت قائل شوند می بایست فعالیت های خود در زندان را بر این اساس استوار کنند که منابع و مهارت های لازم برای زندگی مطلوب در جهان بیرون در اختیار زندانیان قرار داده شود. این امر به عنوان مثال به معنای پیوند زدن کار زندانیان در زندان با فرصت های کاری بیرون از زندان است. زندانیان باید در کسب مهارت ها و ظرفیت های امرار معاش و تأمین یک خانواده یاری شوند، با عنایت به این نکته که ممکن است زندانیان آزاد شده در تلاش برای تحصیل کار با تبعیض مواجه شوند.

مهیا کردن زندانیان برای زندگی پس از آزادی

در طول مدت اقامت مردان و زنان در زندان، باید ترتیباتی اتخاذ شود تا در زمینه ی یافتن مکانی جهت اقامت در دوران پس از آزادی به آن ها کمک شود و نوعی ساختار اجتماعی ایجاد شود تا به بازپذیری آنان در جامعه کمک کند.

نیل به هیچ یک از این اهداف آسان نیست، به ویژه در شرایطی که بسیاری از نظام های قضایی با ازدحام بیش از حد زندانیان، تعداد اندک کارکنان آموزش دیده ی زندان و فرصت های کم ارتباط با جهان خارج از زندان مواجه هستند و پذیرش زندانیان از طرف جامعه بیرونی نیز خصمانه است. اصول مقرر در این فصل هدفی را ترسیم می کند که سازمان های زندان ها باید در چارچوب محدودیت هایشان به سمت آن حرکت کنند. آن ها باید گسترش همکاری با جامعه ی مدنی و سازمان های آموزش اجتماعی به منظور افزایش فرصت های قابل دسترس برای زندانیان را نیز مدنظر قرار دهند.

بهره گیری از نهادهای جامعه ی مدنی

در موریانی وزیر مسئول زندان ها در پی این بود که فرصت های الحاق مجدد اجتماعی زندانیان را افزایش دهد و با پیش داورى های ناظر بر زندانیان آزاد شده به ویژه در جوامع کوچکی که بیشتر افراد همدیگر را می شناسند، مقابله کند. بنابراین هفته ای را سازماندهی کرد تا طی آن درهای زندان ها بر روی رسانه های گروهی گشوده شود، و روزنامه نگاران را تشویق کرد تا در خصوص مشکلات پیش روی زندانیان هنگام آزادی، با زندانیان و کارکنان زندان مصاحبه کنند و بدین ترتیب موجب دامن زدن به بحث های مربوط به اهمیت انجام یک تلاش اجتماعی برای کمک به زندانیان آزاد شده جهت تثبیت مجددشان شد.

به رسمیت شناختن زندانی به عنوان یک فرد

برای رسیدن به اثرات موردانتظار برنامه ی فعالیت های زندان، مهم است که هر زندانی تا حد امکان به عنوان یک فرد به رسمیت شناخته شود. نمی توان از همه ی زندانیان توقع داشت از آموزش یا پیشرفت مشابهی برخوردار باشند؛ این نه عملی است و نه کارآمد. برخی زندانیان بی سوادند و برخی دیگر شاید پیش از آمدن به زندان آموزگار بوده اند. برخی زندانیان از زندگی خیابانی راهی زندان شده اند؛ و برخی دیگر ممکن است با پیشینه ی قوی خانوادگی و با تلاش جهت بازگشت به آن سر از زندان درآورده باشند. بنابراین هنگام ساماندهی فعالیت های

بازپرورانه برای زندانیان و تخصیص این برنامه‌ها به زندانیان، یکی از عوامل مهم تصمیم‌گیری، سوابق زندانی است.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قواعد ۶۷-۶۸-۶۹:

- ۶۷ هدف طبقه‌بندی باید:
- (الف) جدا کردن زندانیانی باشد که به سبب پیشینه‌ی جنایی یا برخورداری از ویژگی‌های منفی ممکن است تأثیر نامطلوبی بر زندانیان دیگر داشته باشند؛
- (ب) تقسیم زندانیان به گروه‌های جداگانه به منظور تسهیل رفتار با آن‌ها و با نگرش تطبیق مجدد آن‌ها با اجتماع باشد.
- ۶۸ برای چگونگی رفتار با گروه‌های مختلف زندانیان لازم است تا حد امکان زندان‌های جداگانه یا بخش‌های مختلفی در یک زندان مورد استفاده قرار گیرد.
- ۶۹ در اولین فرصت ممکن پس از پذیرش زندانی و پس از این که شخصیت هر زندانی، که برای مدت زمان مشخصی محکوم شده، مورد بررسی قرار گرفت، باید یک برنامه‌ی رفتاری در پرتو آگاهی‌هایی که در خصوص نیازهای فردی، توانایی‌ها و روحیات زندانی به دست آمده است، برای او تدوین گردد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

تشویق افراد به پیشرفت

هر فردی که به زندان می‌آید دارای تجربه‌های زندگی قبلی است و از سوی دیگر تقریباً تمامی زندانیان یک روز آزاد خواهند شد. حال اگر یک زندانی بخواهد از زمان خود در زندان بهره بگیرد، این تجربه باید به آنچه که احتمالاً پس از آزادی خواهد داشت پیوند زده شود. یکی از بهترین راه‌های تحقق این امر، فراهم ساختن برنامه‌ای برای چگونگی امکان استفاده‌ی زندانی از تسهیلات مختلف موجود در نظام زندان است. زندانیان نیازمند انجام اموری هستند که نشان دهد بی‌ارزش نیستند و در عین حال هدفی دارند. تمامی فعالیت‌ها اعم از کشاورزی، سوادآموزی و یا مشارکت در برنامه‌های فرهنگی و هنری باید به نحوی سازماندهی شوند تا موجب ایجاد فضایی گردند که در آن نه تنها زندانیان رو به انحطاط نروند بلکه در توسعه‌ی ظرفیت‌های جدیدی که هنگام آزادی به آنان یاری رساند، بکوشند.

زندانیان محکوم به حبس‌های کوتاه مدت

در خصوص زندانیان محکوم به حبس‌های کوتاه مدت، شاید زمان موجود برای انجام فعالیت‌های مفید بسیار کم باشد. در مورد آن‌ها تأکید اصلی معطوف به حفظ پیوندهای زندانی با خانواده و جهان خارج است.

کار و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

یافتن راهی برای تأمین معاش، مهم‌ترین بخش توانایی زندانی برای الحاق مجدد به اجتماع هنگام آزادی از زندان است. زندان ممکن است نخستین فرصت برای بسیاری از زندانیان جهت فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و انجام کار منظم باشد. هدف اصلی از الزام زندانیان به کار، آماده کردن آنان برای یک زندگی کاری عادی هنگام آزادی از زندان است و نه تحصیل منافع مادی سازمان زندان‌ها یا گرداندن چرخ‌های کارخانه‌های متعلق به دولت.

باید به خاطر داشت که اشتغال تنها یکی از عناصر توان بخشی اجتماعی است. پاسخ کامل مستلزم فرصت‌هایی جهت توسعه‌ی مهارت‌های لازم برای بازگشت به جامعه است. جوامع مختلف مهارت‌های مختلفی را اقتضا می‌کنند. سایر ابتکارات مختلف جهت حفظ پیوند با جهان خارج در فصل هشتم مطرح می‌شوند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۸:

- ۳ (الف) هیچ‌کس نباید به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار شود.
- (ب) شق الف بند ۳ را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با انجام کار سخت است این ماده مانع اجرای حکم صادره از دادگاه صالحی بشود که یک چنین مجازاتی را تجویز کرده است.
- (ج) "اعمال شاقه یا کار اجباری" مذکور در این بند شامل امور زیر نیست:
- (و) هر گونه کار یا خدمت ذکر نشده در شق "ب"، که به طور معمول به کسی که به موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است، یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد تکلیف می‌شود.

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، ماده‌ی ۸:

شرایطی باید ایجاد شود که زندانیان بتوانند کار معنی‌داری انجام دهند که باعث تسهیل الحاق آن‌ها به بازار کار کشور و ایجاد امکان کمک به تأمین مالی خود و خانواده‌شان شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۷۱:

- (۱) کار در زندان نباید ماهیت عذاب‌آور داشته باشد.
- (۲) همه‌ی زندانیانی که تحت مجازات حبس قرار دارند باید با رعایت قابلیت‌های جسمانی و روانی خود، که توسط مسئولان پزشکی مشخص شده است، ملزم به کار باشند.
- (۳) لازم است کارهای کافی فراهم شود که در عین مفید و ثمربخش بودن، زندانیان را در یک روز کاری عادی مشغول نگه دارد.
- (۴) کار فراهم شده، تا حد امکان، باید به گونه‌ای باشد که توانایی زندانیان برای تحصیل یک زندگی آبرومندانه پس از آزادی را حفظ کند و یا افزایش دهد.
- (۵) باید آموزش حرفه‌ای برای زندانیان و به ویژه زندانیان جوان، در حرفه‌های مفیدی تدارک دیده شود که برایشان سودمند باشد.
- (۶) زندانیان باید قادر باشند، تا حدی که گزینش مناسب برای اشتغال به کار و اقتضائات اداری و انتظامی زندان اجازه می‌دهد، نوع کاری را که مورد علاقه‌شان است، انتخاب کنند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۷۲:

- (۱) سازماندهی و شیوه‌های کار در زندان‌ها باید تا حد امکان مشابه کار در بیرون از زندان باشد تا بتواند زندانیان را برای شرایط زندگی شغلی عادی آماده کند.
- (۲) در هر حال، منافع زندانیان و آموزش‌های حرفه‌ای آنان نباید تابع هدف تحصیل منافع مالی از کاری که در زندان انجام می‌شود، قرار گیرد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۷۳:

- (۱) بهتر است صنایع و کشتزارهای زندان‌ها به صورت مستقیم توسط بخش اداری زندان و نه توسط مقاطعه‌کاران بخش خصوصی، اداره شود.
- (۲) در مواردی که زندانیان به کاری اشتغال دارند که توسط بخش اداری زندان کنترل نمی‌شود، باید تحت نظارت کارکنان زندان قرار داشته باشند، به جز مواردی که کار برای بخش‌های دیگر دولتی انجام می‌گیرد، و لازم است کسانی که کار برای آن‌ها صورت می‌گیرد، دستمزد عادی این کار را به بخش اداری زندان پرداخت کنند. بازدهی زندانیان هم باید مورد توجه قرار گیرد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۷۴:

- (۱) اقدامات احتیاطی اتخاذ شده برای ایمنی و بهداشت یک کارگر آزاد باید به طور یکسان در زندان نیز رعایت شود.
- (۲) باید تمهیدات لازم برای بیمه کردن زندانیان در برابر صدمات کاری و از جمله بیماری های ناشی از کار اتخاذ شود. مقدار آن نباید کمتر از آنچه قانون برای کارگر آزاد پیش بینی کرده است باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۷۵:

- (۱) حداکثر ساعات کار زندانیان در روز و هفته باید توسط قانون یا مقررات اداری و با در نظر گرفتن مقررات یا عرف محلی در مورد استخدام کارگر آزاد تعیین شود.
- (۲) در ساعات تعیین شده، باید یک روز تعطیل در هفته گنجانیده شود تا وقت کافی برای آموزش و فعالیت های دیگری که به عنوان بخشی از درمان زندانیان و الحاق مجدد آن ها به اجتماع لازم است داشته باشند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۷۶:

- (۱) باید نظام عادلانه ای برای پرداخت دستمزد به زندانیان وجود داشته باشد.
- (۲) تحت این نظام، باید به زندانیان اجازه داده شود تا حداقل بخشی از درآمدشان را برای خرید کالاهای مجاز جهت مصرف شخصی خود صرف کنند و بخشی را هم برای خانواده ی خود بفرستند.
- (۳) این نظام باید امکانی را نیز فراهم کند که بخشی از درآمد زندانی در بخش اداری زندان ذخیره شود تا هنگام آزادی زندانی در اختیار وی قرار گیرد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

ارزش کار زندانیان نباید مجبور باشند روزهای خود را با بیهودگی و یکنواختی سپری کنند. این هم برای سلامتی شخصی آن ها و هم برای اداره ی بی دردسر زندان اساسی است. احتمال افسردگی و اخلاقلگری در مورد زندانیان فاقد مشغولیت، بیشتر است. این امر با مفهوم امنیت پویا که در فصل پنجم این کتاب آموزشی مطرح شد در ارتباط است. اگرچه دلایل مثبت تر دیگری را نیز می توان جهت تدارک کارهای هدفمند برای زندانیان مطرح کرد. برخی افراد به دلیل نداشتن هیچ گونه درآمد مشروع و اغلب به سبب نیافتن کار به سمت فعالیت های مجرمانه کشیده می شوند. شاید به این دلیل باشد که آن ها هرگز یک کار ثابت را تجربه نکرده اند، پس هرگز انضباط لازم برای تبعیت از یک رویه ی منظم روزانه را فرا نگرفته اند. ممکن است به این سبب نیز باشد که آن ها مایل به کار کردن بوده اند اما مهارت ها و آموزش های لازم برای استخدام دائمی را نداشته اند.

شرایط کار کار اجباری به طور کلی ممنوع است. با این وجود اسناد بین المللی تصریح می کنند که کار انجام شده توسط زندانیان به خودی خود تحت این عنوان قرار نمی گیرند. زندانیان محکوم را می توان با در نظر گرفتن برخی تضمین ها مجبور به کار کرد. این تضمین ها عبارتند از این که:

❖ کار باید هدفمند باشد؛

❖ کار باید به آن ها کمک کند تا مهارت هایی را فرا گیرند که پس از آزادی برایشان مفید باشد؛

❖ به زندانیان باید در ازای کار دستمزد پرداخت شود؛

❖ شرایط کار باید تا حد زیادی مشابه کار در بیرون از زندان باشد، به ویژه از لحاظ الزامات بهداشتی و ایمنی کار؛

❖ ساعات کار نباید بیش از اندازه باشد و وقت برای سایر فعالیت ها نیز باقی بماند.

تدوین یک روال عادی و روزمره کار زندان می‌تواند دو هدف اصلی داشته باشد. هدف ساده‌ی نخست، تشویق زندانیان برای مشغول شدن در روال منظمی است که مستلزم برخاستن از خواب، رفتن به محل کار و گذراندن ساعاتی از روز به شکلی ساماندهی شده در کنار سایر افراد است. با این حال، این به تنهایی کافی نیست. الزام زندانیان برای رفتن روزانه به کارگاهی که کار در آن کسل‌کننده و احتمالاً غیرمفید است، نتیجه‌چندانی در بر نخواهد داشت. بدترین مثال در این زمینه شیوه‌ی مرسوم در قرن ۱۹ است که در آن زندانیان مجبور بودند ساعات زیادی از روز را صرف کنند گودال‌های بزرگ شنی کنند، بدون این که هدفی در پشت این کار نهفته باشد. امروزه نمونه‌های نوینی از این نوع بیهوده کاری وجود دارد.

ارتقای مهارت‌ها هدف دیگر کار، القای اعتماد به نفس و مهارت انجام یک کار هدفمند به زندانیان است که در این صورت آن‌ها احساس می‌کنند به نحوی آموزش می‌بینند که پس از پایان دوران محکومیت‌شان احتمال استخدام‌شان بیشتر خواهد بود. به آن معنا که کار زندان باید در ارتباط با آموزش برخی مهارت‌های کاری به زندانیان باشد، مهارت‌هایی که آن‌ها را قادر به تحصیل صلاحیت‌های لازم جهت کار در مشاغل سنتی مثل بنایی، تعمیرات و تأسیسات، کارپردازی و مزرعه‌داری می‌سازد. این گونه آموزش‌های حرفه‌ای برای زندانیان جوان‌تر اهمیت خاصی دارد. در طراحی چنین برنامه‌هایی آگاهی از نوع فرصت‌های اشتغال موجود در جامعه محلی پس از آزادی زندانی اهمیت خاصی دارد.

زندان‌یان زن نیازهای خاص زندانیان زن در فصل سیزدهم بیان می‌شود. مهم است که آن‌ها در مدت حضور در زندان دسترسی کامل به فرصت‌های کاری متنوعی داشته باشند. آن‌ها نباید به انجام فعالیت‌هایی مثل خیاطی یا کارهای دستی محدود شوند.

شیوه‌های کاریابی در بسیاری از کشورها سازمان‌های زندان‌ها به سختی قادر به تضمین کار کافی برای زندانیان هستند. شیوه‌های متنوعی برای مواجهه با این مشکل وجود دارد.

در برخی نظام‌های قضایی، سایر وزارتخانه‌های دولتی ملزم به ارائه‌ی بعضی کارها به سازمان زندان‌ها هستند که ممکن است از طریق قراردادهای دولتی داخلی صورت گیرد. برای مثال، در افریقای جنوبی، تمامی اسباب و اثاثیه‌ی لازم برای نهادهای متولی ارائه خدمات مدنی توسط زندانیان ساخته می‌شود. این می‌تواند سفارش کار از طرف سازمان‌های بیرونی باشد، مثل ساخت پلاک خودرو.

در بسیاری موارد کارکنان زندان می‌توانند در یافتن کارهای هدفمند برای زندانیان خلاقیت خود را به کارگیرند. برای مثال، زندانیان منتخب می‌توانند از طریق کار با کارکنان مسئول نگه‌داری و تعمیر بناها و تأسیسات زندان مهارت‌های مفیدی را بیاموزند. چنانچه زندان دارای زمین باشد، زندانیان می‌توانند تحت نظارت به کشت و زرع در آن پردازند و غذای خود و دیگران را فراهم کنند. زندانیان در برخی امور ضروری روزمره مثل امور آشپزخانه و نظافت نیز می‌توانند شرکت کنند.

در بسیاری موارد زندانیان می‌توانند در فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی حامی محرومان نیز سهیم شوند. برای مثال با ساخت اسباب و اثاثیه‌ی منزل برای سرپناه‌های خیریه افراد بی‌خانمان یا ساخت اسباب بازی برای مهدکودک‌های خیریه.

خوداشتغالی چه به صورت فردی و چه به صورت تعاونی‌های کوچک می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای برخی زندانیان در شرف آزادی باشد. زندانیان می‌توانند از مهارت‌های قبلی خود در زمینه‌ی ساخت وسایل قابل عرضه به بازار جهت فروش استفاده کنند و در عین حال بر این مهارت‌ها بیفزایند. چنین کاری پس از آزادی از زندان نیز می‌تواند ادامه یابد و زندانی سابق را در معرض تبعیض قرار نمی‌دهد.

در سال‌های اخیر بخش خصوصی و مؤسسات صنعتی تمایل فزاینده‌ای نسبت به تأمین کار برای زندانیان داشته‌اند. در چنین صورتی، مقامات زندان باید مطمئن شوند که از زندانیان تنها به منظور منبعی جهت کار با دستمزد کم و یا به منظور کاهش دستمزد کارگران محلی بهره‌برداری نشود. در چنین مواردی پرداخت دستمزد کامل به زندانیان ضروری است.



در سنگال زندانیان به کارهای دستی سنتی مثل چرم سازی و جواهر سازی مشغول هستند و یک سازمان غیردولتی کار عرضه و فروش آن‌ها را انجام می‌دهد.



در ترکیه سازمان داوطلبی، موسوم به تورهیز، که متشکل از علاقه‌مندان تجارت و مریبان فنی و حرفه‌ای است با سازمان زندان‌ها همکاری می‌کند تا زندانیان را در حوزه‌هایی که در حال حاضر با کمبود نیروی انسانی ماهر مواجه است آموزش دهد. آموزش امور نظافت حرفه‌ای به طور خاص معطوف به صنعت رو به رشد گردشگری است. مریبان داوطلب آموزش‌های ناظر بر معیارهای حرفه‌ای این صنعت را در زندان‌ها ارائه می‌کنند و کارورزی عملی نیز در هتل‌ها و دفاتر دولتی محلی ارائه می‌شود.



در ایالت ابندرا پرادش هند دو زندان در راجا موندیری در ابتکار مشترکی با کمیته‌ی ایلاف نارگیل دولت مرکزی مشارکت کرده‌اند تا آموزش‌های مربوط به ساخت محصولات از لیف نارگیل را ارائه کنند. پیش‌بینی می‌شود که زندانیان یک تعاونی برای ادامه‌ی تولید تشکیل دهند و تجهیزات مربوط به ادامه‌ی این کار پس از آزادی از زندان در اختیارشان قرار گیرد.

پرداخت دستمزد در ازای کار اگر بنا باشد که تجربه‌ی کار در زندان زندانیان را برای زندگی پس از آزادی آماده کند و از سوی زندانیان تنها به عنوان کار اجباری نگریسته نشود پرداخت نوعی دستمزد در برابر کار آن‌ها اهمیت دارد. پرداخت دستمزد می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد. یکی از سازنده‌ترین شیوه‌ها پرداخت دستمزد برابر با کارگر مشابه در بیرون از زندان به زندانی است. در این صورت از آن‌ها انتظار می‌رود بخشی از پول خود را صرف خانواده‌شان کنند. در برخی موارد بخشی از آن صرف ترمیم بزه ارتكابی‌شان خواهد شد و بخشی نیز برای زمان آزادی پس‌انداز خواهد شد. در ذیل چنین نمونه‌ای از ایالات متحده آمریکا ذکر می‌شود.



در سال ۱۹۹۳ مرکز اصلاحی تربیتی الس ورث با کارخانه‌ی سنجوری قراردادی جهت تولید محصولات متنوعی منعقد ساخت. زندانیانی که در این برنامه‌ها کار می‌کنند حداقل دستمزد مرسوم را دریافت می‌کنند (درمقابل دستمزدی که به طور معمول در زندان پرداخت می‌شود). بخشی از این دستمزد جهت مسکن و غذا، حمایت مالی از خانواده، جبران خسارت بزه دیدگان و مالیات کسر می‌شود. پس از کلیه کسورات، ده درصد از دستمزد باقی‌مانده در حساب ویژه‌ای پس‌انداز می‌شود تا هنگام آزادی به زندانی پرداخت شود. سازمان اصلاحی تربیتی کانزاس

شرایط کاری امن و مطمئن تشابه شرایط کاری زندانیان از حیث بهداشت، ایمنی، آسیب‌ها و بیماری‌های کاری با محیط‌های کاری جامعه‌ی عمومی اهمیت دارد. این امر نشانگر آن است که مقامات زندان باید از قوانین ملی ناظر بر بهداشت و ایمنی کار آگاه باشند و رعایت آن‌ها در مجموعه زندان را تضمین کنند. چنین تضمیناتی در خصوص حداکثر ساعات کار زندانیان نیز باید رعایت شود. ساعات کاری نباید بیش از حد باشد و زمان برای مشارکت زندانیان در سایر فعالیت‌ها نیز باید باقی‌بماند.

کار برای زندانیان ملاحظاتی مربوط به کار در درجه‌ی نخست ناظر بر زندانیانی است که محکوم‌اند. درخصوص زندانیان منتظر محاکمه محاکمه ملاحظاتی دیگری حاکم است. از آن‌جا که آن‌ها هنوز محکوم به ارتكاب هیچ جرمی نشده‌اند نباید مجبور به کار شوند. با این حال، ممکن است آن‌ها هم از دوره‌های طولانی و گاه سالها زندگی بیکنواخت و با رخوت، خسته شوند. در صورت امکان باید برای آن‌ها هم کار فراهم شود و تشویق به کار شوند. شرایط زندانیان منتظر محاکمه در فصل یازدهم این کتاب آموزشی بیان می‌شود.

آموزش و فعالیت‌های فرهنگی

بسیاری از افراد زندانی از تحصیلات بسیار کمی برخوردارند. درصد قابل توجهی از آنان از حداقل نعمت خواندن و نوشتن محروم‌اند. تحقیقات در انگلستان و ولز نشان می‌دهد که سطح سواد ۶۵ درصد از زندانیان در حدی است که به طور معمول از یک کودک یازده ساله انتظار می‌رود در حالی که این نسبت در میان جمعیت عمومی کمتر از ۲۳ درصد است.^۱ این سطح نازل تحصیلات بر زندگی آن‌ها پیش از آمدن به زندان تأثیرگذار بوده است و ممکن است در ارتکاب بزه از سوی آن‌ها نیز نقش داشته است. این یک حقیقت تأسف انگیز است که برای بسیاری از افراد، زندان و اقامت ناگزیر در یک محل برای دوره‌ی زمانی مشخص، شاید نخستین فرصت واقعی برای پی‌گیری آموزش‌های مناسب باشد.

در کنار آموزش‌های رسمی تدارک موقعیت‌هایی برای فعالیت‌های فرهنگی نیز اهمیت دارد، زیرا این فعالیت‌ها زمینه‌ی بیشتری را برای تقویت احساس خود ارزشمندی زندانیان فراهم می‌کنند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۲۶:

- (۱) هرکس حق دارد از آموزش و پرورش برخوردار شود.
- (۲) هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۲۷:

- (۱) هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، اصل ۶:

همه‌ی زندانیان از حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی که با هدف پیشرفت همه‌جانبه‌ی شخصیت انسانی انجام می‌شوند، برخوردارند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۷۷:

- (۱) لازم است تمهیداتی اندیشیده شود تا امکان ادامه‌ی تحصیل همه‌ی زندانیانی که قادر به این کار هستند و از جمله تحصیلات مذهبی در کشورهایی که چنین امری امکان‌پذیر است، وجود داشته باشد. آموزش بی‌سوادان و زندانیان جوان باید اجباری باشد و لازم است توجه خاصی از سوی مدیریت زندان نسبت به این امر صورت گیرد.
- (۲) لازم است آموزش زندانیان تا حد مقدور با نظام آموزشی کشور هماهنگ باشد تا آن‌ها قادر باشند پس از رهایی از زندان تحصیلات خود را بدون هیچ مشکلی ادامه دهند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۷۸:

به منظور تأمین سلامت روانی و جسمانی زندانیان، لازم است امکان فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی در کلیه مراکز نگه‌داری فراهم گردد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۴۰:

لازم است هر زندان کتابخانه‌ای متشکل از تعداد کافی کتاب‌های آموزشی و فنی برای استفاده‌ی گروه‌های مختلف زندانیان داشته باشد. زندانیان باید به استفاده هر چه بیشتر از کتابخانه تشویق شوند.

¹ Social Exclusion Unit, 2002. Reducing re-offending by ex-prisoners. Stationery office: London

قطعه‌نامه‌ی ۱۹۹۰/۲۰ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به صورت زیر به آموزش در زندان‌ها اشاره می‌کند:

- (۱) آموزش در زندان‌ها باید با در نظر داشتن سابقه‌ی اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی زندانی در پی پیشرفت کمال فردی او باشد.
- (۲) تمامی زندانیان باید به آموزش دسترسی داشته باشند. این آموزش‌ها، برنامه‌های سوادآموزی، آموزش‌های پایه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، خلاقیت، فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی، تربیت بدنی و ورزش، آموزش اجتماعی، آموزش عالی، و امکانات کتابخانه را شامل می‌شود.
- (۳) هرگونه تلاش ممکن برای تشویق زندانیان جهت مشارکت فعال در تمامی جنبه‌های آموزش ضروری است.
- (۴) کلیه‌ی افراد دست‌اندرکار اداره و مدیریت زندان باید تا حد امکان آموزش را پیش ببرند و از آن حمایت کنند.
- (۵) آموزش باید یکی از عناصر اصلی نظام زندان باشد؛ از بازداشتن زندانیانی که در برنامه‌های آموزشی رسمی تأیید شده شرکت می‌کنند باید اجتناب کرد.
- (۶) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید با هدف پیشرفت بیشتر فرد صورت گیرد و نسبت به گرایشات بازار کار حساس باشد.
- (۷) برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری باید نقش مهمی قائل شد، زیرا این فعالیت‌ها از قدرت خاصی برای توانمندسازی زندانیان جهت رشد و ابراز وجود برخوردارند.
- (۸) باید به زندانیان، تا حد امکان، اجازه داد در آموزش‌های بیرون زندان شرکت کنند.
- (۹) هنگامی که آموزش در زندان ارائه می‌شود، جامعه‌ی بیرون از زندان باید تا حد مقدور در آن مشارکت داشته باشد.
- (۱۰) هزینه‌ها، تجهیزات و کادر آموزشی لازم باید جهت ارائه‌ی آموزش‌های مناسب به زندانیان تأمین شود.

قواعد حداقل استاندارد برای دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن) بر اهمیت ویژه‌ی آموزش نوجوانان در مراکز نگه‌داری تأکید می‌ورزد و فصل دوازدهم این کتاب آموزشی، به این موضوع با تفصیل بیشتری پرداخته است.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

اهمیت آموزش آموزش نباید به عنوان یک گزینه‌ی تکمیلی در فهرست فعالیت‌های زندانیان در نظر گرفته شود. بر عکس، آموزش در دل دیدگاه جامع مربوط به استفاده از دوره‌ی زندان به عنوان فرصتی جهت کمک به زندانیان برای بازسازی مثبت زندگی‌شان جای می‌گیرد. آموزش پیش از هر چیز باید معطوف به نیازهای پایه باشد، به گونه‌ای که همه‌ی زندانیان با هر مدت محکومیت حبس بتوانند خواندن، نوشتن و انجام محاسبات ریاضی پایه را بیاموزند و این مهارت‌ها به آن‌ها برای بقا در جهان نوین کمک کند.

پیشرفت همه جانبه آموزش باید از یادگیری این مهارت‌های پایه فراتر رود. آموزش در کامل‌ترین مفهوم آن باید بادر نظر گرفتن سوابق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندانی در پی پیشرفت همه جانبه‌ی شخص باشد. بنابراین باید شامل دسترسی به کتاب، کلاس، و فعالیت‌های فرهنگی مثل موسیقی، تئاتر، و هنر باشد. این نوع فعالیت‌ها نباید صرفاً به عنوان فعالیت‌های تفریحی نگریسته شوند، بلکه باید معطوف به تشویق زندانی جهت پیشرفت او به عنوان یک فرد باشند.

یک برنامه‌ی متعادل آنچه ضروری است یک برنامه‌ی متعادل از فعالیت‌های کاری و فراگیری مهارت‌های حرفه‌ای، آموزشی، فرهنگی، و پرورش جسمانی است؛ به فعالیت‌های کاری و آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در همین فصل اشاره شد. تمامی عناصر این برنامه باید در سطوح گوناگون در تمامی زندان‌ها فراهم شود هرچند که توازن دقیق‌شان می‌تواند بنا بر سن، توانایی‌ها و نیازهای زندانیان متفاوت باشد. برخی زندانیان، به ویژه جوان‌ترها، ممکن است نیازمند آموزش در طول روز باشند گویی که به مدرسه می‌روند. برای سایرین امکان این آموزش می‌تواند هنگام عصر و پس از یک روز کاری عادی فراهم شود. در سایر شرایط ممکن است زندانیان نیمی از روز را به کار بپردازند و نیمی دیگر را صرف فعالیت‌های آموزشی کنند. هنگامی که کار کافی برای مشغولیت تمام وقت همه‌ی زندانیان وجود ندارد چنین چیزی نامتعارف نیست.

عدم محرومیت از دستمزد کاری در بخش قبلی این فصل به حق زندانیان برای دریافت دستمزد در ازای کار اشاره شد. این مهم است که زندانیان تاوان حضور خود در فعالیت های آموزشی را پس ندهند. به عبارت دیگر چنانچه حضور زندانیان در کلاس های آموزشی باعث محرومیت شان از دستمزد کاری شود این می تواند مانع بازدارنده ی مهمی برای آنان باشد.

بهره گیری از استعداد های زندانیان زندان ها اغلب مکان هایی هستند که بسیاری از ظرفیت های زندانیان در آن جا بلا استفاده می ماند. برخی از آن ها شاید سطح تحصیلات بالایی داشته باشند و حتی ممکن است برخی از آن ها پیش از آمدن به زندان آموزگار بوده اند. لازم است ملاحظات جبهت تشویق این گونه زندانیان صورت گیرد تا بتوانند تحت نظارت های مناسب به زندانیان کم توان تر کمک کنند.

بهره گیری از منابع اجتماعی فصل هشتم این کتاب آموزشی به اهمیت تضمین تماس هرچه بیشتر زندانیان با جامعه ی مدنی می پردازد. از این حیث مهم است که در صورت امکان، مقامات زندان به جای ایجاد ساختارهای موازی از تسهیلات موجود در جامعه استفاده کنند. یک مثال روشنگر در این خصوص ترتیبی است که برخی نظام های زندان آغاز کرده اند تا همان آموزگاران که به طور عادی در مدارس و آموزشگاه های محلی کار می کنند، در زندان ها نیز تدریس کنند. شیوه های گوناگونی برای نیل به این روش وجود دارد. یک شیوه این است که نظام زندان با مقامات آموزشی محلی جهت تدریس به زندانیان قرارداد ببندد. این امر تا حدی موجب عادی شدن آموزش زندان می شود. و نیز آموزش زندانیان بر طبق محتوا و شیوه های آموزشی مرسوم جامعه ی مدنی را تضمین می کند. در عین حال امکان ادامه ی تحصیل زندانیان پس از آزادی در جامعه را امکان پذیر می سازد.

مقامات زندان می توانند از گروه های فرهنگی محلی نیز دعوت کنند تا به زندان بیایند و در کنار زندانیان فعالیت های مناسب انجام دهند. در برخی زندان ها این سنت مرسوم است که از برخی گروه های خاص جامعه، مثل سالمندان یا معلولان ذهنی، دعوت می شود تا به زندان بیایند و با کنسرت های موسیقی و فعالیت های فرهنگی ارائه شده توسط زندانیان و کارکنان زندان سرگرم شوند.

آماده سازی برای آزادی

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

اصول پایه برای رفتار با زندانیان، اصل ۱۰:

باید شرایط مناسبی فراهم شود تا با مشارکت و کمک نهادهای مدنی و اجتماعی و با در نظر گرفتن منافع بزه دیده، امکان بازپروری زندانی سابق در بهترین شرایط ممکن فراهم گردد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ی ۸۰:

از همان آغاز محکومیت یک زندانی، باید آینده وی پس از آزادی از زندان مورد توجه قرار گیرد. فرد زندانی باید جهت حفظ یا ایجاد چنین روابطی با افراد یا نهادهای خارج از زندان تشویق شود، چرا که این گونه روابط می تواند برای منافع خانواده وی و تطبیق او با اجتماع مؤثر باشد.

- (۱) بخش ها و نهادهای دولتی یا غیردولتی که عهده دار کمک به زندانیان در بازیافتن جایگاه اجتماعی خود هستند باید اطمینان حاصل کنند که اسناد و اوراق هویت لازم، مسکن و شغل مناسب، پوشاک مطلوب و متناسب با آب و هوا و فصل و هزینه یا امکانات لازم برای رسیدن به مقصد و یا تأمین معاش در دوران بلافاصله پس از آزادی، تا حدی که مقدور و ضروری است برای زندانی آزاد شده فراهم است.
- (۲) نمایندگان پذیرفته شده ی این گونه سازمان ها در زندان باید از امکان دسترسی ضروری به زندان و نیز زندانیان برخوردار باشند و از همان آغاز محکومیت زندانی در مورد آینده وی مورد مشاوره قرار گیرند.
- (۳) به منظور اطمینان از حداکثر بهره برداری از تلاش های این گونه نهادها، بهتر است فعالیت های آن ها تا حد امکان به صورت متمرکز یا هماهنگ صورت گیرد.

مقررات اروپایی زندان، قاعده ی ۷۰:

- (۲) برنامه های درمان باید مرخصی از زندان را نیز شامل شود و اعطای آن تا بیشترین حد ممکن برپایه ی دلایل پزشکی، آموزشی، کاری، خانوادگی و سایر دلایل اجتماعی ضروری است.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

آماده سازی از آغاز تقریباً تمامی زندانیان یک روز به جامعه مدنی باز خواهند گشت. لزوم آغاز آماده سازی برای آزادی درست از زمان دوره محکومیت شروع حبس اهمیت دارد، به ویژه برای آن هایی که دوران حبس نسبتاً کوتاهی را می گذرانند. این هم به نفع خود آن ها و هم به نفع جامعه ی مدنی است، زیرا فردی که از مکانی برای اقامت، موقعیتی برای تأمین معاش، و ساختار حمایتی اجتماع برخوردار باشد انگیزه ی قوی تری برای زندگی موفق تر در بیرون خواهد داشت.

زندان محکوم به در برخی کشورها اکثریت زندانیان محکوم به حبس های کوتاه مدت اند و به زودی به جامعه باز خواهند گشت. گاه مقامات زندان وسوسه می شوند که از بازپروری چنین زندانیانی چشم پوشی کنند چرا که آن ها تنها برای مدت کوتاهی در زندان خواهند بود. در این صورت، این خطر واقعی وجود دارد که زندانیان محکوم به حبس های کوتاه مدت به سرعت به یک زندگی مجرمانه بازگردند و به تدریج بر حلقه های چرخه ی بازگشت آنان به زندان افزوده شود. حمایت از زندانیان در اجتماع از اولویت بسیاری برخوردار است.

زندان محکوم به آماده سازی زندانیان محکوم به حبس های بلندمدت برای آزادی نیز نیازمند ترتیبات خاصی است، زیرا ممکن حبس های بلند مدت است ساختارهای حمایتی آن ها در اجتماع در طول دوران حبس ایشان از هم فروپاشیده یا مضمحل شده باشد.

بهره گیری از مقامات زندان نمی توانند بدون مساعدت سایر نهادهای موجود جامعه مدنی، زندانیان را مهیای آزادی کنند. سازمان های دولتی و غیردولتی که با زندانیان آزاد شده کار می کنند باید تشویق شوند تا به درون زندان ها بیایند و بیرونی پیش از آزادی زندانیان با آنان رابطه برقرار کنند و برنامه ریزی جهت تطبیق آن ها با اجتماع را آغاز کنند.

گونه های مختلف مساعدت به زندانیان برای آماده شدن جهت زندگی پس از آزادی تقریباً برای همه ی آن ها سودمند است. برخی زندانیان را می توان در زمینه ی بهبود اعتماد به نفس و باور به خویش یاری کرد و شیوه ی مساعدت به برخی دیگر از آن ها ممکن است کمک برای یافتن شغل یا مسکن هنگام آزادی از زندان و یا در اختیار گذاشتن پول کافی برای سفر به زادگاه باشد. هر اندازه زمان نگه داری فرد در حبس طولانی تر باشد اهمیت چنین برنامه هایی بیشتر است. می توان از همکاری نهادهایی که به افراد بیکار یا بی خانمان کمک می کنند در مساعدت به زندانیان جهت آماده سازی برای آزادی استفاده کرد. این امر می تواند شامل کمک نهادهای ناظر بر تعلیق مراقبتی و خدمات اجتماعی، گروه های مذهبی و سایر سازمان های غیردولتی باشد.

استفاده از
برنامه‌های خاص

در بسیاری از کشورها اقداماتی صورت می‌گیرد تا به افرادی که اعتیادهای منجر به بزه مثل می‌خوارگی افراطی، قماربازی، یا مصرف دائم مواد مخدر دارند کمک شود. چنانچه چنین برنامه‌هایی در سطح جامعه وجود داشته باشد، مقامات زندان باید به جای ایجاد برنامه‌های جدید ویژه زندانیان، موجبات گسترش این گونه برنامه‌ها به محیط زندان را فراهم کنند. در سال‌های اخیر برنامه‌های معطوف به گروه‌های خاصی از زندانیان مثل مجرمان جنسی یا برنامه‌هایی که اشخاص محکوم به جرایم خشونت‌آمیز را در خصوص کنترل خشم و اعمال خشونت‌آمیز کمک می‌کنند روبه افزایش بوده‌اند.

آزادی کوتاه مدت

آماده‌سازی برای آزادی اغلب شامل ایجاد موقعیتی برای زندانی است تا پیش از رسیدن زمان قطعی آزادی خود چند روزی را در مرخصی به سربرد. از این مرخصی چندروزه می‌توان به منظور حضور زندانی در یک دوره‌ی آموزشی بسیار کوتاه مدت یا فراگیری مهارت‌های کاری جدید استفاده کرد؛ گاه فراگیری این گونه مهارت‌های کاری می‌تواند در همان کارگاهی صورت گیرد که زندانی پس از آزادی امکان کار در آن جا را خواهد داشت.

اغلب زندانیانی که در شرف بازگشت به خانه‌اند، به ویژه محکومان به حبس‌های طولانی مدت، نیازمند آماده‌سازی ظریف و حساسی هستند. این آماده‌سازی نه تنها برای خود زندانی بلکه برای سایر اعضای خانواده که هنوز به پذیرش فوری عضو زندانی خانواده در چرخه‌ی خانواده خو نگرفته‌اند، اساسی است. یکی از شیوه‌های تحقق این امر این است که با نزدیک شدن زمان آزادی زندانی به وی اجازه داده شود که به طور منظم چند روزی را در منزل سپری کند.

توجه به
بزه دیدگان

احترام به احساسات افراد بزه دیده از جرم نیز ضروری است. در مواقعی که قضیه انعکاس عمومی وسیعی داشته است، برای مثال در جوامع کوچک، یا در مواقعی که جرمی خشونت‌آمیز علیه یک فرد بزه دیده یا یکی از اعضای خانواده‌اش صورت گرفته است شاید آگاه کردن آن‌ها از فرارسیدن زمان آزادی زندانی ضروری باشد. لازم است با چنین مواردی به شیوه‌ای بسیار حساس مواجهه کرد و در برخی موارد ممکن است بازگشت زندانی به منطقه‌ی وقوع جرم امکان‌پذیر نباشد. در چنین مواردی به منظور رعایت نیازهای بزه دیده و زندانی سابق باید ترتیبات جایگزینی اتخاذ شود. برخی زندانیان، مثل محکومان به حبس‌های طولانی مدت یا کسانی که هنوز تهدیدی برای جامعه محسوب می‌شوند، به صورت مشروط آزاد می‌شوند به این معنا که در جامعه تحت نظارت رسمی قرار خواهند داشت.

چارچوب

حق زندگی خانوادگی

افرادی که راهی زندان می شوند از حق جابه جایی آزادانه محروم می گردند، اما سایر حقوق خود را به عنوان انسان از دست نمی دهند. یکی از مهم ترین این حقوق حق ارتباط با خانواده است. این نه تنها حق زندانی است بلکه حق اعضای خانواده وی که در زندان نیستند نیز به حساب می آید. آن ها حق ارتباط با پدر، مادر، پسر، دختر، برادر یا خواهری را که به زندان فرستاده شده است از دست نمی دهند. مدیریت و اداره زندان موظف است از امکان حفظ و گسترش چنین روابطی اطمینان یابد. تمهیدات پیش بینی شده برای تمامی سطوح ارتباط با بستگان درجه یک باید مبتنی بر این اصل باشد. این را هم باید افزود که حذف یا محدود کردن ملاقات های خانوادگی تحت هیچ شرایطی نباید به عنوان تنبیه به کار رود.

مهم ترین اسناد بین المللی حقوق بشر در خصوص احترام به چنین موضوعاتی بسیار صریح هستند:

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۱۲:

احدی نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود مورد مداخلات خودسرانه واقع شود....

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی ۲۳:

خانواده عنصر نهادین و اساسی جامعه است و سزاوار حمایت جامعه و دولت (کشور) است.

این حقوق زندانیان را هم در برمی گیرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۷۹ حکم کرد که زندانیان باوجود حضور در زندان از حق ازدواج برخوردارند.^۱

انتظار می رود که بهترین تمهیدات ممکن برای برقراری تماس میان زندانیان و خانواده هایشان اتخاذ شود. این توقع نه تنها از تصریح اسناد بین المللی حقوق بشری بر حق زندگی خانوادگی بلکه از ماده ی ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هم نشأت می گیرد:

درباره ی کلیه ی افرادی که از آزادی خود محروم شده اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی فرد انسان رفتار کرد.

تضمین بهترین امکان دسترسی به خانواده باید بخشی از نظام رفتار انسانی با زندانیان باشد.

نزدیکی به منزل

اهمیت دادن به برقراری ارتباط با خانواده الزاماتی را برای مقامات زندان ایجاد می کند. پیش از هر چیز مفهوم ضمنی آن برای سازمان زندان ها این است که در تصمیم گیری برای تعیین زندان محل نگه داری زندانی، منطقه زندگی خانواده ی زندانی باید عامل تعیین کننده ی مهمی باشد. این علاوه بر انطباق فرهنگی برای زندانی، به معنای سهولت ایاب و ذهاب اعضای خانواده زندانی برای ملاقات وی است. با عنایت به این که بیشتر زندانیان از قشرهای حاشیه ای و محروم اند، چنانچه زندان در فاصله ی دوری از محل زندگی زندانی واقع شده باشد، هزینه های بالای ایاب و ذهاب، آمدن بستگان زندانی برای ملاقات با وی را غیرممکن می کند. در کشورهایی که زندانیان از نظر تأمین پوشاک، غذا، دارو و سایر احتیاجات خود وابسته به اعضای خانواده هستند، نزدیکی

¹ Hamer v United Kingdom 1979

اقامت موقت در منزل تلاش در خصوص ایجاد و گسترش روشی که به زندانیان اجازه دهد اعضای خانواده خود را در دوره‌های کوتاه در منزل ملاقات کنند ضروری است. با استفاده از تمهیدات مربوط به آزادی موقت باید امکان ملاقات خانوادگی در منزل را برای زندانیان فراهم کرد مشروط بر این که تهدیدی برای امنیت یا سلامت عموم یا سایر اعضای خانواده نباشد. این گونه ملاقات‌های در منزل، به ویژه برای زندانیان محکوم به حبس‌های کوتاه مدت یا محکومان حبس‌های طولانی مدتی که به زمان آزادی خود نزدیک می‌شوند مناسب است. می‌بایست این را هم تصدیق کرد که در مواردی صدور اجازه برای ترک زندان به زندانیان جهت ملاقات کوتاه مدت خانوادگی پیش از پایان محکومیت حبس آنان کاری غیرعقلانه است. اتخاذ چنین تصمیماتی باید بر ارزیابی دقیق خطر فردی مبتنی باشد که در فصل پنجم این کتاب آموزشی مشخص شده است.

ملاقات‌های خانوادگی خصوصی اعضای خانواده و دوستان زندانی باید بتوانند برای ملاقات زندانی به زندان بیایند. این ملاقات‌ها باید تا حدی که فضای زندان اجازه می‌دهد در شرایط عادی صورت گیرند. حداکثر خلوت ممکن باید مجاز باشد. هیچ‌گاه نباید فراموش شود که به ملاقات‌ها، به ویژه ملاقات با اعضای نزدیک خانواده، نه همچون یک امتیاز بلکه به عنوان یک حق پایه‌ای بشری نگریسته شود. هرگونه محدودیت در دفعات انجام ملاقات یا شرایط انجام آن در هر مورد باید قابل توجیه باشد. باید فرض بر این باشد که بیشترین دفعات ملاقات و شایسته‌ترین شرایط ممکن مجاز باشد.

زنان و فرزندانشان زندانیان زن نیازمند توجه خاصی هستند زیرا در بیشتر جوامع زنان مسئولیت اصلی مراقبت از کودکان را بر عهده دارند و مادران زندانی اغلب از کودکان خود جدا هستند. بنابراین، هنگامی که مادران زندانی هستند به طور طبیعی در خصوص وضعیت و شرایط نگه داری از فرزندانشان بسیار نگران هستند. کودکان آن‌ها نیز آشفتگی و پریشان‌اند. کارکنان زندان موظف‌اند هم برای آسایش مادر و کودک و هم برای اداره‌ی بی‌دردسر زندان هرگونه تلاش ممکن را انجام دهند و از انجام ترتیبات خاص برای حفظ پیوند میان مادر و فرزند اطمینان یابند. این موضوع در فصل سیزدهم کتاب آموزشی با تفصیل بیشتری بیان می‌شود.

نوجوانان و والدین‌شان وضعیت آسیب پذیر زندانیان نوجوان و جوان نیز مستلزم این است که چگونگی حفظ هرگونه رابطه‌ای که بتواند باعث حمایت جسمانی یا روانی و یا ایجاد انگیزه در آنان شود، مورد توجه خاص قرار گیرد. ملاقات با والدین اهمیت خاصی دارد. این موضوع در فصل دوازدهم این کتاب آموزشی نیز مطرح می‌شود.

رفتار با ملاقات کنندگان شیوه‌ی رفتار با بستگان زندانیان یا سایر ملاقات کنندگان در بدو ورود به زندان اغلب معیار خوبی برای تشخیص نحوه‌ی اداره‌ی مناسب یک زندان است. این امر برای زندانی نیز اهمیت زیادی دارد و بنابراین می‌تواند تأثیری مثبت یا منفی بر امنیت و ثبات درونی زندان داشته باشد.

مکاتبات و تلفن‌ها غیر از ملاقات‌های خانوادگی سایر شیوه‌های ارتباطی نیز اهمیت دارند. زندانیان باید از نهایت آزادی ممکن در زمینه‌ی دریافت و ارسال نامه برخوردار باشند و در صورت امکان بتوانند تماس تلفنی برقرار کنند.

دسترسی به منابع مکتوب، تلویزیون و رادیو در عین حال زندانیان باید بتوانند از وقایعی که در جامعه‌ی مدنی روی می‌دهد، خواه در جامعه‌ی محل زندگی‌شان و خواه در کل جهان، باخبر باشند. این راهی برای کاستن از شرایط نامتعارف تجربه‌ی زندان است و در عین حال این اطمینان را ایجاد می‌کند که زندانی از جامعه‌ای که پس از آزادی به آن بازخواهد گشت کاملاً منفک نمی‌شود. بنا به همه‌ی این دلایل زندانیان باید تا حد امکان به کتاب، روزنامه، نشریات، رادیو و تلویزیون دسترسی داشته باشند.

زندانیان خارجی امروزه در بسیاری از نظام‌های قضایی و با روندی رو به افزایش، تعداد زیادی از زندانیان از ملیت‌های خارجی تشکیل شده‌اند. تمامی این ملاحظات باید بر آن‌ها نیز حاکم باشد. مقامات زندان باید ضرورت اتخاذ تدابیر خاص جهت قطع نشدن تماس این گروه از زندانیان با خانواده و فرهنگ خاص‌شان را به رسمیت بشناسند.

ملاقات، مکاتبه، تماس تلفنی

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۸:

گفت و گوهای میان فرد بازداشتی یا زندانی با مشاور حقوقی‌اش می‌تواند تحت نظارت مأموران اجرای قانون باشد و لیکن نباید توسط آنها استماع شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه مجازات یا حبس قرار دارند، اصل ۱۹:

هر فرد بازداشت شده یا زندانی باید از حق ملاقات و مکاتبه با دیگران و به ویژه اعضای خانواده خود برخوردار باشد و لازم است موقعیت‌های کافی برای ارتباط با جهان خارج با در نظر گرفتن شرایط و محدودیت‌های موجهی که توسط قانون یا مقررات قانونی پیش‌بینی شده است برای وی فراهم شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه مجازات یا حبس قرار دارند، اصل ۲۰:

در صورت درخواست فرد بازداشتی یا زندانی، وی در صورت امکان باید در مکان بازداشت یا حبسی که در فاصله‌ی موجهی از اقامتگاه عادی وی قرار دارد نگهداری شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۷:

زندانیان باید مجاز باشند تا تحت نظارت‌های ضروری چه از طریق ملاقات‌های حضوری و چه از طریق مکاتبه با اعضای خانواده و دوستان قابل اطمینان خود ارتباط داشته باشند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۷۹:

لازم است توجه ویژه‌ای به حفظ و بهبود روابط میان زندانی و خانواده‌اش، هنگامی که این روابط به مصلحت هر دو طرف است، صورت گیرد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

حفظ پیوندهای خانوادگی و شخصی از طریق ملاقات‌ها اگر مقامات زندان بخواهند به حق جهانی زندگی خانوادگی احترام بگذارند و زندانیان را برای پذیرش تعهداتشان در برابر همسر، والدین و فرزندان تشویق کنند باید تدابیری را در خصوص ملاقات‌ها اتخاذ کنند، به گونه‌ای که نیاز خانواده‌ها به ملاقات با عضو زندانی‌شان برای مدت زمانی معقول و با درجه‌ای از خلوت خصوصی که به الزامات مشروع امنیتی خدشه وارد نسازد، به رسمیت شناخته شود. ملاقات‌های خانوادگی که در ادامه توضیح داده شده است پاسخ بسیار مطلوبی برای این نیاز است.

در برخی از کشورها ترتیباتی برای آنچه اغلب ملاقات‌های خانوادگی یا ملاقات‌های طولانی مدت نامیده می‌شود وجود دارد. این امر می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. در اروپای شرقی و آسیای مرکزی بسیاری از زندان‌ها و مجتمع‌های کیفری تعدادی آپارتمان کوچک درون محوطه‌ی زندان دارند که به زندانیان اجازه داده می‌شود تا ۷۲ ساعت با اعضای خانواده خود در آن جا اقامت کنند. نمونه‌ای از این تمهیدات می‌تواند شامل یک آشپزخانه مشترک، محل تجمع، دستشویی و حمام برای حداکثر شش گروه خانوادگی همراه با واحدهای کوچکی متشکل از یک یا دو اتاق خواب برای هر گروه باشد. زندانیانی که استحقاق چنین ملاقات‌هایی را داشته باشند می‌توانند حداکثر ۴ بار در سال از این واحدها استفاده کنند. اغلب سه یا چهار ملاقات کننده به طور همزمان حضور دارند که شاید همسر یا شوهر و یا شریک زندگی و یکی دو نفر از والدین، پدر یا مادر والدین، فرزندان یا برادران و خواهران زندانی باشد. در کانادا و برخی نظام‌های زندان در ایالات متحده امریکا تسهیلات مشابهی فراهم شده است که غالباً نوعی خانه‌های متحرک اند که در داخل محوطه‌ی زندان مستقر شده‌اند و جهت ایجاد محیطی خصوصی با حصارهای چوبی احاطه شده‌اند؛ زندانیانی که با این خانه‌ها سروکار دارند باید به منظور کنترل امنیتی در زمان‌های مشخصی از روز خود را به مأموران نشان دهند. چنین ملاقات‌هایی نمی‌توانند زندگی عادی خانوادگی محسوب شوند بلکه این ملاقات‌ها محیطی را ایجاد می‌کنند تا اعضای خانواده‌ی زندانی بتوانند پیوندهای خانوادگی‌شان را با زندانی مستحکم‌تر کنند.



در ایالت راجستان و برخی ایالت‌های دیگر هندوستان برای زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدتی که بخشی از مجازات خود را تحمل کرده‌اند و بی‌خطری آن‌ها ثابت شده است، زندان‌های باز روستاگونه‌ای ایجاد شده‌اند. در این نوع زندان‌ها آن‌ها می‌توانند در خانه‌های مشخصی همراه با خانواده خود اقامت کنند و در نزدیکی منزل خود به کشاورزی یا سایر فعالیت‌ها بپردازند. مدرسه و سایر تسهیلات لازم نیز برای اعضای خانواده‌ی زندانیان فراهم شده است.

ملاقات‌های خانوادگی توضیح داده شده در سطور پیشین متفاوت با ملاقات‌های زناشویی است که در برخی کشورهای غربی مثل دانمارک، سوئد، هلند و اسپانیا مجاز است. این نوع ملاقات به زندانی اجازه می‌دهد با یک نفر که معمولاً همسر یا شریک دائم زندگی اوست حداکثر به مدت سه ساعت ملاقات کند. این زوج در خلوت و در واحدی که متشکل از یک تختخواب و حمام با وسایل بهداشتی است با همدیگر ملاقات می‌کنند. نوع کمتر تشریفاتی این نوع ملاقات‌ها در بسیاری از زندان‌های آمریکای لاتین رخ می‌دهد که در آن جا ملاقات‌های زناشویی پایان هفته برای زندانیان مرد امری عادی است. چنین روالی در برخی وضعیت‌ها و نه همواره، بر زندانیان زن نیز حاکم است. به طور معمول چنین ملاقات‌هایی در محوطه‌ی سلول انجام می‌شود و اغلب ملاقه و پوشش‌هایی به طناب آویزان می‌شوند تا نوعی فضای خصوصی ایجاد کنند.

ارائه ملاقات‌های خانوادگی خصوصی برای همه‌ی زندانیان در همه وقت به لحاظ عملی امکان‌پذیر نیست. در برخی کشورها ملاقات‌های زندانیان در اتاق‌های بزرگ ویژه‌ای که اختصاص به این کار دارند انجام می‌شوند، چنین اتاق‌هایی به گونه‌ای ساخته می‌شوند که تعادل میان نیازهای امنیتی مشروع و نیاز به برقراری ارتباط خانوادگی را حفظ کنند. به طور طبیعی زندانیان و ملاقات کنندگان باید بتوانند مستقیماً و بدون هیچ گونه مانع فیزیکی با یکدیگر ملاقات کنند. ملاقات می‌تواند دور یک میز انجام شود. نباید از تماس بدنی زندانی و ملاقات کنندگان جلوگیری شود، مگر آن که دلایل خاصی برای ممنوعیت این امر وجود داشته باشد. اهمیت ویژه‌ی این مسئله هنگامی است که ملاقات کننده کودک باشد و برای ملاقات پدر یا مادر خود آمده باشد. در برخی کشورها ملاقات محدود به ۱۵ دقیقه گفت و گو است که زندانی و ملاقات کننده‌ی وی ایستاده در دو سوی دیواری دارای یک پنجره کوچک مشبک با همدیگر گفت و گو می‌کنند. در چنین زندان‌هایی غالباً سعی می‌شود با بهره‌گیری از برخی بخش‌های زندان به عنوان محل ملاقات و تدارک تعدادی نیمکت و پوششی سقف مانند، شرایط مناسبی برای انجام ملاقات‌ها، بدون صرف هزینه زیاد فراهم شود.

تمهیدات ملاقات برای زندانیان منتظر محاکمه

حق ارتباط با خانواده و دوستان به همان تریبی که برای زندانیان محکوم وجود دارد، شامل حال زندانیان منتظر محاکمه نیز می شود. در مواردی این نگرانی واقعی وجود دارد که یک زندانی منتظر محاکمه در جهت تأثیر قرار دادن یک شاهد احتمالی درگیر قضیه یا تبادل اطلاعات مربوط به قضیه با اشخاص ثالث تلاش کند. به این دلیل اعمال محدودیت هایی در خصوص تسهیلات انجام ملاقات ضروری است. در هر مورد می بایست بر پایه ی شواهد موجود تصمیم گیری کرد. مقامات زندان نباید به درخواست های پلیس یا مقامات مسئول تحقیقات جنایی در خصوص اعمال محدودیت ملاقات برای زندانیان منتظر محاکمه تنها به عنوان ابزاری جهت تحت فشار قرار دادن آن ها برای اعتراف به جرم تن در دهند. این موضوع با تفصیل بیشتری در فصل یازدهم این کتاب آموزشی بیان می شود.

بازرسی ملاقات کنندگان

باید اذعان کرد که در محیط زندان همواره این خطر وجود دارد که طی زمان ملاقات برخی ملاقات کنندگان برای قاچاق اشیای ممنوع مثل مواد مخدر یا سلاح به داخل زندان ها تلاش کنند. برای جلوگیری از وقوع این امر می بایست ترتیبات امنیتی معقولی اجرا شود. برای مثال، ممکن است بازرسی زندانیان قبل و بعد از ملاقات ضروری باشد. شاید بازرسی ملاقات کنندگان پیش از ورود به منطقه ی ملاقات نیز ضروری باشد. اتخاذ تدابیری که هم پاسخ گوی تمامی نیازهای امنیتی باشد و هم نسبت به رعایت خلوت ملاقات کنندگان حساس باشد امکان پذیر است. به دلالت های ضمنی این موضوع در فصل پنجم این کتاب آموزشی اشاره شده است.

ملاقات های بسته یا بدون تماس

حتی پس از اتخاذ تمامی پیش بینی های معقول باز هم تعداد اندکی از زندانیان و ملاقات کنندگان می توانند تمامی تلاش خود را به کار گیرند تا در امنیت زندان رخنه ایجاد کنند. در این موارد ممکن است وجود یک مانع فیزیکی مشبک میان زندانی و ملاقات کننده ضروری باشد که اغلب از چنین ملاقات هایی به عنوان ملاقات بسته یا بدون تماس یاد می شود. یکی از ترتیبات، نمونه صفحه ی شیشه ای ضخیمی است که مانع تماس مستقیم می شود و زندانی و ملاقات کننده می توانند از طریق تلفن با یکدیگر گفتگو کنند. چنانچه این گونه محدودیت ها برای مدت زمان زیادی به زندانی تحمیل شود به یقین روابط عادی وی را تحت فشاری فزاینده قرار خواهد داد. به همین دلیل چنین محدودیت هایی تنها باید هنگام ضرورت مسلم اعمال شوند. این محدودیت ها را نباید به صورت خودبه خود به گروه هایی از زندانیان، مثل تمامی زندانیان منتظر محاکمه یا زندانیان مستقر در زندان هایی با حداکثر شرایط امنیتی تحمیل کرد. در هر مورد وجود یک ارزیابی خطر فردی، آن گونه که در فصل پنجم کتاب آموزشی مشخص شده است، ضروری است؛ این ارزیابی باید بنا بر ملاحظات امنیتی باشد و نباید به عنوان نوعی تنبیه یا ارباب به کار برده شود. لزوم اعمال چنین محدودیت هایی در هر مورد باید در دوره های منظم زمانی مورد بازنگری قرار گیرد.

تماس های سمعی بصری از راه دور

اکنون در برخی نظام های قضایی ترتیباتی اتخاذ شده است تا زندانیان بتوانند از طریق ارتباط ویدیویی با خانواده ی خود گفتگو کنند. در مواقعی که مکان نگه داری زندانی دور از منزل وی باشد یا سفر اعضای خانواده برای ملاقات زندانی دشوار باشد، این شیوه به عنوان روشی تکمیلی مفید است. اما استفاده از این فناوری نباید جای گزین ارتباط مستقیم زندانی با خانواده اش شود.

دو کمیسیون خدمات اصلاحی تربیتی کوئینزلند (استرالیا) بین برخی از زندان های خود و جوامع بومی دور دست امکانات گفتگوی ویدیویی ایجاد کرده است. این شیوه زندانیان را قادر می کند با بستگان خود به ویژه هنگامی که زیاده از حد برای خانه احساس دلتنگی می کنند، تماس رو در رو داشته باشند.

دو سازمان زندان های سنگاپور نیز نخستین واحد مشاهده از دور درون زندان را ایجاد کرده است. این طرح به منظور کمک به بستگانی که بسیار دور از زندانیان زندگی می کنند و یا نمی توانند شخصاً حضور یابند طراحی شده است.

ملاقات کنندگان
داوطلب

ممکن است تعدادی از زندانیان بنا به دلایل گوناگون فاقد بستگان یا دوستانی باشند که به ملاقات شان بیایند. دلیل این امر ممکن است وضعیت زندگی آنان پیش از محکومیت به حبس یا طرد ایشان در نتیجه ی ماهیت جرم ارتكابی شان باشد. در چنین مواردی مقامات زندان باید روشی را در پیش گیرند تا داوطلبانی از جامعه محلی به

صورت منظم به ملاقات این زندانیان بیایند و به برقراری تماس آن‌ها با جهان خارج کمک شود.

مزیت‌هایی برای زندان تمامی بحث‌هایی که در پیش مطرح شد مرتبط با حق زندانیان و خانواده‌ی آنان برای برقراری روابط تا حد امکان عادی است. اطمینان از انجام این امر برخی مزیت‌های اجرایی برای مدیران زندان را نیز تضمین می‌کند. زندانیانی که قادر به برقراری ارتباط مطلوب با خانواده‌شان باشند انگیزه‌ی قوی‌تری برای رعایت قوانین و مقررات عادی زندگی زندان خواهند داشت. توانایی آن‌ها جهت حل و فصل مشکلات عملی و سایر مشکلات درونی اضطراب‌آور آن‌ها نیز احتمالاً بیشتر می‌شود. کارکنان نیز با جنبه‌های مختلف رفتار، زندگی و خصوصیات زندانی فراتر از حصار تنگ زندان آشنا تر می‌شوند و این به آنان کمک می‌کند تا با هر زندانی به عنوان یک شخص رفتار کنند. به طور خلاصه، امکانات مطلوب ملاقات به طرق مختلف به عملکرد مناسب زندان کمک می‌کند.

نامه نگاری علاوه بر ملاقات، شیوه‌های دیگری نیز برای ارتباط با خانواده و دوستان نزدیک وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها نامه نگاری است. در برخی نظام‌های قضایی، زندانیان مجازند به هزینه‌ی دولت تعداد مشخصی نامه ارسال کنند و چنانچه مایل باشند نامه‌هایی بیشتر از تعداد مزبور برای افراد مورد علاقه‌ی خود ارسال کنند باید هزینه‌ی پستی آن‌ها راپردازند. به طور معمول ضرورت اجرایی خاصی جهت اعمال محدودیت بر تعداد نامه‌های دریافتی زندانی وجود ندارد.

سانسور یا مطالعه‌ی مکاتبات زندانی تا همین اواخر در برخی زندان‌ها رسم بر این بود که تمامی مکاتبات زندانیان توسط کارکنان بازرسی شود. دو توجیه اصلی هم برای این وجود داشت. توجیه نخست این بود که شاید زندانی از مکاتبات خود جهت مطرح کردن نقشه‌های فرار خود یا دیگر تهدیدات ناظر بر امنیت زندان استفاده کند. توجیه دوم این بود که بازرسی نامه‌ها راه مفیدی است تا کارکنان از خبرهای ناگواری مثل مرگ یک شخص یا طلاق همسر، از قبل مطلع شوند. امروزه عموم پذیرفته‌اند که برای بازبینی تمام مراسلات توجیه اجرایی خاصی بر پایه‌ی دلایل امنیتی وجود ندارد. برای مثال بسیار بعید به نظر می‌رسد که یک زندانی در اندیشه‌ی فرار آن اندازه ابله باشد که این موضوع را در نامه‌هایش مطرح کند. در عین حال پذیرفته شده است که زندانیان نیز همانند سایر مردم حق دارند که اخبار خانوادگی را اعم از خوب یا ناگوار مستقیماً دریافت کنند. شاید در مورد زندانیانی که موازین شدید امنیتی در موردشان اعمال می‌شود، بازبینی نامه‌های دریافتی یا ارسالی لازم باشد و فهرستی نیز برای نامه‌های مورد تأیید وجود داشته باشد. بازبینی دائم مکاتبات سایر زندانیان نباید ضرورتی داشته باشد. در اغلب موارد احتمالاً بازبینی تصادفی یا نمونه‌ای کافی است.

بررسی بسته‌های دریافتی از حیث محتویات ممنوع مقامات حق دارند اطمینان یابند که بسته‌های دریافتی زندانیان حاوی اشیای ممنوع مثل سلاح یا مواد مخدر نباشد. روال عملی مطلوب در برخی کشورها این است که تمامی بسته‌های پستی ارسالی به زندان در حضور زندانی صاحب بسته‌ی پستی گشوده می‌شود. یکی از کارکنان پاکت پستی را به لحاظ وجود هر گونه شیء ممنوع بازرسی می‌کند و سپس نامه را بدون خواندن آن تحویل زندانی می‌دهد.

تماس‌های تلفنی اکنون در بسیاری از نظام‌های زندان انجام مکالمات تلفنی توسط زندانیان امکان پذیر شده است. روال عملی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی موارد شخصی که زندانی به وی تلفن می‌کند باید هزینه‌ی مکالمه با زندانی را متقبل شود. این ترتیب ممکن است بسیار پرهزینه باشد، چرا که تعرفه‌ی چنین مکالماتی بالاتر از مکالمات عادی است. در سایر نظام‌های زندان، زندانیان می‌توانند کارت‌های تلفنی خاصی را خریداری کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تنها با شماره تلفن‌های مورد تأیید تماس بگیرند. هنگامی که زندانی کیلومترها دور از خانواده خود نگه داری شود و آمدن اعضای خانواده‌اش برای ملاقات دشوار باشد، مکالمات تلفنی اهمیت خاصی دارد.

نظارت بر تماس‌های تلفنی و ضبط آن‌ها در خصوص مکالمات تلفنی نیز همانند مکاتبات پستی زندانی، برقراری توازن میان حق حفظ حریم خصوصی زندانی و خانواده‌ی وی از یک سو و نیازهای امنیتی مشروع از سوی دیگر، ضروری است. با توجه به مستقیم بودن ارتباطات تلفنی لازم است مقامات زندان مطمئن شوند که زندانیان از مکالمات تلفنی برای سازماندهی فعالیت‌های غیرقانونی مثل وارد کردن اشیاء به داخل زندان یا ترتیب دادن فرار استفاده نمی‌کنند. در برخی کشورها این اطمینان با ضبط تمامی مکالمات و حفظ نوارهای ضبط شده برای یک دوره‌ی زمانی خاص حاصل می‌شود. کارکنان می‌توانند تنها به مکالمات زندانیانی گوش دهند که اعمال موازین شدید امنیتی در موردشان لازم تشخیص داده شده است.

پست الکترونیک برخی مدیریت‌ها در زندان به زندانیان اجازه می‌دهند به سایر شیوه‌های ارتباطی از جمله پست الکترونیک دسترسی داشته باشند؛ مانند زندان تیهار در دهلی نو. برای برخی زندانیان به ویژه زندانیان خارجی، این روش ممکن است تنها راه قابل اطمینان و کم هزینه برای برقراری ارتباط با خانواده باشد.

تماس با مشاوران زندانیان اغلب نیازمندند تا علاوه بر دسترسی به خانواده و دوستان، به حقوقدانان و سایر افراد متخصص از جمله اعضای سازمان‌های غیردولتی و ناظران حقوق بشر دسترسی داشته باشند. ملاقات و ارتباط با چنین افرادی نوع جداگانه‌ای را می‌طلبد. این امر به ویژه برای زندانیان منتظر محاکمه و زندانیان محکومی که هنوز بررسی قضایی پرونده‌شان در حال انجام است اهمیت خاصی دارد. در چنین مواردی مقامات زندان باید موجه بودن هرگونه محدودیت اضطراری پیشنهادی را که می‌تواند بر دفاع یا تجدیدنظرخواهی زندانی اثر نامطلوب بگذارد به دقت مورد ملاحظه قرار دهند. دلایل مناسب برای چنین محدودیت‌هایی احتمالاً بسیار نادر است.

در اتخاذ تمهیدات ناظر بر ملاقات مشاوران حرفه‌ای، ایجاد نوعی خلوت یکی از ملاحظات مهم تلقی می‌شود. برای مثال، طبیعی است که چنین ملاقات‌هایی به دور از استماع کارکنان انجام گیرد. در خصوص بازرسی بسته‌های ارسالی یا لوازم در اختیار چنین ملاقات‌کنندگانی نیز لازم است حساسیت خاصی وجود داشته باشد. برخی از این موضوعات در فصل یازدهم این کتاب آموزشی مطرح می‌شود.

دسترسی به منابع مکتوب، تلویزیون و رادیو

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۹:

لازم است زندانیان به طور منظم از طریق مطالعه‌ی روزنامه‌ها، نشریات یا انتشارات ادواری یا ویژه‌ی زندان و از طریق گوش دادن به رادیو، یا از طریق سخنرانی یا هر روش مشابه دیگری که توسط مدیریت زندان مجاز یا تحت نظارت است، در جریان اخبار مهم قرار گیرند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

دسترسی منظم به زندانیان علاوه بر برقراری ارتباط با خانواده و دوستان باید بتوانند در جریان رخدادهای جهان قرار گیرند. به این اطلاعات محیط دلیل دسترسی منظم آن‌ها به روزنامه، رادیو، و تلویزیون ضروری است. به جز در شرایط استثنایی، هیچ دلیل خارجی از زندان اجرایی برای جلوگیری از دسترسی به رسانه‌های گروهی وجود ندارد. نباید هیچ‌گونه سانسور اخلاقی نیز، فراتر از آنچه در کشور مرسوم است، صورت گیرد.

اینترنت مدیریت زندان باید توجه خاصی نسبت به فراهم کردن امکان دسترسی به اینترنت مبذول کند. اینترنت می تواند منبع مهمی برای آگاهی یافتن از جهان خارج باشد اما در عین حال می تواند فرصتی برای فعالیت های نامطلوب نیز فراهم کند.

جهانی ورای زندان دسترسی به طیفی از آگاهی های خارجی از این حیث مهم است که به زندانیان کمک می کند این واقعیت را درک کنند که پشت دیوارها و حصارهای زندان هنوز جهانی هست که روزی به آن باز خواهند گشت. آگاهی از آنچه در دنیای خارج رخ می دهد می تواند به زندانیان در داشتن رفتاری عادی تر در طول زندگی در دنیای بسته زندان کمک کند. دسترسی به تلویزیون، به ویژه در مورد زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت می تواند آن ها را در توانایی ارتباط با تغییرات بسیار سریعی که در جهان بیرون از زندان روی می دهد یاری کند.

در مالاوی، کمک کارشناسان حقوقی سازمان های غیردولتی از زندان ها بازدید می کنند تا با انجام مشاوره های حقوقی به زندانیان کمک کنند. آن ها هنگامی که برای بازدید می آیند نسخه هایی از روزنامه های سراسری را با خود به زندان می آورند تا در محوطه ی زندان نصب شود و زندانیان و کارکنان قادر به مطالعه آن ها باشند.

زندانیان خارجی

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

در بسیاری از نظام های زندان تعداد زیادی زندانی خارجی وجود دارد که خانواده شان مقیم کشورهای دیگری هستند. لازم است به نیازهای آن ها توجه خاصی صورت گیرد.

پیش از هر چیز این زندانیان باید بتوانند با نماینده ی دیپلماتیک کشور متبوع خود تماس بگیرند.

کنوانسیون وین درباره ی روابط کنسولی، ماده ی ۳۶:

- ۱ به منظور تسهیل انجام وظایف مقام کنسولی در مورد اتباع دولت بیگانه:
(الف) مأموران کنسولی باید آزاد باشند تا با اتباع دولت خود ارتباط برقرار کنند و به آن ها دسترسی داشته باشند. اتباع دولت بیگانه نیز در مورد برقراری ارتباط با مأمورین کنسولی دولت متبوع خود و دسترسی داشتن به آن ها باید از همان آزادی برخوردار باشند.
- (ب) در صورتی که در حوزه ی کنسولی، یکی از اتباع دولت بیگانه توقیف یا زندانی و یا در انتظار محاکمه بازداشت و یا به هر صورت توقیف شده باشد، مقامات صلاحیت دار دولت میزبان بنا به تقاضای ذی نفع باید بدون تأخیر مراتب را به مقام کنسولی دولت بیگانه اطلاع دهند. مراسلات و مکاتبات شخص توقیف یا زندانی یا بازداشت شده خطاب به مقام کنسولی باید بدون تأخیر توسط مقامات مذکور ارسال شود. مقامات مذکور حقوقی را که شخص ذی نفع به موجب این بند دارا است، باید به اطلاع برسانند.
- (ج) مأموران کنسولی باید حق داشته باشند تبعه ی دولت خود را که زندانی یا بازداشت یا توقیف شده است ملاقات و با او مذاکره و مکاتبه کنند و ترتیب نمایندگی قانونی او را بدهند. مأموران کنسولی همچنین حق دارند هر تبعه ی دولت خود را که طبق رأی دادگاه در حوزه ی کنسولی آن ها زندانی یا توقیف یا پس از محاکمه بازداشت شده است ملاقات کنند. لیکن هرگاه تبعه ی دولت بیگانه که زندانی یا توقیف یا بازداشت شده است صریحاً مخالف اقدام مأموران کنسولی از طرف شخص وی باشد، مأموران کنسولی باید از این کار خودداری کنند.

- (۱) زندانیانی که تابعیت خارجی دارند باید از تسهیلات معقول برای ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور متبوع خود برخوردار باشند.
- (۲) زندانیانی که کشور متبوعشان نمایندگان دیپلماتیک یا کنسولی در کشور موردنظر ندارد و افراد پناهنده یا کسانی که فاقد تابعیت هستند باید از تسهیلات مشابهی برای ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک کشوری که حافظ منافع آنهاست یا هر مقام ملی یا بین‌المللی که از جمله وظایفش حمایت از چنین افرادی است، برخوردار باشند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

نامه یا تماس تلفنی رایگان برای بسیاری از این زندانیان امکان ملاقات با خانواده یا دوستان کم یا هیچ است. مقامات زندان باید تمهیدات خاصی اتخاذ کنند تا امکان برقراری ارتباط با خانواده برای آنها فراهم شود. ارسال بیشتر نامه‌های رایگان یا برقراری تماس تلفنی با خانواده در دوره‌های زمانی منظم و به هزینه‌ی اداره زندان می‌تواند از جمله‌ی این تمهیدات باشد.

نشریات به زبان خارجی در صورت امکان این گونه زندانیان باید بتوانند به روزنامه‌ها و مجلات به زبان خاص خود دسترسی داشته باشند.

بهره‌گیری از تماس‌های اجتماعی در بسیاری موارد تماس با نماینده‌ی دیپلماتیک زندانی ممکن است مشکل یا گاه به گاه باشد. پس، مقامات زندان باید این را هم در نظر بگیرند که اگر هموطنان زندانی در جامعه‌ی محلی زندگی می‌کنند از آنها بخواهند تا به ملاقات داوطلبانه‌ی زندانی بیایند و در نتیجه چنین زندانیانی بتوانند ارتباط فرهنگی خاص خود را حفظ کنند.

درخواست‌ها و شکایت‌ها

چارچوب

اداره‌ی منصفانه و تمامی نظام‌های زندان باید آن چنان منصفانه و عادلانه اداره شوند که برای تمامی افراد درگیر در آن‌ها محسوس باشد و این امری اساسی است. زندان اجتماعی است که قواعد و مقررات آن به شکل‌های گوناگون بر تمامی افراد مرتبط، کارکنان، زندانیان، و ملاقات‌کنندگان حاکمیت می‌کند. از آن‌جا که زندان ساختار سلسله‌مراتبی دارد، درک این مقررات و تبعیت از آن‌ها توسط همه و نه فقط زندانیان اهمیت خاصی دارد.

رویه‌هایی شفاف چنانچه مجموعه رویه‌های شفاف برای تضمین تصمیم‌گیری وجود داشته باشد کمتر به رویه‌های پیچیده جهت برای ارائه‌ی مواجهه با تبعات تصمیم‌گیری‌های غلط نیاز خواهد بود. از آن‌جایی که از زندانیان توقع می‌رود از قواعد زندان و احتمالاً جامعه‌ی بیرونی که به آن بازخواهند گشت اطاعت کنند، مهم است که این قواعد منصفانه و عادلانه اجرا شوند. گاه احتمال دارد زندانیان رگه‌هایی از بی‌عدالتی را در شیوه‌ای که با ایشان، چه فردی و چه گروهی، رفتار می‌شود، مشاهده کنند. احتمال وقوع این رفتار حتی در زندان‌هایی هم که به بهترین نحو اداره می‌شوند نیز وجود دارد. وجود مجموعه رویه‌هایی که به زندانیان اجازه دهد درخواست‌های خاص و هرگونه شکایت خود را مطرح کنند، اهمیت دارد. این رویه‌ها باید چنان شفاف باشند که هم توسط زندانیان و هم کارکنانی که مستقیماً با زندانیان سروکار دارند، قابل درک باشند.

ارائه درخواست‌ها در مرحله اول زندانیان باید بتوانند هرگونه موضوعی را که موجب نگرانی‌شان می‌شود با کارکنانی که مسئولیت در سطوح مختلف مستقیم نظارت بر آن‌ها را بر عهده دارند در میان بگذارند. چنانچه مسئله در این سطح حل نشود، لازم است فرصت مطرح کردن درخواست یا شکایت نزد مقامات مسئول زندان فراهم شود. چنانچه باز هم موضوع حل نشود، زندانی باید از حق دسترسی به یک مقام عالی در خارج از زندان برخوردار باشد. بسیاری از سازمان‌های زندان‌ها یک نظام بیرونی موازی نیز ایجاد می‌کنند تا امکان پی‌گیری درخواست‌ها و شکایت‌ها از طریق آن‌ها فراهم باشد. این‌ها می‌توانند نهادهای نظارتی محلی، مأموران رسیدگی به شکایات مردم از سازمان‌های دولتی و سیاستمداران ملی یا محلی را شامل شوند.

جلوگیری از تنبیه در زندان مرسوم است که افراد شاکی تحت نظارت کسانی زندگی می‌کنند که از آن‌ها شکایت شده است. اغلب در چنین شرایطی طرح شکایت چندان به نفع زندانی نیست، هرچند که طرح آن موجه باشد. همواره باید گوش به زنگ بود که زندانی به سبب طرح شکایت تنبیه نشود و رویه‌هایی هم برای پیش‌گیری از این گونه تنبیهات پیش‌بینی شود.

شکایت‌های ارائه چنانچه زندانی در موقعیتی نباشد که بتواند خودش شکایت کند، باید خانواده یا نمایندگان وی بتوانند از طرف وی شده توسط طرح شکایت کنند. خانواده یا نمایندگان

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۲:

هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود:

(الف) تضمین کند برای هر فردی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره‌ی او نقض شده باشد، وسیله‌ی مطمئن احقاق حق فراهم شود؛ هر چند که نقض حقوق به وسیله‌ی افراد در مقام اجرای مشاغل رسمی خود صورت گرفته باشد.

(ب) تضمین کند که مقامات صالح قضایی-اداری یا قانون‌گذار یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد، درباره‌ی شخص دادخواست دهنده احقاق حق کنند و امکانات طرح تظلم به مقامات قضایی را توسعه دهند.

(ج) تضمین کند که مقامات صالح نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز شود، ترتیب اثر صحیح دهند.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۳۳:

(۱) فرد بازداشت شده یا زندانی یا وکیل وی باید حق داشته باشند تقاضا یا شکایت خود را در زمینه‌ی نحوه‌ی رفتار با وی به ویژه اعمال شکنجه یا رفتارهای خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده، به مقامات مسئول اداره‌ی بازداشتگاه یا مقامات عالی‌تر و در موارد ضروری به مقاماتی که از قدرت تجدیدنظر و بازبینی برخوردارند، ارائه کنند.

(۲) در مواردی که نه شخص بازداشت شده یا زندانی و نه وکیل او امکان اعمال حق پیش‌بینی شده در بند یک اصل حاضر را نداشته باشند، یکی از اعضای خانواده فرد بازداشت شده یا زندانی و یا هر شخص دیگری که از موضوع آگاهی دارد می‌تواند چنین حقی را اعمال کند.

(۳) در صورت درخواست شاکی، محرمانه بودن تقاضا یا شکایت باید حفظ گردد.

(۴) هر گونه تقاضا یا شکایت باید بلافاصله مورد توجه قرار گیرد و بدون تأخیر غیر ضروری به آن پاسخ داده شود. در صورت رد تقاضا یا شکایت یا در موارد مربوط به تأخیر غیرعادی، شاکی باید از این حق برخوردار باشد که موضوع را نزد یک مقام قضایی یا غیرقضایی دیگر مطرح کند. نه شخص بازداشت شده یا زندانی و نه هیچ‌کسی که به موجب بند یک اصل حاضر اقدام به شکایت کرده است نباید به دلیل تهیه‌ی درخواست یا شکایت متحمل ضرر شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۶:

(۱) هر زندانی باید از این فرصت برخوردار باشد که هر هفته درخواست‌های شکایت خود را به رئیس زندان یا نماینده‌ی مجاز او تسلیم کند.

(۲) این امکان باید وجود داشته باشد که درخواست‌ها یا شکایات هنگام بازرسی از زندان به بازرس مربوطه تحویل شوند. زندانی باید از این فرصت برخوردار باشد که بتواند با بازرس زندان یا هر مأمور بررسی‌کننده‌ی دیگر بدون حضور رئیس یا یکی از کارکنان زندان موردنظر گفتگو کند.

(۳) هر زندانی باید مجاز باشد تا درخواست یا شکایت خود را بدون سانسور اما به شکلی مناسب به مدیریت مرکزی زندان، مقام قضایی یا سایر مقامات مقتضی از طریق مجاری مورد تأیید تسلیم کند.

(۴) جز در مواردی که درخواست‌ها یا شکایات بی‌اساس یا بی‌دلیل باشند، لازم است بی‌درنگ به آن‌ها رسیدگی شود و بدون تأخیر غیر ضروری به آن‌ها پاسخ داده شود.

رویه های قابل درک هدف مدیریت مطلوب زندان باید تا حد امکان این باشد که در درجه ی نخست از شکل گیری جدی شکایت جلوگیری کند. یکی از راه های تحقق این امر، داشتن و رعایت مجموعه رویه های بسیار شفاف است که تمامی جنبه های زندگی روزمره ی زندان را پوشش دهند. لزوم تهیه ی این رویه ها و قابلیت دسترسی به آن ها در فصل سوم این کتاب آموزشی مطرح شد. این رویه ها باید به زبانی ساده و قابل درک برای همه نوشته شود و دردسترس تمامی زندانیان و کارکنان قرار داده شود. آن ها باید بخشی از مجموعه اطلاعاتی باشند که هنگام ورود هر زندانی به هر زندان در اختیار وی قرار داده می شود. اگر زندان در زمینه ی منابع کمبود دارد، قواعد و مقررات باید به صورت پوسترهایی بر بالای هر دیوار نصب شوند. قواعد باید برای زندانیان بی سواد خوانده و توضیح داده شود.

اطلاعات ناظر بر شیوه های طرح شکایت در این مجموعه رویه ها باید نحوه ی شکایت یک زندانی از رفتار به عمل آمده با وی و نیز راه های ارائه ی شکایت، اعم از سطوح ابتدایی شکایت در زندان تا شکایت به مقامات عالی تر زندان و در صورت نیاز مقامات خارج از زندان، توضیح داده شود.

عدم هراس از طرح شکایت وجود رویه هایی که ممکن است باعث هراس زندانیان از طرح شکایات و دادخواهی های مشروع آنان شود ممنوع است. در مجموعه قواعد انضباطی نباید مقرراتی وجود داشته باشد که طرح شکایت را برای زندانیان دشوار کند؛ برای مثال، با تنبیه کسانی که اظهاراتی علیه کارکنان بیان می کنند و سپس بی اساس بودن شان ثابت می شود.

پیش گیری از آزار و اذیت یکی از موانع طرح شکایت از سوی زندانیان و قوف آنان بر قدرت انتقام جویی کارکنان است. باید برای زندانیان روشن شود که به هیچ وجه در نتیجه ی طرح شکایت مورد تنبیه یا اذیت کارکنان قرار نخواهند گرفت و وجود رویه هایی نیز برای تضمین متضرر نشدن زندانیان به سبب طرح شکایت ضروری است. در صورت لزوم زندانیان باید قادر به طرح شکایت محرمانه باشند. سرانجام فردی که از روی اراده شکایت کرده است باید بداند که به شکایت او ترتیب اثر داده شده است و کارکنان ارشد زندان نیز باید مراقب باشند تا هیچ گونه اقدام تلافی جویانه صورت نگیرد. کارکنان نیز باید مطمئن باشند که در صورت ایراد اتهام فرصت دفاع از خود را مطابق با اصول حاکم بر یک دادرسی ساده خواهند داشت.

در چین و برخی کشورهای دیگر دادستان هایی که به شکایات زندانیان رسیدگی می کنند از زندانیان می خواهند شکایات خود را در صندوق های خاصی بیندازند که کلیدشان تنها در اختیار آن ها است.

حل و فصل در خواست ها و شکایات احتمالاً بسیاری از شکایات در خصوص موضوعات مرتبط به رفتارها و امور روزمره است. موضوعاتی که برای افراد در جامعه ی مدنی عادی کم اهمیت اند، می توانند در محیط فوق العاده منضبط زندان، که به احتمال مقرراتی تأثیرگذار بر بیشتر ابعاد زندگی روزانه دارد، اهمیت زیادی داشته باشند. یکی از هدف های اصلی مدیریت و اداره زندان در این زمینه این است که از منجر شدن یک درخواست ساده به یک شکایت یا تبدیل یک شکایت به شکایت رسمی یا منجر شدن یک شکایت رسمی به تجدید نظرخواهی از آن در نهادهای بالاتر جلوگیری کند.

حل و فصل غیر رسمی شکایات بهترین راه تحقق این امر، تشویق روابط شخصی مطلوب میان زندانیان و کارکنانی است که به صورت روزانه و مستقیم با زندانیان سروکار دارند. این موضوع با تفصیل بیشتری در فصل دوم این کتاب آموزشی مطرح شده است. در صورت وجود چنین روابطی احتمال بیشتری هست که زندانیان در خواست ها یا شکایات خود را با کارکنانی که مستقیماً با آن ها سروکار دارند مطرح کنند و متوقع رسیدگی منصفانه و سریع به چنین موضوعاتی باشند. مأموری که به خوبی آموزش دیده باشد تشخیص می دهد که خودش به چه موضوعاتی می تواند رسیدگی کند و چه موضوعی را باید به سطوح ارشد زندان ارجاع دهد. این مأمور قادر است رویه ها را برای زندانی توضیح دهد. یکی از ویژگی های مهم روال عملی مطلوب در این خصوص پاسخ گویی به زندانی در سریع ترین زمان

معقول است. چنانچه پاسخ منفی باشد ارائه‌ی توضیح اهمیت خاصی دارد. در این صورت احتمال این که زندانی حتی پاسخ‌های منفی را بپذیرد بیشتر است، و بنابراین درخواست وی منجر به طرح شکایت نخواهد شد.

یک رویه‌ی رسمی حل و فصل تمامی درخواست‌ها و شکایات به این شکل غیر رسمی امکان‌پذیر نیست. به علاوه، هر نظام زندان نیازمند رویه‌ای رسمی برای رسیدگی به درخواست‌ها و شکایاتی است که امکان حل و فصل غیر رسمی آن‌ها بین افراد فراهم نشده است. مدیر زندان یا کارمند ارشدی که توسط مدیر تعیین شده است باید در هر روز کاری پاسخ‌گوی درخواست‌های چنین زندانیانی باشد. در صورت امکان باید به زندانی اجازه داده شود خودش درخواست یا شکایت‌اش را مطرح کند. چنانچه حجم درخواست‌ها مانع این کار باشند، اتخاذ ترتیباتی جهت ارائه‌ی کتبی درخواست‌ها و شکایات‌ها ضروری است. زندان باید بدون توجه به نحوه‌ی طرح درخواست به صورت شفاهی یا کتبی، سابقه‌ی مکتوبی برای درخواست مطرح شده و نیز پاسخ ارائه شده به آن تهیه کند.

اهمیت سرعت در رسیدگی درخواست‌ها و شکایات باید در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی شوند. رویه‌ی کلی باید مشخص کند که پاسخ‌گویی به طور معمول چند روز به طول می‌انجامد. چنانچه درخواست زندانی پیچیده و غیر قابل حل در زمان معمول باشد باید به زندانی اعلام شود چه مدت زمانی برای انجام کار لازم است.

طرح شکایت در سطح بالاتر چنانچه مدیر زندان درخواست یا شکایت زندانی را رد کند یا شکایت علیه خود مدیر باشد، زندانی باید بتواند درخواست مکتوب خود را به بخش بالاتری در سازمان زندان‌ها و به طور معمول در سطح ادارات کل منطقه‌ای یا ملی تسلیم کند. جهت رعایت عدالت و انصاف مهم این است که شکایت مطرح شده علیه یکی از کارکنان از طریق خود آن شخص جریان پیدا نکند. برای این منظور لازم است رویه‌ای وجود داشته باشد که به زندانیان اجازه دهد درخواست‌ها و شکایات محرمانه‌ی خود را تسلیم مقام بالاتر کنند.

طرح شکایت نزد نهادهای مستقل خارج از زندان ترتیبات ناظر بر ارائه درخواست یا شکایت به بازرسان مستقل و سایر اشخاص خارج از نظام زندان در فصل دهم این کتاب آموزشی مطرح می‌شوند. مدیران زندان نباید باعث ممانعت یا دلسردی زندانیان از طرح شکایت به مقامات قضایی بیرون از زندان یا بازرسان مستقل شوند. فراهم کردن این گونه راه‌های بیرونی شکایت می‌تواند به کاهش کشمکش‌های احتمالی کمک کند.

در غنا و برخی کشورهای دیگر زندانیان حق دارند نگرانی‌های خود را با یکی از اعضای کمیسیون حقوق بشر در میان بگذارند.

در آفریقای جنوبی قاضی بازرسی کننده (بازرس زندان‌ها) طبق قانون خدمات اصلاحی تربیتی موظف به انتصاب بازدیدکنندگان مستقل زندان در زندان‌های مختلف سراسر آفریقای جنوبی است. بازرسان مستقل زندان‌ها افراد غیر متخصصی در زمینه‌ی حقوق زندانیان هستند که از طریق فراخوان عمومی و مشاوره با سازمان‌های اجتماعی و همین‌طور افراد علاقه‌مند به ارتقای مسئولیت اجتماعی و پیشرفت انسانی زندان‌ها شناسایی و انتخاب می‌شوند. اصلی‌ترین عملکرد بازدیدکنندگان مستقل زندان رسیدگی به شکایات زندانی‌ها است.

اظهارات ناظر بر هر چند رسیدگی به تمامی درخواست‌ها و شکایات در سریع‌ترین زمان ممکن ضروری است، اما برخی از آن‌ها مستلزم رسیدگی اضطراری و سریع‌تر از سایرین است. برای مثال، رسیدگی سریع به هرگونه اظهارات ناظر بر شکنجه یا رفتار غیرانسانی اهمیت اساسی دارد و باید به گونه‌ای باشد که اعتماد زندانی شکایت‌کننده را جلب کند. باید رویه‌ای موجود باشد که تضمین کند هرگونه اظهارات از این دست بلافاصله به رئیس زندان، و اگر اظهارات علیه خود آن فرد باشد به مقام بالاتر خارج از زندان ارجاع می‌شود.

اظهارات ناظر بر به همین ترتیب، وجود رویه‌ی شفافی برای رسیدگی به شکایات و اظهارات ناظر بر رفتار مجرمانه از کارکنان یا زندانیان، ضروری است. چنین اظهاراتی باید به طور معمول به نهادی در جامعه‌ی مدنی که مسئولیت تحقیق یا تعقیب اعمال مجرمانه را بر عهده دارد، ارجاع شود. سپس این نهاد می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا این موضوع مانند یک تحقیق جنایی پی‌گیری شود یا به مقامات زندان ارجاع شود تا اقدام اداری مقتضی صورت گیرد.

شکایات ناظر بر ممکن است زندانیان مسائلی نیز در ارتباط با توقیف، محکومیت یا تاریخ آزادی‌شان مطرح کنند. چنین روند قانونی درخواست‌هایی باید تسلیم مقامات قانونی مقتضی شود.

تجدید نظرخواهی هنگامی که زندانیان احساس کنند در تصمیمات انضباطی اتخاذ شده علیه آنان از رویه‌های درست و عادلانه از تصمیمات تبعیت نشده است یا ناعادلانه تنبیه شده‌اند نیز می‌توانند شکایات‌های خود را در خصوص تصمیم‌های انضباطی مطرح کنند. همچنان که در فصل ششم این کتاب آموزشی نیز مطرح شد، باید رویه‌ای موجود باشد تا پی‌گیری چنین درخواست‌هایی را تا سطح مقام بالاتر مجاز کند.

اهمیت طرح شکایت برای اکثر درخواست‌ها و شکایات زندانیان احتمالاً مربوط به موضوعات اداری اجرایی است. شاید بسیاری از این شکایات واقعاً بی‌اهمیت باشند، اما برای زندانی مورد نظر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند؛ که امکان دارد در مواردی زندانیان چون غذا، وسایل گم شده، تأخیر در مراسلات، مشکلات مربوط به ملاقات‌ها یا خلق و خوی کارکنان باشد. بیشتر اوقات آنچه زندانی می‌خواهد، تنها تصدیق ارتکاب اشتباه و عذرخواهی است. چنانچه زندانی ببیند به چنین شکایاتی با صداقت و صراحت رسیدگی می‌شود کمتر به دنبال طرح شکایت رسمی خواهد رفت.

شکایت‌های رویه‌هایی که در بالا مطرح شدند به درخواست‌ها و شکایاتی مربوط اند که به صورت فردی توسط زندانیان مطرح می‌شوند. سازمان زندان‌ها باید در عین حال نسبت به هرگونه فرهنگ یا سنتی که بر اساس آن نگرانی‌ها به جای افراد توسط یک گروه یا رئیس خانواده مطرح می‌شود حساس باشند.

چارچوب

زندان‌ها باید بر روی نظارت‌های عمومی گشوده باشند
همه‌ی زندان‌ها مکان‌هایی هستند که مردان و زنان علی‌رغم میل‌شان در آن جا ننگه‌داری می‌شوند. احتمال سوء استفاده همواره وجود دارد. بنابراین زندان‌ها باید مراکزی باشند که به شکل منصفانه و عادلانه اداره می‌شوند. تمامی مراکزی که توسط دولت یا از طرف آن اداره می‌شوند باید تحت نظارت عمومی باشند. این امر در مورد زندان‌ها به سبب خصلت قهرآمیزشان اهمیت ویژه‌ای دارد.

بازرسی از سوی نهادهای خارج از زندان ضروری است
این کتاب آموزشی تمامی جزئیات مربوط به مدیریت مطلوب زندان را بیان می‌کند. اگرچه، حتی در زندان‌هایی با بهترین نحوه‌ی مدیریت هر از گاهی پرسش‌هایی در خصوص روند موجود ایجاد می‌شود و شکایت‌هایی مطرح می‌شود. از آن‌جا که اعضای عادی جامعه‌ی مدنی به راحتی قادر نیستند آنچه را که در پشت دیوارها و حصارهای بلند زندان رخ می‌دهد کشف کنند، لازم است یک نظام بازرسی وجود داشته باشد تا بررسی کند که همه چیز همان گونه است که باید باشد.

ارزش بازرسی نهادهای خارج از زندان
رویه‌های بازرسی حامی حقوق زندانیان و خانواده‌هایشان است. رویه‌های بازرسی به معنای تضمین وجود روالی مناسب و رعایت مستمر آن توسط کارکنان است. بازرسی‌ها باید تمامی جنبه‌های زندگی زندان، که در این کتاب آموزشی مطرح شده‌اند، را پوشش دهند.

نظارت‌های خارج از زندان، تضمینی برای کارکنان زندان است
تصدیق این امر نیز اهمیت دارد که بازرسی‌ها قادرند از کارکنان زندان نیز صیانت کنند. بازرسی‌ها ابزاری برای رسیدگی به هرگونه ادعای بدرفتاری زندانیان یا رفتار نامناسب کارکنان هستند. چنین رفتارهایی، در صورت وقوع، باید اعلام شوند و کارکنان دخیل در آن‌ها شناسایی شوند. این امر همچنین می‌تواند شیوه‌ای برای حمایت از کارکنان در برابر ادعاهای نادرست باشد. به هر حال بازرسی‌ها تنها ناظر بر تقصیرات نیستند. شناسایی روال‌های عملی مطلوبی که می‌توانند در مراکز دیگر به عنوان الگو به کار روند نیز بسیار مهم است. این روال‌ها می‌توانند به کارکنانی هم که کارشان را به شکلی حرفه‌ای انجام می‌دهند اعتبار دهند.

مداخله‌ی جامعه‌ی مدنی نوعی نظارت است
بازرسی می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد. در مواردی که ارتباط منظمی میان زندان و نهادهای اجتماعی وجود دارد سطح قابل توجهی از بازرسی غیررسمی در زندان مشاهده می‌شود. هنگامی که اعضای جامعه‌ی مدنی به طور منظم به زندان می‌آیند احتمال اعمال اشتباه از ناحیه‌ی مدیریت زندان کمتر است و احتمال این که مردم جامعه از آنچه در زندان می‌گذرد باخبر شوند، بیشتر است. افرادی که از جامعه‌ی مدنی به طور منظم به زندان می‌آیند شاید آموزگاران مدارس محلی، بهداشتیاران بیمارستان‌های محلی یا اعضای گروه‌های مذهبی و فرهنگی باشند. فعالیت‌های آن‌ها در جابه‌جای این کتاب آموزشی شرح داده شده است. آن‌ها بازرسی به مفهوم خاص کلمه نیستند بلکه حضورشان می‌تواند نوعی بازرسی غیررسمی محسوب شود. این هم مهم است که آن‌ها منظر متفاوتی از حرفه‌ی زندانبانی را پدید می‌آورند.

نظارت غیرمتخصصان مستقل
برخی مدیریت‌های زندان‌ها از طریق روش‌های نظارت غیرمتخصصان مستقل نقش رسمی‌تر را برای اعضای جامعه محلی گسترش داده‌اند. این پیکره‌های نظارتی محلی، بازرسی رسمی‌تری از کار زندان و گزارش‌دهی به مقامات زندان و در برخی موارد به جامعه محلی را به عهده دارند. چنین سیستم‌هایی قابلیت آن را دارند که مفاهیم تأثیرگذار حفاظت و حمایت از حقوق بشر و ممنوعیت سوء استفاده را قید کنند. آن‌ها میان زندان‌ها و جامعه‌ای

که زندان‌ها به خاطر آن‌ها اداره می‌شوند نیز پیوندهای رسمی برقرار می‌کنند.

بازرسی‌های اداری نوع رسمی‌تری از بازرسی وجود دارد که توسط کارکنان سازمان مرکزی زندان‌ها از خود زندان‌ها به عمل می‌آید. این نوع بازرسی غالباً شکل بررسی رویه‌ها را به خود می‌گیرد. این بازرسی‌ها طیف گسترده‌ای مثل امنیت، حسابرسی، فعالیت‌های زندانیان، آموزش‌های کارکنان یا تبعیض را شامل می‌شود. در بسیاری از سازمان‌های زندان‌ها این رویه‌ها با معیارهایی سنجیده می‌شود که به صورت مرکزی و جهت اطمینان از همسان‌سازی زندان‌ها تدوین شده‌اند. برخی از سازمان‌های زندان‌ها ناظرانی برای زندان‌ها منصوب کرده‌اند که مسئول نظارت بر رعایت مقررات زندان هستند. این بازرسی‌ها غالباً بر روندهای اداری اجرایی متمرکزند. این نوع بازرسی بسیار مهم است اما به تنهایی کافی نیست.

بازرسی‌های مستقل نوع مهمی از بازرسی آن است که توسط نهادی مستقل از خود زندان‌ها و نظام زندانبانی صورت می‌گیرد. در برخی موارد کارکنان چنین نهادی توسط دولت منصوب می‌شوند. مستقل‌ترین حالت زمانی است که آن‌ها توسط مجلس منصوب شوند و گزارش خود را تقدیم آن‌کنند. در برخی موارد آن‌ها برنامه‌ی بازرسی منظمی را دنبال می‌کنند و در مواردی دیگر به انجام بازرسی‌های موردی می‌پردازند. آن‌ها عملکرد روزمره‌ی زندان‌ها را بررسی می‌کنند و هر از گاهی به بررسی حادثه‌ای جدی می‌پردازند.

جامع‌ترین شکل بازرسی هنگامی است که تمامی این انواع یاد شده کنار هم وجود داشته باشند و هر یک مکمل فعالیت‌های دیگری باشند.

مراجع بازرسی منطقه‌ای و سایر مراجع گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در خصوص شکنجه نقش مهمی در اظهار سوءاستفاده‌های مؤثر بر افراد محروم از آزادی ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر رویه‌ی وی در بازرسی از زندان‌ها و بیان عمومی برداشت‌هایش باعث افزایش نفوذ او شده است.

در سطح منطقه‌ای نیز گزارشگر ویژه‌ی شرایط زندان در آفریقا که توسط کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها منصوب شده است، از نظام‌های زندانبانی در آفریقا بازرسی می‌کند و گزارش‌های تفصیلی خود را، هم در خصوص مشکلات کشف شده و هم روال‌های عملی مطلوب مشاهده شده، منتشر می‌کند.

کمیته‌ی پیش‌گیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز شورای اروپا قدیمی‌ترین نمونه از یک سازوکار بین‌الدولی است که تأثیرات قابل توجهی بر بهبود شرایط بازداشت و حبس در کشورهای داشته است که هریک عضوی از شورای اروپا هستند و گستره‌ای وسیع، از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام، را دربرمی‌گیرند.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نیز نقش فعالی در بازرسی از زندان‌ها در شرایط خاصی مثل جنگ ایفا می‌کند.

برخی نظام‌های قضایی اجازه‌ی دسترسی مستقیم انجمن‌های غیردولتی حقوق بشر، اعم از ملی یا بین‌المللی، را به زندان‌های خود فراهم می‌سازند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اسناد بین‌المللی بر لزوم بازرسی از تمام زندان‌ها و مکان‌های حبس توسط یک نظام بازرسی مستقل از مقامات مسئول اداره‌ی چنین زندان‌هایی صراحت دارند. این اسناد حق دسترسی کامل و محرمانه زندانیان به بازرسان در مورد ملاحظات بازرسی مشروع را نیز به رسمیت می‌شناسند.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۲۹:

(۱) به منظور نظارت بر رعایت دقیق قوانین و مقررات مرتبط، مکان‌های بازداشت باید به طور منظم مورد بازدید اشخاص صلاحیت‌دار و با تجربه‌ای قرار گیرد که توسط مراجع صلاحیت‌داری انتخاب شده‌اند که مجزا از مراجعی هستند که به صورت مستقیم مسئولیت اداره‌ی مکان بازداشت یا حبس را بر عهده دارند و باید در برابر این مراجع نیز مسئول و پاسخ‌گو باشند.

(۲) هر فرد بازداشت شده یا زندانی باید از این حق برخوردار باشد که آزادانه و به طور کاملاً خصوصی با کسانی که طبق بند یک اصل حاضر از زندان بازدید می‌کنند ملاقات کند به شرط این که شرایط معقول برای تضمین امنیت و حسن نظم چنین مکان‌هایی رعایت شود.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۵۵:

بازرسی منظم از مؤسسات کیفری و بخش‌های مختلف آن‌ها باید توسط بازرسان ذیصلاح و با تجربه که از طریق مقام صلاحیت‌داری منصوب شده‌اند، انجام گیرد. وظیفه‌ی آن‌ها به خصوص حصول اطمینان از این امر است که مراکز مزبور طبق قوانین و مقررات و در جهت اهداف خدمات کیفری و تأمینی و تربیتی اداره شوند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

مداخله‌ی جامعه‌ی مدنی می‌تواند مانع سوء استفاده شود

در بخش‌های دیگر این کتاب آموزشی مزیت‌های ارتباط کاری مطلوب میان زندان‌ها و جامعه‌ی مدنی محلی و حضور مستمر برخی اعضای معتبر جامعه‌ی مدنی در زندان‌ها برای سهیم شدن در فعالیت‌های گوناگون زندان بیان شده است. مزیت دیگر چنین ترتیبی این است که این نوع تعامل می‌تواند چون نوعی نظارت مستقل غیررسمی بر آنچه در زندان می‌گذرد عمل کند. بازدیدکنندگان و کارکنان با یکدیگر همکاری متقابل خواهند داشت و با زندانیان ارتباط مستمری برقرار خواهند کرد که آن‌ها را قادر به مشاهده مشکلات و نشانه‌های سوء استفاده خواهد کرد. حضور آن‌ها باید مشوق روابط مطلوب بین اشخاص باشد. حضور نمایندگان جامعه‌ی مدنی می‌تواند پیش‌گیرانه باشد و از سوءاستفاده‌ها پیش از وقوع جلوگیری کند. رویه‌های رسمی بازرسی غالباً تنها به شناسایی شکست‌ها پس از روی دادن آن‌ها می‌پردازند. نظرات چنین بازدیدکنندگانی درخصوص مشاهداتشان از زندان اهمیت مضاعفی دارد، به دلیل این که مبتنی بر تجربیات و انتظارات آن‌ها از جامعه‌ی بیرون زندان است. در نتیجه شاید در موقعیتی باشند که رویه‌های جاری زندان را مورد پرسش قرار دهند و به چالش بخوانند.

در شکل‌های رسمی‌تر بازرسی، که در ادامه توضیح داده می‌شوند، همواره باید این اطمینان حاصل شود که درکنار انجام بازرسی‌های رسمی، چنین بازدیدکنندگان دائمی‌ای نیز در نظر گرفته می‌شوند.

نظارت رسمی غیرمتخصصان مستقل

برخی از سازمان‌های زندان‌ها ترتیبات تثبیت شده‌ای برای نظارت رسمی بر زندان‌ها توسط نهادهایی متشکل از افراد غیرمتخصص اجتماع دارند. برخی از سازمان‌های زندان‌های دیگر در شرف اجرا یا بررسی ترتیباتی مشابه هستند. بهترین روش آن است که اعضای مستقلی از جامعه‌ی مدنی برگزیده شوند تا بر تمامی جنبه‌های زندگی در زندان نظارت کنند و گزارش یافته‌هایشان را به اطلاع عموم برسانند. برای آن که ناظران غیرمتخصص مؤثر باشند، باید دسترسی نامحدودی به تمامی نواحی زندان داشته باشند و به جای پاسخ‌گویی به سازمان زندان‌ها، در برابر عموم و برای مثال از طریق مجلس، مسئول باشند.

در آخراً ترکیه نظامی را ابداع کرده است که در آن در هر کمیسیون قضایی شورای کوچکی از ناظران مستقل منصوب شده‌اند تا بر زندان‌های تحت حوزه‌ی قضایی آن کمیسیون نظارت و از آن گزارش تهیه کنند. به طور خاص، هر شورا مسئولیت چهار یا پنج زندان را دارا است. هر شورای نظارتی موظف است هر سه ماه یک بار گزارشی را تقدیم وزارت دادگستری کند. قوانین ترکیه نهادهای عمومی را نیز ملزم می‌سازد در یک مهلت زمانی مشخص به گزارش‌های تقدیم شده پاسخ دهند.

نظارت بر حوادث در انگلستان و ولز این الزام وجود دارد که ناظران غیر متخصص برای بررسی و مشاهده‌ی هر گونه حادثه‌ی جدی مهم و جدی، یک در زندان فراخوانده شوند. این الزام دو هدف را تأمین می‌کند؛ از زندانیان در برابر سوءاستفاده حمایت می‌کند و وظیفه مهم است کارکنان را در برابر ادعاهای ناروا صیانت می‌کند.

بیشتر نظام‌های زندان از معمولاً اعضای با سابقه سازمان زندان‌ها هستند که بر مسائل زندان و مدیریت آن اشراف دارند. آن‌ها احتمالاً عضو گروهی هستند که در سازمان زندان‌ها کار می‌کنند و ارتباط مستقیمی با زندان‌های خاص ندارند. آن‌ها ممکن است تمامی زندان‌های یک منطقه را بازرسی کنند. در عین حال ممکن است به عنوان گروه‌های تخصصی کار کنند و برای مثال تمامی زندان‌های ویژه‌ی زنان یا نوجوانان را بازرسی کنند.

بررسی انطباق با رویه‌های دولتی در برخی نظام‌های زندان چنین گروه‌هایی بیشتر به عنوان حسابرس عمل می‌کنند تا بازرس. کارکرد اصلی آن‌ها این است تا بررسی کنند رویه‌های مناسب اتخاذ شده باشد، دستورالعمل‌های اداری رعایت شود، و هیچ گونه سوءمدیریت یا فساد وجود نداشته باشد. به لحاظ عملی باید تمایز آشکاری میان نقش یک حسابرس و یک بازرس وجود داشته باشد. معمولاً تمرکز یک حسابرس بر چگونگی انجام امور است، در حالی که بازرس بر آنچه انجام شده و نتایج آن متمرکز می‌شود. احتمال دارد یک زندان رضایت بازرسان دولتی را در خصوص تبعیت مطلوب از رویه‌ها جلب کند در حالی که از نظر مفاهیم مقرر در این کتاب آموزشی اداره‌ی زندان نامطلوب باشد. حسابرسان زندان نقش مدیریتی مهمی ایفا می‌کنند اما باید مکمل بازرسان مستقل باشند و نه جایگزین آن‌ها.

دسترسی بازرسان داخلی باید یک گروه بازرسی داخلی باید به همه‌ی زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و تمامی افراد نگه داری شده در آن مکان‌ها دسترسی نامحدود داشته باشد. شاید آن‌ها برنامه‌های بازرسی اعلام شده داشته باشند، اما باید به انجام بازرسی‌های سرزده و خارج از ساعات معمول کاری نیز بپردازند. آن‌ها معمولاً موظف‌اند گزارش خود را به طور مستقیم به سرپرست کل سازمان زندان‌های کشور تقدیم کنند.

اهمیت تبیین رویه‌های عملی مناسب نقش حسابرسی و بازرسی نباید صرفاً شناسایی روال‌های اجرایی نامقبول باشد. این فرآیندها در شناسایی و گسترش روال‌های اجرایی مطلوب نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

دولت فرانسه گروه مشترکی متشکل از بازرسان کلی بخش قضایی در وزارت دادگستری و بازرسان کل امور اجتماعی در وزارت کار و امور اجتماعی را تعیین کرده است تا ساختار مراقبت‌های بهداشتی زندانیان را ارزیابی و گزارش کنند. این گزارش به وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، دادگستری و بهداشت ارائه می‌شود.

بازرسی مستقل علاوه بر رویه‌های بازرسی داخلی، باید نوعی بازرسی هم وجود داشته باشد که کاملاً از نظام زندان مستقل باشد. یکی از ترتیبات ممکن این است که بازرسان توسط دولت منصوب شوند. زمانی که دولت در نهایت مسئولیت اداره‌ی نظام زندان را عهده‌دار است، اصولاً این رویه رضایت بخش نیست. بهترین راه تضمین استقلال این است که بازرس به طریقی توسط مجلس انتخاب شود، برای مثال به عنوان مأمور رسیدگی به شکایات مردم از دستگاه‌های عمومی؛ سپس گزارش یافته‌هایش را مستقیماً به مجلس ارائه کند. در چنین صورتی احتمال هرگونه مداخله‌ی اداری اجرایی در گزارش‌های وی کمتر است.

د دفتر بازرس بخش های نگه داری مراقبتی در سال ۲۰۰۰ در استرالیا ی غربی ایجاد شده تا به نظارت مستقل از خارج زندان ها بپردازد. این دفتر در برابر وزارت دادگستری مسئول است و مستقیماً به مجلس پاسخ می دهد.

نظارت قضایی در برخی کشورها مثل فرانسه، مسئولیت تضمین اداره ی زندان ها بر طبق قانون و رفتار انسانی با زندانیان به قضات داده شده است. این روش باید باعث تضمین استقلال شود، زیرا قضات وابسته به نظام زندان نیستند، اما آنچه اهمیت دارد این است که این 'قضات اجرای احکام' بتوانند برای کار بازرسی زندان ها اولویت قائل شوند.

جایگاه اجتماعی بازرسان مستقل آگاهی عموم از نقش بازرسان مستقل زندان باعث ارتقای موقعیت آنان می شود، از این رو انتصاب افراد با اعتبار اجتماع به عنوان بازرسان زندان اهمیت دارد. چنانچه بازرس خود دست اندرکار حرفه ی زندانبانی نباشد، و برای مثال قاضی باشد باید حداقل برخی اعضای گروه بازرسی آگاهی مستقیم در مورد زندان ها و ساختار اداری اجرایی آن ها داشته باشند. حضور بازرسانی متخصص در زمینه هایی مثل مراقبت های بهداشتی و بهداشت روان، آموزش، تأسیسات ساختمانی و مسائل اقلیت ها نیز ضروری است.

نقش بازرسان پس از بروز حوادث جدی گروه های بازرسی مستقل علاوه بر برنامه عادی بازرسی خود باید حق این را نیز داشته باشند که به دنبال هرگونه حادثه ی جدید یا شورش به انجام بازرسی بپردازند. در این گونه موارد آن ها باید بتوانند به تمامی شواهد موجود دسترسی داشته باشند و با هر شخص درگیر، چه مأمور و چه زندانی، مصاحبه کنند.

سایر اشکال بازرسی برخی نظام های قضایی علاوه بر واحدهای بازرسی تخصصی زندان سایر نهادهای دولتی یا مرکزی را موظف کرده اند از برخی جنبه های زندگی زندان بازرسی کنند. این می تواند نهادهایی مثل کمیسیون حقوق بشر یا حسابرسی کل را شامل شود. ممکن است میان بازرسی و نهادهای رسیدگی کننده به شکایات زندانیان ارتباط هایی رسمی نیز وجود داشته باشد.

گزارش دهی و پاسخ گویی به بازرسی ها

بازرسان مستقل باید تمامی بخش های گزارش های مربوط به زندان ها را منتشر کنند، مگر موارد مرتبط با اطلاعات محرمانه ی امنیتی یا اطلاعات شخصی افراد. عدم ارائه ی گزارش یافته ها یا چشم پوشی در گزارش ها باعث لطمه زدن به کارایی هرگونه نظام بازرسی رسمی و غیررسمی خواهد شد.

در تمامی اشکال بازرسی یک رویه ی گزارش دهی شفاف و ترتیبات مناسب درخصوص موضوعاتی که می توانند توجه اضطراری را جلب کنند، باید مشخص باشد.

خود زندان، سازمان زندان ها و دولت نیز باید نسبت به پاسخ گویی سریع و کامل به گزارش های دریافتی متعهد شوند. انتشار عمومی گزارش ها و پاسخ های ارائه شده به آن ها، به شرط رعایت ملاحظات مشروع امنیتی، مفید است.

انتشار این گونه گزارش ها، برای مثال توسط کمیته ی پیش گیری از شکنجه شورای اروپا و گزارشگر ویژه ی افریقا، تأثیر جنبی مهمی بر کاهش رویه های عملی نامقبول و رواج رویه های عملی مطلوب در سایر زندان ها و ساختارهای اداری اجرایی داشته است.

زندانیان منتظر محاکمه و سایر اشخاص بازداشتی بدون حکم

چارچوب

برخی تعاریف در بسیاری کشورها تعداد زیادی از افراد زندانی و گاه حتی اکثریت آنان هنوز محکوم نشده‌اند. آن‌ها شاید در مرحله‌ی تحقیقات باشند، تصمیمی در خصوص طرح پرونده شان در دادگاه اتخاذ نشده باشد، و یا صرفاً منتظر محاکمه باشند.

در نظام‌های قضایی مختلف تعابیر حقوقی متفاوتی برای توصیف چنین اشخاصی به کار می‌رود. ممکن است از آن‌ها به عنوان تحت تحقیقات، تحت رسیدگی قضایی، منتظر رسیدگی قضایی یا تحت بازداشت موقت یاد شود. برای سهولت اشاره به آن‌ها در این کتاب آموزشی همه‌ی این اشخاص به عنوان منتظر محاکمه یاد می‌شوند.

در برخی نظام‌های قضایی واژه‌ی زندانی تنها در خصوص کسانی به کار می‌رود که محکوم شده‌اند. از سایر اشخاصی که هنوز محاکمه نشده‌اند یا به دلایل دیگری محبوس شده‌اند ممکن است به عنوان بازداشتی یاد شود. باز هم برای سهولت اشاره در این کتاب آموزشی واژه‌ی زندانی برای اشاره به هر کسی به کار می‌رود که به هر شکل بر اساس حکم یک مقام قضایی بازداشت شده است.

سرانجام، برخی نظام‌های قضایی از واژه‌ی زندان تنها برای اطلاق به مکان‌های نگه‌داری زندانیان محکوم استفاده می‌کنند. از مکان‌های نگه‌داری اشخاصی که هنوز محکوم نشده‌اند به عنوان بازداشتگاه یا محبس یاد می‌شود. در این کتاب آموزشی واژه‌ی زندان برای توصیف هر مکانی که به صورت قانونی اشخاص را نگه‌داری می‌کند، به کار می‌رود.

فرض بر بیگناهی مهم‌ترین اصل در مدیریت بر زندانیان منتظر محاکمه این حقیقت است که آنان همواره باید بیگناه فرض شوند. آن‌ها برخلاف زندانیان محکوم، برای مجازات در زندان نگه‌داری نمی‌شوند. مدیریت و اداره‌ی زندان‌ها باید اطمینان یابند که موقعیت عدم محکومیت آن‌ها در رفتار با آنان و مدیریت بر ایشان منعکس است.

مشکلات بازداشت موقت زندانیان منتظر محاکمه نه تنها در زمان انتظار برای محاکمه باید بیگناه فرض شوند، بلکه در بسیاری از موارد با شروع رسیدگی کیفری فرض بیگناهی آنان اثبات خواهد شد. به علاوه در بسیاری از کشورها روند قضایی به گونه‌ای است که پرونده‌ها به کندی در دادگاه طرح می‌شوند و حتی در مواردی ممکن است دوره‌ی بازداشت موقت زندانی بیشتر از مدت محکومیتی باشد که احتمالاً در صورت اثبات گناهکاری، به آن محکوم خواهد شد. تمامی این امور می‌تواند موجب احساس مشروع بی‌عدالتی در بسیاری از زندانیان منتظر محاکمه شود و بر رفتار آنان تأثیر بگذارد این مسئله باید مدنظر سازمان زندان‌ها قرار گیرد.

شمار زیاد زندانیان منتظر محاکمه در بسیاری از نظام‌های قضایی، کندی سیستم دادرسی و در نتیجه افزایش تعداد زندانیان منتظر محاکمه عامل مهمی در ازدحام جمعیت زندان‌ها است. فقر نیز عنصر قابل توجهی در این زمینه است، چرا که شاید بسیاری از زندانیان قادر به تأمین وثیقه برای آزادی نباشند. در بخش‌های گوناگونی از جهان زندانیان منتظر محاکمه بیش از نصف جمعیت زندانیان را تشکیل می‌دهند و در کشورهایی مثل هندوراس، برونیدی، موزامبیک و هند این نرخ از ۷۰ درصد نیز فراتر می‌رود. غالباً این ارقام تنها اشخاص محبوس تحت نظارت سازمان زندان‌ها را شامل می‌شود و اشخاص نگه‌داری شده در بازداشتگاه‌های پلیس یا سایر شکل‌های توقیف را در بر نمی‌گیرد.

تفکیک نهادهای متولی تحقیقات جنایی، که معمولاً پلیس و دادسرا است، و سازمان زندان‌ها به عنوان متولی نگه داری اشخاص متهم به حکم یک مقام قضایی، وجود داشته باشد. بازداشت یک شخص متهم ممکن است باعث تسهیل کار متولیان تحقیقات جنایی شود، اما شرایط حبس هرگز نباید جزئی از تحقیقات جنایی باشد. به بیان دیگر، نگه داری زندانیان منتظر محاکمه در شرایط بسیار محدود تنها به منظور وادار ساختن آنان به همکاری با مقامات تحقیق کننده یا اعتراف به ارتکاب جرم جایز نیست. مقامات تحقیق یا تعقیب نباید قادر باشند مقامات زندان را در خصوص چگونگی رفتارشان با زندانیان منتظر محاکمه تحت تأثیر قرار دهند.

هندوستان با مجاز کردن قضات دادگاه‌های بخش به انتقال دادن شعبات دادگاه خود به زندان، یک یا دوبار در ماه نظام "دادگاه‌های مردمی" را تا زندان‌ها بسط داده است. یک نمونه مثالی: در "لوک عدالتی" Lok Adalat که در زندان مرکزی راجامونداری دایر شده است، قاضی سیار توانسته در یک روز به ۲۳ پرونده رسیدگی کند که شاید ارجاع آن‌ها به دادگاه زمان زیادی می‌گرفت.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۱۱:

هر کس که متهم به ارتکاب بزه شده است از این حق برخوردار است که بیگناه محسوب شود تا زمانی که گناه کاری وی مطابق قانون و در یک دادرسی عمومی که در آن کلیه‌ی تضمین‌های لازم جهت دفاع وی فراهم شده است، به اثبات برسد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۹:

- ۱ هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون.
- ۲ هر فردی که دستگیر می‌شود باید به هنگام دستگیری از علل آن و در اسرع وقت از هر گونه اتهامی که به او نسبت داده شده است مطلع شود.
- ۳ هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر کرد و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت افرادی که در انتظار دادرسی هستند نباید یک قاعده‌ی کلی باشد، ولی آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی باشد که حضور متهم را در جلسه‌ی دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و به صورت موردی برای اجرای حکم، تأمین کند.
- ۴ هر کس که به واسطه‌ی دستگیری یا بازداشت شدن از آزادی محروم شود حق دارد به دادگاه اقامه دعوا کند تا دادگاه بدون تأخیر در مورد قانونی بودن بازداشت رأی دهد و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.
- ۵ هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد باید حق جبران خسارت داشته باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۸۴:

- (۱) افرادی که به دلیل اتهامات کیفری وارد شده به آن‌ها دستگیر یا زندانی شده‌اند اما هنوز مورد دادرسی و محکومیت قرار نگرفته‌اند، اعم از این که در بازداشتگاه‌های پلیس نگه داری شوند یا در زندان، از این پس در این قواعد به عنوان "زندانیان محاکمه نشده" یاد خواهند شد.
- (۲) زندانیانی که حکمی در مورد آن‌ها صادر نشده است باید بیگناه فرض شوند و بر اساس همین فرض با آن‌ها رفتار شود.

وضعیت خاص زندانیان منتظر محاکمه باید بی‌گناه فرض شوند و بنابراین نباید تابع قواعد و مقرراتی مشابه زندانیان محکوم باشند. فصل سوم این کتاب آموزشی رویه‌های پذیرش را مطرح می‌کند. این رویه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند زیرا اکثریت زندانیان نخستین بار حبس را به عنوان زندانی منتظر محاکمه تجربه کرده‌اند. این گروه از زندانیان ممکن است در نخستین روزهای زندان دچار سردرگمی خاصی شوند؛ رویه‌های پذیرش باید به این موضوع توجه کنند و کارکنان مسئول پذیرش زندانیان نیز نسبت به آن آگاهی داشته باشند.

تضمین در برابر توقیف خوددسرانه نقش مقامات زندان در جلوگیری از حبس‌های خودسرانه مهم است. آن‌ها می‌بایست رویه‌های شفاف را ایجاد کنند تا از وجود یک حکم قانونی یا سند قانونی مقتضی برای هر شخص پذیرش شده در زندان اطمینان حاصل شود. این امر در مورد همه زندانیان منتظر محاکمه اهمیت خاصی دارد، کسانی که حق دارند از مجوز قانونی حبس و زمان حضور بعدی در برابر یک مقام قضایی آگاه شوند. مقامات نیز می‌بایست تضمین کنند که زندانیان بدون معطلی و در زمان مقتضی در دادگاه حضور یابند.

نظارت بر مدت زمان بازداشت موقت وضعیت زندانیان منتظر محاکمه معمولاً به این معنا است که مدت حبس آنان نامشخص و تابع تصمیمات نهادهای دیگری غیر از مقامات زندان است. در برخی نظام‌های قضایی محدودیت‌های زمانی‌ای پیش‌بینی شده است که طی آن زندانیان یا باید تحت محاکمه قرار گیرند و یا آزاد شوند. مقامات زندان به عنوان جزئی از روند تضمین دائم مشروعیت احکام حبس نیازمند نظارت بر چنین ترتیباتی هستند. اصرار داشتن به ثبت دقیق اهمیت خاصی برای مقامات زندان دارد تا زندانیان منتظر محاکمه در درون نظام قضایی فراموش نشوند.

گزارشگر ویژه‌ی زندان‌ها و شرایط حبس در افریقا در گزارش بازدید خود از زندان‌های موزامبیک در سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که تعداد زندانیان در مقایسه با بازدید قبلی وی کاهش داشته است. وی اظهار داشت که این را تاحدی می‌توان با تأسیس کمیسیون تقویت مشروعیت قانونی توضیح داد که این کمیسیون با بازدید از زندان‌ها و بررسی پرونده‌های زندانیان بر مشروعیت قانونی حبس نظارت می‌کند. آن‌ها می‌توانند در خصوص آزادی زندانیان منتظر محاکمه تصمیم‌گیری کنند یا حتی کفیل کسانی شوند که محکومیت خود را سپری کرده‌اند اما قادر به پرداخت جزای نقدی نیستند. این کمیسیون زندانیانی را هم که بتواند زیر ۱۶ سال بودن آن‌ها را اثبات کند آزاد می‌سازد.^۱

هندوراس و پاناما قانونی را به تصویب رسانده‌اند که بر اساس آن امکان آزادی زندانیان منتظر محاکمه پس از سپری شدن بخش معینی از مجازاتی که به طور طبیعی در صورت احراز اتهام شان خواهند گذراند، وجود دارد.

مشاوره‌ی حقوقی تمامی زندانیان منتظر محاکمه باید به مشاوران حقوقی مناسب دسترسی داشته باشند. افرادی که برای نخستین بار در زندان پذیرش می‌شوند غالباً در خصوص وضعیت خود و محیط پیرامون شان سردرگم و مردد هستند. آنها مستحق مشاوره‌های حقوقی مستقل هستند.

مجموعه مجزایی از مقررات کارکنان زندان می‌بایست نسبت به تفکیک میان زندانیان منتظر محاکمه و محکوم هوشیار باشند. وجود مجموعه قواعد جداگانه‌ای برای مدیریت بر زندانیان منتظر محاکمه ضروری است.

1 ACHPR, Prisons in Mozambique, Second Visit April 4-14 2001: Report of the Special Rapporteur on Prisons and Conditions of Detention in Africa

حق مشاوره‌ی حقوقی

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کند

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۷:

- ۱ فرد بازداشت شده باید از حق استفاده از کمک‌های یک مشاور حقوقی برخوردار باشد. لازم است وی بلافاصله پس از دستگیری توسط مقام صلاحیت‌دار از حقوق خود آگاه شود و تسهیلات معقول جهت استفاده از این حقوق در اختیار وی قرار گیرد.
- ۲ چنانچه شخص بازداشت شده به اختیار خود مشاور حقوقی انتخاب نکند، در کلیه‌ی مواردی که عدالت اقتضاء می‌کند و در صورتی که شخص از قدرت مالی کافی برخوردار نباشد باید از کمک‌های یک وکیل که توسط مرجع قضایی یا غیرقضایی برای وی تعیین شده، استفاده کند بدون این که هزینه‌ای از طرف وی پرداخت شود.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۱۸:

- ۱ فرد بازداشت شده یا زندانی باید از حق ارتباط و مشاوره با وکیل خود برخوردار باشد.
- ۲ زمان و تسهیلات کافی برای مشاوره با وکیل باید در اختیار شخص بازداشت شده یا زندانی قرار گیرد.
- ۳ حق فرد بازداشت شده یا زندانی جهت ملاقات، مشاوره و ارتباط با مشاور حقوقی خود بدون تأخیر و سانسور و به طور کاملاً خصوصی، جز در شرایط استثنایی نباید معلق یا محدود گردد. چنین شرایطی هنگامی که توسط یک مقام قضایی یا غیرقضایی به منظور تأمین امنیت و حسن نظم ضروری تشخیص داده می‌شود، باید توسط قانون یا مقررات قانونی مشخص شده باشد.
- ۴ گفتگوهای میان فرد بازداشت شده یا زندانی با مشاور حقوقی خود می‌تواند تحت مراقبت مأموران قانون اما بدون استماع سخنان آن‌ها صورت گیرد.
- ۵ ارتباطات میان فرد بازداشت شده یا زندانی و مشاور حقوقی وی که در این اصل ذکر شده است نمی‌تواند به عنوان مدرک علیه شخص بازداشت شده یا زندانی پذیرفته شود مگر این که مربوط به ادامه جرم یا قصد انجام جرم در آینده باشد.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۲۳:

- ۱ مدت زمان هر بازپرسی از فرد بازداشت شده یا زندانی، فواصل میان بازپرسی‌ها و همین‌طور هویت مأموران بازپرسی‌کننده و سایر افراد حاضر باید ثبت شود و چنانچه فرم‌هایی قانونی وجود داشته باشد در آن‌ها گواهی شود.
- ۲ فرد بازداشت شده یا زندانی و یا مشاور وی در صورت پیش‌بینی در قانون، باید به اطلاعات مندرج در بند یک اصل حاضر دسترسی داشته باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۹۳:

یک زندانی محاکمه نشده، به منظور دفاع از خود، باید مجاز به درخواست استفاده از کمک‌های حقوقی رایگان در مواردی که چنین مساعدت‌هایی قابل دسترسی است، باشد و بتواند برای ارائه اطلاعات و کمک در تهیه‌ی دفاعیه با وکیل خود ملاقات کند. برای این منظور چنانچه زندانی مایل باشد، لازم است لوازم التحریر در اختیار او قرار داده شود. گفتگوهای میان زندانی و مشاور حقوقی وی می‌تواند تحت مراقبت اما بدون استماع یک پلیس یا مأمور زندان صورت گیرد.

اصول اساسی در خصوص نقش وکلا، اصل ۷:

دولت‌ها باید دسترسی فوری کلیه‌ی افراد دستگیر یا بازداشت شده با اتهام یا بدون اتهام جزایی را به وکیل تضمین کنند و در هر صورت طول مدت آن نباید بیش از ۴۸ ساعت پس از دستگیری یا بازداشت باشد.

کلیه ی افراد دستگیر، بازداشت یا زندانی شده باید از فرصت، زمان و تسهیلات کافی برای ملاقات، ارتباط و مشاوره با وکیل، بدون تأخیر، دخالت و سانسور و کاملاً محرمانه برخوردار باشند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

نقش زندان ها در
تضمین مشاوره ی
حقوقی

باید به زندانیان تازه پذیرش شده و به ویژه آن هایی که منتظر محاکمه اند در همان نخستین مراحل حق مشاوره ی حقوقی شان اعلام شود. برخی از آن ها شاید از قبل وکیل داشته باشند. در این صورت نگرانی آن ها ممکن است در خصوص دسترسی به وکیل شان باشد و این که کی، کجا و تحت چه شرایطی می توانند وکیل خود را ملاقات کنند. بسیاری از زندانیان ممکن است هنوز تمهیدی برای مشاوره ی حقوقی نیندیشیده باشند. در این صورت باید به آن ها اجازه داده شود در اسرع وقت با یک حقوقدان تماس حاصل کنند تا با وی در خصوص وضعیت قانونی شان صحبت کنند و شروع به تهیه ی دفاعیه خود کنند. مقامات مقتضی باید اطمینان حاصل کنند تمهیداتی اتخاذ شده است تا زندانیان بی بضاعت نیز بتوانند از مشاوره های حقوقی کافی برخوردار شوند.

محرمانه بودن
مکاتبات حقوقی

مقامات زندان نباید به هیچ وجه در ارتباط میان زندانیان و مشاوران حقوقی شان مداخله کنند. مراسلات مکتوب میان زندانی و وکیلش نباید تحت ممیزی قرار گیرد. در برخی نظام های قضایی پاکت های چنین مراسلاتی علامت دار می شوند و به این ترتیب نامه های دریافتی بدون باز شدن مستقیماً تحویل زندانی می شود و نامه های ارسالی توسط زندانی مهر و موم می شود. چنانچه مقامات زندان بر پایه ی دلایل معقول نسبت به سوء استفاده از این ترتیب مشکوک شوند می توانند نامه های دریافتی را در حضور زندانی باز و بررسی کنند تا حاوی هیچ چیز ممنوعه نباشد. به همین صورت نامه های ارسالی نیز می تواند در حضور خود زندانی و پیش از مهر و موم کردن آن بازبینی شود. تحت هیچ شرایطی نباید نامه ها توسط مقامات خوانده شود.

محرمانه بودن
ملاقات های
زندانی با مشاوران
حقوقی

هرگز نباید گفتگوهای میان زندانی و مشاور حقوقی اش مخفیانه توسط مقامات زندان استراق سمع شود. البته منطقی است که چنین ملاقات هایی تحت نظارت کارکنان زندان باشد و برای مثال کارکنان بتوانند از طریق حفاظ های شیشه ای بر ملاقات آن ها نظارت کنند، اما اجازه ی استماع گفتگوها نباید به آنان داده شود.

مدیریت زندانیان منتظر محاکمه

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی ۱۰:

- ۲ (الف) افراد متهم، جز در موارد استثنایی، باید جدا از محکومین نگه داری شوند و از رفتاری متناسب با وضعیت اشخاص غیر محکوم برخوردار باشند.
- (ب) نوجوانان متهم باید از بزرگسالان جدا باشند و در سریعترین زمان ممکن مورد قضاوت قرار گیرند.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۸:

با افرادی که تحت بازداشت قرار دارند باید به نحوی که مناسب وضعیت عدم محکومیت آن‌ها است رفتار شود. بر این اساس لازم است در موارد ممکن جدا از زندانیان محکوم نگه داری شوند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ۸۴:

(۳) بدون هرگونه لطمه‌ای به قواعد حقوقی مربوط به حمایت از آزادی فردی یا توصیه‌ی روش‌های مربوط به زندانیان محاکمه نشده، این زندانیان از نظام خاصی که در قواعد ذیل تنها ویژگی‌های اساسی آن آمده است، برخوردار می‌شوند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قواعد ۸۶-۹۱:

۸۶ زندانیان محاکمه نشده باید شب‌ها به تهایی در اتاق‌های جداگانه بخوابند، مگر این که عرف محل بنا به دلایل آب و هوایی، وضعیت دیگری را اقتضاء کند.

۸۷ در محدوده‌ای که حسن نظم زندان ایجاب می‌کند، زندانیان محاکمه نشده می‌توانند در صورت تمایل غذایی را صرف کنند که با هزینه‌ی شخصی خودشان تهیه شده است؛ اعم از این که غذای مزبور از خارج زندان توسط اداره‌ی زندان یا توسط خانواده و دوستان زندانی فراهم شود. در غیر این صورت اداره‌ی زندان باید غذای آن‌ها را تأمین کند.

۸۸ (۱) یک زندانی محاکمه نشده باید مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود باشد به شرطی که پاکیزه و مناسب باشند.

(۲) چنانچه زندانی محاکمه نشده لباس زندان را بپوشد، لازم است لباس مزبور با آنچه زندانیان محکوم بر تن می‌کنند متفاوت باشد.

۸۹ لازم است یک زندانی محاکمه نشده همواره از فرصت کار برخوردار باشد، با این حال وی ملزم به کار کردن نیست و چنانچه کار کردن را انتخاب کند باید بابت آن دستمزد دریافت کند.

۹۰ یک زندانی محاکمه نشده باید مجاز باشد تا به هزینه‌ی خود یا به هزینه‌ی شخصی ثالث، کتاب، روزنامه، نوشت افزار و سایر اسباب مشغولیت آن گونه که اجرای عدالت و امنیت و حسن نظم زندان ایجاب می‌کند، تهیه کند.

۹۱ یک زندانی محاکمه نشده باید مجاز باشد توسط پزشک یا دندان پزشک شخصی خود مورد معاینه قرار بگیرد، به شرط این که دلایل معقولی جهت تقاضای حضور آن‌ها وجود داشته باشد و خود زندانی قادر به پرداخت حق الزحمه‌ی ایشان باشد.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

موقعیت متفاوت زندانیان منتظر محاکمه
زندان‌ها معمولاً به شیوه‌ای اداره می‌شوند که بیشترین سازگاری را با مدیریت زندان دارد. یکی از نتایج این امر، شاید برخورد یکسان با همه‌ی کسانی باشد که تحت حبس هستند اعم از مرد یا زن، بزرگسال یا نوجوان، محکوم یا منتظر محاکمه. این ممکن است به نفع مدیریت و اداره زندان باشد، اما پاسخ‌گوی مقتضیات عدالت نیست. زندانیان منتظر محاکمه هنوز محکوم به ارتکاب جرمی نشده‌اند و نباید بر آن‌ها چنان مدیریتی اعمال شود که گویی محکوم‌اند. مقامات قضایی صرفاً خواستار آن هستند که ایشان از آزادی‌شان محروم شوند نه این که تحت هرگونه کیفر مضاعف قرار گیرند.

تفکیک زندانیان منتظر محاکمه از زندانیان محکوم
زندان‌های منتظر محاکمه باید در مکان‌هایی جدا از زندانیان محکوم نگه داری شوند. در بسیاری از نظام‌های قضایی نتیجه‌ی مستقیم جداسازی این است که شرایط زندانیان منتظر محاکمه بسیار بدتر از زندانیان محکوم می‌شود. ازدحام جمعیت‌شان بیشتر است، بدترین مکان‌های نگه داری متعلق به آن‌ها است و از حداقل دسترسی به تسهیلات زندان برخوردارند. اما نباید این گونه باشد. این حقیقت که از منظر نظام قضایی هنوز بیگناه هستند، به مفهوم این است که شرایط حبس آن‌ها باید حداقل به اندازه‌ی زندانیان محکوم، مناسب باشد.

آنچه زندان‌ها باید فراهم کنند

مقررات ناظر بر جداسازی زندانیان منتظر محاکمه باید برخی مسائل اجرایی مثل امکان استفاده از پوشاک شخصی، دسترسی به غذا، کتاب و سایر وسایل و ترتیبات ملاقات را دربرگیرد. این زندانیان را نباید ملزم به کار کرد. اما باید فرصت کار کردن را برای آن‌ها فراهم آورد.

در صورت نگه داری طولانی مدت یا نامعین زندانیان منتظر محاکمه در زندان تضمین دسترسی کامل آن‌ها به تسهیلات زندان و فراهم بودن موقعیت کار برای آنان در صورت تمایل اهمیت خاصی دارد.

سطوح امنیتی نباید از پیش تعیین شده باشند

همه‌ی زندانیان، اعم از محکوم یا منتظر محاکمه، می‌بایست در شرایطی نگه داری شوند که پاسخ‌گوی نیازهای مقتضی امنیتی شان باشد. در بسیاری از نظام‌های قضایی زندانیان محکوم در دسته‌بندی‌های خاص امنیتی جای داده می‌شوند، اما با همه‌ی زندانیان منتظر محاکمه چنان رفتار می‌شود که گویی همه‌ی آن‌ها نیازمند نگه داری در بالاترین حد شرایط امنیتی هستند. در حالی که همواره این چنین نیست. خطر ناشی از زندانیان منتظر محاکمه نیز باید ارزیابی شود. نگه داری زندانیان منتظر محاکمه به اتهام جرایم نسبتاً خفیف در شرایطی مشابه شرایط زندانیان متهم به ارتکاب جرایم بسیار جدی شاید هیچ گونه توجیهی نداشته باشد.

سایر زندانیان محبوس بدون حکم

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قواعد ۹۵-۹۴:

۹۴ در کشورهایی که قانون اجازه‌ی حبس بدهکاران را می‌دهد یا دستور یک دادگاه در سایر روندهای غیر کیفری می‌تواند منجر به حبس افراد شود، افرادی که به این ترتیب زندانی شده‌اند نباید در موردشان محدودیت‌هایی بیشتر یا شدیدتر از آنچه برای تضمین نگه داری امن ایشان و حسن نظم محل نگه داری ضروری است اعمال شود. مطلوبیت رفتار با این گونه زندانیان نباید کمتر از نحوه‌ی رفتار با زندانیان محاکمه نشده باشد، یا این تفاوت که از بدهکاران ممکن است خواسته شود کار کنند.

۹۵ بدون لطمه به مقررات ماده‌ی ۹ ميثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، افرادی که بدون ایراد اتهام دستگیر یا زندانی شده‌اند باید از همان حمایت‌های مندرج در قسمت‌های اول و دوم، بخش ج برخوردار شوند. مقررات ذیربط قسمت دوم، بخش الف نیز در مواردی که اعمال آن‌ها به نفع گروه خاص تحت بازداشت باشد، باید جاری شود، به شرط آن که هیچ اقدامی با این معنی صورت نگیرد که بازآموزی یا بازپروری به هر ترتیب برای افراد محکوم نشده به ارتکاب جرایم کیفری، امری مناسب است.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

زندان‌ها در اصل مکان‌هایی برای نگه داری افراد محکوم یا متهم به ارتکاب یک بزه کیفری هستند. در برخی کشورها ممکن است افرادی به دلیل مواجهه با اتهامات مدنی یا سایر دلایل غیر کیفری در زندان نگه داری شوند. در این صورت با چنین اشخاصی باید همانند زندانیان غیر محکوم رفتار کرد. این امر باید بر شرایط نگه داری از آن‌ها و همچنین دسترسی‌شان به مشاوران حقوقی و سایر اشخاص رسمی تأثیرگذار باشد.

زندان‌های اداری محکوم نیستند

مهاجران غیرقانونی و پناهجویان در سال‌های اخیر مشهودترین مثال در این خصوص کسانی هستند که به دلیل ورود غیرقانونی به یک کشور یا گاه به دلیل تلاش برای پناهنده‌گی توقیف شده‌اند. چنین افرادی نباید در کنار افراد متهم یا محکوم به ارتکاب بزه‌های کیفری نگه داری شوند. در صورت تحویل آن‌ها به مقامات زندان جهت نگه داری، نباید با ایشان همانند افراد محکوم یا متهم به ارتکاب جرم رفتار شود.

مهاجران غیرقانونی و پناهجویان

چارچوب

برخی تعاریف سن مسئولیت کیفری بیانگر سنی است که در آن با اعمال یک کودک می توان بر اساس قانون جزا برخورد کرد. این سن در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. همین طور در خصوص سن مجاز برای نگه داری یک کودک در نظام زندانبانی نیز تعاریف متفاوتی در قانون ذکر شده است. سن مجاز برای نگه داری از نوجوانان در همان زندان های بزرگسالان نیز متفاوت است.

وضعیت در قوانین اسناد بین المللی در خصوص کسی که باید کودک تلقی شود کاملاً صراحت دارند: بین المللی

کنوانسیون حقوق کودک، ماده ی ۱:

... کودک به انسانی اطلاق می شود که کمتر از هیجده سال سن داشته باشد، مگر این که بر طبق قوانین قابل اجرا مربوط به کودکان سن بلوغ قانونی کمتر از این حد تعیین شده باشد.

اسناد بین المللی حقوق بشر در مورد دادرسی جزایی همین صراحت را در مورد نوجوانان اعمال می دارند:

قواعد سازمان ملل متحد در مورد حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، قاعده ی ۱۱:

(الف) نوجوان هر شخصی است که زیر ۱۸ سال سن دارد.

افراد زیر ۱۸ سال در برخی کشورها هیچ فردی که کمتر از ۱۸ سال سن دارد را در بخش زندان نگه داری نمی کنند. چنین ترتیبی باید نباید در زندان تشویق شود. در مواردی که توقیف چنین افراد جوانی ضروری است، آن ها باید در توقیف نهادهای بهزیستی قرار باشند گیرند تا نهادهایی که جزئی از نظام عدالت کیفری اند.

زندان به عنوان آخرین دستاویز اصول تبیین شده در این کتاب آموزشی بر همه ی زندانیان حاکم است. با این حال در خصوص مدیریت بر زندانیان نوجوان و جوان ملاحظات خاصی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. زندان ها باید مختص نگه داری افرادی باشند که مرتکب جرایم بسیار جدی شده اند یا تهدیدی را متوجه جامعه می کنند. تعداد انگشت شماری از جوانان در این دسته قرار می گیرند. چنین نوجوانانی هم تنها هنگامی باید در زندان نگه داری شوند که قطعاً جایگزینی وجود نداشته باشد. شواهد برخی کشورها نشان می دهد که هر اندازه مواجهه ی جوان با نظام عدالت کیفری زودتر باشد، خطر درگیر شدن او در بزهکاری های آتی بیشتر می شود.

قانونمندی توقیف امروزه در بخش های مختلفی از جهان دو گرایش موجب افزایش تعداد جوانان در زندان ها شده است. در برخی کشورها نگرانی های ناظر بر بزهکاری نوجوانان منجر به محکومیت های شدیدتر شده است، و در برخی دیگر از کشورها نگه داری بدون اتهام آن ها تبدیل به بخشی از راه حل افزایش تعداد 'کودکان خیابانی' شده است. در برخی نظام های قضایی کودکانی در زندان نگه داری می شوند که سن آن ها کمتر از حد مجاز برای امکان حبس است. در فصل یازدهم این کتاب آموزشی مطرح شد که مدیریت زندان در خصوص تضمین وجود حکم مجاز مناسب برای هر فردی که جهت حبس به آن ها ارجاع داده شده است مسئول است. این مسئله هنگام مواجهه با کودکان، نوجوانان، و سایر گروه های آسیب پذیر اهمیت خاصی دارد.

تأکید بر مصالح
هرگاه نگره داری از یک شخص جوان در زندان ناگزیر باشد، لازم است تمهیدات خاصی اتخاذ شود تا عناصر
قهرآمیز زندگی زندان به حداقل برسد و استفاده از امکانات آموزش و رشد شخصی در حداکثر ممکن تضمین
شود. تلاش ویژه‌ای در زمینه‌ی کمک به جوانان برای حفظ و توسعه‌ی روابط خانوادگی ضروری است.

مشکل فقدان
در برخی کشورها فقدان دفتر ثبت احوال می‌تواند تشخیص سن دقیق یک شخص را مشکل کند. پس، در برخی
از گزارش‌ها سن افراد تحریف می‌شود تا نوجوانان در همان زندان‌های بزرگسالان پذیرش شوند.

بزرگسالان جوان
برخی نظام‌های قضایی تمهیدات خاصی را برای جوانان تحت مراقبت سازمان زندان‌ها در نظر می‌گیرند. در
برخی کشورها زندانیان جوان تا رسیدن به سن ۲۱ سال جدا از زندانیان بزرگسال نگره داری می‌شوند.
در کشورهای دیگری مثل ژاپن با بهره‌گیری از زندان‌های ویژه‌ی جوانان این سن تا ۲۴ سال افزایش یافته است.
هدف اولویت دادن به نیازهای آموزشی و پرورشی آن‌ها و جلوگیری از تأثیرات نامطلوب زندانیان مسن‌تر و
حرفه‌ای‌تر بر آنان است.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

کنوانسیون حقوق کودک، ماده‌ی ۳۷ (۱):

کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که:

(ب) هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت، و یا زندانی کردن
یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه‌چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن
صورت گیرد.

(ج) با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت، به نحوی که
نیازهای ویژه‌ی سنی وی در نظر گرفته شود. کودکان زندانی به خصوص باید از افراد بزرگسال جدا
شوند مگر این که این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک جز در شرایط استثنایی حق دارد با خانواده‌ی
خود از طریق نامه و ملاقات تماس گیرد.

(د) هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره‌ی حقوقی و یا سایر مساعدت‌های
ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات
ذی صلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد، برخوردار باشد.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه‌ی نوجوانان، قاعده‌ی ۱۳:

(۱) بازداشت موقت در طول جریان دادرسی باید تنها به عنوان آخرین اقدام و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن
مورد استفاده قرار گیرد.

(۲) هرگاه امکان داشته باشد باید به جای بازداشت موقت از اقدامات جایگزینی مانند نظارت بسته، مراقبت
مشدد یا نگره داری در خانواده یا یک محیط آموزشی یا منزل، استفاده شود.

(۳) نوجوانانی که در طول جریان دادرسی تحت بازداشت قرار دارند باید از کلیه‌ی حقوق و تضمینات قواعد
حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل برخوردار باشند.

(۴) نوجوانانی که در طول جریان دادرسی در بازداشت به سر می‌برند باید جدا از بزرگسالان و در یک مرکز
مجزا یا در بخش مجزایی از یک مرکز نگره داری بزرگسالان نگره داری شوند.

(۵) نوجوانان طی مدت نگره داری باید مراقبت، حمایت و کلیه‌ی کمک‌های فردی لازم شامل نیازهای
اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، روانی، پزشکی و جسمانی را که از نظر سن، جنس و شخصیت خود
نیازمند آن هستند، دریافت کنند.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه ی نوجوانان، قاعده ی ۱۹ :

- (۱) استقرار یک نوجوان در هر گونه ای از مراکز نگه داری باید همواره به عنوان آخرین راه چاره و در حداقل دوره ی زمانی لازم صورت گیرد.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه ی نوجوانان، قاعده ی ۲۱ :

- (۱) سوابق نوجوانان بزهکار باید به صورت کاملاً محرمانه و غیر قابل دسترس برای اشخاص ثالث، نگه داری شود. لازم است دسترسی به این سوابق فقط محدود به کسانی باشد که در ارتباط مستقیم با تصمیم گیری در پرونده هستند یا طبق مقررات، از اختیار دسترسی به آن ها برخوردارند.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه ی نوجوانان، قاعده ی ۲۶ :

- (۱) هدف از تعلیم و رفتار با نوجوانانی که در مراکز نگه داری به سر می برند، تأمین مراقبت، حمایت، آموزش و مهارت های حرفه ای به منظور کمک به آنان جهت عهده دار شدن نقش های سازنده و مولد اجتماعی در جامعه است.
- (۲) نوجوانانی که در مراکز نگه داری به سر می برند باید مراقبت، حمایت و تمامی مساعدت های لازم اجتماعی، آموزشی، حرفه ای، روانی، پزشکی و جسمانی که در جهت مصالح رشد عمومی آن ها است و به موجب سن، جنسیت و شخصیت خود به آن ها نیاز دارند، دریافت کنند.
- (۳) نوجوانانی که در مراکز اصلاح و تربیت به سر می برند باید جدا از بزرگسالان نگه داری شوند و در مرکزی جداگانه یا در بخشی مجزا از زندان بزرگسالان نگه داری شوند.
- (۴) بزهکاران نوجوان دختر که در مراکز نگهداری می شوند سزاوار توجه خاص به نیازها و مشکلات شخصی شان هستند. برخورداری آن ها از مراقبت، حمایت، مساعدت، پرورش و دوره های آموزشی به هیچ وجه نباید کمتر از بزهکاران نوجوان پسر باشد. رفتار منصفانه با آنان باید تضمین شود.
- (۶) به منظور فراهم ساختن دوره های تحصیلی رسمی یا در صورت اقتضا آموزش های شغلی و حرفه ای برای نوجوانان نگه داری شده در مراکز، با هدف کسب اطمینان از این که نوجوان به هنگام ترک مرکز از وضعیت تحصیلی نامطلوبی برخوردار نباشد، باید همکاری میان وزارتخانه ها و ادارات تقویت گردد.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه ی نوجوانان، قاعده ی ۲۷ :

- (۱) قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان و توصیه های مرتبط باید تا آن جایی که به رفتار با بزهکاران نوجوان در مراکز و از جمله در ارتباط با طول دوره ی بازداشت پیش از محاکمه مربوط است، قابل اجرا باشد.
- (۲) باید تلاش شود تا اصول مطرح در قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای پاسخ گویی به نیازهای گوناگون نوجوانان از نظر سن، جنس و شخصیت، در گسترده ترین حد ممکن اجرا شوند.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه ی نوجوانان، قاعده ی ۲۹ :

- (۱) باید در جهت فراهم ساختن زندان های نیمه باز مانند مراکز مراقبت پیش از خروج، مراکز آموزشی، مراکز کارآموزی روزانه و تدابیر مقتضی دیگری که ممکن است نوجوانان را جهت تطبیق با جامعه یاری کند، تلاش شود.

قواعد سازمان سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، قاعده ی ۱۱ :

در پرتو اهداف این قواعد، تعریف های زیر باید به کار برده شود:

- (الف) نوجوان هر شخصی است که زیر ۱۸ سال سن دارد. قانون باید حداقل سنی را تعیین کند که در کمتر از آن محروم ساختن یک کودک از آزادی خود مجاز نیست.
- (ب) محرومیت از آزادی به معنی هر گونه بازداشت، حبس یا قرار دادن شخص در یک مکان نگه داری عمومی یا خصوصی به موجب دستور مرجع قضایی، اداری یا عمومی دیگر است، به نحوی که شخص مجاز به ترک ارادی آن نباشد.

افراد جوان در کارکنان زندان برای حمایت جامعه در برابر بزهکاران بزرگسال خطرناک آموزش دیده‌اند. مراقبت تعداد اندکی کودک و نوجوان که وخامت جرم ارتكابی شان محروم کردن شان از آزادی را ضروری ساخته است، نباید بخشی از وظایف آن‌ها باشد. چنین افراد جوانی باید تحت مراقبت نهادهای متولی بهزیستی یا مراقبت‌های اجتماعی قرار گیرند.

هرچند این یک اصل است، اما واقعیت این است که در بسیاری کشورها تعدادی از کودکان و نوجوانان در زندان‌ها نگه داری می‌شوند. در این صورت مدیریت زندان موظف است به نحوی از آن‌ها مراقبت کند که سن و نیازهای خاص آنان مورد توجه قرار گیرد. این رفتار خاص دو دلیل اصلی دارد. نخست این که کودکان و نوجوانان آسیب پذیرتر از بزرگسالان هستند و می‌بایست در برابر خشونت یا سوءاستفاده سایر زندانیان یا حتی کارکنان حمایت شوند. دلیل دوم این است که احتمال واکنش چنین جوانانی در برابر تأثیرات مثبت یادگیری و فرصت‌های آموزشی بیشتر است.

بنا به همین دلایل هر کودک یا نوجوانی که تحت مراقبت سازمان زندان‌ها قرار دارد باید در مراکز مجزا نگه داری شود و نه در زندان‌های ویژه‌ی بزرگسالان.

مهارت‌های کارکنان کارکنانی که در مراکز ویژه‌ی نوجوانان کار می‌کنند می‌بایست آموزش‌های خاص ببینند. بسیاری از مهارت‌هایی که آن‌ها باید به کار ببرند کاملاً متفاوت با مهارت‌های ضروری برای کارکنانی است که با زندانیان بزرگسال کار می‌کنند. بسیاری از کارکنان، کار با زندانیان بزرگسال را ترجیح می‌دهند و به کار با زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت که اداره‌شان مشکل است به عنوان کار واقعی زندان می‌نگرند. از طرف دیگر غالباً به کار با نوجوانان به عنوان یک کار آسان نگریسته می‌شود که تنها آن دسته از کارکنانی که صلاحیت‌های کمتری دارند یا قادر به مواجهه با طاقت فرسایی کار با زندانیان بزرگسال نیستند، به دنبال آن می‌روند. این تصور کاذبی است. کار با زندانیان جوان تر نیازمند مجموعه مهارت‌های خاصی است. کارکنان باید بتوانند الزامات مربوط به امنیت و حسن نظم را با لزوم کمک به نوجوانان جهت رشد و توسعه‌ی مهارت‌های شخصی لازم برای زندگی موفق ترکیب کنند؛ بسیاری از این نوجوانان هم ممکن است در حال تغییر دائم و غیرقابل پیش‌بینی باشند. کارکنان مراکز ویژه‌ی نوجوانان باید به طور خاص انتخاب شوند و سپس مهارت‌های مناسب جهت انجام کار دشوارشان در اختیار آن‌ها قرار گیرد. آن‌ها در خصوص مواجهه با نیازهای جسمانی و عاطفی که ممکن است کار با بزهکاران جوان اقتضا کند نیز نیازمند حمایت هستند.

نیازهای رفاهی و آموزشی در نظام‌های مختلف، روال‌های اجرایی گوناگونی برای نگه داری از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به کار می‌رود. بسیاری از این روال‌های اجرایی منعکس‌کننده‌ی مصلحت‌های خاص و نیازهای آموزشی افراد جوان هستند. یکی از مسائل مهم این است که بخشی از سازمان زندان‌ها که مسئولیت کودکان و نوجوانان را عهده‌دار است، پیوندهای سازمانی تنگاتنگ خود را با سایر بخش‌های رسمی متولی رفاه و آموزش نوجوانان در جامعه‌ی مدنی گسترش دهد.

پیوندهای نزدیک با جامعه‌ی بیرون از زندان نظام حاکم بر مراکز نوجوانان باید در پی تقلیل عناصر قهرآمیز حبس و تأکید بر آموزش و فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای باشد. تا حد امکان این کار باید با دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی جوانان در جامعه‌ی مدنی مرتبط باشد. آموزگاران و سایر مربیان باید از مدارس و آموزشگاه‌های محلی بیایند و گواهینامه‌های جوانان توسط مرکز آموزشی محلی اعطا شود و نه از سازمان زندان‌ها. مطلوب‌ترین حالت این است که در صورت اقتضای ملاحظات امنیتی بتوان روزها نوجوانان را آزاد کرد تا قادر باشند برنامه‌های آموزشی خود را در بیرون از محیط زندان دنبال کنند.

سازمان زندان‌ها باید به منظور گسترش برنامه‌های قابل دسترسی برای زندانیان جوان، به ویژه فعالیت‌های جسمانی، فرهنگی و اجتماعی، برای برقراری ارتباط با انجمن‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی کار با جوانان تلاش کند.

پیوندهای خانوادگی

باید به حفظ و توسعه‌ی علقه‌های خانوادگی جوان اولویت زیادی داده شود. در صورت امکان باید به جوانان اجازه داده شود در خلال مدت محکومیت خود بازدیدهای کوتاهی از خانه داشته باشند. اعضای خانواده باید تشویق شوند تا در حد امکان از مرکز بازدید کنند و ارتباط خود را از طریق نامه و تلفن حفظ کنند.

این حقیقت که در بیشتر نظام‌های قضایی زندانیان جوان اقلیت کوچکی را تشکیل می‌دهند به معنای این است که آن‌ها بسیار دور از خانه خود زندانی‌اند. مدیریت زندان می‌بایست تضمین برقراری ملاقات‌های خانوادگی را مورد توجه خاص قرار دهد.

محیط انجام ملاقات هم نیازمند توجه خاص است، به گونه‌ای که حداکثر حفظ حریم شخصی و غیررسمی بودن تأمین شود. خانواده‌ها نیز باید تشویق شوند تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نحوه‌ی رفتار با فرزند پسر یا دخترشان طی دوران حبس مشارکت کنند.

آزادی و الحاق مجدد به اجتماع

در بسیاری از کشورها درصد قابل توجهی از زندانیان جوان ممکن است ارتباط خانوادگی خود را پیش از زندان و یا در نتیجه‌ی حبس از دست داده باشند. مدیریت زندان باید نسبت به شناسایی چنین جوانانی که شاید در برقراری مجدد ارتباط با خانواده‌شان نیازمند حمایت باشند یا کسانی که علقه‌های خانوادگی‌شان گسسته است، توجه خاصی مبذول کند. هدف اصلی باید اجتناب از بازگشت مجدد زندانی جوان به شرایط اجتماعی‌ای باشد که خود این شرایط در ارتکاب بزه اصلی وی نقش داشته است. درخواست کمک از نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط در خصوص پیش‌بینی و ارائه برنامه‌های اسکان مناسب اهمیت دارد.



کارکنان کانون اصلاح و تربیت در تهران تلاش کرده‌اند با مشکل بی‌خانمانی جوانان ترک‌کننده‌ی کانون به این شکل مواجهه کنند که بخشی از فضای متروک کانون را تغییر کاربری داده‌اند تا جوانانی که به تازگی کانون را ترک کرده‌اند بتوانند در آن جا زندگی کنند و برخی حمایت‌ها را نیز از طرف کارکنان کانون دریافت کنند.

چارچوب

زندانیان زن اقلیت کوچکی هستند نسبت زنان زندانی در نظام‌های زندانبانی سراسر جهان بین ۲ تا ۸ درصد متغیر است. یکی از تبعات این نسبت کم این است که زندان‌ها و نظام‌های زندانبانی گرایش دارند که بر پایه‌ی نیازها و مقتضیات زندانیان مرد ساماندهی شوند. این مسئله بر معماری، امنیت و تمامی تسهیلات دیگر حاکم است. هرگونه تهیه و تدارک خاص برای زندانیان زن معمولاً چیزی است که به تدارک عادی مردانه افزوده می‌شود.

آثار قوانین ضد مواد مخدر در برخی کشورها قانون سفت و سخت ضد مواد مخدر تأثیر قابل توجهی بر تعداد زنان در زندان‌ها گذاشته است و در نتیجه، نرخ افزایش تعداد زندانیان زن غالباً از نرخ افزایش مردان زندانی پیشی گرفته است. در برخی کشورها، مثل انگلستان، این امر منجر به افزایش تعداد زندانیانی با ملیت خارجی شده است که اکنون در صد زیاد و نامناسبی از زندانیان زن را تشکیل می‌دهند.

زندانیان زن مشکلات متفاوتی دارند در حقیقت وضعیت زندانیان زن بسیار متفاوت با زندانیان مرد است و می‌بایست به وضعیت زنان توجه خاصی شود. زنانی که به زندان فرستاده می‌شوند، اغلب باید از سوء استفاده‌های جسمی یا جنسی رنج برده باشند و غالباً مشکلات پزشکی مداوم نشده‌ی متنوعی دارند. برای زنان تبعات حبس و اثرات آن بر زندگی آن‌ها ممکن است کاملاً متفاوت باشد.

در بیشتر کشورها زنان به سبب جرایم غیرخشن، مالی یا مرتبط با مواد مخدر در زندان هستند: به احتمال زیاد محکوم به آنچه که به عنوان جرایم علیه اموال از آن‌ها یاد می‌شود شده‌اند. چنانچه جرم خشن ارتکاب یافته باشد، غالباً علیه یکی از اشخاص نزدیک آن‌ها است. برخلاف مردان، زنان زندانی غالباً تنها سرپرست خانه‌اند، بیشتر آن‌ها بچه‌های وابسته دارند، احتمال تکرار جرم آن‌ها کمتر است و بین یک سوم تا دو سوم آنان پیش از آمدن به زندان مورد سوء استفاده جسمی یا جنسی قرار گرفته‌اند.^۱

مسئولیت‌های خانوادگی در بیشتر جوامع زنان مسئولیت اصلی خانواده را به ویژه در صورت وجود کودکان بر عهده دارند. بدین معنا که هرگاه زن به زندان فرستاده شود تبعات آن برای خانواده‌ی به جا مانده می‌تواند بسیار با اهمیت باشد. هنگامی که یک پدر راهی زندان می‌شود، غالباً مادر علاوه بر مسئولیت‌های خود مسئولیت‌های وی را هم در خانه بر عهده می‌گیرد. هنگامی که مادر به زندان می‌رود پدر خانواده، غالباً انجام تمامی وظایف والدین را بسیار دشوار می‌یابد؛ به ویژه زمانی که حمایت‌هایی از طرف خانواده گسترده‌تر صورت نگیرد. در بسیاری موارد ممکن است مادر یگانه سرپرست باشد. در نتیجه ایجاد تدارکات ویژه‌ای برای اطمینان از توانایی زندانیان زن جهت برقراری ارتباطات مؤثر با کودکانش ضروری است. مسائل مربوط به خردسالان نیز مستلزم ملاحظات ویژه‌ی حساسی است.

¹ Julita Lemgruber, Women in the Criminal Justice System Keynote speech to the workshop which took place during the Tenth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders in April 2000, HEUNI, Vienna 1 149

پیش گیری از زنان حامله نباید به زندان فرستاده شوند، مگر این که واقعاً جایگزین دیگری وجود نداشته باشد. چنانچه فرستادن آن ها به زندان اجتناب ناپذیر باشد، باید برای آنان، چه در دوران پیش از زایمان و چه در دوران شیردهی، تمهیدات خاصی پیش بینی شود. مسائل حساس خاصی در خصوص کاربرد هرگونه مهارکننده ی امنیتی در حین زایمان وجود دارد. همیشه باید فرض بر این باشد که هیچ زن آبستنی فرزند خود را در زندان به دنیا نیاورد.

زنان باردار امنیت جسمانی زنان باید در مدت نگه داری شان در زندان مورد صیانت قرار گیرد. به این منظور آن ها همواره باید جدا از زندانیان مرد نگه داری شوند و هیچ گاه منحصرأ تحت نظارت کارکنان مرد قرار نگیرند. به بند مربوط به سوء استفاده جنسی در فصل سوم رجوع کنید.

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۲:

هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و نیز ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده بهره مند گردد.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی ۳:

کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در بهره مندی از حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده در این میثاق تأمین کنند.

کنوانسیون محو کلیه ی اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ی ۲:

دولت های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه ی اشکال آن محکوم و موافقت می کنند که بدون درنگ سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ی ابزارهای مناسب دنبال کنند و به این منظور موارد ذیل را متعهد می شوند:

- (الف) گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط هر کشور، چنانچه تا کنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل توسط وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛
- (ب) تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور ممنوع کردن تبعیض علیه زنان؛
- (پ) برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛
- (ت) خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛
- (ث) اتخاذ کلی اقدامات مناسب جهت محو تبعیض علیه زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت؛
- (ج) اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش های موجودی که علیه زنان تبعیض آمیز باشند؛
- (چ) فسخ کلیه ی مقررات کیفری ملی که تبعیض علیه زنان را موجب می شوند.

اعلامیه ی سازمان ملل متحد درخصوص رفع خشونت از زنان، ماده ی ۲:

درک خشونت علیه زنان باید مشتمل بر موارد زیر و البته نه محدود به آن ها باشد: (ج) خشونت جسمانی، جنسی و روانی اعمال شده یا اغماض شده توسط دولت، در هر کجا که رخ دهد.

اتخاذ تدابیری جهت کسب اطمینان از این که مأموران اجرای قانون و مأموران دولتی مسئول اجرای سیاست‌های پیش‌گیری، تحقیق و مجازات خشونت علیه زنان، دوره‌های آموزشی را جهت حساس ساختن آن‌ها نسبت به نیازهای زنان فرامی‌گیرند.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۵:

(۲) اقداماتی که بر اساس قانون صورت می‌گیرند و تنها جهت حمایت از حقوق و وضعیت ویژه‌ی زنان، به خصوص زنان باردار و شیرده، کودکان و نوجوانان، کهن سالان، بیماران یا معلولان تدوین شده‌اند نباید تبعیض آمیز تلقی شوند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۸:

گروه‌های مختلف زندانیان با توجه به جنس، سن، پیشینه‌ی کیفری، علت قانونی بازداشت و ضرورت‌های رفتار با آن‌ها باید در زندان‌های جداگانه یا بخش‌های جداگانه‌ی یک زندان نگه داری شوند. بنابراین الف) مردان و زنان باید تا حد امکان در زندان‌های جداگانه یا بخش‌های مجزای یک زندان تحت بازداشت قرار گیرند؛ در زندانی که همزمان مبادرت به پذیرش مردان و زنان می‌کند باید مجموعه مکان‌های متعلق به زنان کاملاً مجزا باشد.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۲۳:

- (۱) باید در زندان زنان امکانات خاصی برای مراقبت‌های پیش از زایمان و پس از آن وجود داشته باشد. در موارد ممکن باید تمهیدات لازم جهت به دنیا آمدن نوزاد در بیمارستانی خارج از زندان اتخاذ شود. چنانچه کودکی در زندان متولد شود، این امر نباید در گواهی ولادت درج شود.
- (۲) هنگامی که به مادران مقیم زندان اجازه داده می‌شود کودکان شیرخوار خود را همراه داشته باشند، باید تمهیدات لازم برای ایجاد شیرخوارگاه مجهز به کارکنان واجد صلاحیت اتخاذ شود تا نوزادان مزبور هنگامی که تحت مراقبت مادران خود نیستند در آن جا قرار داده شوند.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۵۳:

- (۱) در یک زندان مختلط، باید بخش متعلق به زنان تحت نظر یک مأمور مسئول زن قرار گیرد، کلیه‌ی کلیدهای این بخش باید در اختیار وی قرار داده شود.
- (۲) هیچ یک از کارکنان مرد نباید وارد بخش متعلق به زنان شود مگر این که با یک مأمور زن همراهی شود.
- (۳) زندانیان زن تنها باید توسط مأموران زن تحت مراقبت و نظارت قرار گیرند. اما در هر حال این امر مانع از این نخواهد بود که برخی از کارکنان مرد به ویژه پزشکان و آموزگاران به انجام وظایف شغلی خود در زندان خاص زنان یا بخش‌های متعلق به زنان یک زندان مختلط بپردازند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

کارکنان نیازمند تشخیص این که تأثیرات حبس بر زنان غالباً متفاوت با تأثیرات آن بر مردان است اهمیت دارد. شرایط خانوادگی ناشی از فقدان آنان معمولاً متفاوت است، زیرا بیشتر زنان یا یگانه سرپرست هستند و یا مسئولیت اصلی مراقبت از اعضای درجه اول و یا سایر اعضای خانواده را به عهده دارند. در برخی فرهنگ‌ها احتمال طرد زنان زندانی توسط خانواده‌شان زیاد است. کارکنانی که با زندانیان زن کار می‌کنند باید نسبت به همه‌ی این موضوعات هوشیار باشند و برای نقش خود آموزش ببینند.

زنان در مواجهه با تبعیض به طور متوسط از هر ۲۰ زندانی ۱۹ نفر آنان مرد هستند. این نشانگر آن است که گرایش زندان‌ها به این سمت است که از منظری مردانه اداره شوند. معمولاً معنای آن این است که رویه‌ها و برنامه‌ها بر پایه‌ی نیازهای جمعیت اکثریت مردان طرح ریزی شده و با نیازهای زنان انطباق یافته است (و گاهی هم نیافته است). این امر منجر به تبعیض علیه زنان در جنبه‌های مختلف می‌شود.

یکی از نخستین حوزه‌های تبعیض وضعیت اسکان آن‌ها است. برخی نظام‌های زندانبانی تعداد اندکی زندان ویژه زندانیان زن دارند. این ناگزیر نشانگر آن است که بسیاری از این زنان در مکان‌هایی نگه داری می‌شوند که دور از خانواده‌ی آن‌ها است و ارتباطات خانوادگی را بسیار دشوار می‌سازد. این مسئله در مواردی که زن اصلی‌ترین یا یگانه سرپرست کودکان یا سایر افراد وابسته باشد نگرانی فوق‌العاده‌ای است.

یک راه‌حل جایگزین آن است که زنان در واحدهای کوچکی در مجاورت زندان‌های بزرگ‌تر ویژه‌ی مردان نگه داری شوند. این امر می‌تواند خطر فزاینده‌ای برای امنیت زنان در بر داشته باشد و شاید نیز منجر به این شود که تسهیلات قابل دسترسی برای آنان بر اساس نیازهای جمعیت گسترده‌تر زندانبان مرد تعیین شود. شاید دسترسی به این تسهیلات و زمان خاموشی سلول‌ها نیز به دلایل امنیتی، تابع محدودیت‌های مضاعفی باشد. هر یک از این دو روش ایرادات آشکاری دارند.

یکی از نتایج محدودیت فضاهای اقامتی زندان برای زنان این است که شاید زنان زندانی طبق دسته‌بندی امنیتی تحت شرایط شدیدتر از حدی نگه داری شوند که بر اساس خطر ناشی از آنان قابل توجیه باشد. این مسئله هنگامی اثرات وخیم‌تر پیدا می‌کند که بدانیم ارزیابی‌های طبقه‌بندی نیز مبتنی بر الگوهای زندان‌های نمونه‌ی مردان است.

غالباً امکان دسترسی زندانیان زن به فعالیت‌ها به دلیل کمی تعداد یا به دلیل محدودیت فضاهای اقامتی محدود، محدودتر از مردان است. برای مثال امکان دارد فرصت‌های آن‌ها برای آموزش یا حرفه‌آموزی کم باشد. فرصت‌های کاری هم شاید محدود به آنچه باشد که به آن به عنوان کارهای سنتی زنان نگریسته می‌شود مثل خیاطی یا نظافت. سازمان زندان‌ها باید اطمینان یابد که زنان از فرصت‌هایی برابر با مردان جهت بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی و فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برخوردارند. همین امر شامل دسترسی به تسهیلات ویژه‌ی فعالیت‌های بدنی یا ورزشی نیز می‌شود. در صورت کمبود امکانات یا کارکنان آموزش دیده در زندان‌ها، می‌توان مشارکت نهادهای محلی و سازمان‌های غیردولتی در فراهم‌سازی فعالیت‌های مناسب برای زندانیان زن را نیز جلب کرد.

در موارد ممکن فعالیت‌های قابل دسترسی برای زندانیان زن باید برای خود آن‌ها طرح‌ریزی شده باشد، نه این که با برنامه‌های طرح‌ریزی شده برای مردان منطبق شود.

این که به زندانیان مادر فرصت داده شود پیوندهایشان را با کودکان خود حفظ کنند از اهمیت خاصی برخوردار است. در صورت امکان باید به زندانیان زن اجازه داده شود برای دوره‌های زمانی کوتاه زندان را ترک کنند تا در کنار خانواده باشند. هنگامی که کودکان برای ملاقات به زندان می‌آیند، باید اجازه‌ی برقراری حداکثر ارتباط و همین‌طور حفظ حریم خصوصی به آنان داده شود. ملاقات‌ها هرگز نباید بسته یا بدون تماس و با استفاده از حفاظ یا موانع فیزیکی جداکننده باشد. در صورت امکان ملاقات‌ها باید یک روز کامل به طول انجامد. ترتیبات ملاقات خانوادگی طولانی مدت که در فصل هشتم این کتاب آموزشی مطرح شده است برای زندانیان زن اهمیت خاصی دارد. هرگونه ترتیب امنیتی ناظر بر بازرسی ملاقات‌کنندگان باید با در نظر داشتن مصالح عالی‌ه کودک به اجرا درآید.

فرزندان زندانیان زن آستان تنها باید در شرایط بسیار استثنایی در زندان نگه داری شوند. چنانچه نگه داری آن‌ها در زندان ضروری است، می‌بایست مراقبت‌های بهداشتی در همان حد ارائه شده در جامعه برای آنان فراهم شود. هنگامی که زمان زایمانشان فرامی‌رسد، باید در صورت امکان به یک بیمارستان در خارج از زندان انتقال یابند. باید تضمین شود که مراقبت‌های پزشکی تخصصی قابل دسترسی است. در مورد کودک نیز این اقدام موجب می‌شود داغ‌نگ تولد در زندان بر او زده نشود. به هر حال در گواهی ولادت باید نشانی مکان دیگری غیر از زندان به عنوان محل

تولد نوشته شود. اِعمال هرگونه محدودیت امنیتی باید طی این مدت لازم تا حد امکان محتاطانه صورت گیرد.

هرگاه زن حامله در زندان نگه داری شود مدیریت زندان باید اطمینان یابد که هرگونه قضیه ی فرهنگی پیرامون تولد کودک مورد ملاحظه ی کامل قرار می گیرد.

مادران دارای فرزند خردسال موضوع مادران زندانی دارای فرزندان خردسال بسیار حساس است. در برخی نظام های قضایی به مادران اجازه داده می شود نوزادان خود را کنار خود در زندان نگهداری کنند. در این صورت مادر و نوزاد باید در واحدی باشند که بتوانند دائماً در کنار هم زندگی کنند. در چنین واحدهایی باید تمامی امکاناتی که به طور عادی یک مادر دارای فرزند شیرخوار نیاز دارد، فراهم باشد. این رویه بر نگه داری نوزادان در یک واحد شیرخوارگاهی مجزا و امکان ملاقات آن ها توسط مادران، در زمان های مقتضی، رجحان دارد.

سن جداسازی تعیین زمان مناسب برای جداسازی کودک از مادر زندانی اش دشوار است. از آن جا که پیوند میان مادر و کودک اهمیت تام دارد برخی استدلال کرده اند که کودک باید بتواند تا هر زمان ممکن و شاید در تمام مدت محکومیت حبس نزد مادر خود بماند. در مقابل برخی استدلال کرده اند که زندان محیطی غیرطبیعی است و به دلیل تأثیر آن در رشد کودک، جداسازی کودک از محیط زندان از همان سنین بسیار پایین ضروری است. بر اساس این استدلال یک کودک تنها در چند ماه آغازین زندگی اش مجاز به ماندن در کنار مادر زندانی اش خواهد بود. در عمل برخی مدیران زندان ها به مادران اجازه می دهند کودکانشان را تا سن ۹ ماهگی، ۱۸ ماهگی، و یا در صورتی که کودک جایی برای ماندن نداشته باشد پس از ۴ سالگی نیز در زندان نگه دارند.

کودکان را در چه مکان دیگری می توان نگه داشت؟ اگر ماندن کودک نزد مادرش در زندان ممکن نباشد مقامات زندان موظف اند مسئولیت ایجاد ترتیبات جایگزین مطلوب را، خواه به کمک خانواده و خواه با کمک سازمان های متولی نگه داری کودکان بی سرپرست، عهده دار شوند. مطلوب ترین کار آن است که با توجه به تمامی شرایط منافع عالیّه کودک را تأمین کنند. بنابراین حائز اهمیت است که این تصمیم با مشارکت سایر نهادهای ذیصلاح اتخاذ شود و نه تنها توسط مدیریت زندان.

د قانون مجازات روسیه به مادرانی که محکوم به جرایم نسبتاً کم اهمیتی شده اند که محکومیت حبس قابل اعمال بر آن ها حداکثر پنج سال باشد اجازه داده است تا زمان رسیدن سن کوچکترین فرزندشان به هشت سال، محکومیت حبس آنان معوق شود. در این مرحله مجازات جهت تعیین نحوه ی اجرای آن مورد بازنگری قرار خواهد گرفت. یک عامل اساسی در تصمیم گیری بررسی این است که زن جرم دیگری در این دوره مرتکب نشده باشد.

رشد کودکان در طی مدت حضور کودک در زندان محیط نگه داری وی باید تا حد امکان هم برای خود وی و هم مادرش طبیعی باشد. رشد کودک تنها به دلیل این که مادرش زندانی است نباید محدود شود. به علاوه هنگامی که زمان آزادی فرا می رسد ارائه ی تمهیدات خاصی برای حمایت از مادر و کودک ضروری است.

سایر افراد وابسته احتمال این که زنان بیش از مردان یگانه یا اصلی ترین مراقب افراد وابسته به غیر از فرزندان خود باشند بیشتر است. مدیریت زندان می بایست ترتیبات مناسب در چنین شرایطی را مورد ملاحظه قرار دهد.

مراقبت های بهداشتی فصل چهارم این کتاب آموزشی به نیازهای بهداشتی زندانیان اشاره کرده است. زندانیان زن نیازهای بهداشتی خاصی دارند که باید به رسمیت شناخته و برآورده شوند. در صورت امکان نیز این نیازها باید توسط پرستاران پزشکان زن تأمین شوند و متخصصان مراقبت های بهداشتی زنان نیز جهت مشاوره قابل دسترسی باشند. در بسیاری از موارد نگرانی های آن ها در خصوص کودکانشان عامل مهمی برای دلهره و اضطراب آنان است و تأثیر قابل ملاحظه ای بر سلامتی روانی آنان دارد و در نتیجه حبس برای آن ها به لحاظ روانی رنج آورتر از حبس برای مردان می شود. ترتیبات قابل دسترسی ناظر بر مراقبت های بهداشتی برای زندانیان زن باید این را منعکس کنند.

کارکنان زندان‌های زنان زندانی در محیط بسته‌ی زندان فوق‌العاده آسیب‌پذیرند و باید همواره در برابر سوءاستفاده‌های جسمانی یا جنسی کارکنان مرد حمایت شوند. اسناد بین‌المللی بر این مسئله تأکید دارند که نظارت بر زندانیان زن باید توسط مأموران زن صورت گیرد. چنانچه کارکنان مرد مشغول خدمت در زندان‌های زنان باشند هرگز نباید به تنهایی زنان را کنترل کنند. همواره حضور یکی از کارکنان زن الزامی است.

بازرسی‌ها فصل پنجم این کتاب آموزشی رویه‌های ناظر بر بازرسی زندانیان را شرح داده است. کارکنان باید هنگام بازرسی زندانیان زن حساسیت خاصی به خرج دهند. کارکنان مرد هرگز نباید در بازرسی شخصی زندانیان زن دخالت کنند. لزوم رعایت نزاکت عمومی، برای مثال با ملزم نساختن زندانی به برهنه شدن کامل در حین انجام بازرسی بدنی، باید به‌طور خاص در مورد زندانیان زن حاکم باشد.

آماده‌سازی برای آزادی تعهد مدیریت زندان برای آماده‌سازی زندانیان جهت بازگشت به جامعه در فصل هفتم این کتاب آموزشی مطرح شده است. نیازهای زنانی که در شرف آزادی‌اند باید مورد ملاحظه خاص قرار گیرد. ممکن است به سبب زندانی شدن آن‌ها بازگشت‌شان به خانواده غیر ممکن باشد. مقامات زندان باید با نهادهای حمایتگر اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی همکاری تنگاتنگی داشته باشند تا زنان زندانی سابق را در بازگشت به جامعه کمک کنند. آموزش مهارت‌هایی که آن‌ها را خودکفا کند برای زنان در زندان ارزش خاصی دارد.

زندانیان محکوم به حبس ابد و حبس‌های طولانی مدت

چارچوب

افزایش شمار زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت
در بسیاری از کشورها اکثریت زندانیان دوره‌های نسبتاً کوتاه مدت حبس را می‌گذرانند. در برخی نظام‌های قضایی این حد متوسط مدت چند ماه و در برخی یک تا دو سال است. با این حال در سال‌های اخیر دادگاه‌ها گرایش فزاینده‌ای به اعمال حبس‌های طولانی‌تر داشته‌اند. در بسیاری از نظام‌های زندانبانی زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت درصد نسبتاً کمی از کل زندانیان را تشکیل می‌دهند اما از منظر سازمانی و مدیریتی، آن‌ها حجم قابل ملاحظه‌ای از منابع موجود را مصرف می‌کنند.

یک تعریف هرگاه کسی به دنبال تبیین مفهوم زندانی محکوم به حبس طولانی باشد به یک مشکل بر خواهد خورد. در برخی نظام‌های زندانبانی، برای مثال برخی کشورهای اسکاندیناوی، هر کس که بیشتر از شش ماه در زندان باشد در دسته‌ی زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت جای خواهد گرفت. از طرف دیگر در برخی نظام‌های زندانبانی اروپای شرقی زندانی محکوم به حبس طولانی مدت کسی است که بیشتر از ۱۰ سال را در زندان بگذراند. در ایالات متحده آمریکا زندانبانی را می‌توان یافت که به صدها سال زندان و بسیار بیشتر از عمر طبیعی یک انسان محکوم شده‌اند.

اثر الغای مجازات اعدام در برخی نظام‌های قضایی تعریف حبس طولانی مدت در ارتباط تنگاتنگ با الغای مجازات اعدام است. از حدود چهل سال پیش به این سو، در برخی کشورها، نتیجه‌ی الغای مجازات اعدام ظهور مجازات حبس ابد بوده است، به ویژه در مورد کسانی که محکوم به مرگ بوده‌اند. این دسته‌ی جدید از زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت تنگناهای جدیدی را پیش روی سازمان‌های زندان‌ها نهاده است. در حال حاضر این معضل در شدیدترین شکل آن در برخی کشورهای اروپای شرقی، که به تازگی مجازات اعدام را لغو و ترتیبات جدیدی را برای مدیریت حبس زندانیان ابداع کرده‌اند، مشهود است. روال دادگاه‌ها حاکی از این است که زندانبانی که قبلاً به اعدام محکوم می‌شدند اکنون ملزم به گذراندن حداقل ۲۵ سال در زندان هستند که ۱۰ سال نخست آن در انزوا سپری خواهد شد. از منظر مدیریت کیفری، این نوع انزوای بلند مدت قضایی یا استفاده از زندان‌ها و مجتمع‌های کیفری خاص برای این گونه زندانیان قابل توجیه نیست.

زندانیان حبس ابد در نظام‌های قضایی‌ای که کیفر اعدام ندارند یا عدم توسل به آن را برگزیده‌اند، حبس ابد شدیدترین ضمانت اجرای کیفری قابل اعمال است. در فقدان کیفر اعدام حبس ابد از اهمیت نمادین برخوردار می‌شود و ممکن است به عنوان آخرین دستاویز کیفری نگریسته شود. هر چند اصطلاح حبس ابد می‌تواند در کشورهای مختلف مفاهیم متفاوتی داشته باشد، اما یکی از خصیصه‌های مشترک این نوع مجازات نامشخص بودن آن است. در حقیقت در بیشتر نظام‌های قضایی تنها تعداد اندکی از زندانیان محکوم به حبس ابد باقی مانده‌ی عمر خود را در زندان به سر خواهند برد. اکثریت قاطع آنان اغلب تحت شکل‌هایی از نظارت دوباره به جامعه باز خواهند گشت و مجازات حبس می‌بایست با در نظر داشتن این موضوع طرح ریزی شود.

مدیریت محکومیت‌های نامعین حبس ماهیت نامشخص حبس ابد مشکلات خاصی را در خصوص مدیریت بر چنین زندانبانی برای مدیریت و اداره زندان‌ها ایجاد می‌کند. این حقیقت که تاریخ آزادی آنان مشخص نیست به معنای آن است که توجه خاصی نسبت به طرح ریزی یک برنامه‌ی مناسب معطوف به بازگشت احتمالی چنین زندانبانی به جامعه ضروری است.

در قوانین اساسی برخی کشورها به مشکلات خاص ناشی از حبس ابد اذعان شده است.

در قانون اساسی پرتغال حبس ابد به طور مشخص غیر قانونی محسوب شده است (ماده ۱-۳۰ قانون اساسی ۱۹۸۹ پرتغال). در اسپانیا هم حبس ابد وجود ندارد. تعالیم کیفری در این کشور مدعی است حبس ابد مخالف قانون اساسی است و از آن جا که قانون اساسی اسپانیا این وظیفه را برای زندان ها به رسمیت شناخته است که موقعیتی برای زندانیان محکوم فراهم کنند تا در جامعه ی آزاد اثبات کنند که به لحاظ اجتماعی بازپروری شده اند، حبس ابد می تواند موجب نقض ترتیب پیش بینی شده در قانون اساسی شود. در مجموعه قوانین جزایی نروژ هم حبس ابد مجاز محسوب نشده است.^۱

همچنین در برخی کشورهای امریکای جنوبی مثل برزیل و کلمبیا نیز حبس ابد مخالف قانون اساسی است.

همه ی زندانیان هنگام مدیریت بر این گروه از زندانیان ملاحظات مربوط به میزان ایجاد خطر آن ها باید مدنظر قرار گیرد. شواهد محکوم به حبس طولانی مدت تصور ناخودآگاه که تمامی زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت خطرناک هستند حمایت نمی کنند. برای مثال زندانیان محکوم به حبس ابد عموماً بیش از سایر گروه های زندانیان مشکلات انضباطی ایجاد نمی کنند. برعکس سوابق انضباطی بهتری در مقایسه با زندانیان محکوم به حبس های کوتاه تر دارند. هیچ شاهدی وجود ندارد که نشان دهد احتمال خرابکار بودن یا تهدیدآمیز بودن این زندانیان علیه حسن اداره ی زندان تنها به دلیل طولانی بودن محکومیتشان بیشتر است. اغلب سن زندانیان ابد بیشتر از متوسط سنی جمعیت عمومی زندان است. آن ها غالباً بزهکاران بار اول هستند و هیچ گونه سابقه ی قبلی ارتکاب خشونت ندارند. به طور نوعی، بزه دیده ی آن ها کسی است که قبلاً او را می شناخته اند. از آن جا که تاریخ نهایی آزادی زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت تا حدی بستگی به نحوه ی رفتار آنان در زندان دارد، آن ها مایل اند هیچ گونه مشکلی ایجاد نکنند. بنا به همه ی این دلایل آن ها غالباً می توانند تأثیر آرام کننده ای بر سایر گروه های زندانیان مثل جوانان یا محکومان به حبس های کوتاه تر داشته باشند.

زندانان خطرناک، در عین حال درصدی از زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت یا ابد احتمالاً بسیار خطرناک هستند. بعضی از آن ها مرتکب جرایم وحشتناکی شده اند و چنانچه موفق به فرار شوند تهدیدی واقعی را متوجه امنیت عمومی خواهند کرد. مدیریت زندان باید اطمینان حاصل کند که چنین زندانیانی فرار نمی کنند یا برای امنیت کارکنان و سایر زندانیان تهدیدی محسوب نمی شوند. مدیریت بر این زندانیان به شیوه ای شایسته و انسانی و در عین حال تضمین امنیت سایر مردم یکی از چالش های عمده ی مدیریت حرفه ای بر زندان است. به این موضوع در فصل پنجم اشاره شده است.

زندانان شناخته شده به عنوان تروریست باید در زندان باشند یا مشروعیت اعمال قدرت از سوی مدیریت زندان را نمی پذیرند. مدیریت بر آن ها بسیار پیچیده است زیرا در حقیقت غالباً شخصیت های سیاسی و عمومی شناخته شده ای هستند و در عین حال نحوه ی رفتار با آن ها و نیز نوع واکنش آن ها به حبس علاقه مندی شدید رسانه های گروهی را برمی انگیزد که می تواند انعکاس شدیدی در جامعه ی مدنی داشته باشد. غالباً ضرورت های سیاسی باعث بسته شدن دست مدیریت زندان ها می شود. در عین حال نحوه ی پاسخ مدیریت زندان به فشارهای ناشی از لزوم مدیریت بر چنین زندانیانی به شکلی شایسته و انسانی می تواند آزمونی واقعی برای تخصصی بودن این مدیریت باشد.

1 D. van Zyl Smit, "Abolishing Life Imprisonment?" (2001) 3 Punishment and Society 299-306

مشکل عادت به زندانی بودن در هر حال مهم ترین مسائل مربوط به مدیریت بر زندانیان محکوم به حبس ابد و طولانی مدت از آسیب های احتمالی وارده به سلامت روانی زندانیان در اثر طولانی شدن مدت حبس یا نامشخص بودن زمان آزادی ناشی می شود. مدیران زندان می بایست به زندانیان کمک کنند تا محکومیت خود را به نحوی طرح ریزی کنند که احساس احترام به خود را حفظ کنند و از خطرات عادت به زندانی بودن اجتناب کنند.

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

کنوانسیون های بین المللی و اسناد حقوق بشری کمتر به طور مستقیم رفتار با زندانیان محکوم به حبس ابد یا طولانی مدت را مطرح کرده اند.

تدارک فرصت ها مهم ترین سند بین المللی ناظر بر زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت، توصیه های سازمان ملل متحد در خصوص حبس ابد است.² سازمان ملل متحد به دولت ها توصیه می کند فرصت ارتباط و تعامل اجتماعی و نیز فرصت کار همراه با دستمزد و فعالیت های آموزشی، مذهبی، فرهنگی، ورزشی و غیره را برای زندانیان محکوم به حبس ابد فراهم کنند. اگر چنین فرصت هایی برای زندانیان محکوم به حبس ابد فراهم شود باید به صورت همسان برای سایر زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت نیز قابل دسترس باشد. همینطور گزارش شورای اروپا در خصوص رفتار با زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت بیان می کند که فراهم ساختن فرصت انجام امور مفید برای چنین زندانیانی ضروری است و با آنان باید با عنایت به امکان آزادی و الحاق مجدد به جامعه ی بیرون زندان رفتار کرد.³

به کار بستن اسناد حقوقی بین المللی

تمامی تمهیدات پیش بینی شده در این کتاب در خصوص مدیریت مطلوب زندان باید به طور برابر در مورد زندانیان محکوم به حبس ابد یا سایر حبس های طولانی مدت نیز به اجرا در آید. به علاوه ملاحظاتی که در پی می آید، به طور خاص مرتبط با این گروه از زندانیان است.

برنامه ریزی اولیه همه ی زندانیان اشخاصی منحصر به فردند و مقامات زندان می بایست با آن ها این گونه رفتار کنند. یکی از راه های ایجاد این فرایند برای زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت، داشتن ارزیابی مقدماتی در آغاز طرح ریزی محکومیت هر زندانی است. به این موضوع در فصل پنجم این کتاب آموزشی اشاره شده است. در برخی کشورها زندانیان محکوم به حبس های طولانی مدت، ابتدا در واحدهای انطباق به سر می برند. هدف چنین واحدهایی تسهیل ورود این زندانیان به زندگی عادی زندان است که پس از چند ماه وارد آن خواهند شد.

ارزیابی میزان خطر در برخی نظام های قضایی ارزیابی مقدماتی منجر به یک روند مدیریت مجازات می شود که در آن از طریق ملاحظاتی عواملی مثل سابقه ی جنایی، پیشینه ی خانوادگی، مشاغل قبلی، مشکلاتی مثل مصرف الکل و مواد مخدر و همین طور گزارش های پلیس و بخش های متولی رفاه اجتماعی یا تعلیق مراقبتی، پرونده ای برای زندانی تشکیل می شود. براساس این پرونده یک طرح مجازات ترسیم می شود. این طرح شامل ارزیابی خطر ناشی از هر زندانی برای خود وی، سایر زندانیان و کارکنان و عموم جامعه است. ملاحظاتی مهم در فرایند ارزیابی خطر، حمایت از عموم است. باید دقت شود ارزیابی خطر، از آنچه حقایق پرونده حاکی از آن است نه بیشتر باشد و نه کمتر. طرح مجازات شامل برنامه ها و فعالیت های مختلفی است که زندانی احتمالاً در مدت محکومیت خود در آن ها شرکت می کند.

2 United Nations (1994), Life Imprisonment, United Nations, Vienna

3 Council of Europe (1977), Treatment of Long-Term Prisoners, Council of Europe, Strasbourg

کار، آموزش و سایر فعالیت‌ها هیچ دلیلی وجود ندارد که ترتیبات مشخص شده در فصل هفتم این کتاب آموزشی در زمینه‌ی کار، آموزش، و سایر فعالیت‌ها در مورد زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت و از جمله حبس ابد صادق نباشد. در حقیقت با توجه به طولانی بودن مدت حضور آن‌ها در زندان می‌توان چنین استدلال کرد که در صورت کمبود منابع برای استفاده از این فعالیت‌ها، زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت باید در مقایسه با سایر زندانیان در اولویت قرار گیرند. احتمال دور ماندن زندانیان محکوم به حبس ابد یا حبس طولانی مدت از خانواده شان و اجتماع بیشتر است و از این رو نیاز آنان به حمایت در زمینه‌ی بازپروری بیشتر است.

ناموجه بودن نگه‌داری در انزوا نگه‌داری این گروه از زندانیان در انزوا، خواه فردی و خواه گروهی، تنها به دلیل طولانی بودن مدت محکومیت‌شان هیچ گونه توجیه اجرایی ندارد. برعکس، روال مدیریت مطلوب این است که هم برای تأمین منافع خود این زندانیان و هم برای اداره‌ی بی‌دردسر زندان، زندانیان همواره مشغول نگه داشته شوند.

ارتباط با خانواده و جهان خارج چنانچه یک زندانی محکوم به حبس طولانی مدت بخواهد سلامت جسمانی و روانی خود را در زندان حفظ کند و احتمالاً سالم به جامعه باز گردد نیازمند حفظ و توسعه‌ی علقه‌ها و ارتباطات خانوادگی‌اش است. البته لزوم اجازه‌ی چنین ارتباطی توجیه مهم دیگری هم دارد. سایر اعضای خانواده، همسر، فرزندان و دیگران نیز استحقاق ارتباط با عضو زندانی خانواده‌ی خود را دارند. بنا به این دلایل ترتیبات پیش‌بینی شده در فصل هشتم در زمینه‌ی برقراری ارتباط‌های خانوادگی باید با تأکید خاصی در خصوص زندانیان محکوم به حبس‌های طولانی مدت به کار رود.

پیشرفت نظام مند یکی از ویژگی‌های مهم انواع متفاوت ارزیابی‌های مقدماتی و طرح ریزی مورد اشاره در صفحات قبل این است که می‌تواند جهت شناسایی تعداد اندکی از زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت که احتمالاً تهدیدی جدی برای امنیت و ایمنی هستند به کار رود. ارزیابی مقدماتی، مدیریت زندان را قادر می‌سازد این زندانیان را از اکثریت زندانیان محکوم به حبس طولانی مدتی که علیرغم ارتکاب جرایم مهم لزوماً در محیط زندان تهدیدآمیز نیستند جداسازند. در برخی کشورها گروه اخیر زندانیان با وجود محکومیت‌های نسبتاً طولانی مدت سریعاً به زندان‌هایی با شرایط امنیتی متوسط یا پائین انتقال می‌یابند.

ضرورت بازنگری‌های منظم متحد در خصوص حبس ابد توصیه می‌کند که برنامه‌های آموزشی و پرورشی باید تغییر در رفتار، روابط شخصی و انگیزش برای کار و آموزش زندانیان را مدنظر قرار دهند؛ تشخیص این امر مهم است که چه بسا بازنگری‌های منظم رده‌بندی امنیتی و نیز طرح محکومیت زندانیان طولانی مدت ضروری‌تر از موارد مربوط به زندانیان محکوم به حبس‌های کوتاه مدت باشد. اسناد حقوقی سازمان ملل متحد در خصوص حبس ابد توصیه می‌کند که برنامه‌های آموزشی و پرورشی باید تغییر در رفتار، روابط شخصی و انگیزش برای کار و آموزش زندانیان را مدنظر قرار دهند؛

انتقال به سطح امنیتی پائین‌تر مناسب است که بیشتر زندانیان محکوم به حبس طولانی مدت چند سال پیش از زمان مورد انتظار آزادی، به زندانی با شرایط امنیتی کمتر یا اردوگاه‌های نگه‌داری از زندانیان منتقل شوند. در آن‌جا زندانی می‌تواند به عنوان بخشی از آماده‌سازی نهایی جهت بازگشت به جامعه، هر چند وقت یک بار و گاه به مدت چندین روز زندان را ترک کند. این بخش آخر از محکومیت غالباً توسط یک هیئت آزادی مشروط یا سایر مقامات ناظر بر آزادی، مورد نظارت قرار می‌گیرد.

زندانیان سالمند

شمار فزاینده در برخی کشورها یکی از تبعات افزایش مدت محکومیت‌ها این است که مدیریت زندان‌ها ناگزیرند پاسخ‌گوی نیازهای تعداد فزاینده‌ی زندانیان سالمند باشند. در برخی نظام‌های قضایی گرایش‌ات اخیر در زمینه‌ی اجباری شدن مجازات‌های حبس ابد یا طولانی مدت منجر به افزایش قابل ملاحظه‌ی زندانیانی شده است که در زندان پیر می‌شوند.

این امر ممکن است مستلزم فراهم ساختن تسهیلات ویژه‌ی متنوعی برای مواجهه با مشکلات ناشی از ناتوانی‌های حرکتی یا از کار افتادگی قوای دماغی باشد.

مشکلات مدیریت زندان می‌بایست به مشکلات مختلف این گروه از زندانیان، خواه اجتماعی و خواه پزشکی، توجه خاصی مبذول کنند. تعداد فزاینده‌ی این دسته از زندانیان منجر به توسعه‌ی واحدهای ویژه‌ای برای زندانیان سالمند در انگلستان و برخی بخش‌های ایالات متحده آمریکا شده است. نیازهای این گروه از زندانیان در زمینه‌ی مراقب‌های بهداشتی نیز در فصل چهارم این کتاب آموزشی مطرح شده است.

از دست دادن احتمال از دست دادن ارتباط خانوادگی کسانی که محکومیت‌های طولانی مدت را می‌گذرانند یا کسانی که ارتباط خانوادگی سوابق متعدد ارتکاب جرم دارند بیشتر است. این امر مشکلات خاصی را برای زندانیان سالمند در پایان دوران محکومیت ایجاد می‌کند. بسیاری از آن‌ها ممکن است خانواده‌ای نداشته باشند که نزدشان بروند و برای کار کردن هم بسیار پیر باشند. مدیریت زندان می‌بایست به منظور حمایت از چنین زندانیانی جهت استقرار مجدد در جامعه با نهادهای بیرون از زندان به دقت همکاری کنند.

چارچوب

کاربرد کیفر مرگ در حال حاضر تقریباً دوسوم کشورهای جهان مجازات اعدام را لغو کرده‌اند و این نسبت سال به سال در حال افزایش است. برای مثال، کشورهای عضو شورای اروپا که گستره‌ای از لیسیون در اقیانوس اطلس تا ولادی وستوک در اقیانوس آرام را در بر می‌گیرند یا مجازات اعدام را فسخ کرده‌اند و یا در مهلت قانونی بررسی آن به سر می‌برند. میثاق‌های بین‌المللی و سایر اسناد بین‌المللی به شدت به دولت‌های عضو توصیه می‌کنند که در جهت الغای مجازات اعدام گام بردارند.

زندانیان منتظر اعدام در کشورهایی که هنوز مجازات اعدام برقرار است، معمولاً مقامات زندان مسئولیت نگه داری زندانیان منتظر اعدام را بر عهده دارند. در برخی موارد روند تجدید نظر خواهی بسیار طولانی است و ممکن است زندانی سال‌ها در انتظار اجرای مجازات به سر برد. در کشورهایی هم که در مهلت قانونی بررسی مجازات اعدام به سر می‌برند، ولی محکومیت‌های فعلی اعدام تغییر نیافته‌اند شاید این گونه باشد.

کارکنان و مراقبت از زندانیان مسئولیت مراقبت از زندانیانی که محکوم به اعدام شده‌اند یکی از وظایف سنگین مأموران مربوط است. مقامات زندان الزام خاصی برای رفتار شایسته و انسانی با این گونه زندانیان و نیز فراهم ساختن حمایت‌های مقتضی برای کارکنان درگیر این وظیفه‌ی شاق دارند.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

اسناد بین‌المللی در خصوص لزوم الغای کیفر مرگ روشن و واضح هستند.

دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

دولت‌های طرف این پروتکل، با اعتقاد به این که الغای مجازات اعدام به بهبود حیثیت انسانی و پیشرفت فزاینده‌ی حقوق بشر کمک می‌کند، ...

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۶:

حق زندگی از حقوق ذاتی هر انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد.

(۲) در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد جدی‌ترین جرایم طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جرم که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌های مربوط به پیش‌گیری و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست، مگر به موجب حکم قطعی صادر شده از دادگاه صالح.

(۵) حکم اعدام نباید در مورد جرایم ارتكابی توسط اشخاص کمتر از هجده سال صادر شود و در مورد زنان باردار نیز نباید اجرا شود.

(۶) هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف دولت‌های طرف این میثاق قابل استناد نیست.

تضمینات سازمان ملل متحد در حمایت از حقوق افراد مواجه با مجازات اعدام، ماده ی ۹:

در مواردی که مجازات اعدام صورت می‌گیرد، این اقدام باید به نحوی صورت گیرد که حداقل رنج ممکنه را وارد کند.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

شایستگی و انسانیت یکی از چالش‌های اصلی پیش روی مدیریت زندان در زمینه ی زندانیان منتظر اعدام لزوم ایجاد تفکیکی شفاف میان مدیریت بر تک تک زندانیان منتظر اعدام از یک سو و جایگاه قانونی و سیاسی مجازات اعدام در کشور مربوطه از سوی دیگر است. یکی از مهم ترین مسئولیت‌های کارکنان زندان رفتار شایسته و انسانی با همه ی زندانیان است قطع نظر از اتهام، جرم یا مجازات آن‌ها. زندانیان مواجه با مجازات اعدام نباید تنها به دلیل محکومیت‌شان به مرگ تحت محدودیت‌های غیر ضروری در زمینه ی جابه جایی در زندان یا برخوردهای شدیدتر قرار گیرند.

جداسازی زندانیان منتظر اعدام در کشورهایی که در آن‌ها هنوز مجازات اعدام وجود دارد هر گونه تجدید نظر خواهی از محکومیت اعدام اغلب مستلزم روندی طولانی است که در برخی موارد چندین سال طول می‌کشد. در بسیاری از نظام‌های زندان چنین زندانیانی جدا از تمامی زندانیان و در محوطه ی خاصی که غالباً از آن به عنوان ردیف مرگ یاد می‌شود نگه داری می‌شوند. در برخی کشورها این جداسازی شامل برخی شکل‌های محدود سازی در انزوا می‌شود. در سایر کشورها زندانیان در سلول‌های عمومی همراه با سایر زندانیان واجد شرایط قانونی مشابه نگه داری می‌شوند.

ناموجه بودن جداسازی خود به خودی از منظر مدیریت مطلوب زندان هیچ گونه توجیهی برای نگه داری روزمره ی چنین زندانیانی در شرایط انزوا و بدون دسترسی به هرگونه امکانات برای کار، آموزش، یا فعالیت‌های فرهنگی وجود ندارد. مجازات اعدام نباید کفزی مضاعف را از نظر شرایط نگه داری‌شان در بر داشته باشد و مدیریت زندان باید تمام توان خویش را به کار گیرد تا از اضطراب روانی رایج در میان ساکنان ردیف مرگ، که شاید از طولانی بودن روند تجدید نظر خواهی نشأت گرفته باشد، بکاهد. چنین زندانیانی باید بدون توجه به این حقیقت که منتظر اجرای حکم اعدام هستند به شیوه ای همانند سایر زندانیان ارزیابی شوند و شرایط مناسبی به آن‌ها تخصیص داده شود. همان گونه که در سایر شکل‌های ارزیابی نیز توجه به وضعیت شخصی و خطر ناشی از هر زندانی مهم است، ممکن است برخی از آن‌ها مستلزم شرایط خاص باشند ولی اکثریت‌شان به چنین شرایطی نیاز دارند.

در زندان ریچموند هیل گراناذا زندانیانی که منتظر اجرای حکم اعدام هستند می‌توانند آزادانه در واحدهای نگه داری سایر زندانیانی که در شرایط شدید امنیتی نگه داری می‌شوند رفت و آمد کنند.

برابری در رفتار زندانیان تحت محکومیت اعدام هیچ کدام از حقوق عموم زندانیان را از دست نمی‌دهند. تضمین این که سطح رفتار با آنان از لحاظ مسائلی مانند تغذیه، مراقبت‌های بهداشتی، سلامتی، فعالیت‌های بدنی و تعامل با سایر زندانیان پائین تر نباشد، اهمیت خاص دارد.

دسترسی کامل به وکیل مقامات زندان باید نسبت به ارتباط زندانیان منتظر اعدام با وکلایی که در رابطه با هر گونه تجدید نظر خواهی در خصوص محکومیت یا مجازات سروکار دارند، توجه خاصی مبذول کنند. آن‌ها همانند سایر زندانیان سزاوار تضمینات عادی ناظر بر دسترسی و حفظ محرمانه بودن ارتباط هستند.

ملاقات کنندگان فصل هشتم این کتاب آموزشی به شیوه‌ی رفتار کارکنان با ملاقات کنندگان زندانیان می‌پردازد. کارکنان زندان باید نسبت به بستگان و دوستانی که برای ملاقات زندانیان منتظر اعدام می‌آیند حساسیت خاصی نشان دهند.

کارکنان باید به کارکنانی که به صورت روزمره عهده‌دار مراقبت از زندانیان منتظر اعدام هستند باید برای این مسئولیت پردغدغه به دقت گزینش شوند. آن‌ها معمولاً باید با تجربه باشند و آموزش‌های خاص به ویژه در زمینه‌ی جنبه‌های عاطفی گزینش شوند کارشان دیده باشند و به صورت مستمر نیز توسط مدیریت حمایت شوند.

مواجهه با تبعات اجرای حکم اعدام هرگاه اعدام درون زندان صورت گیرد تأثیرات مهمی در سطوح مختلف بر جای می‌گذارد. این تأثیر با نزدیک شدن زمان اعدام محسوس است و هر اندازه که زمان اعدام نزدیک‌تر می‌شود رو به افزایش خواهد گذاشت و گاه تا مدتی پس از اجرای اعدام نیز ادامه خواهد داشت. مقامات زندان باید راهبردی برای مواجهه با تبعات آن برای تمامی اشخاص درگیر مسئله داشته باشند.

چارچوب

رفتار منصفانه با به طور سنتی مقامات زندان گرایش دارند به زندانیان به عنوان گروهی همسان نگاه کنند که در آن می توان با همه ی تمامی زندانیان آن ها برخوردی مشابه داشت. نتیجه عملی این نگرش این است که زندان ها به خاطر اکثریت، که معمولاً زندانیان مرد بزرگسال متعلق به یک گروه نژادی، فرهنگی و مذهبی در کشور است، سازماندهی شده اند. فصل دوازدهم این کتاب آموزشی به نیازهای خاص زندانیان نوجوان و جوان و فصل سیزدهم به زندانیان زن پرداخت.

پذیرش تنوع توجه خاصی نیز باید به سایر زندانیانی که بنا به یک یا چند دلیل جزء اکثریت زندانیان نیستند مبذول شود. این دلایل می تواند شامل نژاد، قومیت، خاستگاه اجتماعی، فرهنگ، مذهب، گرایش های جنسی، زبان یا ملیت باشد. قواعد و مقررات زندان می بایست الزامات متفاوتی را که امکان دارد زندانیان بنا به یک یا همه ی این دلایل داشته باشند مد نظر قرار دهند. نباید براساس هیچ کدام از دلایل فوق تبعیضی علیه هیچ کدام از زندانیان اعمال شود.

خطر تبعیض در بسیاری کشورها نگرانی های خاصی در مورد تبعیض علیه گروه های اقلیت نژادی وجود دارد. خطرات تبعیض در شرایط بسته ی زندان بسیار بیشتر می شود. سازمان های زندان ها، موظف اند اطمینان یابند که از رشد دسته جات تبعیض گر نسبت به اقلیت ها، هم در میان کارکنان و هم در میان زندانیان، جلوگیری شود. این ممکن است در مواقع افزایش تنش در جامعه بیرون زندان مستلزم هوشیاری مضاعفی باشد.

وظیفه مبارزه با تبعیض بسیاری از پیش داوری های موجود در جامعه علیه گروه های اقلیت در دنیای زندان نیز بازتاب می یابند. تعجب آور نیست چرا که زندان های موجود تا حد زیادی آئینه ی ارزش های جامعه اند. مقامات زندان موظف اند اطمینان یابند که هیچ گونه تبعیضی علیه گروه های اقلیت زندانیان یا کارکنان وجود نداشته باشد. این هم تبعیض نهادی موجود در ساختار سازمان و هم تبعیض های موردی افراد را شامل می شود.

آنچه اسناد بین المللی مقرر می کنند

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۲:

هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه ی حاضر ذکر شده بهره مند شود.

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ماده ی ۱۸:

هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود؛ این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است، چه در تنهایی و چه در اجتماع با سایرین و در ملاء عام و به طور خصوصی، تا مذهب یا باور خود را توسط تعلیم، اجرای مراسم، عبادت، و برگزاری مناسک آشکار کند.

در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند افراد متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از حق ارتباط با سایر افراد گروه خود، تمتع از فرهنگ خاص خود اعتقاد به دین خود و عمل بدان و تکلم به زبان خود، محروم کرد.

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل ۵:

دولت‌های عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در ماده‌ی ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتی که باشد ممنوع و ریشه کن کنند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین کنند:

(الف) حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجع مجری عدالت؛

(ب) حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه‌ی جسمی از ناحیه مأمورین دولت و یا هر فرد، دسته یا تشکیلات؛

مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، اصل (۱)۵:

این اصول باید در مورد کلیه‌ی ساکنان قلمرو دولت مورد نظر اعمال شوند، بدون هیچ گونه تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا باورهای مذهبی، عقاید سیاسی یا غیر سیاسی، ملیت، خاستگاه قومی یا اجتماعی، دارایی، ولادت و دیگر موقعیت‌ها.

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۳۸:

(۱) زندانیانی که تابعیت خارجی دارند باید از تسهیلات معقول برای ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور متبوع خود برخوردار باشند.

(۲) زندانیانی که کشور متبوعشان نمایندگان دیپلماتیک یا کنسولی در کشور مورد نظر ندارد و افراد پناهنده یا کسانی که فاقد تابعیت هستند باید از تسهیلات مشابهی برای ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک کشوری که حافظ منافع آن‌ها است یا هر مقام ملی یا بین‌المللی که از جمله وظایف او حمایت از چنین افرادی است، برخوردار باشند.

قواعد حداقل امتیاز استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده‌ی ۴۱:

(۳) حق دسترسی به نماینده‌ی صلاحیت دار هر مذهب نباید از هیچ زندانی سلب شود.

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

نظارت بر تبعیض راه‌های گوناگونی برای سنجش اعمال تبعیض وجود دارد، برای مثال در تخصیص مشاغلی که زندانیان آن‌ها را با ارزش محسوب می‌کنند. کارهایی چون کار در آشپزخانه یا در کتابخانه‌ی زندان، در صورت وجود کتابخانه. مدیریت زندان باید بررسی کند که گروه‌های اقلیت از حضور در این مشاغل با ارزش محروم یا حتی کنار گذاشته نشده باشند. دفعات اقدام انضباطی اتخاذ شده علیه زندانیان متعلق به گروه‌های مختلف نیز معیار مهمی است.

تقویت فقدان تبعیض یکی از راه‌های تقویت این که تبعیض مورد پذیرش نیست، الصاق چشم گیر اعلامیه‌هایی در خصوص سیاست ضد تبعیض بر در و دیوار زندان است.

کارکنان متعلق به یک شیوه‌ی مهم کاهش تبعیض استخدام کارکنان متعلق به گروه‌های اقلیتی مختلف برای کار در زندان و گروه‌های اقلیت برخورداری از امکان پیشرفت به سطوح عالی‌تر شغلی است. در فصل دوم این کتاب آموزشی به این موضوع اشاره شده است. تمامی کارکنان باید در خلال آموزش‌ها و نیز در حین خدمت در خصوص نحوه‌ی برخورد مثبت با زندانیان گروه‌های مختلف یاری شوند.

اتخاذ تدابیر مثبت برابری رفتار مستلزم تضمین بیشتر فقدان هر نوع تبعیض است. همچنین به معنای اتخاذ تدابیر مثبتی است تا از رفع نیازهای خاص گروه‌های اقلیت اطمینان حاصل شود. این می‌تواند شامل تهیه غذاهای خاص برای برخی زندانیان باشد، خواه بنا به دلایل مذهبی و خواه به دلایل فرهنگی. چنین ترتیبی می‌تواند موجب صرف هزینه‌های اضافی نباشد و تنها به مفهوم سازماندهی بهتر باشد.

گروه‌های اقلیت غالباً نیازهای مذهبی متفاوتی دارند. آن‌ها همواره باید بتوانند اصول مذهب خود را در زمینه‌ی مسائلی مثل عبادت فردی یا جمعی، الزامات بهداشتی، و پوشش رعایت کنند.

زندانیان خارجی در سال‌های اخیر یکی از نتایج افزایش سفر به خارج از کشور، افزایش تعداد زندانیان خارجی است. آن‌ها اغلب نیازهای خاصی دارند که باید برایشان فراهم شود. برخی از این نیازها در زمینه‌ی برقراری ارتباط با خانواده و جهان خارج در فصل هشتم این کتاب آموزشی مطرح شده است. ضرورت حصول اطمینان از این که تمامی زندانیان قادر به درک قواعد و مقررات زندان باشند در فصل سوم بیان شده است. مدیریت زندان باید زندانیان با ملیت خارجی را از هر گونه معاهده ناظر بر انتقال آن‌ها به کشور زادگاهشان آگاه سازد.

الحاق مجدد به در اجرای برنامه‌های الحاق به اجتماع، شناخت جامعه‌ی خاصی که زندانی به آن باز خواهد گشت، حائز اهمیت اجتماع است.

مشاوره‌های رسمی فصل هفتم این کتاب آموزشی به لزوم تشویق گروه‌هایی از جامعه مدنی محلی برای بازدید منظم از زندان‌ها اشاره کرده است. این گروه‌ها باید مشتمل بر نمایندگان از گروه‌های اقلیت جامعه باشند.

در برخی از سازمان‌های زندان‌ها مشاوره‌ی رسمی با نمایندگان گروه‌های اقلیت در خصوص تأثیرات احتمالی مقررات پیشنهادی یا انتخاب مشاورانی برای کمک به تنظیم سیاست‌های مناسب سودمند تشخیص داده شده است.

کانادا- قانون اصلاح و تربیت و آزادی مشروط (۱۹۹۲)

۸۲ (۱) سازمان زندان‌ها باید یک کمیته‌ی مشورتی ملی ساکنان بومی ایجاد کند و می‌تواند نسبت به کمیته‌های مشورتی منطقه‌ای و محلی ساکنان بومی نیز اقدام کند تا در خصوص تدارک خدمات اصلاحی تربیتی بزهکاران بومی مورد مشاوره قرار گیرند.

(۲) تمامی کمیته‌ها به منظور انجام عملکردشان بر اساس بند یک باید به صورت منظم با اجتماعات بومی و سایر اشخاص مقتضی صاحب نظر در خصوص مسائل بومیان مشورت کنند.

کاربرد زندان و جایگزین‌های حبس

چارچوب

گسترش توسل به زندان
نظام‌های زندان کنترلی بر تعداد افراد ارسال شده به زندان ندارند. با این حال آن‌ها ناگزیر به مواجهه با تبعات آن هستند. در بیست سال گذشته کاربرد حبس در سراسر جهان به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این افزایش به نظام‌های قضایی و یا نظام‌های سیاسی خاصی محدود نمی‌شود و در همه‌ی بخش‌های جهان رخ داده است. برای مثال در ایالات متحده آمریکا جمعیت زندانیان از کمتر از نیم میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ به بیش از دو میلیون نفر در حال حاضر رسیده است. در تایلند تعداد زندانیان از ۷۳/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۲ به ۲۵۷/۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۲ رسیده است. در اروپای غربی نیز در کشورهایی مثل هلند و انگلستان افزایش چشم‌گیری وجود داشته است. توسل به زندان تا حد زیادی از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. برای مثال روسیه و ایالات متحده آمریکا از هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت خود تقریباً ۷۰۰ نفر را زندانی کرده‌اند. برخی دیگر از کشورها در این زمینه نرخ بسیار کمتری دارند؛ هندوستان به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر تنها ۲۸ زندانی دارد و این نرخ در اندونزی ۲۹، ایسلند ۳۸، دانمارک، فنلاند و نروژ ۵۹ نفر است.^۱ در برخی کشورها، زندان تنها برای مرتکبان جرایم بسیار جدی به کار می‌رود. برخی دیگر از کشورها در خصوص گروه زیادی از مجرمان مرتکب جرایم خرد و از جمله مردان و زنان روان‌پریش، مصرف‌کنندگان مواد مخدر و حتی کودکان یا نوجوانان توسل به حبس شده‌اند.

شیوع ازدحام جمعیت زندان‌ها
اکثر سازمان‌های زندان‌ها قادر به اختصاص منابع مادی یا انسانی بیشتر مورد نیاز برای مواجهه با این تعداد فزاینده زندانی نبوده‌اند. نتیجه‌ی این امر شیوع و گسترش ازدحام جمعیت در زندان‌ها است. دولت‌ها خود را در برابر ایفای مسئولیت شان در مراقبت از محبوسان ناتوان می‌یابند و توانایی سازمان زندان‌ها برای تضمین حقوق پایه انسانی زندانیان، تلاش در جهت هدف اساسی بازپروری زندانیان و آماده‌سازی آنان برای الحاق مجدد به جامعه تقلیل می‌یابد.

مصلحت سازمان زندان‌ها
بنابراین سازمان زندان‌ها در این که چه تعداد افراد به زندان ارسال می‌شوند، مدت زندان آن‌ها چه قدر طول می‌کشد و این که آیا برای ایفای مسئولیت شان در برابر افراد فرستاده شده به زندان منابع کافی در اختیارشان قرار خواهد گرفت یا خیر، منافع مشروعی دارند. در این ارتباط آن‌ها در ابداع موازینی که چه از طریق آزادی زودتر از موعد و چه توسل به جایگزین‌های مجازات حبس در مرحله‌ی صدور حکم باعث کاهش تعداد زندانیان شوند ذینفع هستند.

نقش سازمان زندان‌ها
وظیفه‌ی اصلی سازمان‌های زندان‌ها اداره‌ی نظام زندانبانی است. با این حال نقش آن‌ها در تضمین عدم توسل بیش از حد به زندان‌ها و در دسترس بودن سایر اقدام‌های جایگزین قابل استفاده در خصوص زندانیان منتظر محاکمه و یا زندانیان در حال گذراندن محکومیت حبس می‌تواند مهم باشد. برای مثال آن‌ها می‌توانند توجه افکار عمومی و مجلس را به تبعات ازدحام جمعیت زندانیان و فقدان منابع برای نگه‌داری جمعیت عظیم زندانیان جلب کنند و در برخی نظام‌های قضایی مسئولیت زندان‌ها و نیز اجرای ضمانت اجرای‌های غیر حبس به یک نهاد واگذار شده است. در نیوزیلند، دانمارک، سوئد، فرانسه و بیشتر ایالت‌های استرالیا چنین است. در چنین مواردی عالی‌ترین مدیران اجرایی، مسئولیت اعمال حبس و مجازات‌های جایگزین حبس را بر عهده دارند و می‌توانند از دانش خود بر شرایط حبس جهت آگاه‌سازی و توسعه‌ی بخش مجازات‌های حبس بهره بگیرند.

^۱ World Prison Brief on ICPS website: <www.prisonstudies.org>

ترتیبات پس از خروج

آزادی پیش از مجازات‌های جایگزین‌های حبس اشکال متنوعی دارند. از آن‌ها می‌توان جای روند دادرسی، هنگام دادرسی و موعد زندانیان در مرحله‌ی مجازات یا پس از خروج استفاده کرد. مورد آخر برای مدیریت زندان اهمیت خاصی دارد. با توجه به این که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحت دارد بر این که هدف اساسی رفتار با زندانیان باید بازپروری اجتماعی آن‌ها باشد (ماده ۳-۱۰) فرآیند حبس باید به گونه‌ای طراحی شود که در کوتاه‌ترین مدت ممکن از ایام حبس، زندانی را به نقطه‌ی امنی جهت آزادسازی در اجتماع برساند. بخش اداری اجرایی زندان‌ها به ترتیبات پس از خروج مرتبط اند زیرا می‌توانند در این تمهیدات که اقداماتی غیر حبسی اند، نقش مهمی ایفا کنند.

پذیرش آزادی پیش بهره‌گیری از مجازات‌های غیربازداشتی با مبنای اجتماعی برای جایگزینی بخش نهایی مجازات حبس نه تنها از موعد زندانیان مستلزم آمادگی پذیرش عمومی است بلکه مشارکت فعال نهادهای اجتماعی را طلب می‌کند. این امر نیز مستلزم از سوی عموم ایجاد پیوندهایی کارآمد میان آن‌ها و مقامات زندان است.

آنچه اسناد بین‌المللی مقرر می‌کنند

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای موازین غیر بازداشتی (قواعد توکیو)، قاعده‌ی ۲:

- ۲ (۱) مقررات مطرح در قواعد حاضر را می‌توان برای کلیه‌ی افراد تحت تعقیب، محاکمه و نیز افرادی که در حال گذراندن محکومیت خود هستند و در تمامی مراحل مدیریت اجرایی عدالت جزایی به کار برد.
- (۳) به منظور ایجاد قابلیت انعطاف بیشتر در برابر ماهیت و شدت جرم، و نیز شخصیت و سوابق مجرم و حمایت جامعه و احترام از توسل بی‌مورد و غیر ضروری به زندان، نظام دادرسی کیفری بایستی حوزه‌ی وسیعی از موازین غیر بازداشتی از پیش از محاکمه تا پس از محکومیت را شامل شود. انواع و اشکال موازین غیر بازداشتی قابل دسترس باید با انواع محکومیت‌های رایج تناسب داشته باشند.

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای اقدامات غیر بازداشتی (قواعد توکیو)، قاعده‌ی ۹:

- ۹ (۱) مقام ذیصلاح باید حوزه‌ی گسترده‌ای از راه‌های جایگزین دیگر در مرحله‌ی پس از محکومیت داشته باشد تا از توسل به روش‌های تشکیلاتی و سازمان یافته (مثل زندان) اجتناب کند و به تسهیل الحاق مجرم در اولین فرصت به جامعه، کمک کند.
- (۲) تعیین تکلیف در مراحل پس از محکومیت می‌تواند شامل ترتیبات زیر باشد: (الف) مرخصی یا اعزام به مراکز انتقالی؛ (ب) آزادی برای کار یا آموزش؛ (ج) انواع آزادی مشروط؛ (د) عفو.
- (۳) تصمیم‌گیری درباره‌ی تعیین تکلیف درباره‌ی پس از محکومیت، به جز در مورد عفو، باید بنا به درخواست مجرم قابل تجدید نظر در مراجع قضایی یا منابع مستقل دیگر باشد.
- (۴) هر نوع آزادی از یک نهاد و قرار گرفتن در برنامه‌های غیر بازداشتی باید در اولین مرحله‌ی ممکن مورد توجه قرار گیرد.

مجازات‌های غیر حبسی

هدف این کتاب آموزشی بیان مسائلی حقوق بشری است که به طور خاص ناظر بر مدیریت زندان هستند. مجازات‌هایی که شامل حبس نباشند در حیطه‌ی مسئولیت سازمان‌های اداری اجرایی زندان نیستند. با این حال مقامات زندان در چنین مجازات‌هایی ذینفع هستند زیرا کاربرد آن‌ها می‌تواند بر تعداد افراد در زندان‌ها اثر مستقیم داشته باشد. هنگامی که به بزه‌کاران کمتر خطرناک مجازات غیر حبسی داده شود، سازمان اداری اجرایی زندان با فراغ بال بیشتری می‌تواند به رفتار مؤثرتر با کسانی پردازد که حبس تنها گزینه برای آن‌ها است.

- ۱ محرومیت از آزادی باید به عنوان آخرین ضمانت اجرا یا اقدام نگریسته شود و بنابراین تنها باید در مواردی پیش‌بینی شود که وخامت بزه هرگونه ضمانت اجرا یا اقدام دیگر را ناکافی سازد.
 - ۲ گسترش نهاد زندان باید بیشتر یک اقدام استثنائی باشد زیرا به طور کلی بعید است بتواند راه حل دائم مشکل ازدحام جمعیت زندانیان باشد. امکان دارد کشورهایی ظرفیت کل زندان‌هایشان کافی باشد، اما با نیازهای محلی کاملاً منطبق نشده باشد این کشورها می‌بایست در جهت نیل به توزیع منطقی‌تر زندان‌ها تلاش کنند.
- توصیه‌ی شماره 22 (99) R کمیته‌ی وزیران شورای اروپا به دولت‌های عضو در خصوص ازدحام جمعیت در زندان‌ها و تورم جمعیت زندان‌ها (مصوب ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۹ کمیته‌ی وزیران)

به کار بستن اسناد حقوقی بین‌المللی

در نظام‌های قضایی‌ای که هنوز روش توسعه یافته‌ی جایگزین‌ها وجود ندارد سازمان زندان‌ها جایگاه مناسبی برای سهم شدن در بحث‌ها

در هرگونه بحث مربوط به تدوین قوانین جدید در مورد مجازات‌های جایگزین مقامات زندان می‌توانند این موارد را ارائه کنند:

- آگاهی در خصوص کارآمد بودن نظام کیفری موجود؛
- اطلاعات مربوط به طیف گوناگونی از محکومانی که نظام زندان با آن‌ها سروکار دارد؛
- ارزیابی احتمال تبعیت محکومان از الزامات کیفرهای غیرحبس؛
- نظرات تخصصی در خصوص نظارت بر بزه‌کاران.

وزارت زندان‌ها و خدمات اصلاحی تربیتی نامیبیا در بیانیه‌ی خود برای هزاره‌ی جدید اعلام کرده است که:

نظام‌های دادرسی کیفری در سراسر جهان به دنبال جایگزین‌های قابل قبولی برای حبس هستند. گسترش ضمانت اجرای غیر بازداشتی به عنوان راهی برای مواجهه با مشکل فزاینده‌ی ازدحام جمعیت در زندان‌ها، مورد حمایت است. جدا از کاهش تراکم زندان‌ها، این راهی برای اجتناب از اعزام محکوم به حبس‌های کوتاه مدت به زندان است. در حال حاضر می‌توان تشخیص داد که نگرانی از انبوه بزه‌کاران مرتکب جرایم خرد در زندان‌ها منجر به تراکم جمعیت آن‌ها شده است. نگرانی از چنین اشخاصی در زندان‌ها بسیار پرهزینه است، در حالی که استفاده از آن‌ها در خدمات عام المنفعه می‌تواند مفیدتر باشد. این خدمات چنانچه به خوبی و به نحو مناسبی اجرا شوند می‌توانند باعث رواج این موارد در زندان‌ها شوند:

■ کاهش ازدحام جمعیت زندانیان، کاهش بودجه‌ی زندان‌ها، ارتقا و استحکام بازپروری و تطبیق مجدد بزه‌کاران با اجتماع.

با این حال اجرای چنین طرح‌هایی مستلزم نظارت دقیق کارکنان بخش غیر زندان است و هزینه‌های بیشتری برای کارکنان و مدیریت برمی‌دارد.^۲

در قزاقستان یک گروه کاری مجلس سنا به تحقیق در خصوص کیفر در این کشور پرداخت، از کشورهای خارجی بازدید کرد تا در عمل جایگزین‌های زندان را مشاهده کند و سپس پیشنهادهایی برای تغییر مطرح کرد که سازمان زندان‌های قزاقستان حامی شکل‌گیری این کمیته بود و با آن همکاری وسیعی داشت.

مکانی به منزله سازمان زندان‌ها مسئولیت دارد قانونگذاران، دستگاه قضایی و افکار عمومی را آگاه کند که از زندان باید به عنوان آخرین دستاویز آخرین دستاویز و در مواردی که هیچ راه حل دیگری وجود نداشته باشد استفاده کرد. در کلیه‌ی موارد دیگر باید امکان توسل به جایگزین‌های حبس فراهم باشد.

2 Office of the President of the Republic of Namibia, A Decade of peace, Democracy and Prosperity 1990-2000

قوانین بین المللی حقوق بشر

فهرست اسناد
حقوق بشر مربوط
به موضوع کتاب

- ❖ اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ❖ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ❖ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ممنوعیت شکنجه

- ❖ کنوانسیون علیه شکنجه و رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز

پیشگیری از تبعیض

- ❖ کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی
- ❖ اعلامیه محو هر نوع ناسنجیایی و تبعیض بر اساس مذهب و اعتقاد حقوق اقلیتهای ملی، قومی، مذهبی و زبانی

حقوق زنان

- ❖ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
- ❖ اعلامیه ی سازمان ملل متحد در خصوص حذف خشونت علیه زنان

حقوق کودکان

- ❖ کنوانسیون حقوق کودک

مدیریت و اجرای عدالت

- ❖ قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانی
- ❖ اصول پایه برای رفتار با زندانیان
- ❖ مجموعه اصول حمایت از کلیه اشخاصی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند
- ❖ قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان محروم از آزادی
- ❖ کنوانسیون منع شکنجه و رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز
- ❖ اصول سلوک کار پزشکی مربوط به نقش کارکنان بهداشتی به ویژه پزشکان در حمایت از زندانیان و افراد بازداشتی در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز
- ❖ تضمینات حمایت از حقوق افراد مواجه با مجازات اعدام
- ❖ اصول رفتار برای مأموران اجرای قانون

- ❖ اصول پایه برای توسل به زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون
- ❖ اصول اساسی نقش وکلا
- ❖ اصول راهنما برای دادستانها
- ❖ قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای اقدامات غیر بازداشتی (قواعد توکیو)
- ❖ رهنمودهای سازمان ملل در پیشگیری از بزه کاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)
- ❖ قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن)
- ❖ اعلامیه اصول اساسی دادرسی برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت
- ❖ اصول اساسی درباره استقلال دستگاه قضایی
- ❖ نمونه قرارداد مربوط به انتقال تعقیب کیفری
- ❖ نمونه قرارداد مربوط به انتقال مراقبت بزه کاران برخوردار از تعلیق حکم و آزادی مشروط
- ❖ اعلامیه حمایت از کلیه ی افراد در برابر ناپدید شدن تحت اجبار
- ❖ اصول پیشگیری و تحقیق مؤثر در مورد اعدامهای فراقانونی، خودسرانه و شتابزده

اسناد منطقه‌ای حقوق بشر

- ❖ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها
- ❖ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر و وظایف انسان
- ❖ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر
- ❖ کنوانسیون آمریکایی پیشگیری از شکنجه و مجازات آن
- ❖ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
- ❖ کنوانسیون اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتارها یا مجازاتهای غیر انسانی یا تحقیرآمیز
- ❖ قواعد اروپایی زندان

مجازات‌های جایگزین حبس

- خدمات عام‌المنفعه به منزله جایگزینی بر مجازات حبس، سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (پی آر آی)؛
- خدمات عام‌المنفعه: برنامه عملی (تجربه زیبابوه)، پی آر آی؛
- خدمات عام‌المنفعه: مجازاتی جایگزین (تجربه فرانسه) وزارت دادگستری فرانسه؛
- درباره مجازات‌های جایگزین حبس (مجموعه مقاله) پی آر آی؛
- روشهای جایگزین مجازات حبس در اروپا، نشست دیژن (فرانسه)، گروه ملی دانشجویی آموزش به زندانیان؛
- مجموعه سخنرانیهای همایش جایگزینهای مجازات حبس، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۰، با مشارکت سازمان زندانیهای کشور و
- دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری و مرکز توسعه قضایی؛
- مجموعه سخنرانیهای کارگاه جایگزینهای مجازات حبس، تهران، دی ۱۳۸۱، با مشارکت دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری؛

حقوق زندانیان

- روشهای عملی در زندان (شرحی بر قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد در رفتار با زندانیان، پی آر آی) با مشارکت سازمان زندانیهای کشور؛
- حقوق بشر و زندانها (راهنمای آموزشی)، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد؛
- مدیریت زندانها در دوران گذار: آندره کوئل، مرکز بین‌المللی مطالعات زندان (آی سی پی اس)؛
- برخورد حقوق بشری به زندانها: آندره کوئل، مرکز بین‌المللی مطالعات زندان (آی سی پی اس)، ترجمه و چاپ به زبان فارسی: سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (پی آر آی) با همکاری انجمن دفاع از حقوق زندانیان؛
- نظارت بر مکانهای حبس: راهنمای عملی برای سازمانهای غیردولتی، انجمن منع شکنجه (APT)، دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر (ODIHR)، ترجمه و چاپ به زبان فارسی: سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (پی آر آی) با همکاری انجمن دفاع از حقوق زندانیان؛
- حقوق بشر و زندانیان آسیب‌پذیر، (راهنمای آموزشی برای کارکنان زندان) پی آر آی؛

دادرسی ویژه نوجوانان

- برنامه سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (پی آر آی) در باب دادرسی ویژه نوجوانان (ده نکته) [بروشور]؛
- کودکان محروم از آزادی: حقوق و واقعیتها، گرت کپلاره، آن گرانژان، با همکاری انجمن حمایت از حقوق کودکان؛
- رهنمودهایی برای اجرای عدالت در حق کودکان قربانی و شاهد جرم، دفتر بین‌المللی دفاع از حقوق کودکان (کانادا). با همکاری انجمن حمایت از حقوق کودکان؛
- راهنمای سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان، سازمان ملل متحد؛
- حقوق بشر، دادرسی ویژه اطفال و کودکان معارض قانون، گرت کپلاره، اوژن ورهلم، مرکز حقوق کودکان دانشگاه چنت؛
- الگوری برای قانون دادرسی ویژه اطفال، بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد دفتر سازمان ملل متحد در وین؛
- قواعد سازمان ملل درباره‌ی حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، جرالدين وانبرن، دفاع بین‌المللی از کودکان (DCI)؛

بازداشت پیش از محاکمه

- حقوق بشر و بازداشت پیش از محاکمه، راهنمای آموزشی درباره‌ی استانداردهای بین‌المللی ناظر بر بازداشت پیش از محاکمه، مرکز حقوق بشر و شاخه‌ی پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد؛
- بازداشت پیش از محاکمه: اصلاحات و راه حل‌ها: روش بهینه در کاهش دوران بازداشت و بهبود شرایط حبس، کلینیک حقوق بشر دانشکده‌ی حقوق دانشگاه ایلی نویز؛

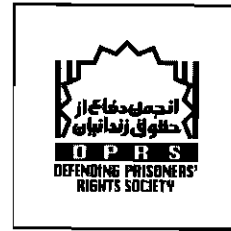
مترقبه

- چگونه شکنجه را گزارش دهیم، کامیل جیفارد، مرکز حقوق بشر دانشگاه اسکس انگلستان (۱۹۹۹)، ترجمه و چاپ به زبان فارسی: سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (پی آر آی) با همکاری سازمان دفاع از قربانیان خشونت (ODVV)؛
- همکاری برای ایجاد جامعه‌ای امن، (برنامه ملی پیشگیری از جرم، شورای ملی پیشگیری از جرم، وزارت دادگستری - فنلاند)؛
- برخوردی جدید در قرن جدید، (توصیه‌های کنفرانس مشترک پی آر آی و آی سی پی اس در مورد اصلاحات جزائی و زندان) [بروشور]؛
- مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر سازمان ملل متحد، با مشارکت کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی، دانشگاه شهید بهشتی؛
- بیماری ایدز اچ. آی. وی. در سیستم‌های زندان: یک استراتژی فراگیر؛
- معرفی سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (پی آر آی) [بروشور].

- ❖ *Tehran PRI Workshop on Alternatives to Imprisonment*, in January 2003, published in Persian in collaboration with the Faculty of Judicial Sciences & Administrative Affairs of Iran;
- ❖ *Monitoring Places of Detention: A Practical Guide for NGOs*, Association pour la Prévention de la Torture (APT) & Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), published in Persian in collaboration with "Defending Prisoners' Rights Society";
- ❖ *Human Rights and Vulnerable Prisoners*, Penal Reform International (PRI), Training Manual;
- ❖ *Guidelines on Justice for Child Victims and Witness of Crime*, International Bureau for Children's Rights, Canada, published in Persian in collaboration with the Society for the Protection of the Rights of the Child;
- ❖ *HIV/AIDS in Prison Systems: A comprehensive Strategy*, Prisoners with HIV/AIDS Support Action Network (PASAN), Canada;
- ❖ *Human Rights, Juvenile Justice and Children in Conflict With the Law*, An introductory Study for United Nations Strategic Needs Assessment Program, Geert Cappelaere, Eugeen Verhellen, Children Rights Centre, University of Gent;
- ❖ *Working Together for a Safe Society*, The National Crime Prevention Program (1999), National Council for Crime Prevention, Ministry of Justice of Finland;
- ❖ *Pre-trial Detention Reform and Solution*, International Best Practices to Reduce the Length of Pre-trial Detention and Improve Conditions of Confinement, Human Rights Clinic, College of Law, University of Illinois;
- ❖ *Le Travail d'Intérêt Général a dix ans, le résultat en vaut la peine*, Ministry of Justice of France;
- ❖ *United Nations Manual on Juvenile Justice*, Crime Prevention and Criminal Justice Division, United Nations Office at Vienna;
- ❖ *Modèle de Loi sur la Justice des Mineurs* (Model of Law on Juvenile Justice), United Nations Manual, Crime Prevention and Criminal Justice Division, United Nations at Vienna;
- ❖ *The Torture Reporting Handbook*, Camille Giffard, Human Rights Centre, University of Essex, United Kingdom, published in Persian in collaboration with "Organization for Defending Victims of Violence (ODVV)";
- ❖ *United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty*, Geraldine Van Bueren, Defence for Children International (DCI).

P.R.I. Publications in Persian

- ❖ PRI General Leaflet;
- ❖ The brochure *A New Approach for a New Century* (Conference on Penal and Prison Reform);
- ❖ The brochure *Community Service as an Alternative to Custody*;
- ❖ PRI *Action Plan for Juvenile Justice* (10 Points);
- ❖ The manual *Community Service in Practice*;
- ❖ *Alternatives to Imprisonment* (compilation of five articles from PRI pack on Alternatives to Imprisonment), Vivien Stern;
- ❖ *Making Standards Work* (PRI Manual on UN Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners), published in Persian in collaboration with the Prison Service of Iran;
- ❖ *Human Rights and Prisons*, A Manual on Human Rights Training for Prison Officials, United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights (UNOHCHR);
- ❖ *United Nations Compendium of International Instruments on Human Rights and the Administration of Justice*, published in Persian in collaboration with the Chair for Human Rights, Peace & Democracy of Shahid Beheshti University of Tehran;
- ❖ *Les alternatives à l'incarcération en Europe*, a brochure on Alternatives to Imprisonment in Europe, Assises de Dijon de 1998, Groupe de Strasbourg, Groupement Etudiant National d'Enseignement aux Personnes Incarcérées (Genepi);
- ❖ *Tehran PRI Seminar on Alternatives to Imprisonment* in May 2002, published in Persian in collaboration with the Prison Service of Iran, the Faculty of Judicial Sciences & Administrative Affairs of Iran, and the Centre for the Judicial Development of the Judiciary;
- ❖ *Managing Prisons in a Time of Change*, Andrew Coyle, International Centre for Prison Studies (ICPS);
- ❖ *Human Rights and Pre-trial Detention*, A Handbook of International Standards relating to Pre-trial Detention, Centre for Human Rights & Crime Prevention and Criminal Justice Branch, United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights (UNOHCHR);
- ❖ *A Human Rights Approach to Prison Management*, (Handbook for Prison Staff), Andrew Coyle, International Centre for Prison Studies (ICPS), published in Persian in collaboration with "Defending Prisoners' Rights Society";
- ❖ *Enfants privés de liberté: droits et réalités* (Children Deprived of Liberty: Rights and Realities). Deuxième partie : le cadre normatif international, Geert Cappelaere, Anne Grandjean, Ed. Jeunesse et Droit, published in Persian in collaboration with the Society for the Protection of the Rights of the Child;



Direction for the Publication in Persian: **Azadeh Niknam**

Translated and Published in Persian by:

**Penal Reform International (PRI) in collaboration
with Defending Prisoners' Rights Society**

PRI

London office

Unit 450, The Bon Marche Centre
241-251 Ferndale Road
Brixton, London SW9 8BJ, UK
Tel.: +44 207 924 95 75
Fax: +44 207 924 96 97
Email: headofsecretariat@penalreform.org

DPRS

4th Floor
15, Ketabi Crossroad
North Gheitariyeh Ave.
Tehran-Iran
Website: www.adrpi.org

PRI

Paris office

40, rue du Château d'Eau
75010 Paris, France
Tel.: +33 1 48 03 90 01
Fax: +33 1 48 03 90 20
Email: priparis@penalreform.org

Website: www.penalreform.org

A Human Rights Approach to Prison Management

Handbook for prison staff

Andrew Coyle

Published by

**International Centre
for Prison Studies (ICPS)**

3rd Floor
26-29 Drury Lane
London WC2B 5RL
United Kingdom

Tel.: +44 (0) 20 7848 1922
Fax: +44 (0) 20 7848 1901
Website: www.prisonstudies.org

© Andrew Coyle 2002

The moral right of the author
has been asserted.

KING'S
College
LONDON

International Centre
for Prison Studies

ISBN 0-9535221-5-6

A Human Rights Approach to Prison Management Handbook for prison staff

Andrew Coyle

International Centre for Prison Studies

کتاب حاضر بر اهمیت اداره زندان‌ها در بستری اخلاقی تأکید می‌کند که متضمن احترام به شأن انسانی زندانی، کارکنان زندان و حلاقات کنندگان است. این دستور اخلاقی باید جهانشمول باشد و این جهانشمولی با اسناد بین‌المللی حقوق بشر تأمین می‌شود.

در عین حال توجیه عمل گرایانه‌ای برای تأیید این رویکرد به مدیریت زندان‌ها نیز وجود دارد که کارآیی این رویکرد است.

این روش مدیریت کارآمدترین و مطمئن‌ترین روش اداره زندان‌ها است. آنچه در این رویکرد مورد تأیید قرار می‌گیرد آن است که عقابیم حقوق بشری در این زمینه موضوعی مجزا از برنامه آموزشی نیست بلکه جزء لاینفک مدیریت بهینه زندان محسوب می‌شود.